



# پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه

دوفصلنامه گروه زبان فرانسه

سال هفتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

- نقد ترجمه‌های معاصر آثار ژول ورن با تکیه بر تحلیل توزیعی آراء هریس  
فرناز ساسانی، صدیقه شرکت مقدم، سپیده نواب زاده شفیعی، محمد حسین فتحیان
- تحلیل تطبیقی جستجوی هویت در «ترس و لرز» و «از شیطان آموخت و سوزاند» بر اساس نظریه‌الاین شوالتر  
طاہره جعفری حصارلو، سیدحیدر جعفری حصارلو، حمیدرضا سائیلی
- بررسی و تحلیل شکل‌گیری حافظه در داستان مردی که خواب است نوشته ژرژ پرک از منظر آراء هائری برگسون  
وحید نژاد محمد
- شناسایی دلالت‌های بوم‌شناسی توجه برای طراحی محیط‌های یادگیری مجازی  
حسن زختاره
- نقد خوانش بینامتنی مکتوبات کمال الدوله آخوندزاده و نامه‌های ایرانی مونتسکیو  
اکبر شایان سرشت، زهرا خسروی زارگر، ابراهیم محمدی، عباس واعظ زاده
- بررسی توصیفی نگرش مترجمان ایرانی به جنبه‌های مختلف رضایت شغلی  
فاطمه بدیع الزمان، مسعود خوش سلیقه، عباس فیروزآبادی



## نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه

صاحب امتیاز: دانشگاه فردوسی مشهد

مدیر مسئول: دکتر محمدرضا فارسیان

سرمدیر: دکتر محمدرضا فارسیان

اعضای هیئت تحریریه:

دکتر محمد رحیم احمدی (دانشیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه الزهرا)  
دکتر الله شکر اسدالهی تحرق (استاد زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز)  
دکتر ناهید جلیلی‌مرند (دانشیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه الزهرا)  
دکتر محمدحسین جواری (استاد زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز)  
دکتر مسعود خوش سلیقه (استاد زبان انگلیسی دانشگاه فردوسی مشهد)  
دکتر سید مهدی زرقانی (استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد)  
دکتر مهران زنده‌بودی (دانشیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد)  
دکتر حمیدرضا شعیری (استاد زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تربیت مدرس)  
دکتر فریده علوی (دانشیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تهران)  
دکتر محمدرضا فارسیان (استاد زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد)  
دکتر محمودرضا گشمردی (دانشیار آموزش زبان فرانسه دانشگاه تربیت مدرس تهران)  
دکتر هما لسان‌پزشکی (استاد زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه اکس آن پروانس فرانسه)  
دکتر فاطمه میرزاابراهیم‌تهرانی (دانشیار زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه علامه طباطبائی)  
دکتر محمدنادر نصیری‌مقدم (استاد زبان و ادبیات فارسی و مطالعات ایرانی دانشگاه استراسبورگ فرانسه)  
دکتر زولی دووینو (دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اینالکو فرانسه)

بر اساس آئین نامه کمیسیون نشریات وزارت علوم تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۹۸، کلیه نشریات دارای درجه "علمی-پژوهشی" به نشریه علمی "تغییر نام یافتند.

ویراستار انگلیسی و فرانسه: فاطمه قاسمی آریان

دستیاران سردیر: زهرا سعادت نژاد، فاطمه قاسمی آریان

طراح جلد: امیر اسفندیار عامل محرابی

ویراستار فارسی: الهام نیکویخت

کارشناس مجله: زهرا بنی اسد

حروفنگاری و صفحه‌آرایی: فاطمه قاسمی آریان

نشانی: مشهد، میدان آزادی، دانشگاه فردوسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، کد پستی ۹۱۷۷۹۴۸۸۸۳ تلفن: ۰۵۱-۳۸۸۰۶۷۲۵

پست الکترونیکی: [rltf@um.ac.ir](mailto:rltf@um.ac.ir)

نشانی اینترنتی: <https://rltf.um.ac.ir/>

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## نشریه علمی

# پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه

این نشریه براساس مجوز شماره ۳/۱۸/۲۶۳۳۸۷ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۹ وزارت علوم و تحقیقات و فناوری منتشر می‌شود.

دوره هفتم، شماره دوم (پیاپی ۱۳) پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
(تاریخ انتشار این شماره: تابستان ۱۴۰۴)

### راهنمای شرایط مجله برای پذیرش و چاپ مقاله

- ۱- مجله فقط مقاله‌هایی را می‌پذیرد که به زبان فارسی و در زمینه پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه باشد.
- ۲- مقاله به ترتیب شامل چکیده (۵ تا ۸ سطر، بر اساس معیارهای صحیح چکیده‌نویسی)، کلیدواژه‌ها (حداکثر ۵ واژه)، مقدمه (سؤال تحقیق، فرضیه‌ها، اهداف)، بحث و بررسی (که الزاماً عنوان آن «بحث و بررسی» نیست) و نتیجه‌گیری باشد. مجله از پذیرش مقاله‌های بلند (بیش از ۷۰۰۰ کلمه) معذور است.
- ۳- مشخصات نویسنده یا نویسندگان (نام و نام‌خانوادگی، مرتبه علمی، نام مؤسسه متبوع، نشانی، تلفن و دورنگار) در صفحه جداگانه بیاید.
- ۴- مقاله‌های ارسالی تنها به صورت تایپ‌شده با قلم لوتوس ۱۳ در برنامه word مطابق با معیارهای مندرج در این راهنما و منحصر از طریق صفحه خانگی (وبگاه) پذیرفته می‌شود.
- ۵- ارسال چکیده انگلیسی و فرانسه (۵ تا ۸ سطر) در صفحه‌ای جداگانه، شامل عنوان مقاله، نام نویسنده/ نویسندگان و مؤسسه/ مؤسسات متبوع الزامی است.
- ۶- منابع مورد استفاده در پایان مقاله و بر اساس ترتیب الفبایی نام‌خانوادگی نویسنده به شرح زیر آورده شود:
  - کتاب: نام‌خانوادگی، نام (نویسنده). (تاریخ انتشار). نام کتاب (ایتالیک). نام مترجم. محل نشر: نام ناشر.
  - مقاله از مجله: نام‌خانوادگی، نام (نویسنده). (تاریخ انتشار). «عنوان مقاله» (داخل گیومه). نام نشریه (ایتالیک). دوره / سال. شماره. شماره صفحات مقاله.
  - مقاله از مجموعه: نام‌خانوادگی، نام (نویسنده). (تاریخ انتشار). «عنوان مقاله» (داخل گیومه). نام ویراستار یا گردآورنده. نام مجموعه مقالات (ایتالیک). محل نشر: نام ناشر. شماره صفحات مقاله.
  - سایت‌های اینترنتی: نام‌خانوادگی، نام (نویسنده). آخرین تاریخ و زمان تجدید نظر در سایت اینترنتی. «عنوان موضوع» (داخل گیومه). نام و نشانی سایت/ اینترنتی (ایتالیک).
- ۷- ارجاعات در متن مقاله داخل پرانتز (نام خانوادگی مولف، سال انتشار: شماره صفحه مورد نظر) نوشته شود. در مورد منابع لاتین نیز همانند منابع فارسی عمل شود.
- ۸- نقل قول‌های مستقیم بیش از ۵ سطر به صورت جدا از متن با تورفتگی (نیم سانتی‌متر) از دو طرف درج شود.
- ۹- معادل لاتین کلمات در پایین صفحه بیاید و توضیحات جانبی به یادداشت‌های پایان مقاله منتقل شود.
- ۱۰- مقاله باید بر اساس شیوه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی نوشته شود. در صورت لزوم، مجله در ویراستاری زبانی مقاله بدون تغییر محتوای آن آزاد است.
- ۱۱- نویسندگان محترم باید مقاله‌های خود را از طریق سامانه مجله پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه به نشانی ذیل ارسال کنند:  
<https://rltf.um.ac.ir/>
- ۱۲- تمام اطلاعات مربوط به مقاله، پس از دریافت، از طریق صفحه خانگی (وبگاه) به اطلاع نویسندگان محترم خواهد رسید.

## فهرست مقالات

|         |                                                                        |                                                                                                    |
|---------|------------------------------------------------------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱-۲۸    | فرناز ساسانی، صدیقه شرکت مقدم،<br>سپیده نواب زاده، محمدحسین فتحیان     | نقد ترجمه‌های معاصر آثار ژول ورن با تکیه بر تحلیل<br>توزیعی آراء هریس                              |
| ۲۹-۵۷   | طاهره جعفری حصارلو، سید حیدر<br>جعفری حصارلو، حمیدرضا سائیلی           | تحلیل تطبیقی جستجوی هویت در «ترس و لرز» و «از<br>شیطان آموخت و سوزاند» براساس نظریه‌الاین شوالتر   |
| ۵۸-۸۳   | وحید نژاد محمد                                                         | بررسی و تحلیل شکل‌گیری حافظه در داستان مردی که<br>خواب است نوشته ژرژ پرک از منظر آراء هانری برگسون |
| ۸۴-۱۱۷  | حسن زختاره                                                             | شناسایی دلالت‌های بوم‌شناسی توجه برای طراحی محیط<br>های یادگیری مجازی                              |
| ۱۱۸-۱۴۳ | اکبر شایان سرشت، زهرا خسروی<br>زارگز، ابراهیم محمدی، عباس واعظ<br>زاده | نقد خوانش بینامتنی مکتوبات کمال الدوله آخوندزاده و نامه‌های<br>ایرانی مونسکیو                      |
| ۱۴۴-۱۷۶ | فاطمه بدیع الزمان، مسعود خوش<br>سلیقه، عباس فیروزآبادی                 | بررسی توصیفی نگرش مترجمان ایرانی به جنبه‌های مختلف<br>رضایت شغلی                                   |

## Critique des traductions contemporaines des œuvres de Jules Verne à partir de l'analyse distributionnelle de Harris

**Farnaz Sassani**<sup>1</sup> (Auteur correspondant) 

Maître-assistante à l'Université Allameh Tabataba'i, Téhéran, Iran

**Sedigheh Sherkat Moghadam**

Maître de Conférences à l'Université Allameh Tabataba'i, Téhéran, Iran

**Sepideh Navabzadeh shafiei**

Maître-assistante à l'Université Allameh Tabataba'i, Téhéran, Iran

**Mohammad Hossein Fathyan**

Master de la traduction française, Université Allameh Tabataba'i, Téhéran, Iran

### Résumé

Aujourd'hui, selon la liste publiée par l'UNESCO, Jules Verne est classé parmi les cinq écrivains les plus traduits au monde et il a été traduit en persan plus que tout autre écrivain français. La traduction de ses œuvres a attiré de nombreux traducteurs à différentes époques, en raison de son style d'écriture, notamment Enayatullah Shakibapour, qui peut être mentionné comme le traducteur de nombreuses œuvres de cet auteur en langue persane. La caractéristique la plus importante des traductions des œuvres de cet auteur par Shakibapour est que, par rapport aux anciennes traductions, le public a désormais accès à une traduction cohérente des premières œuvres de science-fiction au monde, à travers ses traductions contemporaines.

Dans cette recherche, nous essayons d'examiner des exemples de traductions des œuvres de Jules Verne d'un point de vue linguistique structural, en nous appuyant sur l'analyse distributionnelle de Zellig Harris. Sans aucun doute, les relations existantes entre les mots et la connexion d'un élément de langage avec d'autres éléments jouent un rôle particulier dans la construction du sens.

À cet égard, dans cette recherche, nous étudions les unités sémantiques dans la traduction persane, afin d'expliquer le processus de traduction en fonction de la relation entre les éléments langagiers. Les résultats obtenus montrent que ces éléments influencent, tant quantitativement que qualitativement, le produit final qu'est le texte cible.

**Mots-clés :** Traduction, linguistique structural, analyse distributionnelle, unité sémantique, Jules Verne, Enayatullah Shakibapour.

---

<sup>1</sup>. E-mail: sassani@atu.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2024.88381.1117>  
<https://orcid.org/0000-0002-1675-8671>

## **Critique of Contemporary Translations of Jules Verne's Works Inspired by Harris's Distributional Analysis**

**Farnaz Sassani<sup>1</sup>** (Corresponding author) 

Assistant Professor of Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

**Sedigheh Sherkat Moghadam**

Associate Professor of Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

**Sepideh Navabzadeh shafiei**

Assistant Professor of Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

**Mohammad Hossein Fathyan**

Master of French translation, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

### **Abstract**

Today, according to UNESCO's published list, Jules Verne holds a prestigious position as one of the world's five most translated authors and he has been translated into Persian more than any other French writer. His works have captured the attention of many translators in different periods, thanks to his unique writing style. Notably, Enayatullah Shakibapour has made a major contribution by translating many of Verne's works into Persian. The most important feature of Shakibapour's translations of this author's works is that, compared to the old translations, readers encounter a coherent translation of the world's first science fiction works through his contemporary translations.

This study aims to explore Jules Verne's translated works through the lens of structural linguistics, utilizing the distributional analysis approach pioneered by Zellig Harris. The analysis is grounded in Harris's theoretical framework, providing a comprehensive understanding of the distributional patterns and structures within the translated texts. Undoubtedly, the relationships between words and the connection of a linguistic element with other constituent elements of language play a significant role in meaning-making.

In this context, this research focuses on the semantics in Persian translations, aiming to elucidate the translation process by examining the interplay of linguistic structures. The findings highlight the influence of these elements on the translator's functional priorities, both quantitatively and qualitatively impacting the linguistic output—the ultimate target text.

**Keywords:** Translation studies, structural linguistics, distributional analysis, semantic unit, Jules Verne, Enayatullah Shakibapour.

---

<sup>1</sup>. E-mail: [sassani@atu.ac.ir](mailto:sassani@atu.ac.ir)

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2024.88381.1117>

<https://orcid.org/0000-0002-1675-8671>

نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، دوره هفتم، شماره دوم (پیاپی ۱۳)، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

## نقد ترجمه‌های معاصر آثار ژول ورن با تکیه بر تحلیل توزیعی آراء هریس

مقاله پژوهشی

فرناز ساسانی<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)   
استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
صدیقه شرکت مقدم  
دانشیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
سپیده نواب زاده  
استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران  
محمد حسین فتحیان  
کارشناس ارشد مترجمی زبان فرانسه، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

### چکیده

امروزه براساس فهرست منتشر شده از سوی یونسکو، ژول ورن به عنوان یکی از پنج نگارنده پر ترجمه جهان رتبه‌بندی شده و آثارش بیش از هر نویسنده فرانسوی دیگری به زبان فارسی ترجمه شده است. ترجمه آثار او به سبب شیوه نگارش وی در دوران مختلف، نظر مترجمان زیادی را به خود جلب کرده است که می‌توان از عنایت‌الله شکیباپور به عنوان مترجم آثار زیادی از این نویسنده به زبان فارسی نام برد. مهمترین ویژگی ترجمه‌های شکیباپور از آثار این نویسنده این است که مخاطبان در مقایسه با ترجمه‌های قدیمی به صورتی منسجم با نخستین آثار علمی-تخیلی جهان از خلال ترجمه‌های معاصر آشنا می‌شوند.

در این پژوهش سعی بر آن است تا با نگاه زبانشناسی ساختاری، نمونه‌هایی از ترجمه‌های آثار ژول ورن با تکیه بر تحلیل توزیعی زلیگ هریس مورد بررسی قرار گیرد. بدون شک روابط موجود میان واژه‌ها و ارتباط یک عنصر زبانی با سایر عناصر تشکیل‌دهنده زبان، نقش ویژه‌ای در ساخت معنا دارد؛ لذا در ترجمه کمترین جایجایی در اجزای جمله می‌تواند تغییراتی در پیام در زبان مقصد ایجاد کند. در این راستا در این جستار واحدهای معنایی را در ترجمه فارسی مورد مطالعه قرار می‌دهیم، تا فرایند ترجمه را با توجه به روابط بن‌مایه-های زبانی تبیین کنیم. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد این عناصر بر اولویت‌های نقش‌مند مترجم و به لحاظ کمی و کیفی بر محصول زبانی که همان متن مقصد است، تأثیر می‌گذارد.

**کلیدواژه‌ها:** ترجمه‌شناسی، زبانشناسی ساختاری، تحلیل توزیعی، واحد معنایی، ژول ورن، عنایت‌الله شکیباپور.

<sup>۱</sup> E-mail: sassani@atu.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2024.88381.1117>

<https://orcid.org/0000-0002-1675-8671>

## ۱. مقدمه

یکی از راه‌های شناسایی و دسترسی ادبیات اثرپذیر به اثرگذار، ترجمه است که اگر به مثابه یک آوردگاه ادبی در نظر گرفته شود تأثیر مهم آثار ترجمه شده بر ادبیات مقصد، گسترش فن داستان‌نویسی، غنی سازی مضمون ادبی بومی، ایجاد تعامل و ارتباط مؤثر فرهنگی به منظور تقویت هویت ملی و گسترش ادبیات فراملی خواهد بود. در ترجمه ادبی، هدف اصلی، انتقال مفاهیم در زبان مقصد و بازآفرینی فضا و بافت متن و رعایت ترتیب عناصر زبانی در جمله به منظور تداعی احساسات و واکنش‌های مشابه زبان مبدا است. همنشینی واژه‌ها در هر زبان تابع قواعد خاصی است؛ لذا واژه‌ها در جملاتی که در هر زبان به کار می‌روند، می‌توانند معنی یا معانی ویژه‌ای برای خود داشته باشند. در نتیجه انتقال هر یک از این واحدهای معنایی بدون تغییر و حذف برخی از ویژگی‌ها یا اضافه کردن ویژگی‌های دیگر امکان‌پذیر نیست. (صفوی، ۱۳۷۰: ۹) به بیانی دیگر ترجمه پدیده‌ای چندوجهی است که تخصص در آن نیازمند دانشی بیش از واژه و دستور زبان است در نتیجه آشنایی با دانش زبان‌شناسی در نقد و بررسی ترجمه‌ها و داستان‌های ترجمه شده می‌تواند کارآمد باشد. (فتوحی، ۱۳۹۸: ۶۲)

در بسیاری از موارد مترجم یا نویسنده‌محور و یا خواننده‌محور است. چنانچه رویکرد نویسنده‌محور داشته باشد، بر آن است تا عناصر ساختاری متنی زبان مبدأ را حفظ کند. در رویکرد ترجمه خواننده‌محور، رساندن پیام نویسنده مهم است و در نتیجه، مترجم در ترجمه‌ای آزادتر سعی می‌کند برای هر یک از عناصر متن مبدأ مشابه آن را در زبان مقصد به کار ببرد. قطعاً فهم چنین ترجمه‌ای برای خواننده آسان‌تر خواهد بود؛ هر چند که ترجمه وفادار و معنایی، زبان نامأنوسی دارد و برای ایجاد ارتباط با خواننده توضیحات مفصل از سمت مترجم نیاز است تا سبک و فرهنگ نویسنده اصلی حفظ گردد. در واقع ترجمه آزاد فقط بر روی انتقال پیام و ایجاد ارتباط صریح با خواننده تمرکز می‌کند و در فرایند ترجمه ماهیت معنی‌شناختی و چگونگی بازنمایی پیام با ادراک و استفاده از راهبردهای خودنظم‌بخشی از طرف مترجم آمیخته می‌شود. (همان: ۶۵)

ژول ورن، یکی از نویسندگان بزرگ سده نوزدهم فرانسوی آثار تخیلی زیادی را با موضوع‌های ماجراجویی، سفر، علم و پیش‌بینی آینده خلق کرده‌است که این مهم، گونه ادبی جدیدی از رمان را نشان می‌دهد. آثار او بیش از هر نویسنده فرانسوی دیگری به زبان فارسی ترجمه شده است. پیشینه ترجمه آثار ژول ورن به زبان فارسی به دوره ناصرالدین شاه قاجار و آغاز نهضت ترجمه از آثار ادبی و غیرادبی اروپایی می‌رسد. آوانس خان، ملقب به مساعدالسلطنه از مترجمین مخصوص ناصرالدین شاه (۱۳۱۰-۱۲۴۳) نخستین بار *میشل استروگوف* را به فارسی ترجمه کرد. یوسف اعتصام‌الملک (پدر پروین اعتصامی) در ۱۲۸۷ خورشیدی چکیده‌ای از بیست هزار فرسنگ زیر دریا را با عنوان *سفینه غواصه یا سیاحت تحت البحر* ترجمه و منتشر کرد و دور دنیا در هشتاد روز یکی دیگر از رمان‌های ژول ورن به دست محمدحسین فروغی (ذکاء الملک اول) در ۱۳۰۰ خورشیدی ترجمه شد. امروزه آثار زیادی از ژول ورن به زبان فارسی ترجمه و باز ترجمه شده‌اند که می‌توان از فرزانه مهری، محمد نجابتی و عنایت الله شکیباپور به عنوان مترجم‌های این نویسنده به زبان فارسی نام برد. مهمترین ویژگی ترجمه‌های شکیباپور از آثار این نویسنده این است که در مقایسه با ترجمه‌های قدیمی، مخاطبان به صورتی منسجم با متن کامل نخستین آثار علمی-تخیلی جهان آشنا می‌شوند.

یکی از ویژگی‌های مهم آثار ژول ورن عامه‌فهم بودن آن است. ژول ورن جزء پیشگامان نویسندگان علمی-تخیلی و از پیشگامان کتاب‌های فرهنگ عامه است. با مطالعه و کنکاش در آثار ژول ورن درمی‌یابیم که اغلب نویسندگان از آثار او تأثیر گرفته‌اند؛ همچون نویسنده‌ها و فیلم‌سازانی که در ژانر علمی-تخیلی کار کردند و نویسندگان کتاب‌های مصور که اواسط قرن بیستم در آمریکا بسیار باب شد. آثار ژول ورن برای خواننده ایجاد هیجان و جذابیت کرده، بعد آموزشی نیز دارد که این مسأله بسیار حائز اهمیت است. این آثار تنها متعلق به کودکان نبوده و در عصر حاضر مخاطبان زیادی را به خود جلب می‌کند. به این معنا که اطلاعات جغرافیایی، اطلاعات زیست‌شناسی و حتی مباحثی در رابطه با علوم زمین‌شناسی و فیزیک را به زبان ساده از خلال داستان‌های روایی در اختیار خواننده می‌گذارد که این ویژگی همواره ناشران را به سمت

ارائه نسخه‌های جدیدی از ترجمه آثار او سوق داده است. البته دشواری‌های ترجمه آثار ژول ورن می‌تواند به یک چالش واقعی برای مترجم تبدیل شود؛ از این رو نحوه بازتولید فضای داستان‌ها و ته‌مایه طنز وی در زبان فارسی اهمیت ویژه‌ای دارد.

### ۱.۱. اهمیت و هدف

از آن‌جا که ترجمه از مؤثرترین راه‌های معرفی نویسندگان به نامی همچون ژول ورن در ایران است، بررسی روش‌های ترجمه سبک نوشتاری او با تمرکز بر تفاوت‌هایی که میان اصل متن و متن ترجمه وجود دارد مهم و راه‌گشا است. نثر این نویسنده آینده‌نگر و علی‌رغم سادگی، مملوء از واژگان علمی است و آثار وی از نظر فرم و ساختار ویژه ادبی و سبک شناختی قابل توجه است. بازآفرینی بافت متنی ژول ورن علاوه بر آشنایی به زبان مبدا و مقصد، نیازمند آگاهی دقیق مترجم از واحدهای معنایی و گزینش دقیق معادل‌های کارکردی است؛ لذا واگرایی‌های معنایی که زائیده عواملی چون تفاوت میان ذوق و سبک نگارش زمان متن اصلی و زمان ترجمه یا تفاوت میان ارزش‌های فردی و اجتماعی هستند، صحت و سقم ترجمه را دچار ابهام می‌کنند. در این جستار به بررسی ترجمه شکیباپور از رمان‌های *در سیارات دیگر چه می‌گذرد*<sup>۱</sup>، *آمازیا*<sup>۲</sup> و *صاحب دنیا*<sup>۳</sup> و کتاب *پنج هفته در بالن*<sup>۴</sup> می‌پردازیم. ترجمه‌های این مترجم حاکی از آن است که مترجم به اندازه نویسنده اصلی قریحه ادبی داشته و پیش از آنکه به معنای اصلی و مجازی کلمات توجه داشته باشد، به هاله معنایی<sup>۵</sup> آن توجه کرده و اطلاعات علمی در حیطه‌های متفاوت داشته است. از نظر ساختار زبانی نیز، تا جای ممکن سبک بی‌پیرایه و گاه طنزآمیز ژول ورن را در زبان فارسی بازآفرینی کرده است، با آنکه ساختار زبانی رمان‌های ژول ورن مترجم را با

<sup>۱</sup> Hector Servadac

<sup>۲</sup> Kéraban le tétu

<sup>۳</sup> Le maître du monde

<sup>۴</sup> Cinq semaines en ballon

<sup>۵</sup> Connotation

چالش خاصی روبه‌رو می‌کند. لازم به ذکر است که برخی از این رمان‌ها در زبان اصلی عناوینی متفاوت دارند که این مسئله نیز ممکن است در ذهن خواننده این سؤال را ایجاد کند که چرا مترجم، عنوان رمان را تغییر داده‌است.

هدف اصلی این پژوهش با نگاه زبانشناسی ساختاری، بررسی نمونه‌هایی از این ترجمه‌ها است تا فرایند ترجمه را با توجه به روابط بن‌مایه‌های زبانی تبیین کنیم؛ زیرا این عناصر بر اولویت‌های نقش‌مند مترجم و به لحاظ کمی و کیفی بر محصول زبانی که همان متن مقصد است، تأثیر می‌گذارند. کاهش و افزایش و جابجایی واحدهای معنایی از جمله ابزارهای مناسب برای توجیه و تبیین بسیاری از پدیده‌های معنایی از جمله چگونگی شکل‌گیری معنی برخی ساخت‌ها و نحوه درک آن‌ها از سوی مخاطب است و عملکرد فعال آن سبب شده تا به عنوان یکی از فرایندهای مهم معناشناختی و پدیده‌ای انکارناپذیر در مطالعه همزمانی و درزمانی معنی تلقی شود. (صفوی، ۱۳۷۰: ۲۱) با این حال کمترین جابجایی دراجزای جمله در ترجمه می‌تواند تغییراتی در پیام در زبان مقصد ایجاد کند. در این راستا تحلیل توزیعی<sup>۱</sup> بن‌مایه‌های زبانی که روش توصیف زبانی بر اساس کاربرست توزیع عناصر زبانی است، با استناد به آرای زلیگ هریس<sup>۲</sup> به عنوان ارائه یک الگوی غالب برای بررسی شیوه ترجمه، مسیر و حرکت مترجم به درک بهتر متن مقصد به ما کمک می‌رساند.

## ۲.۱. پرسش‌های پژوهش

با تکیه بر رویکرد هریس از منظر زبانشناختی و توزیع عناصر زبانی، به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها هستیم که تفاوت ساختار نحوی زبان مبدا و مقصد چه تأثیری بر کیفیت ترجمه شکیباپور داشته و در چه سطحی تغییرات ساختاری بر روی متن زبان مقصد صورت گرفته

<sup>۱</sup>Analyse distributionnelle

<sup>۲</sup>Zellig Harris

است؟ مترجم به منظور ارائه ترجمه صحیح از متن مبدا از چه جابجایی‌هایی در بن‌مایه‌های زبانی استفاده کرده است؟ آیا شکیباپور در گذر زمان از یک شیوه ترجمه سود جسته است؟ بدون شک زبان پویا و در حال تحول است و به دلیل ارتباط غیر قابل انکار ترجمه با زبان و زبان‌شناسی می‌توان این‌گونه در نظر گرفت که ترجمه نیز پویا است و یک ترجمه نمی‌تواند پاسخگوی نیاز همه نسل‌ها باشد. برای دستیابی به اهداف خود، ابتدا بر عناصر متنی زبان مبدا همچون فعل، قید، صفت، اسم و غیره تمرکز کرده و نحوه توزیع آن در زبان مقصد را بررسی می‌کنیم تا دریابیم تغییر در فرایندهای صوری و داده‌های زبانی به چه صورت اثرگذاری معنای متن اصلی را تحت تأثیر قرار داده است.

### ۳.۱. پیشینه پژوهش

پیرامون ترجمه و تحلیل آثار ژول ورن به صورت جداگانه مقالاتی چند نوشته شده است که از آن میان می‌توان به تروچون<sup>۱</sup> اشاره کرد. وی سعی کرده است از ورای ترجمه‌های این نویسنده، عناصر اصلی متناوب چارچوب نظری را برشمارد که حول ایده پیشرفت در همبستگی مردم چین در پیشبرد اهدافی با محوریت مدرنیته و ظهور یک خودآگاه ملی است. (Truchon, 2014, p.35) نجابتی نیز در مقاله خود با عنوان «مصائب ترجمه ژول ورن» معتقد است که ژول ورن در نگارش رمان‌های خود اطلاعاتی پیشرو به مخاطب منتقل می‌کند و آثار وی همانند دایره‌المعارفی است که بعد داستانی و روایتی یافته است. (نجابتی، ۱۳۹۹) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «تجزیه و تحلیل توزیعی، نقشی و معنایی گروه قیدی در زبان فارسی»، رحیمیان بر آن است تا در تحلیل خود مقوله‌های نحوی را با ایجاد تمایز میان سه جنبه توزیعی، نقشی و معنایی نشان دهد (رحیمیان، ۱۳۸۸)، وی در پژوهش خود با نگاهی منتقدانه به برخی از مهمترین

<sup>1</sup> Truchon

توصیف‌های گذشته در باب گروه‌های قیدی، نشان داده است که بیشتر تحلیل‌های موجود در این باب یا توصیفی ناقص و یا تصویری مخدوش از این مقوله ارائه کرده‌اند. در خصوص تشریح و تبیین بافت زبانی و روابط همنشینی و جانشینی تأثیرگذار بر فرایند ترجمه که در رویکرد هریس مطرح است، صالح بک در مقاله خود «بررسی ترجمه متون سیاسی از دیدگاه بافت زبانی با نگاهی به کتاب التطرف السرائیلی، جذوره و حصاده»، ترجمه متون سیاسی را از دیدگاه بافت زبانی با استناد به این کتاب مورد بررسی قرار داده است (صالح بک و همکاران، ۱۳۹۲) و سرانجام، فتح‌اللهی در مقاله خود «توانش ترجمه ادبی از دیدگاه مترجمان ادبی: واکاوی مضمونی چهل مصاحبه از فصلنامه مترجم» به مدل‌های توانش در ترجمه پرداخته است (فتح‌اللهی و همکاران، ۱۴۰۲). پژوهش‌های حاضر نشان می‌دهد که به بررسی مقوله تحلیل توزیعی بن‌مایه‌های زبانی در ترجمه‌های آثار ژول ورن از منظر زلیگ هریس پرداخته نشده است که از این حیث، در این پژوهش سعی کرده‌ایم به جنبه‌های خاص در این حیطه بپردازیم که برای پژوهشگران بسیار کاربردی خواهد بود.

## ۲. تبیین پژوهش

عناصر زبانی در موقعیت‌ها و جایگاه‌های متفاوتی به کار می‌روند. مجموعه جایگاه‌هایی که عنصر خاصی در زبان به کار می‌رود «توزیع» آن به شمار می‌آید. توزیع از مفاهیم بنیادی زبان شناسی است که در تعریف و توضیح و تشریح تمام پدیده‌های زبان به کار می‌رود. هر صدا، واژه یا ساختار زبانی یا هر دسته از آن‌ها در محیط‌های خاصی به کار می‌روند.<sup>۱</sup> از نظر جفری پُلوم<sup>۲</sup> سه سطح توصیفی در مباحث دستوری وجود دارد که به ترتیب عبارتند از:

- توصیف صوری؛
- توصیف نقشی؛

<sup>۱</sup> <http://minabaad.blogfa.com/post/33>

<sup>۲</sup> Jeffery Plum

• توصیف معنایی مقوله‌های دستوری.

بر اساس این رویکرد نظام سلسله مراتبی زبان در ترکیب عناصر در قالب گروه، بند و جمله و همچنین تجزیه جمله، بند و نیز اجزای کوچکتر می‌تواند مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. (رحیمیان، ۱۳۸۸: ۱۳) سال‌ها زبانشناسی صورت‌گرا، از بررسی و مطالعه واحدی بلندتر از جمله، یعنی «متن» غافل بود. «به تدریج توجه زبانشناسانی چون زلیگ هریس و پایک<sup>۱</sup> به بررسی توزیع عناصر زبانی در سطحی بزرگتر از محدوده جمله، یعنی متن، معطوف شد و متن به عنوان یک واحد فراتر از جمله اهمیت یافت و ساختار آن مورد کندوکاو و بررسی قرار گرفت» (آقا گل زاده، ۱۳۸۳: ۹۱) و زبانشناسی نقش‌گرا پایه‌گذاری شد. از نظر مایکل هالیدی<sup>۲</sup>، انسجام یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره دارد و آن را به منزله متن از غیر متن جدا می‌سازد. (Halliday, & all. 1976, p.4؛ به نقل از دهقان طرزجانی، ۱۳۹۹: ۴۶) منظور از متن، جمله یا جمله‌هایی است که خواننده یا شنونده با خواندن یا شنیدن آن به معنای خاص و مفهومی در ذهن خود دست می‌یابد. کوچکترین واحد معنایی، جمله و بزرگترین واحد معنایی، متن است. اجزای متن به نحوی به هم مرتبط هستند و برای هدف خاصی در کنار هم قرار می‌گیرند. (امیری خراسانی، ۱۳۹۴: ۸)

امروزه زبانشناسی که به عنوان علم زبان تعریف می‌شود، به خاطر مختص بودن زبان به نوع انسان، با بسیاری از حوزه‌های دیگر مطالعات و علوم انسانی ارتباط نزدیکی دارد. مطالعات ترجمه را با توجه به ماهیت مسائل مورد بحث در آن می‌توان نزدیکترین حوزه به زبانشناسی یا مطالعه علمی زبان دانست. مشترکات زبان و ترجمه آنقدر زیاد و پیوندشان چنان محکم است که در موارد زیادی نمی‌توان آن‌ها را بی‌نیاز از هم دانست. (منافی اناری، ۱۳۸۴: ۷۵) ارتباط یا پیوستگی زبان و ترجمه آنقدر نزدیک، محکم و گسست‌ناپذیر است که به صراحت می‌توان گفت ترجمه بدون دانستن زبان ناممکن و زبان بدون دانستن ترجمه نامفهوم است. (همان: ۷۶)

<sup>1</sup> Pike

<sup>2</sup>M. A. K. Halliday

نظریه‌پردازان ترجمه توانسته‌اند بینش علاقمندان به ترجمه را روشن‌تر سازند و پاسخ‌هایی را برای سؤال‌هایی در ارتباط با ترجمه، ماهیت آن و چگونگی انجام آن و ارتباط آن با زبان‌شناسی ارائه دهند. امبرتو اکو<sup>۱</sup> یکی از نظریه‌پردازان حوزه ترجمه‌شناسی معتقد است که در امر ترجمه نمی‌توان و نباید همان متن را ترجمه کرد؛ چرا که در حین انتقال زبان چنانچه بر انتقال همان جمله یا کلمه اصرار کنیم، امکان دارد ترجمه سخن نویسنده جدای از نظر خودش نمود یابد. (Eco, 2000, p 13) در خصوص مراحل انجام ترجمه، لادمیرال<sup>۲</sup> آن را به سه بخش تقسیم می‌کند: خوانش، کلام زدایی و بازآفرینی (زنده بودی، ۱۳۹۶: ۱۱) در این روش، ابتدا به خوانش و فهم متن مبداء پرداخته می‌شود و سپس معنا در زبان مقصد بازآفرینی می‌شود. در این روش، متن زبان مبداء تغییر می‌کند، به همین دلیل است که وی از کلمه «بازآفرینی» استفاده می‌کند. لاروز<sup>۳</sup> معتقد است از آنجایی که مترجم با بحث وفاداری به نویسنده و متن مقصد مواجه است، با تناقض‌هایی روبرو است (Larose, 1998, p.177) که این مسئله روی ترجمه او تأثیر می‌گذارد. نکته دیگر اینکه در هنگام بررسی ترجمه نباید حق انتخاب مترجم نادیده گرفته شود؛ چرا که وی در زمان و شرایط خود با کنش‌گری خود به ترجمه پرداخته است. نحو و ساختار، نقش مهمی را در زبان و ترجمه ایفا می‌کند و می‌دانیم که معنا می‌تواند در فرایند انتقال دچار دگردیسی ساختاری شود. برخی از زبان‌شناسان معتقدند که بیشتر واحدهای معنایی در مجاورت واحدهای دیگر قرار می‌گیرند و معانی این واحدها تنها با ملاحظه واحدهای دیگری که در کنار آن‌ها واقع می‌شوند، قابل توصیف یا تعیین هستند؛ بنابراین، بررسی معانی کلمه‌ها، تحلیلی از بافت‌ها یا موقعیت‌هایی که در آن می‌آیند، حتی بافت‌های غیرزبانی را می‌طلبد؛ لذا معانی کلمه به خاطر تعدد بافت‌هایی که در آن می‌آید و یا به خاطر توزیع زبانی تعدیل می‌یابد. (مختار عمر، ۱۳۸۵: ۶۵)

<sup>1</sup> Umberto Eco

<sup>2</sup> Admiral

<sup>3</sup> Larose

لذا آراء و اندیشه‌های زلیگ هریس را از منظر زبانشناسی و توزیع عناصر زبانی مورد بررسی قرار می‌دهیم تا اهمیت توجه به انسجام دستوری در ترجمه روشن‌تر شود.

### ۳. چارچوب نظری

زلیگ هریس بر جنبه توزیعی مقوله‌های زبانی تمرکز کرده و مقالاتی را در این رابطه به چاپ رسانده است همچنین هریس اندیشه‌های بلومفیلد<sup>۱</sup> را در توصیف زبانشناختی در ارتباط با تحقیق در روال‌های کشف در واج و تکواژ برپایه خصوصیات توزیعی واحدها گسترش داد. وی سعی داشت تا بدون استفاده از معنی، اصول تجزیه و تحلیل واجی و نحوی را تدوین کند. هریس در کتاب خود با عنوان «زبانشناسی ساختاری»<sup>۲</sup> (۱۹۵۱) اصول و روش‌هایی را ارائه کرد که به‌کار بستن آن‌ها، واج‌ها و تکواژها و چگونگی رابطه آن‌ها با یکدیگر را می‌تواند مشخص کند. شهرت هریس، در زبانشناسی ساختاری، تحلیل کلام و کشف ساخت گشتاری است. چامسکی و نظریاتش شهرت زیادی دارد؛ اما ذکر این نکته اهمیت دارد که زلیگ هریس استاد چامسکی بود و مفهوم گشتار را او ابتدا معرفی کرد و چامسکی با استفاده از نظریات استاد خود توانست این مفاهیم را به‌خوبی در نظریاتش بسط دهد. در حیطه نقد ادبی اهمیت تحلیل گفتمان بسیار ویژه است، و اصطلاح «تحلیل گفتمان» اصطلاحی است که هریس آن را برای نخستین بار مطرح کرد. هریس اعتقاد داشت: «گفتمان، گفتار یا نوشتاری است به هم پیوسته که در سطحی فراتر از جمله ظاهر می‌شود و تغییرات ساختاری که روی آن صورت می‌پذیرد می‌تواند در انتقال پیام تغییر ایجاد کند» (Harris, 1965, p.3).

وی همچنین بر پایه بررسی چگونگی توزیع عناصر زبان، یعنی جایگاهی که یک واج یا تکواژ در آن به کار می‌رود و نیز از راه مقایسه و تشخیص بخش‌های مشابه و جایگزین‌سازی، روش تشخیص و تعیین واج‌ها و تکواژها و نیز دسته‌بندی آن‌ها را به دست داد. هریس در مورد مفهوم

<sup>۱</sup> Bloomfield

<sup>۲</sup> *Structural Linguistics*

معنی تکواژ معتقد است که اگر دو تکواژ معانی متفاوتی داشته باشند، احتمالاً توزیع متفاوتی نیز خواهند داشت. این مسأله شاید صحیح باشد؛ اما می‌توان چنین استدلال کرد که اختلاف در توزیع، نتیجه اختلاف در معنی است؛ مثلاً دو صورت "سگ" و "سیب" به این دلیل معانی متفاوتی دارند که از نظر وقوع زبانی متفاوتند. (پالمر، ۱۳۶۶: ۱۵۷؛ به نقل از صالح بک، ۱۳۹۲: ۶۰) او توصیف مجموعه‌ای از نمونه‌های گفتاری یعنی پیکره زبانی را موضوع توصیف زبان‌شناسی می‌انگاشت که از راه تجزیه و تحلیل آن بر پایه ویژگی‌های صوری، عناصر زبان و رابطه آن‌ها با یکدیگر مشخص می‌شود. به عقیده او توصیف ساختاری هر زبان بررسی و توصیف پیکره زبانی ویژه‌ای است که شامل مجموعه‌ای از نمونه‌های گفتاری است. با این حال، هریس در بررسی و توصیف زبان، آزمودن نمونه‌های گفتاری را با سخنگوی بومی به منظور تشخیص پذیرفته بودن آن‌ها ضروری می‌دانست.

هریس در میان تمام زبان‌شناسان هم عصر خود، سرسخت‌ترین طرفدار رفتارگرایی بود. او به شدت تحت تأثیر سایپیر<sup>۱</sup> نیز بود. با این همه، تأثیر عمده او از بلومفیلد به ویژه از تحلیل سازه‌های پیاپی او بود. (دبیرمقدم، ۱۳۸۸: ۳۰۳) وی بر دو مبحث عمده یعنی بررسی زبان در سطحی فراتر از جمله و نیز ارتباط بین رفتار زبانی و غیر زبانی تأکید داشت. هریس با بررسی دقیق این مباحث به دنبال آن بود تا روشی برای توصیف چگونگی توزیع ویژگی‌های زبانی درون متن و نیز شیوه ترکیب این ویژگی‌ها در متونی با سبک‌های خاص ارائه کند. هریس همچنین به بررسی رابطه بین رفتار و عملکرد زبانی و غیرزبانی نیز پرداخت و عقیده داشت که نوشتن شامل دو سطح است: سطح گفتمان و سطح فراگفتمان، در سطح اول خواننده با محتوای گزاره‌ای سروکار دارد؛ درحالی که در سطح دوم خواننده از طریق متن هدایت و راهنمایی می‌شود. (احمدی، ۱۳۹۵: ۱۸)

هر مقوله نحوی نامی دارد که با آن شناخته می‌شود. برخی از این مقوله‌ها عبارتند از اسم، فعل، صفت، قید، حرف اضافه، حرف تعریف و امثال آن. هر کدام از این مقوله‌ها به نوبه خود به عنوان

<sup>۱</sup> Sapir

مهمترین عضو (یا به بیانی تخصصی، هسته) در مقوله‌ای بزرگتر به کار می‌رود؛ برای نمونه هرگاه یک اسم به عنوان مهمترین عنصر یک گروه به کار رود، آن گروه را گروه اسمی می‌نامیم. (رحیمیان، ۱۳۸۸: ۱۷) در تحلیل مقوله‌های نحوی، ایجاد تمایز میان جنبه توزیعی، نقشی و معنایی امری ضروری است. در این تحلیل تنها بخش زایای انگاره دستوری، که همان حوزه نحو است با در نظر گرفتن کارکرد معنایی آن در بافت متن مورد مطالعه قرار می‌گیرد. رویکرد توزیعی مبتنی بر چندین اصل کلیدی است که ما در پژوهش حاضر در حیطه نقد ترجمه در چهار سطح معیار به کاربرد آن می‌پردازیم:

- نحو، نیروی محرکه اصلی تشکیل کلمات و جملات در زبان مبداء و زبان مقصد است.
  - کلمه‌سازی و جمله‌سازی بطور یکسان در انتقال معنا نقش ایفا می‌کنند.
  - تناظرهای معنایی با نحو در زبان مقصد شکل می‌گیرند.
  - گروه‌های مرکب و واحدهای ترجمه در هر دو زبان تابع اصول نحوی یکسانی هستند.
- بدین‌سان نحو، تنها محرک زایایی است که تناظرهای صورت-معنا را شکل می‌دهد؛ خواه در سطح هسته گفتار خواه در سطح گروه‌های پیچیده. این رویکرد مفهوم واحد معنایی را که در آن واحدهای مشتق شکل گرفته و تناظرهای صورت-معنای منحصر به فرد ذخیره می‌شوند، به چالش می‌کشد. در تحلیل توزیعی نقش عناصر زبانی در میان دیگر اجزای دستور زبان توزیع شده است که این امر در ترجمه در بررسی شکل‌گیری واحدهای معادل در زبان مقصد برای درک چگونگی عملکرد آن و بازسازی مفهوم معنا می‌تواند مؤثر واقع شود. با در نظر گرفتن تمام این نکات در پژوهش حاضر به عوامل تمایز زبانی در سه سطح از منظر تحلیل توزیعی می‌پردازیم:

- جانشینی؛<sup>۱</sup>

- کسر و اضافه؛<sup>۲</sup>

- جابجایی.<sup>۳</sup>

<sup>1</sup> Commutation

<sup>2</sup> Effacement et addition

<sup>3</sup> Déplacement

این انتخاب در جهت رسیدن و درک بهتر معنای واحدهای نحوی و پدیده چند معنایی در یک متن با در نظر گرفتن پیام اصلی صورت گرفته است؛ زیرا رویکرد توزیعی پیوند تنگاتنگی با معناشناسی دارد و به ما امکان می‌دهد معنی کلمات و عبارات را با توجه به بافت آن‌ها مطالعه کنیم. از طریق تجزیه و تحلیل کمی و پیکره‌محور معنایی در ابتدای هر بخش از تحلیل به اختصار هر یک از سطوح این رویکرد را توضیح می‌دهیم، سپس با ذکر مثال، مروری بر تنوع کاربردهای آن در چهارچوب کارکردهای دستوری، هم‌نظری و هم‌روشن‌شناختی خواهیم داشت. در نهایت، ما بر اهمیت انتخاب‌های زبانی مترجم هنگام استفاده از این ابزار تأکید می‌کنیم.

#### ۴. تحلیل داده‌ها

##### ۱.۴. جانشینی گروه‌های اسمی - صفتی

جانشینی در ترجمه، هنگامی صورت می‌گیرد که مترجم حین ترجمه روابط دستوری بین سازه‌ها را به نحوی تغییر دهد. این تغییر در ارتباط معنایی بین اجزای سازنده متن موضوع مهمی به شمار می‌آید و گاهی به انتقال بهتر معنا کمک کند. طبق این ویژگی که از آن به عنوان مزیت نظریه توزیعی یاد می‌شود، همگونی میان ساخت‌های صرفی و نحوی که از ویژگی تحلیل توزیعی است، در روند شکل‌گیری سازه‌های جدید (از واژه گرفته تا جمله) در زبان مقصد یکسان عمل می‌کند؛ بطور مثال، ممکن است که نویسنده در متن از کلمات و یا حتی جملات کوتاهی استفاده کند و مترجم، کلمه را به جمله‌ای و جمله کوتاه را به جمله طولانی‌تری تبدیل کند. همچنین عمل جانشینی می‌تواند بینا کلمه‌ای باشد؛ بدین معنا که مترجم از کلمه‌های مترادف و حتی متفاوت نسبت به کلمه در متن مبداء استفاده کند. سبک نگارش ژول ورن، همانطور که در آثار وی پیدا است، ساده است و ساختارهای پیچیده‌ای ندارد؛ اما در عین حال، به خوانندگان معنا را به خوبی منتقل می‌کند. با بررسی جملات در زبان مبداء و مقصد، تفاوت‌ها و حتی تناقض‌هایی را یافتیم که در ادامه به تشریح آمده است. با مقایسه ترجمه‌ها با متون مبداء، کلمات و اصطلاحاتی وجود

دارند که مترجم آن‌ها را به شکل متفاوتی ترجمه کرده‌است که کد برگردان آن از متن اصلی متفاوت جلوه می‌کند:

- مثال اول:

Aucun nom ne sera prononcé.

نباید نام کسی برده شود.

Aucun. (Hector Servadac, p.6)

همینطور است. (در سیارات چه می‌گذرد: ۶)

در نمونه ذکر شده از ترجمه کتاب هکتور سرواداک که با عنوان در سیارات چه می‌گذرد ترجمه شده است، کلمه «Aucun» با دو کاربرد متفاوت استفاده شده است. اولین کاربرد آن است که این کلمه، وند منفی‌ساز جمله است و در جمله به معنای «هیچ» می‌باشد؛ اما با این تفاوت که کلمه «rien» که در فارسی نیز به معنای «هیچ» تعریف می‌شود، نیازی به مرجع ندارد؛ در صورتی که کلمه «aucun» در جمله مرجع دارد. از طرف دیگر، کلمه «aucun» در خط دوم نمونه کاربرد "تأیید" داشته و به تنهایی معنای قوی و کافی دارد. واژه «نباید» معنای «بایستن و اجبار» را تحمیل می‌کند که در مقایسه با جمله انتخابی از متن مبدا بسیار متفاوت است. به بیان دیگر، مترجم معنای خبری را به معنای اجبار تغییر داده‌است. از طرف دیگر، با نگاهی بر فعل و زمان صرف شده در دو جمله، متوجه می‌شویم که مترجم، فعلی که در زبان مبدا به آینده ساده صرف شده‌است را به صورت التزامی «نباید نام کسی برده شود» ترجمه و صرف کرده‌است. در این حالت، جمله ترجمه‌شده برخلاف جمله مبدا، به ما حس شک را القا می‌کند که یکی از کاربردهای زمان التزامی است. همچنین در این مثال، ما شاهد ترجمه «همینطور است» برای کلمه «aucun» هستیم که از نظر ساختاری و نحوی بسیار متفاوت است. در واقع، مترجم با تبدیل کلمه «aucun» که نقش ضمیر نفی تأکید را دارد به جمله، روش جانشینی را برگزیده‌است که کاربست تحلیل توزیعی است و با این عمل، در انتقال معنا موفق بوده‌است؛ اما از نظر ساختاری به متن مبدا وفادار نبوده‌است. با این حال، ترجمه پیشنهادی با توجه به موارد گفته‌شده برای مثال فوق چنین خواهد بود:

ترجمه پیشنهادی: هیچ نامی برده نخواهد شد./ هیچ.

در خصوص نکته‌ای که شرح داده شد، موارد دیگری نیز برای اشاره وجود دارند که مترجم به شکل متفاوت عمل کرده است:

- مثال دوم:

Vraiment ?

راستی؟

Vraiment. (*Hector Servadac*, p.10) همین است که گفتم. (در *سیارات چه می‌گذرد*: ۵)

در مثال بالا، مترجم با جانشینی جمله «همین است که گفتم» موجب انتقال معنا به شکل بهتری شده است و ابهام‌زدایی کرده است. نکته دیگر در خصوص جانشینی عنوان آثار ژول ورن است. در واقع، مترجم عناوین در *سیارات چه می‌گذرد*، صاحب دنیا و *آمازیا (کارابان لجوج)* را به ترتیب برای آثار *Hector Servadac*, *Le maître du monde*, *Kéraban le têtue* برگزیده است. در واقع نویسنده نام *هکتور سرواداک* را برای اثر خود انتخاب کرده است تا بیانگر این موضوع باشد که این شخصیت در مرکز داستان قرار دارد و اهمیت زیادی دارد؛ اما مترجم این عنوان را با *در سیارات چه می‌گذرد* جایگزین کرده است تا لایه‌های ناپیدای پیام را انتقال دهد؛ به بیان دیگر جانشینی گروه اسمی با یک جمله کامل صورت گرفته است. توضیح در خصوص عناوین آثار لازم بود تا نمونه‌هایی که تا اینجا ذکر کردیم و مواردی که ذکر خواهیم کرد، سبب ابهام نشود؛ بنابراین، با توجه به وفاداری به نویسنده و رعایت ساختار-معنا، می‌توان دریافت که مترجم، انتخاب نویسنده را رعایت نکرده و مرتکب ترجمه‌ای نادرست برای عنوان اثر شده است.

در ادامه، به بررسی نمونه دیگری از ترجمه آثار ژول ورن توسط شکیباپور می‌پردازیم.

- مثال سوم:

به طوری که قبلاً نیز اشاره شد این مرخصی در اثر مأموریت ناگهانی که برای بازدید کوه غول عظیم رفته بودم قطع شده بود.... (صاحب دنیا: ۹۰)  
*On le sait, ce congé fut précisément interrompu pendant trois jours, à propos de cette enquête relative au phénomène du Great-Eyry. (Le maître du monde, p.84)*

در این نمونه، با بررسی ترجمه آن در کتاب مذکور، متوجه عدم ترجمه دقیق جمله «on le sait» به صورت «به طوری که قبلاً نیز اشاره شد» می‌شویم که نمونه بارزی در امر جانشینی است. مترجم جمله‌ای کاملاً متفاوت با آنچه که در متن مبدا وجود دارد، نوشته‌است. در واقع در کنار جانشینی عناصر در ترجمه خود، از عمل حذف/اضافه نیز استفاده کرده و جمله‌ای متفاوت را ارائه داده‌است. به صورت کلمه به کلمه اگر جمله ترجمه شده را به فرانسوی برگردانیم «comme il est déjà mentionné» می‌تواند باشد که با مقایسه آن با جمله اصلی تفاوت، قابل مشاهده خواهد بود. از این رو، ترجمه پیشنهادی برای این نمونه می‌تواند «می‌دانیم» باشد. در اینجا ممکن است مترجم با تغییر ساختار جمله، سعی در انتقال بهتر معنا را داشته‌است؛ اما در عمل موجب تغییر معنا شده و ترجمه‌ای غیر قابل قبول را ارائه کرده‌است. به چند نمونه از کتاب پنج هفته در بالن می‌پردازیم.

- مثال چهارم:

درخت لرزان (پنج هفته در بالن: ۱۲۷)  
*La montagne tremblante (Cinq semaines en ballon, p.128)*

در اینجا، نویسنده با انتخاب این عنوان در یکی از بخش‌های کتاب، با الهام از «کوه» در صدد صحبت از موقعیتی دشوار است؛ زیرا کوه متحرک نیست؛ بنابراین، این گروه اسمی حامل معنایی سرشار از اضطراب است که مترجم به صورت «درخت لرزان» ترجمه کرده‌است. درخت نیز، به دلیل وجود ریشه‌ها همانند کوه متحرک نیست؛ اما معنای این ترجمه نسبت به گروه اسمی متن مبدا ضعیف‌تر است؛ بنابراین، قابل تشخیص است که جانشینی این گروه اسمی در ترجمه

موجب تضعیف معنا شده‌است. با این حال ترجمه صحیح‌تر می‌تواند «کوه لرزان» باشد که معنای نزدیک‌تر و محتوایی دارد.

- مثال پنجم:

بالاخره بعد از کوشش‌های زیاد جهانگردان،  
*L'Afrique va enfin livrer le secret de ses vastes solitudes. (Cinq semaines en ballon, p.6)*  
 توانستند قسمت مهمی از آفریقا را که برای همه  
 ناشناس بود کشف نمایند. (پنج هفته در بالن: ۱۰)

می‌دانیم که در زبان فارسی، حالت مجهول کاربرد چندانی ندارد؛ اما در زبان فرانسوی از حالت مجهول به میزان بیشتری استفاده می‌شود. کلمه «L'Afrique» در این جمله معنای مجهول دارد؛ زیرا کلمه‌ای بی‌جان است؛ بنابراین ترجمه نزدیک این جمله می‌تواند باشد: «آفریقا در نهایت راز تنهایی‌های وسیع خود را فاش خواهد کرد». درحالی‌که مترجم این جمله را این‌گونه ترجمه کرده است: «بالاخره بعد از کوشش‌های زیاد جهانگردان، توانستند قسمت مهمی از آفریقا را که برای همه ناشناس بود کشف نمایند.» مترجم علاوه بر اضافه نمودن چند کلمه به جمله، فعل «livrer» به معنای «فاش کردن» را با فعل «کشف کردن» جایگزین کرده است. در این حالت، مترجم جمله‌ای منطقی پیشنهاد داده‌است؛ اما در کنار ترجمه، جمله جدیدی را خلق کرده‌است که نمی‌توان آن را ترجمه نامید.

- مثال ششم:

نمونه دیگری از جانشینی در سطح ساختار جمله در ترجمه کتاب *آمازیا* مشاهده شده است که به بررسی آن می‌پردازیم.

Nous voilà donc à  
 Constantinople. (*Kéraban le tétu*.  
 (آمازیا: ۸)

p.11)

عبارت پیش‌رو، یک گروه اسمی در زبان فرانسه است و یا به بیان دیگر جمله‌ای بدون فعل است که از ضمیر شخصی « Nous » و مفعول ظرف مکان « à Constantinople » تشکیل شده‌است. اصطلاح « Nous voilà » ترکیب ساختاری است که در آن عنصر مکان غالب است و در شکل قدیمی آن « vois-là » از رهگذر وندافزایی از فعل مشتق می‌شود، در واقع به‌صورت متداول برای بیان رسیدن به مکانی اطلاق می‌گردد. مترجم با گزینش معادل کارکردی به‌صورت جمله‌ای کامل، جانشینی را نمایان ساخته‌است و با جایگزینی عبارت اسمی با جمله کامل، انتقال معنی سازگاری افزون تری در متن مقصد دارد؛ چنانچه مترجم ساختار را بدون تغییر در زبان فارسی منعکس می‌کرد، انتقال پیام به چالش کشیده شده و این واحد معنایی در نقشی متفاوت تظاهر می‌یافت.

#### ۲.۴. کسر و اضافه‌سازهای صفتی - قیدی

گاهی در ترجمه‌ها و مقایسه آن‌ها با متن اصلی، متوجه حذف سازه‌هایی و یا اضافه شدن سازه‌های دیگر می‌شویم. این فرایند در لایه‌های مختلف نحوی صورت می‌گیرد که بیشترین کاربرد آن در سطح کاهش قید و صفت بوده خواه در افزایش آن. بر اساس این ویژگی، مشخصه‌های قید و صفت به‌صورت تک واژه و یا در یک گره نحوی ظاهر می‌شوند؛ انتقال آن‌ها از زبان مبدا تابع نقش دستوری در زبان مقصد است که بر مبنای آن، یک واژه می‌تواند در هر گرهی درج شود و کاربرد آن دستخوش تغییر گردد. از آنجا که مرز میان مقولات دستوری بین زبان‌های فرانسه و فارسی کاملاً از هم جدا نیست، فرایند مذکور به همراه سازوکارها و اصول حاکم در هر دو زبان در سطح بازنمون و یا بین بازنمون معنایی رخ می‌دهد. این عمل می‌تواند جهت تأکید در جمله بکار رود، همچنین می‌تواند بار فرهنگی داشته باشد؛ بطور مثال، در زبان فرانسه کلمات مترادف به میزان کمتری استفاده می‌شوند؛ اما در زبان فارسی از کلمات مترادف و متضاد بیشتر استفاده می‌شود. توجه به روابط دستوری بین سازه‌ها در سطح ارتباط معنایی بین اجزای سازندهٔ زبان موضوع مهمی به شمار می‌آید با این تفاوت که تعریفی که از این فرایند با تکیه بر

رویکرد توزیعی ارائه می‌دهیم، با تعاریفی که غالباً در آثار صرفی نحوی فرانسه یا فارسی یافت می‌شود، کم و بیش متفاوت است.

از طرف دیگر در زبان‌ها، نقش گروه‌های قیدی و صفتی برای دریافت بهتر متن بسیار مهم است؛ لذا ترجمه آن کم اهمیت نیست زیرا هر دو لایه‌های معنایی متفاوت کلمات را نشان می‌دهند؛ اما گاهی با حذف آن معنای کارکردی آن متفاوت می‌شود. اگر امکان انتقال تمام معانی مبدأ وجود نداشته باشد، بهتر است از میان معانی قابل انتقال آنچه را که تأثیرگذارتر است انتخاب کرد؛ و از ترجمه آنچه ابهام ایجاد می‌کند و یا غیر ملموس است چشم پوشید. به عبارت دیگر، «در ترجمه برای انتقال نزدیکترین معانی نیاز به اعمال تغییراتی در روابط طولی و عرضی واحدهای دلالتی است». (اسلامی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۳۵)

در نمونه‌هایی که در ادامه ذکر می‌کنیم، مترجم سازه‌های صفت و قید را در فرایند ترجمه حذف یا اضافه کرده است که معنا را تغییر می‌دهد و با تقلیل واحد دستوری ایجاد شکاف در معنی کرده و درجای دیگر با افزودن آن هم جوشی معنایی به وجود آمده است که به تحلیل مشخصه‌های این مقوله می‌پردازیم.

#### - مثال اول:

به نمونه کتاب صاحب دنیا می‌پردازیم:

*Ce congé fut précisément interrompu pendant trois jours, à propos de cette enquête relative au phénomène du Great-Eyry. (Le maître du monde, p.84)*

این مرخصی در اثر مأموریت ناگهانی که برای بازدید کوه غول عظیم رفته بودم قطع شده بود.... (صاحب دنیا: ۹۰)

در این جمله دو سازه قیدی وجود دارد که مترجم آن‌ها را حذف کرده است. «précisément» و «pendant trois jours» در جمله ترجمه‌شده وجود ندارد که موجب ناتمام ماندن معنا شده است. البته برخی از این گروه‌های قید را می‌توان از جمله حذف

کرد؛ زیرا در معنا تأثیر خاصی ندارند y اما مفعول ظرف زمان « pendant trois jours » حذف‌شدنی نیست؛ زیرا فقدان آن در این جمله موجب ایجاد کارکردی متفاوت می‌شود؛ در صورتی که فقدان قید تأکیدی « précisément » تأثیر چندانی در پیام ندارد. ترجمه پیشنهادی برای این جمله می‌تواند «این مرخصی دقیقاً به مدت سه روز متوقف شد» باشد که در آن ترجمه دو سازه رعایت شده‌است.

- مثال دوم:

*La place de Top-Hanté, à Constantinople, si animée d'ordinaire par le va-et-vient et le brouhaha de la foule, était silencieuse, morne, presque désertée. (Kéraban le têt, p.6)*

میدان بزرگ شهر اسلامبول که معمولاً پر از جمعیت و انباشه از هیاهوی مردم رهگذر بود در آن روز در سکوت عمیقی فرو رفته بود. ... و سکوت بر همه چیز سایه افکنده بود. (آماریا: ۶)

بررسی این جمله با ترجمه آن نمایانگر حذف صفت‌هایی و اضافه شدن عناصری دیگر در ترجمه است. مترجم به کلمه «میدان»، صفت «بزرگ» را افزوده و همچنین صفت دلگیر «morne» و صفت خالی «désertée» را در ترجمه حذف کرده است و معادل آن را گروه مفعول ظرف مکان «سکوت بر همه چیز سایه افکنده بود» برگزیده است؛ اما حذف صفت در ترجمه این جمله برداشتی متفاوت از زبان در روایت داستان که یکی از نشانه‌های متن ادبی است ارائه می‌دهد و بدین سان مترجم با چرخش زاویه دید و ترجمه آزاد از میزان اثر گذاری متن مبدأ می‌کاهد. (بلومفیلد، ۱۳۷۹: ۸۹)

- مثال سوم:

به مثال دیگری از کتاب پنج هفته در بالن توجه می‌کنیم.

رئیس جلسه (سیر فرانسیس) مشغول سخنرانی  
 بود و مطالب مهمی را در بین سرو صدا و  
 هورا‌های پی در پی همکاران به اطلاع آنان  
 می‌رسانید. (پنج هفته در بالن: ۳)  
*Le président, Sir Francis M..., faisait à ses honorables collègues une importante communication dans un discours fréquemment interrompu par les applaudissements. (Cinq semaines en ballon, p.1)*

در این نمونه، مشاهده می‌شود که مترجم زبان مقصد را مدّ نظر قرار داده و به صورت مقصدگرا دست به ترجمه برده است: در این جمله، دو صفت حذف شده و صفت دیگری به ترجمه افزوده شده است. مترجم گروه صفتی « *à ses honorables collègues* » به معنای « به همکاران محترم خود » را حذف کرده است برای آنکه تأثیر بیشتری بر مخاطب خود بگذارد. در این جمله شاهد تغییر معنا هستیم. حذف اسم مفعول « *interrompu* » نیز در جمله به ساده‌سازی در ترجمه منتهی می‌شود؛ زیرا گروه قیدی « *un discours fréquemment interrompu* » به معنای « سخنرانی که پی در پی قطع می‌شد » است که مترجم فقط قید « پی در پی » را افزوده است. در اینجا مشاهده می‌کنیم که مترجم با اختیار کسر و اضافه عناصر دستوری، دغدغه فهم بهتر را داشته است و ضرب آهنگ کلام در زبان مقصد مد نظر او نبوده است.

### ۳.۴. جابجایی گروه های فعلی-قیدی

در ارتباط با جابجایی در ترجمه، همواره عناصری در زبان وجود دارند که در زمان انتقال به زبان مقصد دچار جابجایی می‌شوند. بر خلاف مباحث پیشین، تحلیل توزیعی که در تحلیل داده‌ها شرح داده شد، این فرایند ناظر بر چهارچوبی است که جابجایی عناصر تأثیر کمتری بر معنا دارد؛ چرا که دست کم در مواجهه با عمل ترجمه، عنصری اضافه نشده و حذف یا حتی جایگزین نمی‌شود؛ بلکه جابجایی‌ای در گوشه و کنار ترجمه اتفاق می‌افتد. در ساختار جمله مهمترین عضو را فعل می‌دانند؛ زیرا عمده بار معنایی جمله بر روی فعل است و به عقیده گرماس<sup>۱</sup> هر

<sup>1</sup> Greimas

روایت شامل چندین سکانس است و هیچ سکانشی بدون هسته مرکزی عبارت که همان فعل است، معنا ندارد (ساسانی و اینانلو، ۱۴۰۱: ۱۱۱)؛ لذا در این قسمت از پژوهش با ذکر نمونه‌هایی، تأثیر جابجایی را در سطح واحدهای ترجمه بررسی می‌کنیم. به نمونه ذکر شده از کتاب *کارابان* لجوج در بخش کسر و اضافه می‌پردازیم.

- مثال اول:

*Ce jour-là, 16 août, à six heures du soir, la place de Top- Hanté, à Constantinople. (Kéran le têteu, p.6)*

میدان بزرگ شهر اسلامبول که معمولاً پر از جمعیت و انباشته از هیاهوی مردم رهگذر بود در آن روز در سکوت عمیقی فرو رفته بود. در ساعت چهار بعد از ظهر شانزدهم ماه اوت رفت و آمد چندانی دیده نمی‌شد و سکوت بر همه چیز سایه افکنده بود. (آمازیا: ۶)

در این جمله و با بررسی ترجمه آن متوجه شدیم که عناصری از جمله جابجا شده‌اند. در جمله اصلی، تاریخ و ساعت « 16 août, à six heures du soir » در ابتدا آمده است؛ اما در ترجمه، مترجم این عناصر را جابجا کرده است. در ارتباط با تأثیر این جابجایی‌ها می‌توان متوجه تبدیل یک جمله نویسنده به دو جمله از سوی مترجم اشاره کرد. به‌طوری‌که دو عنصر ذکر شده به جمله دوم منتقل شده‌اند. در زبان فرانسه غالباً جایگاه قید زمان در ابتدای جمله است حال آنکه در زبان فارسی جایگاه آن متغیر بوده و به راحتی جابجا می‌شود. نمونه دیگری از کتاب

پنج هفته در بالن را بررسی می‌کنیم.

- مثال دوم:

*Il y avait une grande affluence d'auditeurs, le 14 janvier, à la séance de la société royale géographique de Londres, Waterloo place, 3. (Cinq semaines en ballon, p.1)*

روز ۱۴ ژانویه سال ۱۸۶۲ جمع کثیری در سوسپته سلطنتی جغرافیایی لسن واقع در (واترلو پلیس) گرد هم فراهم آمده بودند. (پنج هفته در بالن: ۳)

در این نمونه، فعل در ابتدای جمله صرف شده و قرار گرفته‌است که یکی از ویژگی‌های زبان فرانسه است؛ در صورتی که در زبان فارسی، فعل در آخر جمله قرار می‌گیرد. مشخص است که مترجم، گروه قیدی «روز ۱۴ ژانویه» را جابجا نموده و به ابتدای جمله آورده‌است. این جابجایی برای خوانش روان جمله نقش مثبتی داشته و از آنجایی که تأثیر منفی در معنا نداشته و به بیانی معنا حفظ شده‌است، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که جابجایی تأثیری در انتقال معنا نداشته‌است؛ اما در کاربرد صحیح زیرساخت زبان مقصد تأثیر مهمی دارد. شکیباپور در ترجمه - های مثال‌های ذکر شده از ساده‌سازی پرهیز کرده و شیوایی نثر ژول ورن را با توجه به تغییرات ساختاری تا حد ممکن در زبان فارسی منعکس کرده است.

## ۵. نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، ضمن بررسی اصول کلیدی تحلیل توزیعی به معرفی کاربری جدید آن در حیطه نقد ترجمه در چهار سطح معیار پرداختیم. بر اساس این طبقه‌بندی مشاهده شد که تغییر در ساختار نحوی روایت، لزوماً به معنای ناهمسانی در معنا نیست؛ زیرا دسترسی به اثری ادبی، روایتگر اقتباس در زبان معاصر آن است. امروزه، ترجمه‌های قدیمی قادر به بازتولید معنایی هم‌راستا با زبان معاصر رایج در جامعه نبوده و گاهای موجب دشواری در درک معنای متن اصلی می‌شود. در این پژوهش با تکیه بر آراء هریس و رویکرد تحلیل توزیعی، نمونه‌هایی از آثار ژول ورن با ترجمه شکیباپور را بررسی کردیم و دریافتیم که تناظرهای معنایی با نحو در زبان مقصد شکل می‌گیرند. با توجه به تعدیل در ترجمه‌های وی مشاهده شد که علیرغم فاصله‌ای که از متن اصلی گرفته است، ترجمه‌ای نسبتاً قابل قبول ارائه می‌دهد؛ زیرا وی در دورانی دست به ترجمه این آثار زده‌است که عوامل زبانی و دامنه لغات به اتخاذ کاربرد آن زمان به کار رفته‌است، هرچند که می‌تواند از لحاظ ساختار بن‌مایه‌های زبانی نسبت به متن مبداء مشکلاتی به وجود آورد.

همواره ترجمه همچون زبان در حال تغییر و پویایی است و این تأثیر گذر زمان در ترجمه‌های متاخر این مترجم مشهود است. از آنجا که زبان‌ها نسبت به یکدیگر تفاوت‌های ذاتی دارند که موجب ایجاد پیچیدگی در فهم آن در فرایند ترجمه می‌شود، از ورای تحلیل نمونه‌های ترجمه دریافتیم که به موجب واگرایی‌های موجود در ساختارهای زبان فرانسه و فارسی، تغییرات اساسی در کاربرد عناصر زبانی نزد یک مترجم از یک نویسنده خاص در سطوح مختلف نمایان می‌شود؛ زیرا اگر مترجم ساختار زبانی خود را هم‌راستا با متن و دوران معاصر خود نسازد، در نهایت در طول زمان محصول یک ترجمه از انتظارات مخاطبان خود فاصله می‌گیرد.

#### کتابنامه

- اسلامی، همایون؛ جعفری کاردگر، سعدی؛ کمالی، محمد جواد. (۱۴۰۲). ترجمه‌پذیری ایهام: بررسی برگردان اشعار حافظ به زبان فرانسه. *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*. دوره ۶، شماره ۲، صص ۳۳-۵۷.
- احمدی، فوزیه. (۱۳۹۵). *بررسی تأثیرجنسیت در به کارگیری عبارت‌های احتیاط‌آمیز و تأکیدها در/دستان‌های کوتاه/انگلیسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه محقق اردبیلی.
- آقاگل‌زاده، فردوس؛ افخمی، علی. (۱۳۸۳). «زبان‌شناسی متن و رویکردهای آن». *مجله زبان‌شناسی*، سال ۲۳، شماره اول، صص ۸۹-۱۰۳.
- امیری خراسانی، احمد؛ علی‌نژاد، حلیمه. (۱۳۹۴). «بررسی عناصر انسجام متن در نفثه‌المصدور بر اساس نظریه هالیدی و حسن»، *متن پژوهی/دبی*، شماره ۶۳، صص ۷-۳۲.
- بلومفیلد، لئونارد. (۱۳۷۹). *زبان*. ترجمه محمدعلی حق‌شناس. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پالمر، رابرت فرانک. (۱۳۶۶). «نگاهی تازه به معناشناسی». ترجمه کوروش صفوی. چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۸۸). «معرفی و نقد کتاب مکاتیب زبان‌شناسی نوین در غرب». ویژه نامه نامه فرهنگستان (دستور). شماره ۵، صص ۳۱۴-۲۹۱.

دهقان طزرجانی، محمداسماعیل؛ ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۹). «بررسی عناصر انسجام دستوری و واژگانی در شعر عامه (مورد مطالعه: لالایی)» فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شماره ۶۳، صص ۴۱-۶۴.

رحیمیان، جلال. (۱۳۸۸). «تجزیه و تحلیل توزیعی، نقشی و معنایی گروه قیدی در زبان فارسی»، پژوهش‌های زبانشناسی، شماره ۱، صص ۱۱-۲۶.

زنده بودی، مهران. (۱۳۹۶). جستارهایی نو در باب ترجمه شناسی. تهران: روزگار.

ساسانی، فرناز. اینانلو، مهکامه. (۱۴۰۱). «شگرد افعال گذشته در کدبرگردانی ترجمه رمان پرندگان می‌روند در پرو می‌میرند اثر رومن گاری». پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، دوره ۱۲، شماره ۱، صص ۱۱۰-۹۴.

صالح بک، مجید؛ کاظمی، فاطمه. (۱۳۹۲). «بررسی ترجمه متون سیاسی از دیدگاه بافت زبانی با نگاهی به کتاب التطرف السرائیلی، جذوره و حصاده»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، شماره ۸، سال ۳، صص ۵۵-۸۰.

صفوی، کورش. (۱۳۷۰). هفت گفتار در باره ترجمه. تهران: نشر مرکز.

فارسیان، محمدرضا. (۱۳۹۲). «ژول ورن: دانشمند نویسنده یا نویسنده دانشمند». فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه (دانشکده ادبیات و علوم انسانی)، شماره ۱، صص ۷۹-۶۵.

فتوحی نانساء، ملیکا؛ اطهاری نیک عزم، مرضیه. (۱۳۹۸). «بررسی دشواری‌های پیش روی مترجم در ترجمه اسامی حیوانات در دو زبان فارسی و فرانسه»، پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، شماره ۲، صص ۸۹-۶۱.

مختار عمر، احمد. (۱۳۸۵). علم/الدلاله. ترجمه سید حسین سیدی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

منافی اناری، سالار. (۱۳۸۴). «رویکردی زبانشناختی به ترجمه»، مجله زبان و زبانشناسی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۷۵-۹۰.

نجابتی، محمد. (۱۳۹۹). «مصائب ترجمه ژول ورن». فصلنامه مترجم، دوره ۲۹، شماره ۷۱، صص ۱۴۷-۱۵۴.

ورن، ژول. صاحب دنیا. (۱۳۶۱). ترجمه عنایت الله شکیبایور. تهران: دنیای کتاب.

- ورن، ژول. (۱۳۶۳). *پنج هفته در بالن*. ترجمه عنایت الله شکیباپور. تهران: گنجینه.
- ورن، ژول. (۱۳۶۹). *کارابان لجوج (آمازیا)*. ترجمه عنایت الله شکیباپور. تهران: نهال نویدان.
- ورن، ژول. (۱۳۷۰). *در سیارات دیگر چه میگذرد*. ترجمه شکیباپور. تهران: فخررازی.
- Billami, M.B. Gala, N. (2016). « Approches d'analyse distributionnelle pour améliorer la désambiguïsation sémantique ». in *Laboratoire d'informatique fondamentale de Marseille*.
- Eco, Umberto. (2000). *Dire presque la même chose*. Paris : Biblio essais.
- Halliday, M,A,K. & Hasan,R.(1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
- Harris, Zellig. (1969). « Analyse de discours ». in *Langages*, n°13, pp. 8-45.
- Larose, Robert. (1998). « Méthodologie de l'évaluation des traductions ». in *Meta*, Volume 43, N.2. pp. 163-186.
- Mazhari, Mina. Farjah, Marjan. (2017). « Les défis de la traduction des éléments stylistiques, sémantiques et culturels : le cas de Poirier ». in *Recherches en Langue et Littérature Françaises*. Volume 11, N.19. pp. 171-185.
- Moniz, A.I. Tresaco, M.P. (2017). « Traductions portugaises des voyages extraordinaires de Jules Verne ». in *Revue électronique d'études françaises*. Deuxième série.
- Truchon, Lilian.(2014). «Les premières traductions chinoises des romans de Jules Verne et l'idée d'évolution socio-politique», *Hall*, pp. 1-19.
- Verne, Jules. (1862). *Cinq semaines en ballon*. Paris : Bibliothèque d'éducation et de récréation.
- Verne, Jules. (1877). *Hector Servadac*. Paris : Pierre-Jules Hetzel.
- Verne, Jules. (1883). *Keraban le tétu*. Paris : Pierre-Jules Hetzel.
- Verne, Jules. (1904). *Le maître du monde*. Paris : Pierre-Jules Hetzel.
- Zhang, F.X. (2017). « Relier la science à la littérature- la traduction de Jules Verne en chinois ». In *HAL open science*. pp. 1-23.

## **Analyse Comparative de la Recherche d'Identité dans *Stupeur et Tremblements* et *La Mauvaise Leçon de Diable* et *La Tyrannie Exercée À Un Peuple* selon la Gynocritique d'Elaine Showalter**

**Tahéréh Djafari Héssarlou**<sup>1</sup> (Auteur correspondant) 

Doctorat de Langue et Littérature Française, Département de Langue et Littérature Française, Branche Centrale de  
Téhéran, Université Azad Islamique, Téhéran, Iran

**Seyed Heidar Djafari Héssarlou**

Master en Droit International, Séminaire de Ghom, Ghom, Iran.

**Hamid Réza Saeili**

Étudiant en Master, Université Tarbiat Modares, Téhéran, Iran.

### **Résumé**

La littérature comparée décrit les relations littéraires de différentes nations et le reflet des littératures nationales les unes sur les autres. Les femmes écrivaines ont souvent été confrontées aux mêmes préoccupations, objectifs et problèmes. Dans la plupart de leurs œuvres, elles illustrent les règles et l'ordre masculin qui gouvernent la société. Les écrivaines critiquent le système des croyances et la structure du système masculin et représentent les inquiétudes, les tendances, les objectifs et les angoisses des femmes. Dans cet article, grâce à l'approche descriptive-analytique et comparative, nous avons l'intention de faire une étude comparée dans *Stupeur et Tremblements* d'Amélie Nothomb et *La Mauvaise Leçon de Diable* et *La Tyrannie Exercée À Un Peuple* de Farkhondeh Aghaei. Cette recherche est basée sur le modèle culturel de l'Anglo-Américaine gynocritique d'Elaine Showalter. Nothomb et Aghaei en choisissant une femme comme personnage principal de leurs romans, examinent la situation et la position des femmes et dépeignent leur vie pleine de douleurs. Parfois, les deux auteures parlent des inquiétudes et des souffrances des femmes, et parfois elles illustrent leurs plaintes et révoltes sporadiques. Ces deux écrivaines, en profitant des pensées féminines, mettent en relief la dimension féminine de leurs romans. La critique patriarcale est observable dans ces deux romans. La prise de position des deux auteures en faveur des femmes n'est pas cachée aux yeux du lecteur. Les résultats de cette recherche indiquent que le regard de deux auteures à la situation et au rôle social des femmes est critique et elles exigent des changements fondamentaux dans l'opinion de la société sur les problèmes et les difficultés des femmes et les interprétations patriarcales.

**Mots-clés :** Gynocritique, Elaine Showalter, Amélie Nothomb, Farkhondeh Aghaei, Identité.

---

<sup>1</sup>. E-mail: taherehesarlou@gmail.com DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2024.90240.1131>  
<https://orcid.org/0000-0003-2848-7917>

## **A Comparative Analysis of the Search for Identity in *Fear and Trembling* and *Learned from Devil and Burned* in Light of Elaine Showalter's Literary Gynocriticism**

**Tahereh Jafari Hesarlou**<sup>1</sup> (Corresponding author) 

PhD in French Language and Literature, Department of French Language and Literature, Tehran Central Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Seyed Heidar Jafari Hesarlou**

Master in International Law, Ghom Seminary, Ghom, Iran.

**Hamid Reza Saeili**

Master Student, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

### **Abstract**

Comparative literature describes literary relationships of different nations and the reflection of the literature of different countries on each other. Woman writers had often been facing the same concerns, goals and problems. In most of their works, they illustrate the rules and masculine order that governs society. Female authors criticize the belief system and the outcome of masculine society and represent women's worries, tendencies, goals and anxieties. The present article, through a descriptive, analytical and comparative method compared Amélie Nothomb's *Fear and Trembling* and Farkhondeh Aghaei's *Learned from Devil and Burned*. This study is based on the cultural model of Anglo-American female literary criticism of Elaine Showalter. Nothomb and Aghaei investigated the status and position of women by selecting women as the main character of their novels and describe painful life of women. Sometimes both authors talk about women's worries and anxieties, and sometimes they illustrate their occasional complaints and revolts. Both authors have highlighted the femininity dimension of their novels by taking benefit from specific to the thoughts of women. A critique of patriarchy is observable in these two novels. The partiality of both authors in favor of women is clear to reader. The results of this research indicate that two authors pay attention to women's situation and social role with a critical view and they want basic alterations in the society's opinion for women's problems and difficulties and patriarchal interpretations.

**Keywords:** Literary Gynocriticism, Elaine Showalter, Amélie Nothomb, Farkhondeh Aghaei, Identity.

---

<sup>1</sup>. E-mail: taherehesarlou@gmail.com DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2024.90240.1131>  
<https://orcid.org/0000-0003-2848-7917>

نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، دوره هفتم، شماره دوم (پیاپی ۱۳)، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

## تحلیل تطبیقی جستجوی هویت در «ترس و لرز» و «از شیطان آموخت و سوزاند» بر اساس نظریه الاین شوالتر

مقاله پژوهشی

طاهره جعفری حصارلو<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) 

دکتری زبان و ادبیات فرانسه، گروه زبان و ادبیات فرانسه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سیدحیدر جعفری حصارلو

کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، حوزه علمی قم، قم، ایران

حمیدرضا سائیلی

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

### چکیده

ادبیات تطبیقی از روابط ادبی ملت‌های مختلف با هم و از بازتاب ادبیات کشورها بر یکدیگر سخن می‌راند. نویسندگان زن غالباً با دغدغه‌ها، مشکلات و آرمان‌های مشابهی روبرو بوده و در بیشتر آثارشان به ترسیم قواعد و نظام مردانه حاکم بر جامعه می‌پردازند، و ضمن انتقاد از نظام باورها و برساخته‌های نظام مردانه، دغدغه‌ها، تمایلات، اهداف و نگرانی‌های زنان را بیان می‌کنند. این مقاله با شیوه توصیفی-تحلیلی، به بررسی تطبیقی و مقایسه‌ای ترس و لرز آملی نوتومب و *از شیطان آموخت و سوزاند* فرخنده آقایی می‌پردازد. این پژوهش بر اساس الگوی فرهنگی نقد ادبی زن‌محور انگلیسی-آمریکایی الاین شوالتر بنا شده است. نوتومب و آقایی با انتخاب قهرمان زن در هر دو رمان، به بررسی موقعیت و جایگاه زن پرداخته و زندگی آمیخته به درد زنان را به تصویر می‌کشند. گاه از دغدغه‌ها و اندوه‌های آنان سخن می‌گویند و گاه تصویرگر شکوه‌ها و عصیان‌های آنان هستند. هر دو نویسنده با بهره‌گیری از اندیشه‌های زنانه، بعد زنانگی رمان‌هایشان را برجسته کرده‌اند. نقد مردسالاری در هر دو رمان دیده می‌شود و جانبداری هر دو نویسنده نسبت به زن از دید خواننده مخفی نمی‌ماند. نتایج این پژوهش نشانگر این است که هر دو نویسنده با دیدی انتقادی به جایگاه و نقش اجتماعی زن نگرسته و خواستار تغییر بنیادین در نگرش جامعه به مسائل و مشکلات زن و تفاسیر مردسالارانه هستند.

**کلیدواژه‌ها:** نقد ادبی زن‌محور، الاین شوالتر، آملی نوتومب، فرخنده آقایی، هویت.

<sup>۱</sup>. E-mail: taherehesarlou@gmail.com DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2024.90240.1131>  
<https://orcid.org/0000-0003-2848-7917>

## ۱. مقدمه

ادبیات تطبیقی نوعی داد و ستد فرهنگی است که از روابط فرهنگی و ادبی ملت‌های مختلف و انعکاس فرهنگ و ادبیات کشوری در فرهنگ و ادبیات کشورهای دیگر سخن می‌گوید که نشانه انتقال پدیده‌های ادبی یک کشور به ادبیات کشورهای دیگر است. شباهت‌های موجود بین متن-های ادبی ناشی از تأثیرپذیری مستقیم و غیر مستقیم ملت‌ها از یکدیگر و یا تواردهای ادبی، دلیل بر خویشاوندی ذهنی و روانی بشر در طی قرون و اعصار مختلف در دهکده جهانی است.

در دهه چهل و بعد از تحولات اجتماعی-اقتصادی دوران مشروطه و آشنایی با فرهنگ و تمدن اروپایی، زمینه فعالیت ادبی زنان فراهم گردید. زنان کم‌کم به نوشتن روی آوردند و نگارش زنان امر اجتماعی پذیرفته شده محسوب شد و زنان اجازه یافتند تا با نام و هویت واقعی خود به خلق آثار داستانی روی آورند. مبارزات فمینیستی زنان امریکایی و اروپایی جهت کسب حق رأی و فعالیت در زمینه‌هایی که پیش‌تر از آن‌ها محروم بودند، در اوایل قرن بیستم اوج گرفت.

با تحولات اجتماعی و ورود نویسندگان زن به عرصه داستان‌نویسی، برای رهایی از قیدوبندها و احیای هویت جنس دوم، فضایی فراهم گردید تا زنان سکوت تاریخی خود را شکسته، مظلومیت خویش را ترسیم و بغض فروخورده خود را فریاد بکشند. نویسندگان زن در تلاشند اندیشه‌ها و خواسته‌های خود را آزادانه و بدون ملامت جامعه مردمدار بیان کنند. نقش و جایگاه زنان از زوایای دید مختلف و با رویکردهای متعددی بررسی شده است. یکی از نظریه‌پردازان بزرگ فمینیسم در قرن بیستم، الاین شوالتر<sup>۱</sup> است که می‌کوشد الگوی جدیدی برای تجربه، زندگی و سبک زنان ارائه دهد. رویکرد فرهنگی شوالتر به نقش جامعه در چگونگی فعالیت‌ها و شغل زنان، نحوه مواجهه فرهنگ‌های مختلف با جنس زن، مسائل اجتماعی مربوط به زنان و دیدگاه حاکم بر زنان در جامعه می‌پردازد. از این حیث با مباحث مربوط به نقد جامعه شناختی قرابت بسیاری دارد؛ چون موقعیت فردی نویسنده در تعامل با مردم جامعه و شرایط اجتماعی و اوضاع

<sup>۱</sup> Elaine Showalter

فرهنگی جامعه‌ای که نویسنده به نگارش اثر خود پرداخته و در آن زندگی می‌کند، محتوا و ساختار رمان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد؛ زیرا نویسندگان، موضوعات اصلی رمان را از متن جامعه می‌گیرند و متن ادبی بازتابی از جهان اجتماعی نویسنده است. از دیدگاه شوالتر «هدف نقد زن محور بوجود آمدن چارچوبی مؤنث برای تحلیل ادبیات زنان است که به منظور پدید آمدن الگوهای جدید مبتنی بر مطالعه تجربه زنان انجام می‌پذیرد و نه جرح و تعدیل الگوها و نظریه‌های مذکر» (گرین، ۱۳۸۳: ۳۴۲).

این پژوهش در صدد است تا ترس و لرز آملی نوتومب و از شیطان آموخت و سوزاند فرخنده آقایی را به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر اساس الگوی فرهنگی شوالتر مورد تطبیق قرار دهد. برای نیل به این منظور، یافتن پاسخ این پرسش‌ها ضروری است: وجوه مشترک این دو رمان از نظر الگوی فرهنگی الاین شوالتر چیست؟ آملی نوتومب و فرخنده آقایی در ترس و لرز و از شیطان آموخت و سوزاند چه جنبه‌هایی از الگوی فرهنگی الاین شوالتر را مد نظر قرار داده‌اند؟ فضای اجتماعی و فرهنگی خلق شده از سوی نوتومب و آقایی در این دو رمان چه نگرشی نسبت به زنان و مشکلات مربوط به زنان دارد؟

فرضیه پژوهش بر این اساس استوار است که فضای فرهنگی و اجتماعی خلق شده، قهرمانان زن روشن فکر و تحصیل کرده هر دو رمان را به طور جدی در تنگنا قرار داده، تمایلات بلندپروازانه آن‌ها را سرکوب، حقوقشان را نقض و سرگذشت تلخشان را روایت می‌کند. هدف اصلی این پژوهش، مطالعه تطبیقی این دو رمان از منظر الگوی فرهنگی الاین شوالتر و تحلیل مضامین مشترک مسائل زنان از بعد اجتماعی و فرهنگی، چگونگی انعکاس مسائل زنان در جهت درک جامعه شناختی هر دو نویسنده و ماهیت آثارشان است.

## ۲. پیشینه تحقیق

در آفرینش قهرمانان زن در آثار مردان غالباً این مسأله اساسی وجود داشته است که «به واسطه» از طرف زنان سخن رانده‌اند و عواطف و احساسات آنان را «به واسطه» بیان کرده‌اند و این «به واسطه بودن‌ها» تا حدودی از اصالت رمان‌های رئالیستی آنان کاسته است. «دیگر وقت آن بود که (نویسنده) مثل یک زن بنویسد؛ اما زنی که زن بودن خود را فراموش کرده است و با این وصف صفحات کتابش، سرشار از کیفیت جنسیتی عجیبی می‌شود که فقط زمانی پدید خواهد آمد که از جنسیت خود غافل باشد» (وولف، ۱۳۸۳: ۱۳۴). فمینیسم جنبشی سیاسی-اجتماعی به معنای زن‌باوری و زن‌محوری است که در جهت برابری زنان با مردان و دفاع از حق و حقوق زنان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، خانوادگی ... سخن می‌گوید: «چشم اندازی است که در پی رفع کردن فرودستی، ستم، نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌هایی است که زنان از آن‌ها رنج می‌برند» (بیسلی، ۱۳۸۵: ۲۰). به هر حال نقد فمینیستی:

از یک سو به مردان و فرهنگ مذکر حاکم بر فضای فردی و اجتماعی امکان می‌دهد تا تصویر نادرستی را که از زنان ترسیم کرده‌اند، مورد بازنگری قرار دهند و به خیالی و فانتزی بودن آن بیشتر پی ببرند و سعی کنند به تصویرهای واقعی‌تر از زنان دست یابند و از سوی دیگر، به خود زنان امکان می‌دهد که با شناختن و فاصله گرفتن از تصویر غیرواقعی خود بهتر بتوانند خود را ارزیابی کنند و بازیابند و تصویر درست‌تری از خود ترسیم کنند (تلخابی، ۱۳۸۴: ۸۰).

ویرجینیا وولف در کتابش با عنوان *اتاقی از آن خود* که در سال ۱۹۲۹ انتشار یافت، درباره ضرورت نویسندگی زنان می‌نگارد که:

زنان می‌توانند درباره بسیاری از مسائلی بنویسند که مردان قادر به آن نیستند. آنان توانایی توصیف به تفصیل زنان و احساسات ایشان را دارند، به روشی فراتر از آنچه توسط مردان توصیف شده است و آن‌ها می‌توانند مردان را از دریچه نگاه زنان تصویر کنند (نوربخش، ۱۳۸۲: ۹۶).

بنابراین ترسیم جهان از دیدگاه زنان، صرفاً از قاب ذهنیت زنان میسر است: در این نوع ادبیات، زنان از زاویه دید و دیدگاه زنانه تصویر می‌شوند، همذات پنداری نویسنده و راوی مشهود است و نقش زنان تنها ایجاد بحران، کشمکش و رفع آن نیست؛ بلکه مخاطب را به نگرش در فردیت خود فرا می‌خوانند؛ به عبارت بهتر، زنان دیگر به مثابه دیگری نیستند و محرومیت‌ها، موقعیت‌ها و تجارب مختلف خود را در هیئتی دیگر ترسیم می‌کنند (علی‌پورکسگری، ۱۳۸۰: ۹۶). نقد زنانه خود را وقف توسعه و تکامل آثار زنان برای بحث و تبادل نظر می‌کند، واضع مبانی و اصولی ضروری برای تحلیل این آثار است و با توجه به مضامین و ساختار آثار ادبی نویسندگان زن، در صدد شناخت پویای روانی فعالیت‌های زنانه است.

از میان پژوهش‌های انجام شده می‌توان به مقاله «روایت زمان در رمان *از شیطان آموخت و سوزاند*» از فیروز فاضلی و فاطمه تقی‌نژاد (مجله ادب پژوهی، ۱۳۹۵) اشاره کرد که به بررسی و تحلیل روایت از دیدگاه ژرار ژنت می‌پردازد. در مقاله «بررسی مؤلفه‌های اصلی مشترک ترسیم شده از شخصیت زنان سنتی و مدرن در آثار زویا پیرزاد و فرخنده آقایی» از زهرا عظیمی و اسماعیل صادقی (نشریه متن پژوهی ادبی، ۱۴۰۰)، نویسندگان با سبکی رئال به بررسی مسائل زندگی زنان در آثار پیرزاد و آقایی پرداخته‌اند. مقاله «بازنمایی جلوه‌های زنانه در سه رمان از نویسندگان زن ایرانی» نوشته نیلوفر بنی‌طرفی و شبنم حاتم‌پور (پژوهشنامه ادبیات داستانی، ۱۳۹۸)، جلوه‌های زنانه و تعارضات فرهنگی دو جنس مخالف در جامعه، در آثار فرخنده آقایی، فریبا وفی و زویا پیرزاد تبیین می‌شود. در مقاله «معماری در ادبیات، ترس و لرز اثر املی نوتوم» از شراره چاوشیان و مریم شریف (مجله زبان پژوهی، ۱۳۹۸)، نویسندگان به بررسی فروپاشی شخصیت و تناسب انتخاب برج به عنوان فضای داستان و سقوط شخصیت پرداخته‌اند. در مقاله «بررسی شهود بیانی مترجم در ترجمه با تکیه بر ترجمه رمان «کشتی‌های هوایی» اثر املی نوتوم» نوشته روح‌اله رضاپور و صدف محسنی (نشریه پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، ۱۴۰۰)، نویسندگان اثبات کرده‌اند که مترجم با شهود بیانی می‌تواند ترجمه خود را از ساختار

محوری مبدأ برهاند و در زبان مقصد، ساختار مناسبی جایگزین آن کند. در مقاله «تحلیل روان-شناختی بحران هویت قهرمان زن در فرهنگ مردسالار از خلال مطالعه رمان ترس و لرز نوشته نوتومب» نوشته زهرا سعادت‌نژاد، نگار مزاری و محمدرضا فارسیان (مجله مطالعات زبان و ترجمه، ۱۳۹۹)، پژوهشگر درصدد یافتن تیپ شخصیتی آملی از لحاظ مهرطلبی، برتری‌طلبی و عزت‌گزینی است و به بررسی راهکارهای دفاعی برای مبارزه با سرگشتگی آملی می‌پردازد. پژوهشگر کشمکش‌های درونی آملی، قهرمان داستان و کارکردهای ذهن او را از دید روان‌شناختی و با تکیه بر نظریات کارن هورنای بررسی می‌کند. در مقاله «بررسی نوشتار اتوبیوگرافیک در آثار املی نوتومب با تکیه بر نظریه لوژون و دوبروفسکی» نوشته پریا شجاعی و فاطمه خان‌محمدی (مجله مطالعات زبان و ترجمه، ۱۳۹۵)، پژوهشگر دلیل انتخاب سبک اتوبیوگرافیک و اتوفیکسیون نزد نوتومب را بر اساس آرای دوبروفسکی و لوژون تبیین کرده و توضیح می‌دهد که رمان اتوبیوگرافیک از لحاظ روان‌شناسی چه تأثیری در تسلای ترومای روحی دارد؛ اما تاکنون پژوهشی تطبیقی به‌ویژه در مورد بررسی الگوی فرهنگی الاین شوالتر در این دو اثر نوتومب و آقایی صورت نگرفته است.

### ۳. چارچوب نظری

ادبیات تطبیقی به کشف روابط فرهنگی بین ملت‌ها، درک تحولات ادبی روابط فرهنگی و صلح و دوستی بین ملل مختلف می‌انجامد و شامل بررسی تأثیر و تأثرات ادبی ناشی از ارتباطات تاریخی بین ملل مختلف و تفاوت‌های زبانی (مکتب فرانسوی)، شباهت‌های ادبی بدون الزام اثبات ارتباطات تاریخی (مکتب آمریکایی) و مطالعات بین رشته‌ای است. مکتب آمریکایی، ادبیات را پدیده‌ای جهانی دانسته و ادبیات تطبیقی را صرفاً مقایسه دو ادبیات با یکدیگر نمی‌داند و به بررسی رابطه بین ادبیات و دیگر شاخه‌های علوم انسانی، هنرهای زیبا، سایر حوزه‌های فکری و هنری بشر می‌پردازد. «پدیده جهانی شدن، صرف‌نظر از نقش مثبت یا منفی آن، عامل

مهمی است که حوزه فرهنگ را به طور عام و ادبیات تطبیقی را به طور خاص، تحت تأثیر خود قرار خواهد داد» (جعفری حصارلو، ۱۳۹۹: ۴۲).

الاین شوالتر بنیانگذار نقد ادبی زن محور یا نقد وضعی زنان است که نظریه نقادانه ادبی زنانه خود را به دو گونه نقد زنانه نگر و نقد زن محور تقسیم می کند. نگرش نقد زنانه نگر به زن، به مثابه این است که «زن در کدام نقش قالبی به خواننده عرضه می شود» (طلائی و طلائی، ۱۳۹۷: ۴۳۹). ضعف نقد زنانه نگر این است که «مرد محور است؛ در نتیجه به جای درک درست تجربه زنان و یادگیری زبانشان آنچه را در می یابیم که مردان فکر می کنند زنان باید باشند» (شوالتر، ۱۹۹۷: ۲۱۸). نقد زن محور شوالتر شامل زنان نویسنده ای می شود که خود آفریننده معنای متنی با تاریخ، مضامین، ساخت ها و گونه های ادبی زنانه هستند. در این نقد «تکیه بر زن نویسنده است و به گفتمان زنانه و زبان زنانه می پردازد تا به پوشش روانی خلاقیت زنانه راه برد» (شوالتر، ۱۹۹۷: ۲۱۷). این مکتب از آن دیدگاه به نوشتار زنان می پردازد که یک زن، آفریننده اثر است. یا به عبارتی به «ادبیات زنان» می پردازد. این دو نویسنده معاصر، داستان بی پناهی دو زن اقلیت (ژاپن از دید یک بلژیکی و ایران از دید یک ارمنی)، روشنفکر، مترجم، سه زنانه، تحصیل کرده، با استعداد، فرهیخته و مدرن را روایت می کنند که قربانی تضاد خویش با جامعه سنتی و بیگانه با خود هستند. مهارت هایشان از سوی افراد جامعه نادیده گرفته می شود، در جایگاه شایسته خویش نیستند، تحقیر شده و مجبور می شوند به کارهایی که در شأنشان نیست، روی آورند. هر دو نویسنده، بحران هویت و وضعیت ناپایدار زنان معاصر در جامعه را به تصویر کشیده اند. الاین شوالتر با تأمل در محور تجارب خاص زنان در زندگی، به بازنمایی ادبی تفاوت های جنسی در نوشتار زنان توجهی ویژه دارد (سلدن، ۱۳۷۷: ۲۶۳). هدف نقد زن محور، «پی ریزی چارچوبی مؤنث برای پدید آوردن الگوهای جدید بر اساس تجربه های زنان است» (واصفی و ذوالفقاری، ۱۳۸۸: ۷۰). در زمینه ماهیت نوشتار زنان، شوالتر چهار الگوی زیست شناسانه، زبانی، روانکاوانه و فرهنگی را در اختیار منتقدان قرار می دهد که در پاسخ به برخی از مباحث اصلی نقد فمینیستی

به آن‌ها کمک می‌کند (برسler، ۱۳۸۶: ۲۰۴). «می‌توان سطح فرهنگی را گونه‌ای از نقد جامعه-شناختی دانست؛ زیرا شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه‌ای که نویسنده در آن زندگی می‌کند و نیز موقعیت فردی او در تعامل با مردم، ساختار و محتوای اثر وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد» (طلائی و طلائی، ۱۳۹۷: ۴۴۲). هدف اصلی نقد زن‌محور «رد حاکمیت الگوها و نظریه‌های مردانه و خلق و گسترش یک چارچوب زنانه محض برای تحلیل و توضیح آثار زنانه بر اساس تجربیات زنان است» (ملایی‌پاشایی و محمدپور، ۱۴۰۲: ۵۰۴). این پژوهش در مورد آثار ادبی و روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است.

#### ۴. بحث و بررسی

یکی از شاخه‌های باارزش و مهم در علوم ادبی معاصر، ادبیات تطبیقی است که از روابط فرهنگی و ادبی ملل مختلف و بازتاب فرهنگ و ادبیات کشوری در فرهنگ و ادبیات کشورهای دیگر سخن می‌گوید. ادبیات همه کشورهای کمابیش از یکدیگر تأثیر پذیرفته‌اند (جعفری‌حصارلو و آبکه، ۱۳۹۸: ۱۵۶).

زنانه‌نویسی یعنی نوشتن از مسائل، مشکلات، حالات و روحيات خاص زنان به‌منظور شناساندن شعور و حساسیت‌های جنسیتی زن. مسائل خاص زنان عبارت است از وضعیت‌ها و تجربه‌هایی که از لحاظ روحی و فیزیولوژیک تنها در زنان است و مردان فاقد آن مسأله‌اند و به لحاظ فقدان تجربه زیستن در نگارش آن به پای زنان نمی‌رسند (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۰۲).

در عرصه رقابت با مردان، زنان خواستار جایگاه واقعی، موقعیت و حقوق اجتماعی خود هستند و در راستای احیای حقوق از دست رفته و یافتن جایگاه و موقعیت‌های مناسب فعالیت-های زیادی کرده و جریان‌های فکری را ایجاد کرده‌اند. اغلب نویسندگان زن برای ترسیم شرایط اجتماعی زنان هم‌عصر خود از بین گونه‌های مختلف ادبی، رمان را برمی‌گزینند:

نویسندگان زن تجربه‌های شخصی خویش را در نوشته‌ها و سبک نوشتارشان بازتاب می‌دهند و این بازتاب اغلب با شور و اشتیاقی مصرانه در انتقال حقایقی است که تنها زنان با نوع نگرش خاص خود به زندگی، به آن دست یافته‌اند (مایلز، ۱۳۸۰: ۳۰۸).

وجه اشتراک ادبیات زنان در شرق و غرب، ترسیم مظلومیت زنان و تلاش برای احیای حقوق آنان بوده است و وجه افتراق، زاویه دیدی است که متأثر از اعتقاد و تفکرشان نسبت به جهان و انسان است. زنان نویسنده همواره در تلاشند تا با استفاده از مؤلفه‌های نوشتاری مناسب و تأکید بر مضمون‌های زنانه به طراحی اندیشه‌های خود بپردازند که نمایانگر جهان درونی و نگاه ویژه زنانه به مسائل است.

زن از همان ابتدا زن به دنیا نمی‌آید بلکه او را زن می‌کنند؛ یعنی طرح و شکلی که زندگی به زن می‌دهد او را موجودی ضعیف و در حقیقت جنس دوم می‌کند. او امیدوار است که روزی زن بتواند در سایه آزادی، هویت خود را به دست آورد. دوبار در این کتاب [جنس دوم] بر آن است تا زنان صرفاً فرمانبردار نباشند بلکه باید برای نیازهایشان ارزش قائل شوند (جولبی، ۲۰۱۵: ۱۵۶).

داستان‌های آقایی «تلاش و پویایی نویسنده را در جست‌وجوی بهترین ابزار برای انتقال عواطف و احساسات زنانه به خوانندگان به نمایش می‌گذارد. زن در داستان‌های فرخنده آقایی تمام نقاب‌ها و سلاح‌هایی را که طی قرن‌های متمادی برای مخفی داشتن درونیاتش در دست گرفته بود، بر زمین می‌گذارد و روح لطیف و حساس خود را عریان می‌سازد» (مشتاق، ۱۳۷۷: ۷۶). آثار اتوبیوگرافیک نوتومب نیز گزارشگر دوران کودکی و نوجوانی نویسنده با روایتی واقعی از زندگی وی هستند:

نوشتار به راوی این قدرت را می‌دهد که اختیار روایت، خواننده و سرگذشتش را به‌دست گیرد و هوش و ذکاوتش را آشکار کند [...] نگاه راوی در مورد زن ژاپنی و شرایط دشوار زندگی او بسیار شیرین و در ضمن تلخ و سیاه است [...] آملی نوتومب با نوشتن این رمان پس از هشت سال توانست با حربه طنز خاطرات تلخش را بزدايد

و از آن تحلیلی واقع‌گرا و ملموس از سنت و فرهنگ ژاپن ارائه بدهد. [...] زیسته و

تجربیات خود را با قلمی شیرین با ما در میان بگذارد (حائری، ۱۳۸۳: ۸-۱۰).

ترس و لرز داستان زندگی واقعی آملی نوتومب است که در سن ۲۲ سالگی و پس از اتمام تحصیلاتش در بلژیک به ژاپن می‌رود و در شرکت یومیموتو به عنوان مترجم استخدام می‌شود؛ ولی به سمت آفتابه‌چی منصوب و به نظافت دستشویی‌ها می‌پردازد. راوی که زنی تحصیل‌کرده و آملی نام دارد، خاطرات کودکی شیرینی از ژاپن دارد؛ ولی در این شکنجه‌گاه بدترین جفاها نثارش می‌شود. بارها تحقیر و خوار شده و رئیسش آملی را علناً عقب‌افتاده و عقب‌مانده ذهنی می‌نامد. رهاورد نگارش برای نوتومب، نوعی رضایت شخصی و حظ روحی است که خود آن را عاملی برای ترغیب به همدردی و علائق مخاطبان باوفایش که با او همزاد پنداری می‌کنند، می‌داند (شجاعی و خان‌محمدی، ۱۳۹۵: ۱۱۴). *از شیطان آموخت و سوزاند* روایت زنی ارمنی به نام ولگاست که با مردی مسلمان ازدواج می‌کند و از جامعه ارمنی طرد می‌شود. بعد از ازدواج، مرد ولگا را نجس می‌خواند، تنها پسرش را از او می‌گیرد و ولگا را طلاق می‌دهد. طرد شده از هر دو جامعه، بی‌پناه و آواره با فقر و بدبختی دست و پنجه نرم می‌کند. ولگا تحصیل‌کرده و مسلط به چند زبان است؛ ولی جایی برای خوابیدن ندارد و از امرار معاش خود عاجز است. بازتاب زندگی شخصی آملی و ولگا در این دو رمان، از تشابهات اصلی این دو رمان است. تعهد به هویت زن، دنیای ذهنی نوتومب و آقایی را به هم نزدیک کرده است. نگرش زنانه همسان این دو نویسنده، معلول مضامین مشترک زیادی در رمان‌هایشان گردیده است. در هر دو رمان شاهد برخورد دو فرهنگ هستیم. تقابل دو فرهنگ در تمامی جوانب زندگی روزمره آملی و ولگا مشهود است. در طول هر دو رمان، هر دو راوی زن تحصیل‌کرده به دلیل خارجی بودن آماج حمله‌های متعدد قرار می‌گیرند تا جایی که محیط و جامعه علناً آملی و ولگا را تحقیر و خوار می‌کنند. در هر مناسبتی، خارجی بودن بسان پتکی است که بر سرشان فرود می‌آید. ناتوانی آملی و ولگا در برخورد، تعامل و تطبیق با افراد جامعه بیگانه خیلی زود آشکار می‌گردد. هر دو راوی

شرایط دردناک و تحقیرآمیز خود را به تصویر می‌کشند و با تمام قدرت تلاش می‌کنند تا موقعیت‌ها و شرایط بغرنج را به نفع خود تغییر دهند.

یکی از محوری‌ترین فعالیت‌های نویسندگان زن، تلاش برای کشف فردیت و هویت خویش است؛ بنابراین با توجه به ذهنیت و دیدگاه متفاوتی که نسبت به نویسندگان مرد دارند، تصویر به‌وجود آمده از شخصیت زنان، در آثار آنها متفاوت با تصویر ساخته شده از سوی مردان است (سراج، ۱۳۹۴: ۷۱).

راوی و شخصیت اصلی در *از شیطان آموخت و سوزاند و ترس و لرز*، زن است و تمامی حوادث از دریچه ذهن و چشم او روایت می‌شود. گفتار و رفتار شخصیت‌های هر دو رمان، مربوط به زنان، دغدغه‌ها، مشکلات، موقعیت‌ها، شرایط و محیط زندگی آنهاست و این خود اهمیت زن را در مقام شخص اصلی داستان نشان می‌دهد. آقایی و نوتومب تلاش می‌کنند با آفریدن شخصیت زن آگاه، تحصیل کرده و اندیشمندی چون ولگا و آملی سان که یک تنه در برابر اجتماع ایستاده‌اند، سیمایی متفاوت از آنچه پیش از این توسط نویسندگان مرد از زنان عرضه شده بود، ارائه کنند و زن را از قطب‌گرایی و مطلقیتی که در سراسر تاریخ ادبیات گرفتار آن بوده، نجات داده و چهره‌ای نزدیک به واقعیت از او ترسیم کنند:

از آنجایی که هویت اجتماعی هرکس برآیندی است از دید جامعه به او و دید او درباره خود، می‌توان وجه اشتراک زنان را در نگاه مسلط جامعه، که نگاهی مردسالارانه به زن است، بازشناخت. زنانِ نویسنده گاه زیر فشار این نگاه قرار گرفته و از همان هنجارها و ارزشهای مردان تقلید کرده‌اند و گاه به نسبت آگاهی خویش با زبانی زنانه به ستیز با قالب‌های مردسالارانه جامعه خویش برخاسته‌اند (توکلی، ۱۳۸۲: ۳۸).

نقشی که جامعه، محیط و خانواده به هریک از دو جنس داده، تفاوت میان زن و مرد را ملموس کرده است. نقش خانواده، جامعه و فرهنگ را در شکل‌گیری هویت زنان نمی‌توان نادیده گرفت. هر دو نویسنده با بازنمایی مسائل، مشکلات و ستم‌دیدگی‌های زنان، صدای اعتراض زنان را از وضعیت مظلومانه و ملال‌انگیز فعلی‌شان به گوش مخاطبان می‌رسانند.

از شیطان آموخت و سوزاند به شیوه روایی خاطره‌نویسی نوشته شده و نمونه‌ای از تجربه اندوژی‌های نویسنده در عرصه خلاقیت ادبی و روشی جدید برای بیان مضامین متداول و رایج است. مضمون اصلی داستان، آوارگی، سرگردانی، بی‌خانمانی و محو شدن هویت فردی در جامعه امروز است که با ظرافت به تصویر کشیده شده است. رمان با آغاز بی‌خانمانی راوی شروع می‌شود: «اولین شبی است که در اتاق مطالعه کتابخانه شبانه‌روزی فرهنگسرای اندیشه می‌خوابم» (آقایی، ۱۳۸۶: ۵). رمان ترس و لرز:

صد درصد برگرفته از زندگی و سرگذشت نویسنده‌اش است. پس از هشت سال آملی نوتومب داستان زندگی تحقیرآمیزش را در این شرکت بر روی کاغذ می‌آورد. نویسنده که خاطرات کودکی شیرینی از ژاپن دارد، ناگهان با کشور و مردمی روبه‌رو می‌شود که گویی هدفی جز تحقیر و خوار و خفیف کردن این دختر بلژیکی ندارند (حائری، ۱۳۸۳: ۵).

در بررسی زندگی نویسندگان زن و تطبیق آن با شخصیت‌های رمان، شباهت‌هایی دیده می‌شود و مبین این است که نویسندگان زن، زندگی خود را ملاک پردازش شخصیت‌های رمان قرار می‌دهند و غالباً از خودشان می‌گویند: «کار نگارش زنان عموماً با نوشتن خاطره‌های خود آغاز می‌شود. آیا خطاست اگر بگوییم قهرمان داستان هر نویسنده زن، همواره نمونه‌ای شکوهمند از خود اوست» (مایلز، ۱۳۸۰: ۵۳).

زاویه دید از برجسته‌ترین عناصر داستانی است که در پرورش شخصیت راوی و ترسیم آرمان‌ها، دلبستگی‌ها، نگرانی‌ها، چگونگی انتقال اطلاعات، تفکر و برداشت شخصی نویسنده از اثر نقش مهمی دارد. در هر دو رمان، راوی اول شخص و شخصیت اصلی داستان است و از زاویه دید درونی و توسط راوی اول شخص روایت می‌شوند. «بی‌واسطه‌گی زاویه دید روایتگر اول شخص، در مقایسه با نظرگاه دانای کل، حالتی به وجود می‌آورد که خواننده حس می‌کند شرح ماوقع را مستقیم و از شخصی می‌شنود که خود درگیر آن ماجراست» (فتاحی، ۱۳۸۶: ۱۱۲). هر دو رمان شخصیت‌محور هستند و حضور راوی بیشتر از گفتگو بین شخصیت‌های داستان است.

«درونی‌مایه را به عنوان فکر و اندیشه حاکمی تعریف کرده‌اند که نویسنده در داستان اعمال می‌کند. به همین جهت است که می‌گویند درونی‌مایه هر اثری، جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۷۴). نویسندگان زن ذهنیات، تجربیات و احساساتی مخصوص به خود دارند که در آثار خود منعکس می‌کنند. هم‌چنین بنابر طبیعت و سرشت زنانه‌شان، مضامین خاصی را مورد توجه قرار می‌دهند که در حقیقت محتوای اندیشه خالقشان هستند. رویکرد فرهنگی به مسائل اجتماعی، نقش جامعه در چگونگی کار و فعالیت زنان و دیدگاه جامعه به زن در اثر ادبی می‌پردازد. این دو رمان محصول دو جامعه شرقی و غربی با نظام فکری، ارزش‌ها، باورها و فرهنگی کاملاً متفاوت هستند و علیرغم شباهت‌ها، تفاوت‌هایی چون: اختلاف بافت، محیط و شرایط اجتماعی متفاوت،... نیز وجود دارد؛ لیکن در این مقاله صرفاً به بررسی تشابهات می‌پردازیم.

#### ۴-۱. تحقیر و حقارت زن

یکی از مقوله‌های زبانی جنسیت است که از آن طریق می‌توان به نحوه بینش سخنوران زبان، درک و هدف آنان دست یافت (صیادی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۲۲۸). از مباحث مورد توجه فمینیست‌ها، توجه به جاذبه‌های جنسی زنان در راستای فراهم نمودن خواسته‌های مردان و انقیاد زنان است. هر دو نویسنده کوشیده‌اند لحن داستانشان اکثراً به عاطفه، روان، حساسیت‌ها، جنسیت و ذهنیت زنانه مربوط شود. خواننده نیز با لحنی تأثیرگذار، جذاب و نافذ روبرو است که تداعی‌کننده ادبیات زنانه است. ریشخند و بی‌توجهی محیط، جامعه و اطرافیان به آملی و ولگا عقده حقارت را در آن‌ها تقویت می‌کند:

می‌گفت افاده‌ای هستم و به هیچ دردی نمی‌خورم. برای اینکه مسخره‌ام کند، خوشگله صدایم می‌زد. هر کدام ادعا می‌کردند که آن‌قدر زن‌های خوش بر و رو و طنز و لوند دور و برشان

هستند که حاضر نیستند به من میمون نگاه کنند. من زشت و اکبیری هستم (آقایی، ۱۳۸۶:

(۱۹۹)

و باعث می‌شود شدیداً احساس تنهایی و حقارت کنند: «پول می‌تواند به تو ارزش دهد، به- خصوص هنگام ازدواج؛ زیرا آن‌قدر احمق نیستی که فکر کنی کسی برای وجود خودت با تو ازدواج می‌کند»<sup>۱</sup> (نوتومب، ۱۹۹۹: ۶۴). خواننده از خودگویی‌های آملی و ولگا به احساسات درونی آن‌ها پی می‌برد:

یکی از کارکنان رازی همیشه می‌گفت: «خوشگل هم نیستید که کسی خرجتان را بدهد. از بی‌غیرتی کلفتی هم نمی‌کنید. فقط بلدید بخورید و بخوابید. این‌جا برایتان هتل مفت و مجانی است.» حالا عزیزی خرج مرا می‌دهد و مرا خوشگله صدا می‌کند. منتظرم تا کی مرا مثل آلبرت و حمیدی و بقیه از خانه بیرون کند. در شرکت آلبرت حتی پول حمام نداشتم. هر کجا کار پیدا می‌کردم، بیرونم می‌کردند. یک شب آلبرت آژانس گرفت و مرا مثل یک زندانی به شرکت دوستش آقای حمیدی فرستاد. بیشتر از ۲۰ تومان در کیفم نداشتم (آقایی، ۱۳۸۶: ۱۹۸).

و نوتومب:

اگر خودت را در آینه تحسین کنی، باید از ترس باشد نه لذت؛ زیرا تنها چیزی که زیبایییت به تو خواهد داد، ترس و وحشت از دست دادن آن است. اگر دختر زیبایی هستی مهم نیست، و اگر نیستی دیگر از هیچ هم کمتری. باید ازدواج کنی، ترجیحاً قبل از سن بیست‌وپنج سالگی که زمان ترشیدگی است. شوهرت عشقی به تو نخواهد داشت، [...] وظیفه دیگر تو، بچه‌دار شدن است و باید مانند خدایان تا سن سه سالگی شیرشان بدهی. سپس از بهشت بیرون‌شان کنی تا به خدمت سربازی بروند [...].

<sup>۱</sup>. ترس و لرز توسط شهلا حائری ترجمه شده و برای ارجاعات متنی این مقاله از ترجمه شهلا حائری استفاده شده است.

مجبوری موجودات بدبختی به دنیا بیاوری که فقط سه سال اول زندگی را در سعادت

و خوشبختی گذرانده‌اند (نوتومب، ۱۹۹۹: ۶۵).

در هر دو اثر، نوتومب و آقایی دربارهٔ واقعیت زندگی اجتماعی، مسائل و تجربیات زنان، زنان تنها و بی‌پناه تحت فشار عرف‌های اجتماعی، مصیبت زن بودن، تنگناهای قومی و بیگانگی قهرمان زن سخن می‌رانند. هر چند این مضامین بسیار متداول و قدیمی هستند؛ اما نحوهٔ روایت و بازگویی هر دو نویسنده، داستان را به متنی خواندنی تبدیل کرده است. هر دو نویسنده با خلق شخصیت‌های آرمانی، عاطفی و مناسب و ذهنیت بخشیدن به آن‌ها به آرامش می‌رسند. در *از شیطان آموخت و سوزاند*، تصویری که ولگا از حقارت خود ترسیم می‌کند بسیار احساسی و عاطفی است و احساس حقارت در آن موج می‌زند: «احساس می‌کنم کودکی خردسال شده‌ام. یعنی تمام اندازه‌های مرا کوچک کرده‌اند، مثل ماکتی از شهرک اکباتان. شهرک سر جای خودش است؛ ولی ماکت مدل کوچک شدهٔ اکباتان است. من یک ماکت کوچک شده‌ام بدون امکان رشد» (آقای، ۱۳۸۶: ۵۰) و نوتومب: «پیش از آن‌که دست‌هایم را بشویم، رفتم تا دست محدود افرادی را که به من این تصور را داده بودند که در نظرشان موجودی انسانی هستم بفشارم» (نوتومب، ۱۹۹۹: ۱۱۶-۱۱۷).

آملی و ولگا به دنبال زنانگی و هویت گم‌شدهٔ خویش هستند. واقعیت‌های ملموس جامعه دائماً در حال رخنه و نفوذ در من انسانی آملی و ولگا هستند و آن‌ها را مجبور می‌کنند در برابر حاکمیت و قدرتشان عقب‌نشینی کنند: «یک‌بار دیگر خفیف شده‌ام. تعدی، ننگ و تحقیر است که خودم نمی‌دانم با آن چه کنم» (آقای، ۱۳۸۶: ۱۹۸) و نوتومب:

خودمانیم، برای اینکه فوبوکی کاری تا این حد پست به من [آملی] بدهد، باید احساساتش نسبت به من کمی پیچیده و خاص باشد. به جز من، زیردست‌های دیگری هم داشت؛ اما من تنها کسی بودم که فوبوکی از او متنفر بود و خوار و خفیفش می‌کرد. می‌توانست کس دیگری را به جز من شکنجه کند؛ در حالیکه خشونت و سنگدلش را روی من خالی می‌کرد (نوتومب، ۱۹۹۹: ۱۰۱).

در ابتدا آملی و ولگا تلاش نمودند با آرامش و صبر بر مشکلات فائق آیند؛ اما کم‌کم تعارضات و سؤالاتی بنیادین در افکارشان نهادینه شد و شالوده اندیشه آن‌ها را دگرگون ساخت: «چه طور ممکن است از من بپرسد که چرا در شأن مستراح شرکت نبودم؟ تا این حد نیاز داشت مرا تحقیر کند؟ اگر این‌طور بود، ته قلب چه احساسی نسبت به من داشت؟» (نوتومب، ۱۹۹۹: ۱۰۶). تعارضاتی که پیش از این بخاطر دیگران، قواعد درونی شده، خود اجتماعی و هم‌رنگ جماعت شدن مورد غفلت واقع شده بودند. هر چند جهت‌گیری و عمق این تعارضات در آملی و ولگا یکسان نبود؛ اما در اندیشه و رفتار آن‌ها رخنه کرد: «چرا من باید توالت و دستشویی کسی را بشورم که احساس یک دوست ساده را هم ندارد؟ مرا به چشم کلفت نگاه می‌کند. [...] بعد از این مدت آمده‌ای و مرا پیش صاحبخانه تحقیر می‌کنی. به‌خاطر یک امضای پشت چک به عنوان ضامن؟» (آقای، ۱۳۸۶: ۳۰۱).

آقای و نوتومب با ترسیم آلام و اندوه‌های زنان و شرایط ناعادلانه زندگی آنان، نگاه جامعه را به مسائل و مشکلات این نیمه فراموش شده معطوف می‌کنند و با به نمایش گذاشتن تکاپوها و تلاش‌های شخصیت‌های اصلی این دو اثر در راستای شناخت و کشف هویت زنانه خود، هم-جنسانشان را به کوشش برای دستیابی به هویت گمشده‌شان فرا می‌خوانند. زنان موجوداتی عاطفی و حساس هستند که می‌توانند نقاط مثبت و منفی جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنند، با صداقت و بی‌هیچ کم و کاستی منعکس کنند. هویت زن در هر جامعه‌ای، معرف ارزش‌های فکری و اخلاقی آن جامعه است. جامعه‌ای موفق است که فرصتی برای زن فراهم می‌کند تا در ساخت آن سهم باشد (جعفری حصارلو و جعفری حصارلو، ۱۴۰۱: ۱۸۵).

#### ۲-۴. خشونت و آزار زنان

از مشخصه‌های جامعه مردسالار، خشونت مردان علیه زنان است و شامل خشونت مالی، جسمی، روانی، عاطفی، کلامی، جنسی، اجتماعی... است. خشونت و فشار روحی، روانی... بر روح و

روان زنان تأثیر مخربی دارد، گاهی تا مدت‌های مدیدی ذهن و روح زنان را آزار داده و موجب تحقیر و حقارت آن‌ها می‌شود:

حتماً [آقای اموشی (معاون مدیر کل)] فکر می‌کرد که این شغل [نظافت دستشویی] شکوفایی و شادابی، که فقط کار می‌تواند باعثش باشد، به من [آملی] خواهد داد. این که آدم بی‌عرضه‌ای مثل من بلاخره در شرکت کاری یافته بود به‌نظرش نکته مثبتی می‌رسید. از طرفی هم حتماً خوشحال بود که بی‌خودی به من حقوق نمی‌دهد. اگر کسی به او می‌فهماند که ممکن بود این انتصاب برایم تحقیرآمیز باشد، لابد جواب می‌داد: «باز چه شده؟ دوشانش است؟ باید خیلی هم خوش‌وقت و مفتخر باشد که دارد برای ما کار می‌کند.» (نوتومب، ۱۹۹۹: ۹۰).

زندگی ولگا و آملی پر از تکرار اتفاقات، حوادث و روزهای سخت و زجرآور است. روزهای تلخی که تجربه می‌کنند، تأثیر مخربی در اندیشه، روح و روانشان به‌جای می‌گذارند:

[سرایدار کلیسای فیلاولفیا] از پشت به من [ولگا] حمله کرد و با من درگیر شد. [...] موهایم را می‌کشید و صورتم را روی زمین می‌کوبید. از حرکاتش شوکه شده بودم و فقط دست و پا می‌زدم. به صورتم چنگ زدم؛ ولی زورم به او نمی‌رسید. آن‌قدر صورتم را به زمین کوبید که لبم پاره شد و از دهانم خون آمد (آقای، ۱۳۸۶: ۲۲۹).

یکی از خشونت‌های روانی جنسی، ازدواج اجباری است که سبب نادیده گرفتن آزادی اراده، حق تعیین سرنوشت و نقض فاحش حقوق بشر است و فرد پس از ازدواج اجباری با معضلات و آسیب‌های بسیاری روبرو خواهد بود:

سرنوشتی که جامعه سنتی به زن تحمیل می‌کند، ازدواج است، اغلب زنان، امروزه هم یا ازدواج کرده‌اند یا آماده ازدواج می‌شوند؛ در غیر این صورت اگر ازدواج نکرده باشند، رنج می‌برند، خواه محروم مانده از پیوند، خواه طغیان کرده بر آن، یا حتی بی‌اعتنا به این نهاد، بر اساس ازدواج تعریف می‌شود (دوبووار، ۱۳۸۲: ۲۱۹).

ازدواج مصلحتی و ازدواج بخاطر فقر و نداری و.... نیز ازدواج اجباری محسوب می‌شوند: «خب زن یکی می‌شدی. دیگه پیر شدی، بدبخت. همه‌اش گُشنه می‌مانی. جا نداری بخوابی. به یک مرد پناه ببر که تأمین‌ات کند» (آقای، ۱۳۸۶: ۲۸۹) و نوتومب: «اگر در سن بیست و پنج سالگی هنوز شوهر نکرده باشی، باید از این بابت از خجالت آب شوی» (نوتومب، ۱۹۹۹: ۶۳).

یکی دیگر از خشونت‌ها علیه زنان، آزار و اذیت جنسی است. ولگا برای تخلیهٔ روحی، با خود می‌گوید:

رایگان و به زور به من تجاوز شد، مثل فاحشه‌های آلوده. فاحشه‌ها هم برای خودشان قانونی دارند که از آن‌ها حمایت می‌کند. مرا از فاحشه هم کمتر دیدند. می‌خواهند مرا به خودکشی وادارند و در روزنامه‌ها بنویسند: جسد زنی ۴۲ ساله که هویت او مشخص نبود، پیدا شد. این زن بی‌جا و مکان، گویا مادر دیوانه‌ای داشت و هر دو در مراکز روانی پرونده داشتند (آقای، ۱۳۸۶: ۲۳۷).

و نوتومب:

اگر [آقای اموشی (معاون مدیر کل)] امیال غریزش را در برابر چهل نفر و در ملا عام برآورده می‌کرد، برای این بود که به شهوتش لذت بیشتری بخشد. [...] فوبوکی زنی محکم و مغرور بود. اگر تنش را تسلیم می‌کرد، به این دلیل بود که مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است. [...] به‌خاطر کوه گوشتم قادرم تو را بر زمین بیندازم، له کنم و از این کار کیف کنم. به‌خصوص جلو چشم‌های این احمق‌هایی که ما را نگاه می‌کنند. از این‌که غرورت جریحه‌دار شده، از این‌که حق مقاومت نداری، از این نوع تجاوز لذت می‌برم (نوتومب، ۱۹۹۹: ۷۸).

سرنوشت ولگا تراژدی بلندی است که نه با فریاد و هیاهو بلکه بسانِ ناله‌ای فرو رفته در بغض سینه، برای حفظ حیثیت وادار به سکوت می‌شود:

[مارکاریه] اولین کسی بود که بعد از آن ماجرا به من گفت: «از این موضوع با کسی حرف نزن، آبروی خودت را می‌بری.» ولی می‌خواهم حتی اگر آبروی خودم برود، آبروی رافیک و

بقیه را ببرم. بعدها خانم روحانی و مسئولان کتابخانه اندیشه هم به من گفتند به کسی نگو. برای بد می‌شود (آقایی، ۱۳۸۶: ۲۴۹).

سرنوشت آملی نیز همواره دستخوش ستم‌ها، تمسخرها، ریشخندها و تحقیرهاست: صدای کفش‌های زمخت و افسار گسیخته انسانی ماقبل تاریخ در پی جفت‌گیری بود. [...] سرم را برگرداندم و دیدم که کوه گوشت معاون به طرفم هجوم می‌آورد. نیم ثانیه‌ای بهت‌زده خشکم زد، [...] ابدیتی از هراس و دستچاچگی تمام وجودم را فرا گرفت. [...] وحشتم هنگامی به نهایت رسید که دیدم مرا به‌سوی دستشویی مردانه می‌برد. [...] قلبم از حرکت ایستاد. مغزم وصیت‌نامه‌اش را آماده کرد (نوتومب، ۱۹۹۹: ۹۶).

آقایی و نوتومب به عنوان نویسندگان خلاق و متعهد هرگز نسبت به اتفاقات پیرامون خویش بی‌تفاوت نبوده‌اند. کوشیده‌اند داستان‌های خود را محملی برای بازتاب و انعکاس خلیات، دغدغه‌ها، وسوسه‌ها و مشکلات زنان قرار دهند، به ویژه مسائلی که روح و روان زنان را مورد حمله قرار می‌دهند تا بتوانند روح تغییر و تلاش برای فاصله‌گیری از وضع موجود را تقویت کنند. نگرش هر دو نویسنده واقع‌گرا، مصلحانه و متعهدانه بوده و نشان‌دهنده درد و رنج آن‌ها از مشکلات اجتماعی است.

#### ۳-۴. جامعه مردمدار

جامعه و فرهنگ محدوده هویت‌های جنسی را تعیین می‌کنند. جهت‌گیری‌ها و توقعاتی که رفتارهای اجتماعی را شکل می‌دهد، سرمنشأ ماهیت و جوهره جنسیت بوده و از آن‌ها حمایت می‌کند. به عبارتی بهتر، ساختار زبان از باورها و ارزش‌ها سرچشمه می‌گیرد. در اکثر جوامع انسانی، فرهنگ مردمدار حاکم بر جامعه سبب می‌شود تا تصمیم‌نهایی امور به عهده مردان باشد و اغلب زنان ناراضی، تسلیم و در پی کشف هویت خویش هستند (جعفری حصارلو و آبکه، ۱۳۹۹: ۸۴). این فرهنگ در *از شیطان آموخت و سوزاند* و *ترس و لرز* نیز حکمفرماست و به عبارت بهتر، مردان حرف آخر را می‌زنند: «مردمحوری به باوری اشاره دارد که مردان و مردانگی

برتر از زنان و زنانگی هستند و مردان و مردانگی استاندارد یا حد مطلوب است» (دانشور، ۱۳۴۸: ۳۰۴) و نوتومب: «در شرکت به ازای صد کارمند مرد، فقط پنج کارمند زن وجود داشت و فوبوکی تنها زنی بود که به مقامی دست یافته بود» (نوتومب، ۱۹۹۹: ۸۷-۸۸). تعالیم متعصبانه به زن ژاپنی القا می‌کنند:

نباید هیچ آرزوی والایی داشته باشد. [...] آرزوی عاشق شدن را در سر نپروران؛ زیرا استحقاقش را نداری؛ تازه آن‌هایی که قرار است عاشقت شوند تو را به‌خاطر تصویر مجازیت دوست دارند، نه به‌خاطر خودت. امید نداشته باش که زندگی چیزی به‌تو اضافه کند؛ زیرا با هر سالی که می‌گذرد چیزی هم از تو کاسته می‌شود. حتی امید ساده آرامش را از سر به در کن؛ زیرا دلیلی ندارد که آرام و قرار گیری. فقط امیدوار باش کار کنی. از آن‌جا که جنس مؤنث هستی خیلی پیشرفت نخواهی کرد، [...] کار باعث می‌شود پول بدست آوری، [...] پول می‌تواند به تو ارزش دهد (نوتومب، ۱۹۹۹: ۶۳-۶۴).

زنان به‌دلیل نداشتن استقلال مادی و شغل مناسب، وابسته به خانواده‌اند و به‌دلیل فقر، مجبور به ازدواج هستند تا باری اضافه بر دوش خانواده خود نباشند. به‌عبارت بهتر، تنها راه نجات زن، ازدواج است و باید در مقابل شوهرش سازش کند:

باید یک مرد حامی تو باشد. شوهر کن یا بلاخره با کسی زندگی کن. اگر خواستی من خودم به راه دلسوزی یک شوهر خوب برایت پیدا می‌کنم. [...] تو فکر می‌کنی خیلی نجیبی، بدبخت. نجیب آن زنی است که مچ دستش را نامحرم ندیده باشد. چه نجابتی داری؟ زنی که مرد نداشته باشد و این‌ور و اون‌ور برود، ادعای نجابت نمی‌کند. اقلاً می‌رفتی توی خانه‌ها کلفتی می‌کردی (آقایی، ۱۳۸۶: ۵۰).

هر دو نویسنده برای بیان اندیشه‌های خود، گاه از شیوه‌های نمادپردازی بهره گرفته‌اند و به شیوه غیرمستقیم نارضایتی خود را از وضعیت زنان نشان داده‌اند. درهم آمیختن خاطرات، تداعی‌ها،

حسرت‌ها و آرزوها در جامعهٔ مردسالار زجری مضاعف را بر زنان تحمیل می‌کند (جعفری-حصارلو و آبکه، ۱۳۹۸: ۱۷۸). روند تحول شخصیتی که ولگا و آملی تجربه می‌کنند، مهم‌ترین علامت تعلق خاطر هر دو نویسنده به اندیشه‌های آزادی‌طلبانه برای زنان، اعتراض به وضعیت فرودست آنان در اجتماع و آبستن بودن برای تغییر و تحولات در شرف وقوع دانست. گاهی نیز به شیوهٔ غیرمستقیم از زبان شخصیت‌های زن، نارضایتی‌شان را از وضعیت منفعلانهٔ فعلی خود نشان می‌دهند: «تعدی، ننگ و تحقیری است که خودم نمی‌دانم با آن چه کنم. با این کار می‌توان از یک انسان یک کودک ساخت. احساس می‌کنم کودکی خردسال شده‌ام. تمام اندازه‌های مرا کوچک کرده‌اند، مثل ماکتی از شهرک اکباتان» (آقایی، ۱۳۸۶: ۱۹۸) و نوتومب: «آیا من [آملی] تا این حد تنزل کرده بودم که مردم می‌توانستند بدون رودربایستی در برابر من دماغ‌شان را خالی کنند؟» (نوتومب، ۱۹۹۹: ۱۱۴).

آقایی و نوتومب بحران‌های جامعهٔ مردسالار را به تصویر کشیده و تفکر و اندیشهٔ زنانه را در ابعاد اجتماعی گوناگون منعکس ساخته‌اند و بدین طریق بر استعداد برابری مرد و زن که بر ساخت هستی‌شناسی مشترک مستقل از جنسیت بنا شده است، تأکید می‌ورزند. نویسندگان با این طریق، از نظام مردسالاری انتقاد و با بی‌عدالتی، ضایع شدن حقوق زنان و از بین رفتن شأن و شخصیت آنان مبارزه می‌کنند (غیبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۰۵-۱۰۴). مع‌ذلک، «جایگاه بارز زن و مخاطرات مادری توسط مردان تاکنون شناخته نشده و به‌معنای واقعی کلمه بها داده نشده است» (جعفری-حصارلو و آبکه، ۱۳۹۸: ۸۸).

## ۵. نتیجه‌گیری

امروزه نویسندگان زن به درک جدیدی از موقعیت و جایگاه اجتماعی رسیده‌اند و در جستجوی هویت فردی و اجتماعی خویش که سالیان متمادی از آن‌ها گرفته شده بود، هستند. می‌نویسند تا ظلم و ستمی را که جامعهٔ مردسالار به آنان تحمیل کرده، به گوش جهانیان برسانند. می‌کوشند

تا نوشته‌هایشان بتواند نگرش جامعه نسبت به زنان و جایگاه آنان را تغییر دهد. در تلاشند خود گمشده‌شان را بیابند. هویتی که جامعه مردسالار از آنان ساخته است، دور انداخته و هویتی واقعی جایگزین آن کنند. آقای و نوتومب با انتخاب شخصیت زن به عنوان قهرمان اصلی آثارشان به بررسی موانع، محدودیت‌ها و مشکلاتی که در جامعه مردمدار برای زنان وجود دارد و به موقعیت و جایگاه زن در جامعه مردسالار پرداخته‌اند. زاویه دید اول شخص در هر دو رمان، بیانگر حضور هر دو نویسنده در هر دو رمان واقع‌گراست که اندیشه‌های درونی و ذهنی خود را از زبان قهرمانان خود بیان می‌کنند. در هر دو رمان، فاعل سخنگو زنان هستند و اندیشه‌های زنانه را در گفتمان‌ها و خودگویی‌ها ترسیم کرده‌اند. انتخاب راوی زن در این دو رمان آقای و نوتومب، به منظور اعتلای سخن زنانه و بازتاب دغدغه‌های زنانه و مشکلات زنان از زبان خود زنان در دنیای هر دو رمان است. روایت هر دو داستان از زبان زن، نوعی اعتراض به نگرش‌های مردسالارانه در ادبیات ایران و ژاپن است. آملی و ولگا مخاطب را به این نتیجه می‌رسانند که زن، دیگری نیست؛ بلکه فردیتی است که مخاطب را به سوی خود فرا می‌خواند. شخصیت‌پردازی در هر دو رمان به شیوه حدیث نفس، خودگویی، توصیف، کنش و واکنش افراد و گاهی توسط گفتگو صورت می‌گیرد. لحن، کلام و گفتار آملی و ولگا متناسب با ویژگی شخصیتی آن‌ها و نشانه تفکر و اندیشه زنانه آن‌هاست. آملی و ولگا از کیستی و چیستی خویش آگاهند و برای حفظ بُعد وجودی زنانه خویش تلاش می‌کنند؛ اما اطرافیان و جامعه آن‌ها را نمی‌پذیرند. هر دو قهرمان در تلاشند کیستی، چیستی و هویت خود را به اطرافیان و جامعه اثبات کنند؛ اما اطرافیان و جامعه نه تنها آملی و ولگا را بر اساس هویت واقعی‌شان نمی‌پذیرند؛ بلکه در تلاشند با تحقیر و ذلت، آن‌گونه که می‌خواهند به آملی و ولگا هویت بخشند.

آملی و ولگا در هر دو اثر از زندگی شخصی خویش سخن گفته‌اند و شخصیت‌های داستان در میان مکالمات درونی و بیرونی، در جستجوی هویت واقعی خویش هستند. در شناخت شخصیت‌های آقای و نوتومب، جنسیت نقش مهمی ایفا می‌کند و توجه به ماهیت زنانه در این

دو رمان، جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است. آقای و نوتومب تجربیات ذهنی و عینی خویش را به عنوان یک زن و از زبان قهرمان‌های خود بیان کرده و مشکلات اجتماعی، روحی، عاطفی زنان و مسائلی که روح و روان زنان را مورد حمله قرار می‌دهد را در قالب رمان ترسیم می‌کنند تا بتوانند روحیه تغییر و تلاش برای فاصله‌گیری از وضع موجود را تقویت کنند. قهرمان‌های بااراده و ساعی هر دو رمان شخصیتی مجزا و مستقل دارند. درون‌مایه اصلی هر دو رمان تقابل فرهنگ‌هاست و هر دو نویسنده بدون اینکه بخواهند از فرهنگی طرفداری و یا فرهنگ دیگر را نفی کنند، تنها با تصویر کردن هر دو، به سوء تفاهم‌های ناشی از عدم درک دیگری می‌پردازند.

اهمیت این دو رمان در این نکته نهفته است که سیر تحول هر دو قهرمان را از زنی منفعل و احساساتی به زنی فعال به تصویر می‌کشد و روند تکامل هر دو قهرمان را علی‌رغم وضع موجود نشان می‌دهد. در انتهای رمان، شخصیت‌ها تغییر و تکوین نمی‌یابند؛ بلکه پذیرش موجودیت آملی و ولگا توسط بخش عمده‌ای از جامعه، آن تغییر فاحشی است که خواننده منتظر آن است و موجب رضایت‌مندی خواننده می‌شود که نتیجه پافشاری، تداوم و پیگیری هر دو قهرمان زن است و بدین نحو هر دو نویسنده، زنان را به الگو گرفتن از این دو قهرمان فرا می‌خوانند.

### کتابنامه

- آقای، ف. (۱۳۸۶). *از شیطان آموخت و سوزاند*. تهران: ققنوس.
- برسler، چ. (۱۳۸۶). *درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی*. ترجمه م. عابدینی‌فرد. تهران: نشر نیلوفر.
- بیسلی، ک. (۱۳۸۵). *چیستی فمینیسم*. ترجمه م. زمردی. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

بنی‌طرفی، ن.، و حاتم‌پور، ش. (۱۳۹۸). بازنمایی جلوه‌های زنانه در سه رمان از نویسندگان زن ایرانی. *پژوهشنامه ادبیات داستانی دانشگاه رازی*، ۸(۳)، ۱-۲۱.

[10.22126/rp.2019.1259](https://doi.org/10.22126/rp.2019.1259)

تلخابی، م. (۱۳۸۴). *شاهنامه و فمینیسم*. احمد ابومجبوب. چاپ اول. تهران: ترفند.  
توکلی، ن. (۱۳۸۲). فرهنگ و هویت جنسیتی با نگاهی بر ادبیات ایران. *نامه انسان‌شناسی*، ۱(۳)، ۷۰-۳۱.

جعفری حصارلو، ط.، و آبکه، آ. (۱۳۹۸). بررسی مؤلفه‌های واقع‌گرایی در سه اثر فرانسوا موریاک (بچه کثیف، برهوت عشق و ترز دسکیرو) و جلال آل‌احمد (بچه مردم، سنگی بر گوری و زن زیادی). *فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه دانشگاه فردوسی مشهد*، ۵۲(۳)، ۱۹۰-۱۵۵.  
<https://doi.org/10.22067/lts.v52i3.75181>

جعفری حصارلو، ط.، و آبکه، آ. (۱۳۹۸). تعلیق در برهوت عشق و سنگی بر گوری. *نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد*، ۲(۱)، ۶۷-۹۹. DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.v1i2.84033>

جعفری حصارلو، ط. (۱۳۹۹). کودک قربانی در «بچه کثیف» و «بچه مردم». *نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه دانشگاه فردوسی مشهد*، ۳(۱)، ۴۱-۶۷.  
[10.22067/rltf.2021.32489.0](https://doi.org/10.22067/rltf.2021.32489.0)

جعفری حصارلو، ط.، و آبکه، آ. (۱۳۹۹). زندگی، زندانی ابدی در ترز دسکیرو و زن زیادی. *پژوهش زبان و ادبیات فرانسه دانشگاه تبریز*، ۱۴(۲۶)، ۸۶-۶۵.  
<http://dx.doi.org/10.22034/rlfut.2020.37441.1250>

جعفری حصارلو، ط.، جعفری حصارلو، س.ح.، و جعفری حصارلو، م. (۱۴۰۱). تحلیل سیمای زن در ترز دسکیرو و زن زیادی از منظر رئالیسم. *فصلنامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس*، ۱۰(۴)، ۱۵۶-۱۹۳. [https://clrij.modares.ac.ir/article-12-](https://clrij.modares.ac.ir/article-12-62788-fa.pdf)

[62788-fa.pdf](https://clrij.modares.ac.ir/article-12-62788-fa.pdf)

جویلی: (۲۰۱۵م). *النقد الادبی المعاصر: محاولة للفهم*. چاپ اول. دارالمعرفة الجامعية: طبع نشر.

چاوشیان، ش.، و شریف، م. (۱۳۹۸). معماری در ادبیات، ترس و لرز اثر آملی نوتوم. *مجله زبان*

پژوهی دانشگاه الزهراء، ۱۱ (۳۲)، ۳۷۶-۳۵۷. [10.22051/jlr.2018.17486.1429](https://doi.org/10.22051/jlr.2018.17486.1429)

دانشور، س. (۱۳۴۸). سووشون. چاپ پانزدهم. تهران: خوارزمی.

دوبوار، س. (۱۳۸۲). جنس دوم. ترجمه ق. صنوعی. ج اول و دوم. تهران: انتشارات توس.

رضاپور، ر.، و محسنی: (۱۴۰۰). بررسی شهود بیانی مترجم در ترجمه با تکیه بر ترجمه رمان

کشتی های هوایی اثر آملی نوتومب. نشریه علمی پژوهش های زبان و ترجمه فرانسه دانشگاه

فردوسی مشهد، ۴ (۱)، ۹۳-۱۱۴. [10.22067/rltf.2022.73952.1030](https://doi.org/10.22067/rltf.2022.73952.1030)

سراج، س. (۱۳۹۴). روند تکوین گفتمان زنانه در آثار نویسندگان زن ایرانی. تهران: انتشارات

روشنگران و مطالعات زنان.

سعادت نژاد، ز.، و همکاران. (۱۳۹۹). تحلیل روان شناختی بحران هویت قهرمان زن در فرهنگ

مردسالار از خلال مطالعه رمان ترس و لرز نوشته نوتومب. فصل نامه مطالعات زبان و ترجمه

دانشگاه فردوسی مشهد، ۵۳ (۳)، ۱۵۳-۱۷۷. [10.22067/lts.v52i1.78485](https://doi.org/10.22067/lts.v52i1.78485)

سلدن، ر.، و ویدیسون، پ. (۱۳۷۷). راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه ع. مخبر. چاپ اول.

تهران: طرح نو.

شجاعی، پ.، و خان محمدی، ف. (۱۳۹۵). بررسی نوشتار اتوبیوگرافیک در آثار آملی نوتومب با

تکیه بر نظریه لوژون و دوبروفسکی. فصل نامه مطالعات زبان و ترجمه دانشگاه فردوسی

مشهد، ۴۹ (۴)، ۹۹-۱۱۵. [10.22067/lts.v49i4.61633](https://doi.org/10.22067/lts.v49i4.61633)

شوالتر، ا. (۱۹۹۷). سبک شناسی نثر. تهران: نشر میترا.

صیادی نژاد، ر. (۱۳۹۵). بررسی جایگاه اجتماعی و فرهنگی زن دیروز عرب در ساختارها و

لایه های صوری زبان عربی. مجله ادب عربی دانشگاه تهران، ۱ (۱)، ۲۴۱-۲۲۱.

[10.22059/jalit.2016.60172](https://doi.org/10.22059/jalit.2016.60172)

طلائی، م. و طلائی، م. (۱۳۹۷). بررسی رویکردهای چهارگانه نقد فمینیستی الن شوالتر در تفره دختر دریای کابل اثر حمیرا قادری. نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان دانشگاه تهران، ۲۳ (۲)، ۴۶۰-۴۳۳. [10.22059/jor.2019.215027.1443](https://doi.org/10.22059/jor.2019.215027.1443)

عظیمی، ز. و صادقی، ا. (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه‌های اصلی مشترک ترسیم شده از شخصیت زنان سنتی و مدرن در آثار زویا پیرزاد و فرخنده آقایی. متن پژوهی ادبی دانشگاه علامه طباطبائی، ۲۵ (۸۸)، ۱۷۰-۱۹۱. [10.22054/ltr.2019.36554.2445](https://doi.org/10.22054/ltr.2019.36554.2445)

علی‌پورگسکری، ب. (۱۳۸۰). آزمونی در ادبیات زنانه. کتاب ماه ادبیات موسسه خانه کتاب، ۱ (۴۸)، ۹۶-۹۷.

غیبی، ع. و همکاران. (۱۳۹۸). تحلیل تطبیقی رمان‌های بین‌التصرین نجیب محفوظ و زن درهم-شکسته سیمون دوبووار براساس نقد فمینیستی. فصل‌نامه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی دانشگاه تربیت مدرس، ۷ (۲)، ۸۹-۱۰۷. [20.1001.1.23452366.1398.7.2.1.1](https://doi.org/10.1001.1.23452366.1398.7.2.1.1)

غنیمی‌هلال، م. (۱۳۷۳). ادبیات تطبیقی. ترجمه دکتر س. م. آیت الله شیرازی. تهران: امیرکبیر. فاضلی، ف. و تقی‌نژاد، ف. (۱۳۸۹). روایت زمان در رمان از شیطان آموخت و سوزاند. فصل‌نامه ادب پژوهی دانشگاه گیلان، ۴ (۱۲)، ۷-۳۰. [20.1001.1.17358027.1389.4.12.1.1](https://doi.org/10.1001.1.17358027.1389.4.12.1.1)

فتاحی، ح. (۱۳۸۶). داستان گام به گام. تهران: نشر صریر.

فتوحی، م. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها. تهران: سخن.

گرین، ک. و لبیان، ج. (۱۳۸۳). درسنامه نظریه و نقد ادبی. ترجمه ل. بهرام‌محمدی و دیگران. تهران: نشر روزگار.

مایلز، ر. (۱۳۸۰). زنان و رمان. ترجمه ع. آذرننگ (جباری). چاپ اول. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.

مشتاق، ا. (۱۳۷۷). نویسندگان معاصر زن و داستان کوتاه. اندیشه جامعه. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲ (۴۳)، ۷۳-۷۶.

ملایی پاشایی، س.، و محمدپور، خ. (۱۴۰۲). تحلیل تطبیقی سیمانگاری زنانه در رمانهای بلندی-های بادگیر و سووشون بر اساس نظریه‌ی الاین شوالتر. نشریه پژوهش ادبیات معاصر جهان دانشگاه تهران، ۲۸ (۲)، ۴۹۹-۵۲۰. [10.22059/jor.2022.334055.2242](https://doi.org/10.22059/jor.2022.334055.2242)

میرصادقی، جمال. (۱۳۸۵). عناصر داستان. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سخن.  
نوتومب، آ. (۱۳۸۳). ترس و لرز. ترجمه ش. حائری. تهران: نشر قطره.  
نوربخش: (۱۳۸۲). خواهر شکسپیر. فصلنامه سمرقند (ویژه نامه ویرجینیا وولف)، ۱ (۱)، ۹۵-۱۱۰.

واصفی، ص.، و ذوالفقاری، ح. (۱۳۸۸). خشونت علیه زنان در آثار محمود دولت آبادی. مجله زن در توسعه و سیاست دانشگاه تهران، ۷ (۱)، ۶۷-۸۶.

وولف، و. (۱۳۸۳). اتاقی از آن خود. ترجمه ص. نوربخش. چاپ دوم. تهران: نیلوفر.

Bainbrige, S., & Den Toonder, J. (2003). *Amélie Nothomb. Autorship, Identity and Narrative Practice*. USA : Peter Lang.

Didier, B. (1981). *L'Ecriture-femme*. Paris : PUF.

Härsan, M. (2014). Identités en conflit et "culture clash" dans *Stupeur et tremblements* d'Amélie Nothomb. *Philology and Cultural Studies*, 7(56), 111-116.

Nodot, C. (2006). La Dame pipi du quarante-quatrième étage : L'exil et la marge dans *Stupeurs et Tremblements* d'Amélie Nothomb. *Paroles Gelées*. 22(1), 69-82.

Nothomb, A. (1999). *Stupeur et tremblements*. Paris, France : Éditions Albin Michel.

Showalter, E. (199۷). "Towards a Feminist Poetics". *Twentieth-Century Literary Theory*. Edited by Ken Newton. London, Macmillan Education.

## Étude de la formation de la mémoire dans *Un homme qui dort* de Georges Perec du point de vue d'Henri Bergson

Vahid Nejad Mohammad <sup>1</sup> 

Maître de Conférences, Département de Langue et Littérature Françaises, Université de Tabriz, Tabriz, Iran

### Résumé

La littérature est un contexte que les écrivains utilisent pour atteindre leurs objectifs et leurs idées, afin de mettre en valeur leurs thèmes et techniques narratifs complexes à travers des innovations linguistiques, dans le contexte des exigences historiques, des changements sociaux et des circonstances individuelles. De plus, les créateurs d'œuvres littéraires mettent en scène la créativité linguistique et textuelle, les subtilités narratives dans le contexte des concepts, des thèmes, des symboles et des formes narratives ; ainsi, l'écriture créée apparaît comme le reflet des motivations mentales, psychologiques et sociales de ses auteurs. Georges Perec, l'un des écrivains français du XXe siècle, dépeint les angoisses, l'étrangeté et la rupture identitaire de l'homme contemporain à travers des images textuelles ludiques et délicates, associées à une satire sociale acerbe. En examinant les formes de la mémoire chez Perec, cette étude, par une approche descriptive et analytique, explique les conceptions de l'auteur sur le temps et l'expérience humaine à la lumière des idées d'Henri Bergson et met en lumière le rôle du temps et de son écoulement dans l'identification des moments narratifs. La fluidité du temps dans ce récit témoigne d'une combinaison de souvenirs volontaires et involontaires, d'un mélange de réalité et de fantasme, et témoigne de l'indifférence et de la futilité.

**Mots-clés :** Mémoire, Temps, Bergson, Récit, Perec.

---

<sup>1</sup>. E-mail: [v.nejadmohammad@tabrizu.ac.ir](mailto:v.nejadmohammad@tabrizu.ac.ir)  
<https://orcid.org/0000-0002-1974-0362>

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.92225.1138>

## **Study of Memory Formation in The Story of *A Man Asleep* by Georges Perec from the Perspective of Henri Bergson**

**Vahid Nejad Mohammad** <sup>1</sup> 

Associate Professor, Department of French Language and Literature, University of Tabriz, Tabriz, Iran

### **Abstract**

Literature is a context that writers use for the benefit of their goals and ideas to show their complex narrative themes and techniques through linguistic innovations and within the context of historical requirements, social changes, and individual circumstances. Also, the creators of literary works depict linguistic and textual creativity, narrative subtleties within the context of concepts, themes, symbols, and storytelling forms; therefore, the created writing appears as a reflection of the mental, psychological, and social motivations of its authors. Georges Perec, one of the 20th century French writers, shows the anxieties, strangeness and broken identity of contemporary man with the most delicate textual playful images, along with sharp social satire. By examining the forms of memory in Perec, the present study, with a descriptive-analytical approach, explains the author's concepts of time and human experience from the perspective of Henri Bergson's views and highlights the role of time and its flow in identifying narrative moments. The fluid flow of time in this story shows a combination of voluntary and involuntary memory, a mixture of reality and fantasy, and is a testament to indifference and futility.

**Keywords:** Memory, Time, Bergson, Story, Perec.

---

<sup>1</sup>. E-mail: [v.nejadmohammad@tabrizu.ac.ir](mailto:v.nejadmohammad@tabrizu.ac.ir)  
<https://orcid.org/0000-0002-1974-0362>

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.92225.1138>

نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، دوره هفتم، شماره دوم (پیاپی ۱۳)، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

## بررسی و تحلیل شکل‌گیری حافظه در داستان مردی که خواب است

### نوشته ژرژ پرک از منظر آراء هانری برگسون

مقاله پژوهشی

وحید نژاد محمد<sup>۱</sup>

دانشیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

#### چکیده

ادبیات بستری است که نویسندگان به نفع اهداف و اندیشه‌های خود بهره می‌برند تا درونمایه‌ها و تکنیک‌های پیچیده‌ی داستانی خود را به‌مدد نوآوری‌های زبانی و در بطن ملزومات تاریخی و دگرگونی‌های اجتماعی و احوالات فردی نشان دهند. همچنین خالقان آثار ادبی خلاقیت‌های زبانی و متنی، ظرافت‌های داستانی را در بطن مفاهیم، مضامین، نمادها و اشکال داستان‌پردازی به تصویر می‌کشند؛ بنابراین نگارش خلق‌شده همچون بازتابی از انگیزه‌های ذهنی، روانی و اجتماعی مؤلفان خود را نمود می‌دهد. ژرژ پرک از نویسندگان قرن بیستم فرانسه، با ظریف‌ترین تصاویر بازی‌گونه متنی، تشویش‌ها، غرابت و هویت گسیخته انسان معاصر را به‌همراه هجو تند اجتماعی نشان می‌دهد. پژوهش حاضر با بررسی اشکال حافظه نزد پرک، با یک رویکرد توصیفی-تحلیلی، به تبیین مفاهیم زمان و تجربه انسانی مؤلف از منظر آراء هانری برگسون پرداخته و نقش زمان و جریان آن را در شناسایی لحظات داستانی برجسته می‌کند. جریان سیال زمان در این داستان ترکیبی از حافظه ارادی و غیرارادی، آمیزه‌ای از واقعیت و خیال را نشان داده و گواهی بر بی‌تفاوتی و بیهودگی است.

کلیدواژه‌ها: حافظه، زمان، برگسون، داستان، پرک.

<sup>۱</sup>. E-mail: v.nejadmohammad@tabrizu.ac.ir  
<https://orcid.org/0000-0002-1974-0362>

DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.92225.1138>

## ۱. مقدمه

حافظه یکی از توانایی‌های ذهنی و فکری انسان است که با پردازش اطلاعات و ذخیره‌سازی آنها قابلیت‌های زیستی انسان را برجسته می‌کند. حافظه پیوسته با تجربیات و حوادث زندگی انسان مرتبط بوده و طی فرآیندهایی، یادگیری و آشکال زیستی وی را شکل می‌دهد. به بیان دیگر، بسیاری از تغییرات روانی، جسمی و اجتماعی می‌توانند حافظه را تحت شعاع خود قرار دهند. به لحاظ عملی و عصب-روانشناختی، حافظه براساس نوع دریافت اطلاعات شامل طبقه-بندی‌هایی می‌شود. و به لحاظ نظری و فلسفی نیز موضوع بسیاری از مطالعات و پژوهش‌های عمومی همچون حافظه فردی، جمعی، فرهنگی و تجربی قرار می‌گیرد. به‌طور کلی «فرد از یک طرف، در چارچوب زندگی شخصی خویش، خاطرات خود را می‌سازد و از طرف دیگر، قادر است همچون عضوی از یک گروه عمل کند که با خاطرات غیرشخصی در تعامل است.» (Halbwachs, 1997, pp. 97-98)؛ بنابراین حافظه همچون ابزاری برای حفظ و نمایان کردن خاطرات فردی و جمعی بشر است و اشیاء، اشخاص، مکان‌ها و زمان‌ها عناصری هستند که قطعات پازل حافظه را تکمیل می‌کنند، حال آنکه ادراک سپری شدن زمان می‌تواند در حافظه-های انسانی متفاوت باشد. حافظه یکی از مفاهیم کلیدی در فلسفه است که تأثیر عمیق خود را بر روی درک ما از هویت و تجربه انسانی نشان می‌دهد. در نظریات فلسفی، حافظه به عنوان ابزاری برای ذخیره و بازیابی تجربیات گذشته، نقش مهمی ایفا می‌کند و به ما این امکان را می‌دهد که گذشته را در زمان حال زنده کنیم. این مفهوم به ویژه در آثار هانری برگسون<sup>۱</sup>، فیلسوف معاصر فرانسوی، مورد توجه قرار گرفته است. او روایت و تفسیر جدیدی از زمان (ریاضی، دروغین و حقیقی)، حافظه و تجربه انسانی ارائه می‌دهد. برگسون با معرفی دو نوع حافظه ارادی و غیرارادی، به بررسی عمیق‌تری از این مفهوم می‌پردازد. حافظه ارادی به یادآوری آگاهانه و هدفمند تجربیات اشاره دارد؛ در حالی که حافظه غیرارادی به یادآوری‌های ناخودآگاه و طبیعی مربوط می‌شود که به طور ناگهانی و بدون کنترل ما به ذهن متبادر می‌شوند. این دو نوع حافظه، نمایانگر دو جنبه متفاوت از تجربه انسانی هستند که هر یک به نوبه خود بر شکل‌گیری هویت فرد تأثیر می‌گذارد. از دیدگاه او «حافظه بازتولید گذشته نیست؛ بلکه فرآیند

<sup>۱</sup> Henri Bergson (1859-1941)

خلاقانه‌ایی است که گذشته را با حال ترکیب می‌کند تا آینده را شکل دهد.» (شاطری و ساداتی - زاده، ۱۴۰۳، ص. ۹۰) برگسون، فیلسوف پُست‌مدرن که تحت تاثیر کانت، اسپنسر، ویلیام جیمز و دکارت بوده است، با تکیه بر عقل‌گرایی و معرفت‌گرایی در صدد آن بود تا رابطه آگاهی و شهود و شناخت خویشتن را به نحو احسن تبیین کند. حافظه و خوانش زمان جزء مفاهیم پربسامد اندیشه‌های برگسون هستند. عناصر زمانی نیز که در بستر حافظه شکل می‌گیرند علاوه بر زمان قراردادی و فیزیکی، از مجرا و به کمک «ذهن» نیز ادراک می‌شوند. برگسون باور داشت که زمان واقعی، تجربه‌ای است که انسان‌ها از زندگی روزمره خود دارند و نمی‌توان آن را با زمان مکانیکی که در ساعت‌ها اندازه‌گیری می‌شود، برابر دانست. زندگی و آثار برگسون نشان‌دهنده یک تلاش مستمر برای فهم عمیق‌تر از وجود و تجربه انسانی است. او با تأکید بر اهمیت احساسات و تجربیات فردی، سعی کرد تا فلسفه را به زندگی واقعی انسان نزدیک‌تر کند و به درک بهتر از هویت و زمان کمک کند. در واقع «تجربه عرفانی برگسون تجربه حافظه است و بیش از آنکه تجربه‌ای اخلاقی باشد، تجربه‌ای متافیزیکی است و در آن انتقال یافتن از یک نوع انسانیت به نوعی دیگر از انسانیت متعالی است.» (سلیمی‌نوه، ۱۳۹۶: ۱۱) بسیاری از هنرمندان از مفهوم زمان واقعی برگسون بهره برده‌اند تا احساسات و تجربیات انسانی را به شکلی عمیق‌تر و واقعی‌تر به تصویر بکشند؛ به عنوان نمونه، نویسندگانی مانند مارسل پروست<sup>۱</sup> در آثار خود به بررسی عمیق حافظه و زمان پرداخته‌اند و از نظریات برگسون به عنوان مبنایی برای توصیف احساسات و تجربیات استفاده کرده‌اند.

ژرژ پرک<sup>۲</sup>، از نویسندگان قرن بیستم فرانسه، از پیشگامان نوع ادبی اتوبیوگرافی و جنبش ادبی «اولیو»<sup>۳</sup>، و خالق رمان‌های خلاقانه‌ای چون *ناپدیدشدگی*<sup>۴</sup>، *دبلیو یا خاطرات کودکی*<sup>۵</sup> و *زندگی*:

<sup>۱</sup> Marcel Proust (1871-1922)

<sup>۲</sup> George Perec (1936-1982)

<sup>۳</sup> OULIPO: اختصار عبارت *Ouvroir de Littérature Potentielle* است که معنای تحت‌اللفظی آن «کارگاه ادبیات بالقوه» است. این جنبش ادبی در سال ۱۹۶۰ با هدف به‌کارگیری امکانات و توانایی‌های شگرف زبانی در فرانسه شکل گرفت. این جنبش با خلاقیت‌ها و نوآوری‌های خود در عرصه ادبیات و داستان‌پردازی، و با تعهد به الزامات خاص نوشتاری خود، تجربه جدیدی از زبان و قابلیت‌های آن خلق کرد.

<sup>۴</sup> ۱۹۶۹

<sup>۵</sup> ۱۹۷۵

یک دستورالعمل<sup>۱</sup>، در داستان مردی که می‌خوابد<sup>۲</sup> تلاش کرد تا بیهودگی تجربه زیستن را در سیر توالی زمان نشان دهد. پرک با دگرگونی قواعد کلاسیک زبان، فنون بلاغت و بینامتنیت، این بار فردیت سوژه را پشت آوار جنگ جهانی دوم و بحران هویت به صورت تصویری و ذهنی توصیف می‌کند. در طول رمان، ارجاع به کافکا نشانگر نوعی گریز از خستگی و درماندگی است که در نهایت، راوی و ضمیر «تو» بلا تکلیف رها می‌شوند. «ساکت و بی‌تکان ماندن. رؤیاهای بی‌معنای تنهایی.» (Perec, 1967, p. 24) در این مقاله تلاش خواهد شد میزان خودنمایی حافظه ارادی و غیرارادی، و بازنمودهای آن‌ها با توسل به آراء برگسون در داستان مردی که می‌خوابد (۱۹۶۷) نشان داده شود. همچنین تلاش بر این خواهد بود تا به این سؤالات پاسخ داده شود: نشانه‌های حافظه فعال و ارادی چگونه در این داستان بازی را پیش می‌برند؟ و آیا این حافظه غیرارادی است که تمامیت و تجربه داستانی را به نفع خود پررنگ می‌سازد؟ آیا تصاویر ارادی، مکانیکی و جسمانی در کنار پویایی تصاویر حافظه ناب و بالفعل، تجربه متغیر و فروپاشیده مؤلف را منعکس می‌کنند؟ در نهایت، تصاویر حاصل عادت‌واره و آغازگر (برگسون، ۱۳۷۵: ۲۲۱) آگاهی مؤلف از تلخیص زمان را در بطن چه اهداف و چه پیغام‌هایی به اشتراک می‌گذارند؟

## ۲. روش تحقیق

تبیین و توصیف زمان و حافظه در اندیشه فلسفی برگسون یکی از مؤلفه‌های مهم این نوشتار محسوب می‌شود. بررسی عناصر شکل‌دهنده حافظه نزد ژرژ پرک با توسل به ساختارهای روایی و مفهومی داستان «مردی که می‌خوابد» شکل‌گیری روایت را نزد مؤلف نشان خواهد داد. مقاله حاضر با یک رویکرد توصیفی-تحلیلی تلاش خواهد کرد تا نقش حافظه را در ساختاربندی داستانی رمان مردی که خواب است (۱۹۶۷) نشان دهد. ساختاری که پیوسته با گذشته و حال در ارتباط است؛ ساختاری که منشور زمان را در بطن اتفاقات و حالات روحی و جسمانی، و در قالب یک دگردیسی نشان می‌دهد.

<sup>۱</sup> ۱۹۷۸

<sup>۲</sup> *Un homme qui dort* (1967)

## ۳. پیشینه پژوهش

پیش از این، پژوهش‌هایی در حیطه آثار و نوشتار ژرژ پرک انجام گرفته است: احمدی (۱۳۸۸) در مقاله «چهره و حوزه راوی در رمان «زندگی، طرز مصرف» نوشته ژرژ پرک» بر این اصل تأکید می‌کند که راوی یک صورت نشانه‌ای داشته و مشتمل بر یک چهره و قلمرو است که در آن رشد و تغییر می‌یابد. آیتی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «راهبردهای نوشتار خودنگاری تخیلی در دبلویو یا خاطرات کودکی اثر ژرژ پرک و دورا برودر اثر پاتریک مودیانو» فنون و شیوه‌های نوشتار خودنگاری تخیلی را نزد دو مؤلف پرک و مودیانو معرفی می‌کنند. رضایی و حیدری (۱۴۰۰) در مقاله «طنز مدرن: بررسی نوشتار مورب در کتاب چیزها اثر ژرژ پرک» ظرافت بکارگیری طنز و فنون استفاده از آن را در بطن زندگی اجتماعی در داستان چیزها برجسته می‌سازند. جوازی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله «از هزارتوی زبان تا هزارسوی انسان و جامعه نگاهی سوسیوکریتیک به چند اثر از ژرژ پرک»، بازتاب ناپسامانی‌ها و دغدغه‌های اجتماعی پرک را به واسطه لایه‌ها، صنایع و شگردهای زبانی بیان می‌کنند. فارسیان و احمدی‌بانی (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی نظام تنشی گفتمان در مردی که خواب است اثر ژرژ پرک براساس رویکرد نشانه-معناشناسی» نشان می‌دهند که جریان معنا در این داستان تابع یک فرآیند و یا نظام تنشی است که متن و روایت را دستخوش تغییر می‌کند؛ ولی تحقیق جامعی در حیطه نقش و کارکرد حافظه ارادی و غیرارادی از منظر برگسون بر روی آثار پرک صورت نگرفته است. پژوهش حاضر می‌تواند نقش و جایگاه حافظه را در داستان پرک به لطف اندیشه‌های هانری برگسون برجسته سازد.

## ۴. گذری بر داستان مردی که خواب است

داستان همچون چیدمانی از شانزده قطعه، بخش و یا سکانس روایی شکل گرفته که با نگاه بیرونی، خواننده را در هزارتوی حوادث و گفتمان‌های داستان همراهی می‌کند. داستان مشتمل بر دو حکایت است که در دو مکان متفاوت رخ می‌دهند: اتاق (اتاق خدمتکار) و شهر. در این داستان، سوژه (من) به نفع دیگری (تو) ناپدید می‌شود تا تمتع خلاء سوژه را در دو فضای متفاوت نشان دهد. شخصیت اصلی بی‌نام که به عنوان مخاطب داستان، «تو» فرض می‌شود، به‌طور ناگهانی تصمیم می‌گیرد که از تمام جنبه‌های فعال زندگی خویش فاصله بگیرد و کنار بکشد. او

که در ابتدا دانشجویی با آینده‌ای نامعلوم در پاریس است، به یکباره از حضور در کلاس‌های دانشگاه امتناع می‌ورزد. همچنین از آشنایان و دوستان خود فاصله می‌گیرد. این ترک گفتن دنیای بیرونی در حقیقت نه یک انتخاب تصادفی بلکه واکنشی به احساس عمیق بی‌معنایی و بی‌ارزشی است. اتاق کوچک «تو» تبدیل به پناهگاهی می‌شود که در آن ساعت‌ها و روزها، بی‌حس و بی‌هدف سپری می‌شوند. این بی‌تفاوتی زاده افسردگی نیست؛ بلکه از تجربه نوعی از پوچی سرچشمه می‌گیرد؛ نوعی فهم بی‌اهمیتی که شخصیت اصلی را از هر تلاشی برای تغییر وضعیتش باز می‌دارد. با گذر زمان، او به خیابان‌های پاریس روی می‌آورد، به سرگردانی ادامه می‌دهد و خیابان‌ها و کافه‌های شهر را بدون هیچ هدف خاصی می‌پیماید. از ارتباطات انسانی دست کشیده و تمایلی به تعامل با دیگران نشان نمی‌دهد. پاریس برای وی به جای آن که به فضایی پُر از شور و حیات تبدیل شود، به مکانی بی‌روح و متروک تبدیل می‌شود که در آن حتی نفس کشیدن نیز بی‌ثمر به نظر می‌آید. «تو» در تنهایی خود به تماشای زندگی می‌پردازد بدون آنکه در گذر آن دخالتی داشته باشد. و این‌گونه است که رُمان همچون یک داستان خواب‌نمایانه و شاعرانه عرض اندام می‌کند. این حالت سکون و سرگردانی در نهایت به نوعی از مسخ‌شدگی از نوع کافکایی آن منجر می‌شود و شخصیت اصلی در میان ترس و تنهایی‌ای که از جنس طردشدگی است، اسیر می‌شود. «اوقات هدر رفته، زمان‌های مصروف بطالت. میل گریزپا و ناگوار چیزی نشنیدن و ندیدن.» (Perec, 1967, p. 24)

## ۵. چارچوب نظری

### ۵-۱. ادراک زمان

تمام تصاویر ذهنی چه در لحظه مشاهده و چه در لحظه بازتولید، از مجرای تجربه حادث می‌شوند. و ادراک این تجربه با محدودیت‌هایی همراه است که به‌مدد حرکات ذهن فعلیت یافته و یا به تحلیل می‌رود. برگسون در اصل بر این باور بود که «آنچه در هر لحظه‌ی زندگی ما به ادراک و یاد منتهی می‌شود یک کُل است.» (پیرسون، ۱۳۸۹: ۴۴) برگسون با قبول تفاوت جوهر مجردِ نفس و بدن مادی، به عنوان یک فیلسوف معرفت‌گرا معرفی می‌شود و سیر تحول‌گرایی را در بین مکاتب فلسفی دیگر توسعه می‌دهد. او در تبیین و تفسیر هستی، با تأکید بر قوه شهود<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> intuition

و بصیرت، آشکال زمان را در بطن فرآیند سیال زمان نشان می‌دهد. زمانی که گذراست و با خود تغییر و تحول به همراه می‌آورد. زمانی که قابل اندازه‌گیری نبوده و اجزاء آن تفکیک‌ناپذیر هستند. برگسون با تأکید بر تساوی و توالی زمانی، تراکم ممتد زمانی (duration) را صورتی از زمان هم‌شکل و پیراسته هم‌زمانی تعریف می‌کند که کلیتی ناگسستنی را با خود حمل می‌کند. به بیان دیگر، زمان صورت تفکیکی ندارد؛ بلکه ذات هم‌شکل و همگون دارد و تاریخ و تجربه را در خود بسط می‌دهد تا به تألیف و تفسیر درآید. برگسون تأکید می‌کند که حافظه غیرارادی، به ما اجازه می‌دهد تا به تجربیات عمیق‌تر و واقعی‌تری از زندگی دست یابیم؛ زیرا این نوع حافظه به ما یادآوری‌های غنی‌تری از احساسات و تجربیات گذشته می‌دهد. «ذهنیت کیفیات محسوس مشتمل بر نوعی انقباض و تراکم واقعیت است که توسط حافظه ما محقق می‌شود [...] و تکتیری از لحظات را در خود ادغام می‌کند.» (Bergson, 1986, pp. 25-30) به طور کلی، بررسی مفهوم حافظه در آثار برگسون، ما را به درک بهتری از ساختارهای پیچیده ذهن انسان و نحوه تعامل ما با زمان و تجربه سوق می‌دهد. برای برگسون، حالات گذشته و حال، یک کُل را تشکیل می‌دهند که صورت بالفعل دارد. به نظر وی حافظه در اصل یک رویداد ذهنی است که قالب تکرار می‌تواند مؤلفه ساختاری آن تلقی شود. جسم نیز در کنار حافظه عرض اندام می‌کند؛ زیرا که مولد یک «عمل» است. و این ذهن است که به اشیاء، معنای زمانی خاصی را اعاده می‌کند. ماده نیز برای برگسون عنصری است که اندیشه را شکل می‌دهد؛ جزئی از من است و نمی‌تواند مستقل از من باشد. (Bergson, 2011) در واقع، برگسون با تبیین تفاوت مابین ماده و ادراک آگاهانه، همان حضور و تصویر را در فضایی مادی نشان می‌دهد. از این منظر، «ادراک آدمی جزئی از اشیاء است نه مشاهده درونی ذهن.» (پیرسون، ۱۳۸۹: ۳۷) در واقع تأکید برگسون بر این نکته است که حافظه غیرارادی، به عنوان بخشی از زندگی درونی ما، می‌تواند یادآوری‌های غنی‌تری از احساسات و تجربیات گذشته را به ارمغان بیاورد.

## ۲-۵. زمان به مثابه حافظه

با ارائه نظریه‌ای بدیع در کتاب «ماده و حافظه»، برگسون مرزهای شناخت انسان را از حافظه گسترش داد. او با تفکیک حافظه به حافظه ارادی و حافظه غیرارادی، که به ترتیب حافظه عادت (که تابع عمل است) و حافظه تصویری نیز نامیده می‌شوند، به تحلیل دقیق‌تر عملکرد حافظه

انسانی پرداخت. حافظه ارادی به آن بخش از حافظه اطلاق می‌شود که تحت کنترل اراده و اختیار انسان است و به توانایی یادآوری آگاهانه اطلاعات و تجربیات گذشته اشاره دارد؛ بنابراین در فرآیند حافظه ارادی که مبتنی بر اراده است، فرد به طور آگاهانه و به میل خویش اطلاعات را ذخیره و بازیابی می‌کند و با تمرین و تکرار، آنها را مستحکم‌تر می‌سازد. در این حافظه پویا، امکان افزودن و حذف اطلاعات وجود دارد. انسان اغلب اطلاعات را به صورت کلمات، مفاهیم و قضاوت‌های منطقی در حافظه ارادی ذخیره می‌کند؛ به عنوان مثال، زمانی که فردی در تلاش برای به‌خاطر سپردن مطلبی است و اصطلاحاً سعی بر حک کردن آن در حافظه خود دارد، در این صورت از حافظه ارادی خویش بهره‌جسته است. در مقابل، حافظه غیرارادی معنایی معکوس دارد. این نوع از حافظه به آن بخش از حافظه انسانی تعلق می‌گیرد که به گونه‌ای خودکار و ناخودآگاه عمل می‌کند. داده‌ها در حافظه غیرارادی، بدون هیچگونه تلاشی ذخیره می‌گردند و بازیابی می‌شوند. معمولاً در این بخش از حافظه، در مواقعی که محرکی خاص تجربه‌ای مشابه را در ذهن تداعی می‌کند، به کار می‌آید. حافظه غیرارادی به طور عمده از تجربیات حسی انسان شکل می‌گیرد و شامل خاطرات، احساسات و عادات روزمره است که اغلب به صورت ناخودآگاه به یاد آورده می‌شوند. در واقع، یک عمل در حافظه غیرارادی «تمام ویژگی‌های یک عادت را دارد» (Bergson, 1986, p. 47) و داده‌ها و اطلاعات موجود در حافظه غیرارادی معمولاً پایدارتر و ماندگارتر از اطلاعات موجود در حافظه ارادی هستند. حافظه غیرارادی را می‌توان زیربنای هویت شخصی در نظر گرفت که فرد به کمک آن می‌تواند به شناخت عمیق‌تری از خویش دست یابد؛ زیرا این حافظه در لایه‌های عمیق‌تر از ناخودآگاه قرار دارد و تأثیر بیشتری بر احساسات و رفتار فرد دارد. همچون اتفاقی در زندگی. «ماهیت آن این است که تاریخ دارد، بنابراین نمی‌تواند تکرار شود.» (همان) بدین ترتیب این حافظه «به ما یک تصویر اصلی و منحصر به فردی از گذشته می‌دهد.» (Wolff, 1957, p. 380)

حافظه غیرارادی که به آن حافظه خودکار نیز می‌گویند، از همان ابتدا کامل و بی‌نقص است؛ زمان نمی‌تواند چیزی به تصویر آن اضافه کند بدون اینکه آن را تغییر دهد. (همان ۴۹) برگسون معتقد است که حافظه غیرارادی می‌تواند نقشی حیاتی در خلاقیت و شهود انسان ایفا کند؛ زیرا به فرد اجازه می‌دهد تا از تجربیات گذشته به شیوه‌ای بی‌سابقه و غیرمنتظره الهام بگیرد. در واقع،

از منظر برگسون، حافظه غیرارادی به انسان امکان تجربه زمان همچون جریانی یکپارچه و پیوسته را می‌دهد. حال آنکه حافظه ارادی آن را به مجموعه‌ای از لحظات مجزا و قابل تفکیک تقلیل می‌دهد.

### ۳-۵. پیوستگی و تکرار در حافظه ارادی<sup>۱</sup>

برگسون با اصالت دادن به قوه شهود و اصالت حرکت، در مقابل اندیشه‌های ماتریالیستی ایستاد و نشان داد که ذهن آدمی بازتابی از تجربه و زمان است. از یک سو، حافظه ارادی (فرد) یا حافظه تصاویر ثابت، نزد برگسون نمادی از اثبات و نمایش زمان است که موجودیت خود را، از واقعیت گرفته تا تاریخ، در قالب تصاویر در گذشته ذخیره کرده و برحسب شرایط و موقعیت‌ها نمایان می‌کند. این حافظه گویاتر است و بیشتر صورت حال دارد تا بازیابی و خاطره. از سوی دیگر، حافظه ارادی به فرآیند یادآوری آگاهانه و هدفمند اطلاعات و تجربیات اشاره دارد. این نوع حافظه به ما این امکان را می‌دهد که به طور فعال اطلاعات را از حافظه بلندمدت خود استخراج کرده و در موقعیت‌های مختلف به کار بگیریم. ویژگی‌های کلیدی حافظه ارادی شامل آگاهی، هدفمندی و کنترل است؛ در حالی که حافظه غیرارادی به یادآوری‌های طبیعی و غیرقابل کنترل مربوط می‌شود. «این حافظه که حافظه هوش و چشم‌ها نامیده می‌شود، از گذشته صورت‌های غیرواقعی بر ما ارزانی می‌دارد.» (Dreyfus, 1954, pp. 287-289) در زندگی روزمره، حافظه ارادی نقش به‌سزایی در فرآیندهای ذهنی و تصمیم‌گیری‌های ما ایفا می‌کند؛ به عنوان مثال، وقتی که ما قصد داریم تا یک شماره تلفن یا یک آدرس را به خاطر بسپاریم، از حافظه ارادی استفاده می‌کنیم تا با تکرار و تمرین، آن را در خاطر خود نگه داریم. حافظه ارادی همچنین در حل مسائل و تصمیم‌گیری‌های پیچیده بسیار مهم است. زمانی که با یک موضوع دشوار مواجه می‌شویم، نیاز داریم تا اطلاعات مرتبط را از حافظه خود استخراج کنیم و با هم ترکیب کنیم تا به یک نتیجه منطقی برسیم. این توانایی به ما کمک می‌کند تا در موقعیت‌های چالش‌برانگیز، تصمیمات بهتری بگیریم و در زندگی شخصی و حرفه‌ای خود موفق‌تر عمل کنیم. به طور کلی، حافظه ارادی به عنوان یکی از اجزای اصلی فرآیندهای شناختی، نه تنها در یادآوری اطلاعات بلکه در شکل‌دهی به هویت و تجربیات فردی نیز تأثیرگذار است. (Bergson, 1986, pp. 75-)

<sup>1</sup> Mémoire volontaire

95) این نوع حافظه به ما این امکان را می‌دهد که به صورت فعال در زندگی خود مشارکت کنیم و تصمیمات آگاهانه‌تری اتخاذ کنیم.

#### ۴-۵. پویایی و تجربه بازیافت حافظه غیرارادی

حافظه غیرارادی به یادآوری‌های ناخودآگاه و طبیعی اشاره دارد که به طور ناگهانی و بدون کنترل فرد به ذهن می‌آید. این نوع حافظه با احساسات و تجربیات عمیق انسانی مرتبط است و به ما اجازه می‌دهد تا به یادآوری‌های غنی‌تری از گذشته دست یابیم. برخلاف حافظه ارادی که نیاز به تمرکز و تلاش آگاهانه دارد، حافظه غیرارادی به طور طبیعی و بی‌اختیار فعال می‌شود؛ به عنوان مثال، بوی یک گل خاص ممکن است یادآور لحظه‌ای خوشایند از گذشته باشد که به طور ناگهانی به ذهن می‌آید. احساسات و تجربیات ناخودآگاه نقش به‌سزایی در شکل‌گیری حافظه غیرارادی دارند. «جستجوی معنا امری فطری است و برای حفظ بقای مغز امری بدیهی و بنیادین است و به صورت هدایت شده انجام می‌شود.» (گشمردی و همکاران، ۱۴۰۳: ۳۲) تجارب عاطفی، به ویژه آن‌هایی که با احساسات قوی مانند عشق، ترس یا شادی همراه هستند، معمولاً در ذهن ما به صورت ماندگار ذخیره می‌شوند. این نوع حافظه می‌تواند به ما کمک کند تا درک بهتری از خود و دنیای اطراف‌مان پیدا کنیم؛ به عنوان مثال، یادآوری غیرارادی از یک رویداد تلخ می‌تواند به ما کمک کند تا به احساسات خود پرداخته و به بهبودی دست یابیم. این منظر، «حافظه ناب یا غیرارادی عملکرد خود را بدون کنترل فکر و ذهن می‌تواند دنبال کند. «موجود انسانی تحت نگاه خود، بی‌شک در هر لحظه آشکال بی‌نهایت جزئیات زندگی گذشته خود را خودانگیخته و غیرارادی حفظ می‌کند.» (Bergson, 1986, pp. 294-297) به طور کلی، حافظه غیرارادی به ما این امکان را می‌دهد که با عمق بیشتری به تجربیات زندگی نگاه کنیم و ارتباطی عمیق‌تر با خود و دیگران برقرار سازیم. برگسون در آثار خود، به تاثیرات عمیق حافظه غیرارادی بر زندگی روزمره اشاره می‌کند. او بیان می‌کند که این نوع حافظه به ما اجازه می‌دهد تا به یادآوری‌های طبیعی و بی‌اختیار دست یابیم. این یادآوری‌ها، که غالباً به تحریکات حسی مانند بو، صدا یا تصویر مرتبط هستند، می‌توانند احساسات عمیق‌تری از گذشته را در ما زنده کنند؛ به عنوان مثال، بوی یک گل ممکن است ما را به یاد یک لحظه خوشایند از دوران کودکی بیندازد و احساساتی را در ما برانگیزد که به طور ناخودآگاه در ذهن ذخیره شده‌اند. از

طرف دیگر، حافظه غیرارادی به ما این امکان را می‌دهد که به یادآوری‌های غیرآگاهانه بپردازیم. به نظر برگسون، این نوع حافظه می‌تواند به ما کمک کند تا ارتباط عمیق‌تری با تجربیات و احساسات خود برقرار کنیم و به شناخت بهتری از خود و دنیای اطراف‌مان برسیم. تفاوت اصلی بین حافظه ارادی و غیرارادی در نوع یادآوری و نحوه فعال شدن مکانیسم ساختاری آن‌هاست. حافظه ارادی نیاز به آگاهی و تمرکز دارد، در حالی که حافظه غیرارادی بر اساس تحریکات محیطی و احساسات عمل می‌کند. این نوع حافظه می‌تواند به شکل‌های مختلفی مانند تصاویر، احساسات یا صداها بروز کند و اغلب به یادآوری تجربیات عمیق و احساسی کمک می‌کند.

## ۶. بحث و بررسی

### ۶-۱. توصیف پدیدارشناختی

تجربه ذهنی<sup>۱</sup> پرک در توصیف اشیاء، حالات انسانی و جریان زمان، به خالص‌ترین شکل خود صورت می‌گیرد. این تجربه نه پیش‌فرض است و نه یک شناخت کاذب از احوالات و امورات زیستی. این تجربه فارغ از هرگونه علیت دِکارتی، توصیفی است آنی، عینی و بازگشت به تعینات و اشیاء. این گونه توصیف، تصویری از بازنمایی ذهنی است که در سیلان گفتار خودنمایی می‌کند. «مثل هر روز، پیمانه‌ایی نسکافه آماده می‌کنی، مثل هر روز چند قطره شیر همراه با شکر به آن اضافه می‌کنی. سر و صورتت را نمی‌شوئی، به سختی لباس می‌پوشی.» (Perec, 1967, p. 20) از این منظر، هویت ذهنی مؤلف – که مخاطبی با ضمیر توست – استقلال خود را مدیون تعامل با اُبژه است. و این اُبژه و جهان است که تقلا و کاوشِ ذهن را برمی‌انگیزد. تمرکز این نوع نگرش و توصیف در بطن آگاهی و بر روی تعامل ذهن و پدیده واقعی و خیالی استوار است؛ اما «این پدیدار در تفکر، در عقل (لوگوس) نفوذ دارد و عقل هم به نوبه خود در ضمن پدیدار ظاهر می‌شود [...] آگاهی همواره آگاهی از چیزی است. آگاهی وقتی آگاهی است که متوجه چیزی باشد (معنای التفات). معلوم یا متعلق شناسایی نیز جز در ارتباط با آگاهی قابل تعریف نیست.» (دارتیگ، ۱۳۷۳: ۱۴-۲۱) از این منظر، داستان پرک ما را به تأمل در عالم ایستای ماهیات دعوت نمی‌کند؛ بلکه بیشتر تفسیر و بازنمایی اشیاء در ذهن است و ضرورت آن ادراک شیء و حالات است همچون انباشتگی سوژه نزد سارتر از اُبژه‌هایی که شخصیت داستانی را تا مرز جنون

<sup>1</sup> subjectif

می‌کشاند. علی‌رغم توصیف مسخ‌گونه «حباب در بالا گلگون می‌شود، در پیش رو پوست می‌اندازد و در کنار دست، نیمه‌جان نفس می‌کشد» (Perec, 1967, p. 33) که سراسر رمان را گرفتار کرده، حافظه ارادی در داستان که متعلق به عادت است و مشتمل بر فهم باقی و ثابت، هدف را در یک تصویرنمایی آشنا خلاصه می‌کند. «توی اتاقت می‌مانی، بی‌خوردن، بی‌خواندن، می‌شود گفت بی‌تکان خوردن.» (همان ۲۶)؛ بنابراین این صورت توصیفی طبیعی است و مشتمل بر پیوند خطی با تجارب. به عبارت دیگر، زمان در قالب «دیرند» برگسونی ساختاری آگاهانه دارد و فرد نسبت به سیالیت آن آگاهی دارد و پیوستگی لحظات قابل درک است؛ ولی داستان‌پردازی این داستان به این گونه توصیف وابسته نمی‌شود و تمایز خود را در توصیف پدیدارشناختی و عمیق از نوع غیرارادی نیز نشان می‌دهد؛ زیرا که حافظه غیرارادی داستان علی‌رغم ارجاعات ضمنی و صریح به نشانه‌ها و تجربه‌ی پدیده‌ها، کیفیت ادراکات را نیز به صورت امر ممکن و امر بالفعل تداعی می‌کند. «گذشته‌ای سرشار از تجربیات پربار، درس‌های فراگرفته، خاطرات بانشاط کودکی، خوشی‌های چشمگیر روستا، بادهای فرح‌بخش دریا [...] گذشته و حال و آینده‌ات درمی‌آمیزند: اینها تنها سنگینی اعضای بدن تو هستند.» (همان، ۲۵)

## ۲-۶. شناسایی پیکره زمان

ذهن انسان به دنبال نظم و وحدت است؛ به دنبال شناخت زمان و ابهام لحظات زیستی؛ اما چگونه این اجزاء متلاشی شده زمان را درهم ادغام می‌کند؟ چگونه استمرار و تداوم را جایگزین گسست و ناپیوستگی می‌کند؟ شناسایی مفهوم «دیرند» برگسون، مادیت زمان را می‌شکافد تا پیوستگی و وحدت لحظات را در یک حرکت زیستی، چرخشی و پایدار نشان دهد و به آینده‌ی تمام نمای وحدت ذهن، آگاهی و تجربه زیسته دست یابد. از منظر برگسون، که یک فیلسوف ذهن‌گراست، تجربه زمان در نفس، جسم و ذهن ما نیز شکل می‌گیرد و ابزار توصیف آن، آگاهی است. «ما آگاهی را در بطن مسائل قرار می‌دهیم؛ زیرا که با زمان تعریف می‌کنیم و برچسب تثبیت به آنها می‌زنیم.» (Bergson, 1986, p. 49) گذشته حقیقی در بطن این داستان با «دیرند» تنیده شده و در حافظه غیرارادی<sup>۱</sup> و یا ناب<sup>۲</sup> ذخیره شده است. به طوری که گذشته‌ی مخاطب (ضمیر تو) در

<sup>۱</sup> Mémoire involontaire

<sup>۲</sup> pure

این داستان با زمان «حال» ترکیب یافته و صورت توالی به خود گرفته است. «این زندگی توست. این دارایی توست [...] چند کتاب دیگر که نمی‌خوانی و چند صفحه که دیگر گوش نمی‌کنی [...] نشسته‌ایی و فقط می‌خواهی منتظر بمانی، منتظر و منتظر.» (Perec, 1967, p. 22) داستان نوعی صورت و ساختار سوررئالیستی را با خود به همراه دارد؛ زیرا که رخوت و دعوت به ایستایی و خواب در طول رمان باعث می‌شود گاهگاهی داستان از سیر خطی خارج شده و ذهنیت و تصویرسازی متفاوتی را برای خواننده ایجاد کند. «راه می‌روی یا نمی‌روی. می‌خوابی یا نمی‌خوابی. شش طبقه را پایین می‌روی و بالا می‌آیی [...] غذا می‌خوری یا نمی‌خوری [...] خواب تو کمابیش بی‌وقفه است.» (همان، ۸۸) حافظه ارادی پرک همانطور که برگسون به آن اشاره می‌کند کارکرد جسمانی دارد. به بیان دیگر به تجربه گذشته موجود انسانی وابسته است. این حافظه به مؤلف این امکان را می‌دهد که به گذشته برگردد و به دنبال گمشده خود در قلب تصاویر کاوش کند. تصاویری که پرک ارائه می‌دهد، مشتمل بر «دیرند» همزمانی برگسونی هستند که گاهی اجزای زمان را ترکیب کرده و کلیتی تفکیک‌ناپذیر بوجود آورده است؛ و گاهی جزء تجربه زیسته مؤلف و عادات رفتاری وی محسوب می‌شود.

«شخصیت داستان در یک حالت نیمه‌آگاه فرو رفته و نمی‌تواند خود را ببیند و این حالت را در لحظه‌ایی که تجربه کرده توصیف می‌کند. و یک راوی که در وضعیت بیرونی قرار گرفته، نمی‌تواند به زور وارد خواب شخصیت به خواب رفته شود.»

(Van Montfrans, 1999, p. 90)

در واقع، تصاویری که نزد پرک واقعیت را بازتاب می‌دهند به مکان، تاریخ و هویت‌هایی اشاره دارند که در بستر زمان، شکل و ماهیت گرفته‌اند. تصاویری ثبت شده که حافظه ارادی پرک را در بطن رخدادهای زندگی فردی، اجتماعی، مکانیکی و ثابت وی بروز می‌دهند. از این منظر، حافظه ارادی و یا عادت‌واره، آگاهانه است و مرتبط با حال. به طوری که به واسطه آن امورات روزمره خود را انجام می‌دهیم و نیازی به بازخوانی تصاویر ذهنی نداریم. «هر روز بعد از ظهر به گشت و گذار می‌روی. ابتدا جاده را در پیش می‌گیری سپس وارد جنگل می‌شوی.» (Perec, 1967, p. 39) در این داستان، فرد قادر است تغییرات را به شکل یک حالت و یا کیفیت در بطن یک کل برگسونی درک و تجربه کند. به بیان دیگر، یاد و خاطره آدمی بی‌وقفه ناظر بر تغییر

کیفیت و تغییر حالت است. زمان داستانی مردی که خواب/ است مشتمل بر همین تغییر و تحول ماده است و نمودی از توالی واقعی در اشیاء. گاهی زمان غائب است همچون یک «نگاه غائب» (همان، ۲۹) و گاهی سیل خاطرات ادراکات مخاطب و حتی خود خواننده را دستخوش تغییر می‌کند. «زمان که مراقب همه چیز است، به‌رغم میل تو، راه‌حل را پیش پایت گذاشته. زمان که پاسخ را می‌داند و به جریان خود ادامه می‌دهد.» (همان، ۱۴۳) از این منظر، تمامی کیفیات محسوس در حالت تداعی مشتمل بر نوعی تراکم واقعیت هستند و این خودآگاهی در ادراک توامان با نشانه‌های تشویش و اضطراب از زمان و سنت‌های اخلاقی و اجتماعی، سهم فرد را در شکل‌گیری حافظه ارادی تجربیات زیستی وی برجسته می‌کند. «کتاب را باز کنارت می‌گذاری، روی کاناپه. دست دراز می‌کنی و سیگار روشن را توی زیرسیگاری له می‌کنی [...] تو غرق عرق هستی [...] سرت سنگین شده و پاهایت بی‌حس.» (Perec, 1967, p. 18)؛ بنابراین ادراک پرک جزئی از تصاویر و تجربیات پساجنگ و آشفتگی‌های خانوادگی و اجتماعی است که بر حافظه ارادی و غیرارادی سنگینی می‌کند. از این‌رو، «حافظه سنتز گذشته و اکنون به سوی آینده است.» (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰) به بیان دیگر، زمان داستانی پرک در بطن کلیشه‌های امر و نهی، مخزنی از سازه‌های گذشته، حال و آینده را حمل می‌کند که احساسات و تجربیات مخاطب مؤلف، پویا و سیال در درون آن معلق هستند. زمان حال در این داستان انباشته از تداعی احساس-های گذشته است که نه تنها تصویر گذشته را زنده می‌کند؛ بلکه نمایی از بی‌زمانی و بی‌تفاوتی را نیز ارائه می‌دهد. این بی‌تفاوتی هویت انسانی را به چالش می‌کشد و شخصیت را در موقعیت-هایی ناتوان قرار می‌دهد. به بیان دیگر، «این بی‌هویتی و سرگردانی وجودی را می‌توان بازتابی از سردرگمی انسان عصر حاضر دانست که شرایط اجتماعی و محیطی، انسان کنونی را به آمیزه‌ای از کلیشه‌های شخصیتی تبدیل کرده است.» (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۱) گاهی راوی چیزی را جستجو می‌کند که نه در تعلیق بلکه در ماهیت و معنای اُبژه تعریف می‌شود. راوی تلاش می‌کند تا از مادیت حافظه فرار کند و به نشانه‌هایی پناه ببرد که الگوی سیالیت و رخوت در آن آمیخته شده است؛ بنابراین زمان در این داستان و براساس الگوی «دیرند» برگسون ساختاری آگاهانه دارد. به بیان دیگر، فرد نسبت به سیالیت آن آگاهی دارد و پیوستگی لحظات قابل درک است.

## ۳-۶. کالبدشکافی یک مکان

ادبیات برای پرک یک وسیله شناخت، یک وسیله مالکیت جهان است. ساختار متنی ایزوتوپیک<sup>۱</sup> و منفصل داستان، حالت گریز از شکل خطی داستان را نمایان می‌کند. نزد پرک، ملاحظه کثرت توالی لحظات همانطور که برگسون در قالب «دیرند» از آن یاد می‌کند، داستان را در قالب یک «کلیت و اجماع» قابل درک می‌کند؛ زیرا لحظات قابل بازنمایی درهم تنیده شده‌اند و عامل و بانی یک توالی، یک تسلسل هستند. گذشته‌ایی که از حال خود قادر نیست جدا شود و لحظات خود را فنا سازد. به بیان دیگر، درک ما از گذشته و توالی لحظات، موافق و منطبق با حال صورت تحقق به خود می‌گیرد. و این دریافتی حسی از زمان خاص تجربه انسانی از «دیرند» است. از سوی دیگر، همانطور که برگسون در کتاب ماده و خاطره به آن اشاره دارد اگرچه «حال و گذشته مسیری متفاوت سیر می‌کنند؛ ولی این استقلال گذشته است که به خاطرات و تصاویر گذشته وجهه و اعتبار می‌بخشد.» (برگسون، ۱۳۷۵: ۱۲۰) حافظه غیرارادی برگسونی نزد پرک تصاویر را فرا می‌خواند، تقلای ذهنی دارد و آینه‌ایی است از وقایع در بستر زمان و مکان. (وال، ۱۳۸۰: ۳۸۰-۳۶۵) در واقع، تجربه زمان نزد پرک، همچون مکانیسم یک قطار که در حال رفت و برگشت است، عمل می‌کند. از یک سو، تصاویر و رخدادهای گذشته را فرا می‌خوانیم و از سوی دیگر، حال را همگام با گذشته تجربه می‌کنیم تا طرح و بنای ذهنی آینده ساخته شود؛ بنابراین، یادآوری وقایع و تصاویر مکانی یک نقشه شناختی-ذهنی برای مؤلف ایجاد می‌کند که با گذشته و حال برگسونی ارتباط دارد. مکانی که ویژگی‌اش عادت است و تداعی شکل و جسم. «به پاریس برمی‌گردد و افاق را بازمی‌یابی سکوت را. قطره آب و مردم، خیابان‌ها و پُل‌ها را [...] اتاق تو مرکز جهان است. این دخمه و کلبه محقر که تا ابد بویت را نگه می‌دارد.» (Perc, 1967, p. 49) در نتیجه مکان در موقعیت بازیابی قرار گرفته و آستانه‌ای را برای فرد در حافظه مشخص می‌کند. نزد پرک، این تداعی مکان که گاهی رنگ و بوی عدم اعتماد به خود می‌گیرد «موقعیت ناخوشایند است. اشتباه کردی که به این جزئیات غیرواقعی اعتماد کردی» (همان، ۳۴) گاهی حساسیت مخاطب و خواننده را تحریک کرده و آرزوها و ترس‌ها را در خود ادغام می‌کند تا احساس و ملال را بازنمایی کند: «تنها شب و اتاق هوایت را دارند: نیمکت باریک که رویش

<sup>۱</sup> پرک قبلاً تجربه این شکل از روایت موزاییک‌گونه را در رمان "زندگی، یک دستورالعمل" نیز داشته است.

دراز می‌کشی [...] و شب [...] احساس می‌کنی خوشبختی.» (همان، ۲۸) مکانی خاص برای خاطره نمی‌توان متصور شد، زیرا با ساختار غیرارادی خود، از تصاویر و اتفاقات گذشته سخن می‌گوید. و این همان «آگاهی و آزادی زمان برگسون است.» (دلوز، ۱۳۹۴: ۶۹) درک همزمان پُرک از حالات خودآگاهی و پیوستگی این حالات ما را به‌گونه‌ای نمادین به مفهوم دیرند برگسونی نزدیک می‌کند. در مجموع، ما در داستان مردی که خواب است شاهد «ازهم‌پاشیدگی سه مفهوم مکان، زمان و جسم هستیم.» (Yvan, 2007, p. 143) تصویری از تجزیه گفتمان و کلام که حافظه غیرارادی بستر ساز آن است. به‌طوری‌که عرضه «مکان» همچون کلیت زمانی فارغ از اعتبار است؛ حال آنکه زمان حال، آمیختگی و پیوستگی خود را با گذشته حفظ می‌کند. «زیرا هر توالی بوسیله لحظه کنونی و گذشته اندیشیده می‌شود.» (برگسون، ترجمه قلی‌بیانی، ۱۳۶۸: ۱۱۰) توصیف مکانی در این داستان یک ویژگی دیگری نیز با خود به‌همراه دارد که حافظه غیرارادی مؤلف تلاش می‌کند تا آن را در بطن وقایع احیاء کند. این صورت توصیفی همچون ابزار زبان، وسیله پیوند با آینده و کلید جستجوی رهایی به شمار می‌رود؛ زیرا توصیف و ظرفیت خواب نیز وارد بازی داستان می‌شود و خواننده را با انبوهی از تفاسیر مواجه می‌کند. «خوب به خاطر داری که از دریاچه اثری نبود. با این حال، مدت‌هاست که خواب پیش روی توست، نزدیک‌تر از همیشه.» (Perec, 1967, p. 33)

#### ۴-۶. کارکرد ضمیر دوم شخص «تو»

از دوران کلاسیک نوشتار، استفاده از ضمائر اول شخص و سوم شخص در روایت و داستان پردازی بسیار مرسوم بوده است؛ اما در قرن نوزده و بیست، ضمیر دوم شخص نیز در متونی غیر از مکالمات در ساخت داستان‌ها به‌کار می‌رود. این نوع روایت نوعی ابهام در خواننده ایجاد می‌کند که آیا مخاطب راوی خواننده است یا منظور شخص دیگری غیر از اوست. مخاطب روایت شخصی است که در متن داستان مورد خطاب قرار می‌گیرد. این مخاطب قرار دادن ممکن است آشکارا یا به تلویح باشد. «شنونده روایت را می‌توان مفهومی برساخته از گفتمان روایی دانست و آن را کم و بیش منطبق با خواننده واقعی انگاشت.» (صافی، ۱۳۹۱: ۲) از این منظر، در روایت‌های دوم شخص، اولین مخاطب «تو»، خواننده داستان است. خواننده هنگام مطالعه داستان، خود را به جای شخصیت داستان می‌گذارد و خود را در تک‌تک وقایع داستان شریک

می‌داند. «به طور متعارف برای اشاره به مصادیق مجازی (درون‌داستانی) نیز استفاده می‌شود؛ یعنی راوی با استفاده از ضمیر دوم شخص معمولاً به خود شرح حال‌گویی برای خود می‌پردازد و در صحنه داستان، نقاب شخصیتی حقیقی را به چهره می‌زند.» (همان ۱۴) در این داستان، مخاطب بی‌نام که با ضمیر دوم شخص «تو» خودنمایی می‌کند، یک کاراکتر آوایی به داستان ارائه کرده است و بیشتر آن را به تک‌گویی درونی نزدیک می‌کند. به بیان دیگر، سوژه‌ی من تفکیک یافته و در پی جملات طولانی به دنبال مخاطب بی‌صدای خودش است. ضمیر «تو» نشانگر رخوت و بی‌اثری فعل و انفعالی است که انسان معاصر با آن مواجه شده است. «حرکتی که تو انجام نمی‌دهی، حرکت‌هایی که تو از انجامشان اجتناب می‌کنی.» (Perec, 1967, p. 18) همین تداعی بی‌حرکتی در بخش‌های مختلف رمان، انقلابی از فهم زمان و مکان نزد خواننده ایجاد می‌کند؛ زیرا فهم تجربه انسانی از سکون و سکوت گویای حافظه‌ایی از تجارب است که سرگردان به دنبال آگاهی و بهتر دیدن هستند. «باز راه می‌روی، بی‌هدف گم می‌شوی، دور خودت می‌چرخ. گاهی برای خودت اهداف دسترس تعیین می‌کنی [...] با وسواس دور تابلوها می‌گردی.» (همان ۶۲) هم‌پوشانی روایی ضمیر دوم شخص تداخل سطوح روایی را ایجاد می‌کند که تعریف این نوع روایت را پیچیده می‌کند؛ بنابراین در روایت با «تو» مرزهای بین سطوح روایت مانند سطح داستان، سطح راوی و سطح خواننده قابل تشخیص نیست و سطوح با همدیگر تداخل دارند. از این منظر می‌توان ادعا کرد که بازی پرک با ضمیر دوم شخص تا حدودی داستان را به ابهام و آشوب می‌کشد. از این رو، خواننده داستان یا روایت‌هایی که از «تو» به عنوان ضمیر استفاده شده است، علاوه بر اینکه حس یکی بودن با شخصیت داستان را می‌گیرند، با رویدادهای داستان هم‌مسفر می‌شوند و خواننده دیگر به مانند خواننده‌های داستانی با ضمیر «من» یا «او» خارج از وقایع داستان قرار ندارد؛ بلکه به عنوان جزئی از اجزای روایت در متن مشارکت دارد. از این رو، «ضمیر تو بازتاب نگاه بیرونی است که به رفتارها عینیت می‌بخشد.» (Burgelin, 1990, p. 59) خواننده‌ی این گونه از روایت هیچ فاصله زمانی بین خود و شخصیت داستان احساس نمی‌کند؛ بلکه خود را غرق در یک زمان «حال قطعی» می‌بیند. در واقع، در داستان پرک، خواننده به طور ملموسی با افکار و کنش‌ها و تصمیمات شخصیت اصلی درگیر می‌شود؛ در نتیجه، خواننده این نوع روایت در قلب داستان قرار می‌گیرد و موقعیت‌های مختلفی را که

شخصیت اصلی تجربه و حس کرده خود زندگی می‌کند. «اینجا یاد می‌گیری دوام بیاوری [...] گاهی می‌کوشی معمای چهره‌ایی رمزآمیز را حل کنی [...] همه‌چیز را باید یاد بگیری، هر آنچه را که نمی‌شود آموخت: تنهایی و بی‌اعتنایی و صبر و سکوت. باید از همه عادات دل بکنی.» (Perec, 1967, pp. 53-54)

## ۵-۶. حافظه فردگرا

زمان گذشته برگسونی نزد پرک پویایی خود را حفظ کرده است. به بیانی دیگر، واقعیات و تجربیات این زمان «گذشته» بالقوه هستند و توانایی شکوفایی در زمان «حال» را دارند؛ زیرا بستر این زمان حافظه را به حال متصل می‌کند و به‌دور از حجاب بالفعل، خاصیت بالقوه بودن آن را نشان می‌دهد. (برگسون، ۱۳۷۵: ۱۹۹-۲۰۰) شاید بتوان به تعبیری نقش شهود برگسونی را در بازیابی حافظه غیرارادی نزد پرک برجسته کرد. بافتاری که خودش در گذشته گرفتار شده؛ ولی می‌تواند نشانه‌ایی از درک راوی-مؤلف از احوالات زمانی باشد. «در گذر زمان، یک زندگی بی‌تحرک، بی‌بحران و بی‌آشوب در مقابلهت خواهد بود [...] چیزی دارد آغاز می‌شود که هیچ‌وقت پایانی نخواهد داشت: حیات نباتی تو، زندگی منسوخ تو.» (Perec, 1967, p. 52) همین بافتار خود ساختار غیرمکانیکی و متفاوت دارد و متوجه نظم حرکت زمانی است که حافظه فرد را درگیر می‌کند. در واقع، حافظه غیرارادی نزد پرک بدور از گذشته و رخدادهای آن نیست؛ ولی شکل غیرمادی و پایدار دارد و از تداعی مکان و جهت بی‌می‌دارد. «پاساژها را می‌بینی: پاساژ شوازل<sup>۱</sup>، پانوراما<sup>۲</sup>، ژوفروا<sup>۳</sup>، وردو<sup>۴</sup>، ماکت فروش‌ها، پیپ‌فروش‌ها [...] در پارک لوکزامبورگ به تماشای بازنشسته‌هایی می‌نشینی که بریج و بلوت بازی می‌کند.» (همان، ۶۰) از این منظر، حافظه غیرارادی پرک یک صورت و شکل درونی دارد و در بستر زمان و حرکت متوالی خودنمایی می‌کند. قدرت تاثیرگذاری این حافظه، که آمیخته با «دیرند<sup>۵</sup>» برگسون است، نزد پرک بیشتر از حکایت، حال و حرکت ارادی دارد؛ بنابراین، جملاتی که نشان‌دهنده استمرار لحظات درونی شده، درک شده و ممتد در گذشته هستند، خواسته یا ناخواسته تصاویری ذهنی شکل می‌دهند

<sup>1</sup> Choiseul

<sup>2</sup> Panoramas

<sup>3</sup> Jouffroy

<sup>4</sup> Verdeau

<sup>5</sup> duration

که دیدگاه اخلاقی، فلسفی و اجتماعی مؤلف را منعکس می‌کنند. در واقع، فردیت مؤلف به نفع پلورالیسم (کثرت‌گرایی)، جامعه و سیطره اشیاء به کنار می‌رود تا کشمکش فرد و جامعه را نمایان کند. «فقط نوعی درماندگی و خستگی است، انگار ناگهان متوجه شده باشی که از مدت‌ها پیش، از ساعت‌ها پیش، تو طعمه یک کسالتِ موزی و کرخت‌کننده شده‌ای [...] احساس شیرین بی‌استخوان بودن.» (همان، ۱۷) در این داستانِ اگویسم (خودمحوری) هیچ جایگاه منطقی بر نمی‌تابد و مخاطب مفروض و مفلوک (ضمیر تو) تحمل‌ناپذیر شده است و عادت‌وار زندگی خود را بی‌کلام و بی‌جهت در خلاء ادامه می‌دهد. «ساعت رومیزی زنگ می‌زند. تکان نمی‌خوری، روی تخت می‌مانی [...] چیزی نمی‌گویی چون چیز زیادی نمی‌دانی و هیچ فکری نداری.» (همان، ۱۸-۱۹) بنابراین، آمیال و آرزوهای فرد با اهداف اجتماعی همخوان نیست و آگاهی، ناگزیر به ترمیم و تغییر نیاز دارد. سلطه جامعه و جهان فرد را الکن و معلول کرده و اراده معطوف به قدرت، خود زوال است و باختگی. «اکنون من عبارت است از آگاهی من از بدنم؛ بدن من با گسترش در فضا، دریافت‌های حسی را تجربه می‌کند و در عین حال حرکاتی را انجام می‌دهد.» (پیرسون، ۱۹۵) از این منظر، نزدِ پرک، این آگاهی با توالی جسم و زمان همراه است. و حرکت زمانی حرکت حقیقی، ادراکی و حیاتی قلمداد می‌شود. به قولِ پرک «تن در این لحظه، دیگر به هیچ وجه نمایانگر پیوستگی چشم‌نواز چند لحظه پیش نیست؛ بلکه در همه جهات گسترده است.» (Perec, 1967, p. 15) همانطور که برگسون در کتاب *ماده و یاد*، به مفهوم خودآگاهی تأکید می‌کند و تراکم گذشته در «حال» را نشان می‌دهد، پرک نیز با ترکیب این تجربه در «حال» و مخاطب قرار دادنِ «تو»، حافظه زمان زیستی را بازسازی می‌کند؛ به عبارت دیگر، پرک در این داستان نشان می‌دهد که چگونه حافظه با تصویر و ادراک آمیخته شده تا فعلیتی را نمود دهد که در بستر زمان گذشته و حال جاری است. «اکنون زنده، عینی و واقعی - که هنگام سخن از ادراک کنونی مد نظر من است - آن است که لزوماً شامل دیرندی است.» (پیرسون، ۱۹۵) و این بداهت زندگی پرک است در جریان سیلان زمان و تجارب زیسته‌ی وی: ساخته و پرداخته خواب و رخوت، بی‌تفاوتی و بی‌اعتنائی و سبکی (Perec, 1967, p. 90) آمیخته با اشیاء<sup>۱</sup>.

<sup>1</sup> Un goût de la matière

## ۶-۶. در جستجوی حافظه گمشده

نزدِ پرک این آگاهی است که احساسات و تجارب گذشته، توهم بودن و زیستن را همچون دامی برای مخاطب معرفی می‌کند که هیجان‌آور است و وی را در کوچه پس کوچه‌های شهر و خیال آواره می‌کند؛ تا جایی که مخاطب «یک بار دیگر، راه حل نامحتمل هزارتویی بی‌شکل را می‌جوید.» (همان، ۱۱۱) در واقع، دیرند برگسونی در نزدِ پرک ترکیبی از حافظه و آگاهی است که حوادث و احساسات را در قالب زمان به تصویر می‌کشد. از سوی دیگر، حافظه گمشده نزدِ پرک، جستجوی هویت از دست‌رفته مؤلف در بطن بی‌عدالتی‌های طبقاتی و آشوب‌های جهانی است که تشویش‌های جوانی خود را در این داستان به تصویر می‌کشد. پرک جوان که عاشق بازی با کلمات و روایت است زبان را وسیله‌ی ابتکار قرار داده و هراس‌های جامعه خود را به قلم درمی‌آورد. همین «دیرند» و یا خودآگاهی قابل درک از زمان نزدِ پرک نمایانگر دلتنگی‌ها و ملامت‌هایی است که در بستر واژگان خودنمایی می‌کند. به بیان دیگر، زمان گذشته در این داستان خود را به گونه‌ای مرتبط و همخوان با حال نشان می‌دهد و این حافظه است که تصویر آمیختگی این دو عنصر زمانی را برجسته می‌کند. از این منظر، «حافظه و دیرند در یک همزیستی به سر می‌برند.» (دلوز، ۱۳۹۲، ۶۷-۷۰) جریان سیال زمان در این داستان ترکیبی از واقعیت و خیال را نشان می‌دهد و یا به قول خودِ پرک، داستان نمایی است از بی‌تفاوتی از زمان و مکان، نمایی از بی‌انگیزگی و بیهودگی: «به هر کاری که دست بزنی، هر کجا که بروی، هر آنچه می‌بینی بی‌اهمیت است. هر کاری که می‌کنی بیهوده است [...] صرفاً تنهایی است که دیر یا زود با آن مواجه می‌شوی.» (Perec, 1967, p. 111) از این رو، بازیابی حافظه (مخاطب) در این داستان در بستر تجربه و زمان تحقق می‌یابد و تمنیات و افعال (تو) محوریت را بیشتر به حافظه فرد که منتج از احساس و اجتماع هستند، سوق می‌دهند. به بیان دیگر، گذشته در حال مشارکت دارد تا پیغام، تجربه و عادتی را برانگیزد. «اوایل مسیرهایت را انتخاب می‌کردی، هدف‌هایی را مشخص می‌کردی، سیاحت‌های پیچیده تصور می‌کردی که برخلاف میل تو سبک سفرهای اولیس داشتند [...] زیر برج ایفل صاف ایستادی، از همه پل‌ها گذشتی.» (همان، ۸۶) بنابراین در این داستان، گذشته در حال تغییر و دگردیسی است؛ زیرا تاروپود داستان در چنگال گذشته است و این همان انقلاب زمانی برگسون است که گشتار زمان (حال) را با گذشته معنی و تفسیر می‌کند. در بطن

این استحاله زمانی، بی‌انگیزگی و بی‌تصمیمی و کلی‌گویی همچون مسخ کافکا در طول داستان موج می‌زند. عدم تشخیص تصمیمات ضمیر «تو» در طول رمان، بیانگر شخصیت بی‌نام، سرگردان و پرت‌زن داستان است. «همه چیز سنگینی است و وزوز و کرختی. خود را رها می‌کنی تا لیز بخوری. در خواب غوطه‌ور شوی.» (Perec, 1967, p. 30) در واقع، حافظه گم‌شده نزد پرک، ریشه در نیازها و احوالات اجتماعی دارد و با یادآوری و گزینش قطعات ذهنی، به دنبال پیوند خود با گذشته است. از این‌رو، مکانیسم پیچیده حافظه ارادی و غیرارادی نزد پرک، بازتابی از حذف، فراموشی، طرد و گسست در درون روایت و اندیشه است.

## ۷. نتیجه‌گیری

برای برگسون، دریافت حقیقت همان دریافت بی‌واسطه خودآگاهی است. نظریات وی درباره حافظه و زمان، به‌ویژه مفهوم یادآوری‌های غیرارادی این امکان را فراهم می‌کند تا الگوهای رفتاری و احساسی انسان‌ها از طریق تجربیات فردی و زیستی نمایان شوند. در این داستان، از ورای آمیختگی زمانی و زبانی، شاهد تداخل حافظه ارادی و غیرارادی هستیم. به‌واسطه تعامل این دو نوع حافظه، فرد می‌تواند به بازیابی و تحلیل تجربیات گذشته بپردازد. این تعامل نه تنها کمک می‌کند تا تجربیات زندگی را بهتر درک کنیم؛ بلکه در شکل‌گیری هویت فردی نیز تأثیرگذار است. حافظه ارادی و غیرارادی نزد پرک بازتابی از کریستال زمان است که مفهوم حال و گذشته را ترکیب می‌کند تا قدرت رُخدادیِ زمان را در قالب «امتداد» و «اتفاق» برجسته سازد. راوی سیر و حرکت خود را از حال به سوی گذشته شروع می‌کند حال‌آنکه تدوین و ترکیب گذشته و حال در قالب «دیرند برگسونی» نمایشی از گذشته و رُخدادهای گذشته است که تجربه آنها به‌واسطه حافظه نمود می‌یابد. حضور رُخداد در نزد پرک همان حضور زمان گذشته برگسونی است که پویا و ناخودآگاه بوده و تجربه انسانی را باز می‌نمایاند. از این منظر، حافظه گذشته در این داستان پیوسته در حال تغییر و تحول است. به بیان دیگر، تجربیات گذشته شخصیت و راوی که در حافظه ذخیره شده است، جزئی از حال، گذشته و آینده را شکل می‌دهد. تصاویر مکانیکی و جسمانی در کنار نشانه‌های حافظه بالفعل، تجربه زیستی مؤلف را به شکل عمیق‌تر با حفظ ساختارهای زمانی «دیرند» نشان می‌دهند. سازه‌های زمانی و مکانی به خواب، رخوت و واقعیت تنیده شده‌اند و می‌توانند گریز از مادیت حافظه را تداعی کنند؛ زیرا پیوسته دریافت حسی آن را

به چالش می‌کشند؛ بنابراین، روایت سرگردان و متغیر شاهی بر تجربی خلاق و زیسته مؤلف است که وجوه زمان را به نفع دگردیسی به بازی در می‌آورد. در واقع، جریان سیال زمان در این داستان ترکیبی از واقعیت و خیال را نشان می‌دهد و داستان نمایی است از بی‌تفاوتی و بیهودگی. از یک‌سو، کارکرد جسمانی حافظه در این داستان، آگاهی را با زمان تعریف کرده و افشاگر تجربه حسی، رفتاری و گذشته فرد می‌باشد. از سوی دیگر، بازگشت ضمیر دوم شخص «تو» به زندگی نه به سبب میل به تغییر، امید به بهبود و خودنمایی است؛ بلکه به دلیل آگاهی او از بیهوده بودن، انزوا و جدایی است که همچون پناهگاهی ساختگی تلقی می‌شود. پرک رمان خویش را با تأکید بر این نکته به پایان می‌رساند که حتی در عمیق‌ترین لحظات بی‌تفاوتی، انسان همچنان درگیر زندگی، بی‌تفاوتی و تعلیق است. حتی اگر در روند آن دخالتی نداشته باشد. کلام آخر را با ذکر بررسی حافظه فردی و جمعی می‌توان به پایان برد که می‌تواند تحقیقی دیگر در باب نوشتاری ژرژ پرک باشد.

### کتابنامه

- برگسون، ه. (۱۳۶۸). پژوهشی در نهاد زمان و اثبات اختیار. ترجمه علی قلی بیانی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- برگسون، ه. (۱۳۷۵). ماده و یاد. ترجمه علی قلی بیانی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- پاینده، ح. (۱۳۸۹). نظریه‌های رمان: از رئالیسم تا پسا مدرنیسم. چاپ دوم. تهران: نیلوفر.
- پیرسون، ک. آ؛ مولرکی، ج. (۱۳۸۹). فلسفه برگسن. ترجمه محمدجواد پیرمرادی. تهران: سمت.
- جواری، م. ح.، و افخمی‌نیا، م.، و عبدی، آ. (۱۴۰۱). از هزارتوی زبان تا هزارسوی انسان و جامعه
- نگاهی سوسیوکریتیک به چند اثر از ژرژ پرک. پژوهش ادبیات معاصر جهان، ۲۷ (۱).
- حیدری، م.، و قائم‌مقامی، آ.، و پورعزت، ف. (۱۴۰۱). هویت و سرگشتگی انسان معاصر در آثار ژان اشنوز، از منظر فلسفه هستی‌شناسی بنیادین مارتین هایدگر. نشریه علمی-پژوهشی زبان و ترجمه فرانسه، ۵ (۲).

خوشکام، پ.، و گشمردی، م.، و رحمتیان، ر.، و صفاء، پریش. (۱۴۰۳). تأثیر استفاده از راهبردهای آموزش-یادگیری مبتنی بر مغز، بر پیشرفت یادگیری فراگیران بزرگسال زبان فرانسه در ایران. *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، ۷ (۱)، ۶۰-۲۵. doi: 10.22067/rltf.2024.87299.1109

دارتیک، آ. (۱۳۷۳). *پدیدارشناسی چیست؟*. ترجمه دکتر محمود نوالی. تهران: سمت.

دلوز، ژ. (۱۳۹۲). *برگسونیسم*. ترجمه زهرا اکسیری و پیمان غلامی. تهران: روزبهان.

ژان، و. (۱۳۸۰). *بحث در مابعدالطبیعه*. ترجمه یحیی مهدوی. تهران: خوارزمی.

سلیمی‌نوه، ا. (۱۳۹۶). پیوند میان عرفان و اخلاق با ماشین در فلسفه برگسون. *متافیزیک (مجله علمی - پژوهشی)*، ۹ (۲۴).

شاطری، گ.، و ساداتی‌زاده، س. (۱۴۰۳). دیرند، حافظه و همبودی گذشته و حال در فلسفه برگسون. *فصلنامه فلسفه غرب*، ۳ (۱).

صافی پیرلوجه، ح. (۱۳۹۱). *ضمیر دوم شخص در داستان‌های فارسی*. نشریه زبان و زبان‌شناسی، ۸ (۱۵).

فارسیان، م.، و احمدی، س. (۱۳۹۱). بررسی نظام تنشی گفتمان در *مردی که خواب است* اثر ژرژ پرک رویکرد نشانه-معناشناسی. *دوفصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات زبان و ادبیات فرانسه*، ۳ (۱).

لاول، ب. (۱۳۸۶). *حافظه و یادگیری*. ترجمه غلامرضا احمدی. تهران: انتشارات ققنوس.

مشایخی، ع.، و آزموده، م. (۱۳۹۲). *دلوز، ایده، زمان*. تهران: بیدگل.

نادرزاده گوارشکی، م.، و مرادخانی، ع.، و افشار، ح. (۱۴۰۰). مفهوم دیرند در فلسفه‌ی هانری برگسون و تأثیر آن بر روایت در جنبش سینمای هنری اروپا. *غرب‌شناسی بنیادی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۲ (۱).

Ahmadi, M-R. (2009). La figure et la zone narratoriales dans La Vie, mode d'emploi. *Revue de Recherches en Langue et Littérature Françaises*, 52 (213).

Aubert, N. (2011). Proust et Bergson : La mémoire du corps. *Revue de littérature comparée*, 2 (338), 133-149. DOI : 10.3917/rlc.338.0133.

- Ayati, A., & Mahdavi Zadeh, M., & Zeynali Nejad, D. (2020). Les stratégies autofictionnelles dans *W* ou le souvenir d'enfance de Georges Perec et Dora Bruder de Patrick Modiano. *Revue des Études de la Langue Française*, 12 (2).
- Bergson, H. (1965). *Duration and Simultaneity*. Translated by Leon Jacobson. New York: The Bobbs-Merrill Company.
- Bergson, H. (1986). *Matière et mémoire*. Paris: PUF.
- Burgelin, C. (1990). *George Perec*. Paris: Seuil.
- Dreyfus, R. (1924). *Souvenirs sur Marcel Proust*. Paris : Grasset.
- Halbwachs, M. (1997). *La mémoire collective*. Paris : Editions Albin Michel.
- Perec, G. (1967). *Un homme qui dort*. Paris : Éditions Denoël.
- Perri, T. (2014). Bergson' Philosophy of Memory. *Philosophy Compass*, 9 (9).
- Richardson, B. (1991). The Poetics and Politics of Second Person Narrative. *Genre*, (24).
- Van Montfrans, M. (1999). *George Perec : la contrainte du réel*. Amsterdam : Rodopi.
- Wolff, E. (1957). La théorie de la mémoire chez Bergson. *Archives de philosophie*.
- Yvan, F. (2007). L'extase du vide de *Un homme qui dort* à *Espèces d'espaces* de George Perec. *Savoirs et Clinique*, (8).

## Identification des implications de l'écologie de l'attention pour la conception d'environnements d'apprentissage virtuel

Hassan Zokhtareh <sup>1</sup> 

Maître de conférences en langue et littérature françaises, Université Bu-Ali Sina, Hamadân, Iran

### Résumé

L'expansion fulgurante des technologies de l'information et de la communication, ainsi que l'émergence des médias numériques, ont placé l'attention au cœur du processus d'enseignement-apprentissage. Cela a suscité des discours déclinistes issus des approches économique et psychologique, qui perçoivent les métamédias comme la cause principale de la distraction des apprenants, devenant ainsi un concurrent redoutable pour l'enseignant. En réponse, l'écologie de l'attention adopte une perspective archéologique, invitant à une lecture approfondie des interactions entre médias et attention. Cet article vise à explorer les implications de cette approche pour la conception d'environnements d'apprentissage virtuel. Pour cela, il retrace la genèse de l'écologie de l'attention, en analysant ses principes et ses caractéristiques fondamentales, afin d'en déduire les enseignements pertinents pour la conception d'espaces éducatifs numériques. La démarche s'appuie sur une collecte de données qualitative, réalisée par une revue systématique de la littérature théorique, aboutissant à la sélection de trente-trois documents clés. L'analyse des données a été conduite selon la méthode thématique de Braun et Clarke, permettant d'identifier trois axes majeurs : l'émergence de l'écologie de l'attention, ses caractéristiques intrinsèques, et ses implications concrètes pour la création d'environnements numériques d'apprentissage. Les résultats révèlent que l'écologie de l'attention insiste sur l'indissociabilité entre médias et attention, soulignant le rôle des premiers dans la mobilisation de l'attention humaine sur des enjeux souvent insignifiants. Cette perspective ouvre des perspectives nouvelles pour les enseignants et concepteurs d'espaces pédagogiques, qui peuvent, par des stratégies d'enseignement et de conception adaptées, renforcer la littératie numérique tout en favorisant une qualité d'attention renouvelée dans les environnements digitaux.

**Mots-clés :** Economie de l'attention, Ecologie de l'attention, Concentration, Environnements d'apprentissage, Médias numériques.

---

<sup>1</sup>. E-mail: [h.zokhtareh@basu.ac.ir](mailto:h.zokhtareh@basu.ac.ir) DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.93512.1142>  
<https://orcid.org/0000-0001-6452-2623>

## Identification of The Implications of The Ecology of Attention for The Design of Virtual Learning Environments

Hassan Zokhtareh <sup>1</sup> 

Lecturer in French Language and Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran

### Abstract

The rapid expansion of information and communication technologies, alongside the emergence of digital media, has placed attention at the core of the teaching and learning process. This has given rise to decline-oriented discourses rooted in economic and psychological approaches, which perceive media as the primary cause of learners' distraction, thereby becoming a formidable competitor to educators. In response, the ecology of attention adopts an archaeological perspective, inviting a deepened examination of the interactions between media and attention. This paper aims to explore the implications of this approach for the design of virtual learning environments. To achieve this, it traces the genesis of the ecology of attention by analyzing its fundamental principles and characteristics, with the goal of deriving relevant insights for the development of digital educational spaces. The methodology is based on qualitative data collection through a systematic review of theoretical literature, resulting in the selection of thirty-three documents. Data analysis was conducted using Braun and Clarke's thematic analysis method, which identified three major axes: the emergence of the ecology of attention, its intrinsic features, and its practical implications for the creation of digital learning environments. The findings reveal that the ecology of attention emphasizes the inseparability of media and attention, highlighting the role of media in mobilizing human attention toward often insignificant issues. This perspective opens new avenues for educators and designers of pedagogical spaces, who can, through adapted teaching strategies and design approaches, enhance digital literacy while fostering a renewed quality of attention.

**Keywords:** Attention Economy, Ecology of Attention, Concentration, Learning Environments, Digital Media.

---

<sup>1</sup>. E-mail: [h.zokhtareh@basu.ac.ir](mailto:h.zokhtareh@basu.ac.ir) DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.93512.1142>  
<https://orcid.org/0000-0001-6452-2623>

## شناسایی دلالت‌های بوم‌شناسی توجه برای طراحی محیط‌های یادگیری مجازی

مقاله پژوهشی

حسن زختاره<sup>۱</sup>

دانشیار زبان ادبیات و فرانسه، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

### چکیده

با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات و پیدایش رسانه‌های دیجیتال، توجه به مهره کلیدی فرایند یاددهی-یادگیری بدل شد به نحوی که گفتمان‌های زوال‌گرا رسانه‌های مدرن را عامل اساسی ایجاد حواس‌پرتی یادگیرنده و رقیب اصلی یاددهنده در محیط یادگیری می‌داند. در تقابل با چنین گفتمان‌هایی که خاستگاهشان دو رویکرد اقتصادی و روان‌شناختی به توجه است، بوم‌شناسی توجه رویکردی دیرینه‌شناختی به رسانه اتخاذ می‌کند. هدف مطالعه حاضر، شناسایی دلالت‌های بوم‌شناسی توجه برای طراحی محیط‌های یادگیری مجازی است. برای نیل به این هدف، پس از شناسایی روند پیدایش این رویکرد و اصول و ویژگی‌هایش، براساس یافته‌های به‌دست‌آمده، دلالت‌های لازم را برای طراحی محیط‌های یادگیری مجازی استخراج کردیم. برای گردآوری داده‌ها در این مطالعه کیفی از راهبرد مرور نظام‌مند ادبیات نظری بهره بردیم. درنهایت، پس از گزینش ۳۳ سند نهایی، از روش تحلیل مضمون براون و کلارک جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده کردیم. یافته‌های این مطالعه منجر به استخراج سه مضمون فراگیر «ظهور بوم‌شناسی توجه، ویژگی‌های بوم‌شناسی توجه و دلالت‌های بوم‌شناسی توجه برای طراحی محیط‌های یادگیری دیجیتال» و مضامین اصلی مرتبط با هر مضمون فراگیر شد. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که بوم‌شناسی توجه با تأکید بر پیوند جدانشدنی بین رسانه و توجه، بر اهمیت شناسایی نقش رسانه‌های جمعی در درگیر ساختن توجه انسان بر مسائل بی‌اهمیت دارد. طبق این رویکرد، مدرسان و طراحان محیط‌های یادگیری می‌توانند با استفاده از راهبردهای یاددهی-یادگیری و همین‌طور راهبردهای طراحی در محیط‌های یادگیری دیجیتال، سواد اطلاعاتی و سواد رسانه‌ای را افزایش دهند و بر کیفیت توجه در این محیط‌ها بیفزایند.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد توجه، بوم‌شناسی توجه، تمرکز، رسانه دیجیتال، محیط یادگیری.

<sup>۱</sup>. E-mail: h.zokhtareh@basu.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.93512.1142>  
<https://orcid.org/0000-0001-6452-2623>

## ۱. مقدمه

رویکرد بوم‌شناختی تلاشی است برای شناخت و تأمل در پیچیدگی‌ها و پویایی‌های دنیای انسانی و روابط اجتماعی. از این‌رو، در حوزه‌های مختلف از جمله رشد کودکان (Bronfenbrenner, 1994)، نوآوری کارآفرینانه و توسعه مهارت‌ها (Buchanan, 2006 ; Bollier, 2000)، یادگیری فراتر از کلاس درس (Siemens, 2008)، سیاست و سیاست‌گذاری (Hajer & Wagenaar, 2003)، عملکرد حرفه‌ای (در حوزه سلامت و خدمات اجتماعی) سیاست‌گذاری (Fisher & Owen, 2008) و فناوری‌های دیجیتال، آموزش، یادگیری الکترونیکی و رسانه‌های اجتماعی (Jackson, 2016, 2019 ; Deloitte, 2016) مورد استفاده قرار گرفته است.

هنگام گشت‌وگذار در وب، خود را در اقتصاد توجه می‌یابیم که در آن توجه به‌مثابه کالای تجاری خرید و فروش می‌شود. گسترش رسانه‌های دیجیتال و فناوری ارتباطات، افزون بر دگرگونی ساختار توجه بشری، محدودیت‌های رویکرد اقتصاد توجه را بیشتر آشکار ساخت و نحوه تخصیص توجه انسان را تغییر داد. همین امر پیدایش نظریه «بوم‌شناسی توجه» را به‌منظور درک و مفهوم‌سازی این پدیده موجب شد (Citton, 2017). نخستین بار، ایو سیتون<sup>۱</sup>، دیرینه‌شناس رسانه و پژوهش‌گر حوزه ادبیات، در کتابی با نام *در دفاع از بوم‌شناسی توجه* (2014) اصطلاح بوم‌شناسی توجه را مطرح کرد که به رویکردی امیدوارکننده در مقابل دیدگاه کالایی به توجه دیجیتال (اقتصاد دیجیتال) اشاره دارد.

گرچه از رویکرد بوم‌شناختی در زمینه‌ها و بافت‌های گوناگونی استفاده می‌شود، این دیدگاه ویژگی‌های مشترکی را به اشتراک می‌گذارد که در طبیعت هم یافت می‌شود. همانند بوم‌شناسی در طبیعت، برای درک رفتار انسان در دیدگاه بوم‌شناختی، باید نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر در محیط فیزیکی، اجتماعی و مجازی و همین‌طور عوامل بافتی و تاریخی که می‌تواند بر این تعاملات تأثیر بگذارد، مدنظر قرار گیرد (Gutterman et al., 2013). در این دیدگاه عناصر مختلف با یکدیگر در ارتباط متقابل هستند و با هم به‌عنوان یک کل کار می‌کنند. همین‌طور در این دیدگاه، سیستم‌ها طی زمان سازگار می‌شوند و دوره‌هایی از جمله ثبات، رشد، آسیب‌پذیری و

<sup>1</sup> Yves Citton

قدرت را تجربه می‌کنند. همچنین برخی از گونه‌های کلیدی نقش حیاتی بر زندگی سایر اعضا دارند و بر جوامع بوم‌شناختی خود تأثیر می‌گذارند (Seely-Brown: 2002). از این رو، درک این موضوع که رفتار انسان تحت تأثیر عوامل محیطی، بافتی و تاریخی قرار دارد، زمینه را برای درک نحوه عملکرد توجه در یک چارچوب بوم‌شناختی گسترده‌تر فراهم می‌کند.

بوم‌شناسی توجه تلاشی است برای شناخت بهتر توجه و شرایط تشکیل‌دهنده آن که به‌صورت جمعی سازماندهی و ارزش‌گذاری می‌شود. چنین رویکردی مخالف دیدگاه فردگرایانه و بی‌توجه به عوامل محیطی است (Citton, 2017). به دیگر سخن، رویکرد بوم‌شناختی توجه را پدیده‌ای فردی نمی‌داند؛ بلکه در وابستگی متقابل می‌داند، صرف‌نظر از اینکه در سطح جمعی (مانند رسانه) یا در تعاملات متقابل شکل گیرد. به باور سیتون، رویکرد بوم‌شناختی، به انسان یاری می‌رساند تا بهتر منطق زیرساخت اقتصاد توجه را درک کند و به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: توجه چگونه ارزش می‌آفریند؟ بازیگران آن چه کسانی هستند؟ چگونه به آن شکل می‌دهند و از آن سود می‌برند؟ (Citton, 2017).

مطالعه حاضر با اتخاذ رویکرد بوم‌شناختی به توجه، به دنبال بررسی دلالت‌های این رویکرد در طراحی محیط‌های یادگیری امروزی است. در این راستا، براساس چشم‌انداز جدید، رویکردهای اقتصادی سنتی به‌نوعی تسلط خود بر بازار و تجارب جهانی را از دست داده‌اند و نتوانسته‌اند پاسخگوی نیازها و چالش‌های آموزشی یادگیرندگان امروزی و کاربران فناوری‌های آموزشی باشند؛ زیرا دیگر امروزه، منابع مادی تنها کالای اصلی محسوب نمی‌شوند؛ بلکه در حقیقت، زیست‌بوم‌های اطلاعاتی زندگی انسان‌ها را احاطه کرده است. این زیست‌بوم‌ها به کمک پلتفرم‌ها و رسانه‌های اجتماعی اداره می‌شود و هدف اصلی آن‌ها استفاده از توجه کاربر به‌مثابه کالای نوین است (Citton, 2017).

رویکرد بوم‌شناسی توجه در حوزه یاددهی-یادگیری به چالش‌های مختلف مرتبط با یادگیری و توجه نظیر کثرت اطلاعات، اختلالات توجه، ناتوانی در تمرکز و حواس‌پرتی فراگیر اهمیت می‌دهد. این چالش‌ها با جلوگیری از درگیرسازی نسل جدید در فضاهای آموزشی یادگیری، آنان را با مشکلات زیادی روبرو می‌کند. از این رو، پژوهش حاضر با اتخاذ یک رویکرد کیفی

و استفاده از راهبرد مرور نظام‌مند ادبیات نظری به منظور گردآوری داده‌های موردنیاز، می‌کوشد تا مبانی بوم‌شناسی توجه و پیوند آن را با علوم تربیتی و علوم یادگیری با پاسخگویی به پرسش‌های زیر شرح دهد:

- بوم‌شناسی توجه چگونه ظهور کرد؟
- بوم‌شناسی توجه چه ویژگی‌هایی دارد؟
- دلالت‌های بوم‌شناسی توجه برای محیط‌های یادگیری مجازی چیست؟

## ۲. پیشینه تحقیق

گرچه در بررسی‌های انجام شده، تنها یک مطالعه مشابه با عنوان پژوهش حاضر در سطح ملی یافت شد؛ اما بررسی مطالعاتی که از نظر قلمرو موضوعی تا حدودی شبیه به مطالعه حاضرند حاکی از وجود دو مطالعه داخلی دیگر در این زمینه است. مطالعه مشابه با پژوهش حاضر، مقاله بازتعریف نقش رسانه و توجه در فرایند آموزش با تکیه بر اندیشه ایو سیتون نوشته زختاره و مؤمنی‌راد (۱۴۰۰) است. این مطالعه می‌کوشد رویکرد بوم‌شناختی سیتون به توجه را بشناساند و پیوند آن را با فرایند یاددهی-یادگیری آشکار سازد. آنان در این مطالعه با بررسی سیر تاریخی ظهور بوم‌شناسی توجه، با نقد رویکردهای اقتصادی و روان‌شناختی به توجه، به دنبال شناساندن این رویکرد به عنوان رویکردی سیاسی، انسان‌شناختی، آموزشی و زیست‌محیطی در ادبیات نظری داخلی بودند. آنان در این مطالعه با خرده‌گیری بر گفتمان‌های سرزنش‌آلود پیرامون توجه در نسل جوان، استدلال می‌کنند که چگونه می‌توان با استفاده از رویکرد بوم‌شناسی توجه به آسیب‌شناسی توجه در محیط‌های یادگیری پرداخت و اهداف آموزشی مناسب تعیین کرد.

فرهنگی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «توجه، حکمرانی جدید در اقتصاد رسانه» به دنبال تعریف ماهیت اقتصاد توجه و بررسی نقش آن در اقتصاد رسانه بودند. آنان در این مطالعه نشان دادند تفاوت بین توجه کلی و توجه عمیق باید به درستی مشخص گردد تا فرایند جذب حداکثری توجه در طیف‌های مختلف مخاطبان برای محصولات رسانه‌ی ملی هموارتر گردد. گرچه آنان در این مطالعه به دنبال پیامدهای آموزشی ناشی از ظهور اقتصاد توجه نیستند، در این مطالعه تأکید بر دشواری جلب توجه مخاطب نسبت به گذشته دارند و مدیریت توجه

مخاطب با اتخاذ یک نگاه علمی و تبیین نقش حیاتی آن در اقتصاد رسانه از نگاه آنان یک اقدام ضروری به نظر می‌رسد. در مطالعه دیگر، روشندل اربطانی و همکاران (۱۴۰۰) تلاش کردند تا پیشایندهای تأثیرگذار بر جلب توجه مخاطبان در شبکه‌های اجتماعی را بررسی کنند. یافته‌های آنان حاکی از این بود که تناسب محتوا، زمان‌بندی مناسب در ارائه اطلاعات، اعتبار منبع اطلاعات، طرح‌بندی و گرافیک وب‌سایت از جمله عواملی هستند که می‌توانند توجه دانشجویان را در شبکه اجتماعی اینستاگرام به خود جلب کنند. در نهایت آنان با بررسی و موشکافی هر کدام از این عوامل، نشان می‌دهند که چگونه از طریق عوامل ظاهری-گرافیکی و روانشناختی، توجه مخاطب در شبکه‌های اجتماعی را به خود جلب کرد.

اپستین در رساله دکتری خود به دنبال بررسی پویایی‌های توجه در زیست‌بوم‌های دیجیتال است. او نشان می‌دهد که الگوهای طراحی غیرحرفه‌ای پلت‌فرم‌های دیجیتال و همین‌طور اقتصاد توجه، باعث گسترش اطلاعات نادرست و تضعیف هوش جمعی شده است. او نشان می‌دهد چگونه توجه در زیست‌بوم‌های دیجیتال عمل می‌کند و چگونه طراحان می‌توانند برای کاهش انتشار اطلاعات نادرست و تقویت هوش جمعی دست به طراحی پلت‌فرمی بزنند. اپستین در مطالعه‌اش دو مرحله از توجه یعنی فاز امتحان کردن<sup>۱</sup> (شامل قرار گرفتن اولیه در معرض محتوا) و فاز خریدن<sup>۲</sup> (درگیری براساس این مواجهه اولیه به وقوع می‌پیوندد) را معرفی می‌کند. این مطالعه تأکید بر اهمیت شناخت هر دو مرحله دارد؛ زیرا بیشتر مطالعات تنها بر فاز دوم یعنی خریدن و درگیری تمرکز داشته‌اند. او با معرفی ابزاری جدید با نام Yourfeed هم‌زمان هر دو مرحله «در معرض قرار گرفتن و درگیری توجه» را اندازه‌گیری می‌کند. افزون بر این، وی نشان می‌دهد چگونه نفوذ اجتماعی قرارگیری در معرض محتوا را شکل می‌دهد و مداخلات طراحی به‌منظور کاهش اطلاعات اشتباه و بهبود هوش جمعی پیشنهاد می‌کند.

---

<sup>۱</sup> Essai

<sup>۲</sup> Achat

### ۳. روش تحقیق

روش پژوهش کنونی کیفی است. برای گردآوری داده‌های این مطالعه از راهبرد مرور نظام‌مند ادبیات نظری استفاده شد و اسناد پژوهشی مرتبط با موضوع پژوهش به‌صورت سیستماتیک جستجو و انتخاب شدند. مرور سیستماتیک ادبیات نظری یک تجزیه و تحلیل جامع است که برای شناسایی، ارزیابی و تحلیل دانش موجود در زمینه موضوع موردنظر انجام می‌شود (Denscombe, 2014). هدف روش مرور سیستماتیک ادبیات نظری، شناسایی مرتبط‌ترین اسنادی است که حمایتگر پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش است (Okoli & Schabram, 2010). روش مرور سیستماتیک ادبیات نظری در این مطالعه در پنج گام محدودده‌بندی<sup>۱</sup>، برنامه‌ریزی<sup>۲</sup>، جستجو<sup>۳</sup>، غربالگری<sup>۴</sup>، مشمولیت<sup>۵</sup> انجام شد (Hettithanthri et al, 2023).

در گام محدودده‌بندی، ابتدا سال‌های موردنظر به‌منظور جستجوی اسناد تعیین شد. از آنجایی که مطالعات اندکی در زمینه موضوع مطالعه حاضر انجام گرفته است و همین‌طور هدف از مطالعه، یافتن پاسخ‌های مناسب برای پرسش‌های پژوهش بود، اسناد موردنظر بدون محدودیت سال استخراج شدند. همین‌طور در این گام مشخص شد کلیه اسناد مرتبط از جمله مقالات، پایان‌نامه‌ها، فصل کتاب، کتاب‌ها و گزارش‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

در گام برنامه‌ریزی، کلیدواژه‌های موردنظر به‌منظور جستجوی اسناد شناسایی گردید. کلیدواژه‌های استفاده شده به‌منظور جستجوی اسناد شامل «بوم‌شناسی»، زیست‌بوم، بوم‌شناسی یادگیری، زیست‌بوم یادگیری، رویکرد بوم‌شناختی، توجه، بوم‌شناسی توجه، دیدگاه بوم‌شناختی بر توجه، اقتصاد توجه، اقتصاد کلاسیک، توجه و رسانه، بوم‌شناسی توجه و رسانه، اقتصاد توجه و رسانه و توجه انسان در محیط مجازی» بودند. یادآوری می‌شود از تمامی واژگان کلیدی بالا فقط برای گردآوری داده‌های اصلی استفاده شده است و داده‌های مرتبط با مداخلات آموزشی

<sup>1</sup> Cadrage

<sup>2</sup> Planification

<sup>3</sup> Recherche

<sup>4</sup> Dépistage

<sup>5</sup> Admissibilité

براساس رویکرد بوم‌شناسی توجه در محیط‌های یادگیری مجازی، براساس نیاز و متناسب با کلیدواژه‌های موردنظر جستجو شدند.

در گام جستجو، از طریق جستجوی ادبیات نظری در «گوگل اسکالر»، اسناد معتبر و مناسب، به کمک کلمات کلیدی مناسب انتخاب و شناسایی شدند. در این گام، صرفاً پس از مطالعه عنوان اسناد، سند موردنظر انتخاب شد؛ اما این انتخاب به معنای انتخاب نهایی نبود؛ بلکه اسناد باید فرایند غربالگری را نیز طی کنند.

فرایند غربالگری در دو گام انجام شد: در گام نخست، عنوان و چکیده بررسی شد تا اسنادی انتخاب شود که در عنوان و چکیده آن‌ها از واژگان کلیدی موردنظر استفاده شده بود. در گام دوم، متن کامل اسنادی که در مرحله قبل انتخاب شدند، با دقت مطالعه شد تا داده‌های موردنظر انتخاب شوند. در نهایت منابع مناسب براساس ملاک‌های زیر با رعایت دقیق بودن، به‌روز بودن، ارتباط و اعتبار آن‌ها شناسایی و انتخاب شدند:

- کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، گزارش‌ها و مقالاتی که به زبان انگلیسی و فارسی چاپ شده بودند؛ منابعی که از زبان‌های دیگر به زبان انگلیسی ترجمه شده بودند (مانند مقالات فرانسوی زبان) نیز انتخاب شدند. ملاک صرفاً انگلیسی بودن زبان متن بود.

- تمام اسناد پژوهشی مرتبط با «واژه‌شناسی، مفهوم‌پردازی و تاریخچه بوم‌شناسی، بوم‌شناسی توجه، اصول طراحی محیط‌های یادگیری بر اساس رویکرد بوم‌شناسی توجه» بدون محدودیت سال گردآوری شدند.

- اسناد تکراری حذف شدند.

- منابع مناسب ازجمله مقالات ژورنالی و کنفرانسی، پایان‌نامه‌ها، کتاب‌ها، فصل کتاب و گزارشات از طریق شناسایی هدف، حوزه پژوهشی، مالکیت، مخاطبان و نوع سند (مقاله، فصل کتاب، پایان‌نامه، کتاب) انتخاب شدند.

در نتیجه، در گام مضمولیت، ۳۳ سند مناسب برای استفاده در فرایند تجزیه و تحلیل انتخاب شدند (نام اسناد استفاده شده در یافته‌های پژوهش گزارش شده است؛ لذا در قسمت منابع گزارش می‌شوند)

بر اساس جستجوهای ایجاد شده، تقریباً ۱۶ سند حذف شدند؛ زیرا محتوای آن‌ها بر اساس ملاک‌های ذکر شده ازجمله مربوط بودن به «واژه‌شناسی، مفهوم‌پردازی و تاریخچه بوم‌شناسی، بوم‌شناسی توجه، اصول طراحی محیط‌های یادگیری بر اساس رویکرد بوم‌شناسی توجه» بود. محتوای اسناد باید حداقل شامل ویژگی‌ها، خصوصیات، فلسفه، تاریخچه و عناصر کلمات کلیدی باشند تا بتوانند وارد این مطالعه بشوند.

از تحلیل مضمون توسعه‌یافته براون و کلارک<sup>۱</sup> برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. تحلیل مضمون روشی برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی به صورت جستجو در مجموعه داده‌ها برای شناسایی، تجزیه و تحلیل و گزارش مضامین و الگوهای تکراری و همینطور معنادار است (Braun and Clarke, 2006). هدف این روش، فراهم آوردن تحلیل منسجم و قانع‌کننده از داده‌هاست. با توجه به نوع پرسش‌های پژوهش و پراکندگی اسناد و داده‌های مرتبط با مطالعه حاضر، روش تحلیل مضمون به کاررفته در این پژوهش به روش استقرایی انجام شد و شش گام «آشنایی با داده‌ها، تشکیل کدهای اولیه، جستجوی مضامین، مرور و بررسی مضامین، تعریف مضامین و نام‌گذاری آن و ارائه گزارش» را طی کرد. در گام آخر تحلیل، از رویکرد توضیحی، تحلیلی، و تبیینی به منظور گزارش نتایج مطالعه و تبیین یافته‌ها استفاده شد.

#### ۴. چارچوب نظری

در این بخش مبانی نظری مرتبط با بوم‌شناسی، توجه و بوم‌شناسی توجه به منظور شناخت بیشتر این مفاهیم ارائه می‌شود.

#### ۴-۱. بوم‌شناسی

نخستین بار در سال ۱۸۶۶ ارنست هکل<sup>۲</sup> واژه بوم‌شناسی<sup>۳</sup> را خلق کرد (Allaby, 2010). از منظر واژه‌شناختی، خاستگاه بوم‌شناسی را باید در دو واژه یونانی ایکوس<sup>۴</sup> (به معنای خانه، زیستگاه)

<sup>1</sup> Braun and Clarke

<sup>2</sup> Ernst Haeckel

<sup>3</sup> Ecologie

<sup>4</sup> Oikos

و لوگوس<sup>۱</sup> (به معنای دانش) جست که هر دو واژه با یکدیگر معنای زیستگاه دانش را به ذهن متبادر می‌سازد (Ingold, 2000 ; Somani, 1992).

تعریف بوم‌شناسی از زمان پیدایش آن تاکنون تغییرات بسیاری کرده و کاربردهای آن توسعه یافته است. سه سال پس از پیدایش واژه بوم‌شناسی، هگل آن را «علم ارتباط ارگانیسم با دنیای اطراف خود» تعریف کرد. این دنیای بیرونی شامل تمامی عناصر زنده و غیرزنده‌ای است که بر زندگی ارگانیسم تأثیر می‌گذارد (Friederichs, 1958). تعریف نخست هگل با تمرکز بر بوم‌شناسی انفرادی<sup>۲</sup> یعنی ارگانیسم‌های فردی، جامعه یا زیست‌گروهی<sup>۳</sup> را نادیده می‌انگارد (Friederichs, 1958).

به نظر می‌رسد نویسندگان دیگر هنگام تعریف واژه بوم‌شناسی از تعریف هگل پیروی نکردند و کوشیدند تا پیوندهای بین ارگانیسم با محیط را نیز در تعریف بوم‌شناسی لحاظ کنند. در جدول (۱) برخی از تعاریف یافت‌شده از بوم‌شناسی به‌منظور درک بهتر روند گسترش این مفهوم گزارش شده است.

| نام نویسنده                          | تعریف ارائه‌شده از بوم‌شناسی                                      |
|--------------------------------------|-------------------------------------------------------------------|
| کینگ و راسل <sup>۴</sup> (1909)      | مطالعه روابط بین حیوانات و محیط آن‌ها                             |
| التون <sup>۵</sup> (1927)            | تاریخ طبیعی علمی                                                  |
| اگلتن <sup>۶</sup> (1939)            | علم روابط ارگانیسم‌ها با محیط‌شان                                 |
| مک‌ناتن و ولف <sup>۷</sup> (1973)    | پیوند میان ارگانیسم و محیطش                                       |
| ارلیش و رافگاردن <sup>۸</sup> (1987) | علم مطالعه پیوند میان ارگانیسم‌ها و محیط بیولوژیکی و فیزیکی آن‌ها |

<sup>1</sup> Logos

<sup>2</sup> Autécologie

<sup>3</sup> Biocénose

<sup>4</sup> King & Russell

<sup>5</sup> Elton

<sup>6</sup> Eggleton

<sup>7</sup> McNaughton

<sup>8</sup> Ehrlich & Roughgarden

|                                      |                                                                                       |
|--------------------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------|
| استیلینگ <sup>۱</sup> (1992)         | تعاملات بین ارگانیسم‌ها از یک سو، و تعاملات بین ارگانیسم و محیط آن از سوی دیگر        |
| دادسون <sup>۲</sup> و همکاران (1998) | بررسی پیوندها، توزیع و فراوانی موجودات زنده، یا گروه‌هایی از موجودات زنده، در یک محیط |

همانطور که مطالعه تعریف‌های ارائه شده از بوم‌شناسی نشان می‌دهد، بیشتر آنها به رابطه بین ارگانیسم و محیط آنها توجه کرده‌اند. با بررسی سیر تحول مفهوم بوم‌شناسی، می‌توان دریافت که این علم از یک تعریف ساده و محدود به یک علم پیچیده و چندوجهی تبدیل شده است. بوم‌شناسی امروزی، فراتر از مطالعه ارگانیسم‌های فردی، به بررسی روابط پیچیده بین موجودات زنده و محیط زیست آنها در سطوح مختلف می‌پردازد.

به باور هیل و همکاران (Hill et al., 2004)، این علم با دیدگاه‌های کل‌نگر خود تمایل بیشتری به درک‌های کل‌نگر و شهودی دارد. علم بوم‌شناسی در مقایسه با سایر شاخه‌های علمی، بر فرآیندهای غیرخطی، عوامل محدودکننده و فرصت‌های منحصربه‌فرد تأکید دارد و اهمیت تنوع و روابط متقابل را به‌عنوان مکان‌هایی که خلاقیت و بهره‌وری در آنها بالاترین است، تشخیص می‌دهد. از این رو، آنان معتقدند مفهوم بوم‌شناسی مرتبط با درک پیچیدگی‌هایی است که در روابط بین ارگانیسم‌ها، هم به‌صورت فردی و هم به‌صورت گروهی تعاملگر در محیط آنها وجود دارد (Hill et al., 2004).

#### ۲-۴. توجه

مطالعات نشان می‌دهد گرچه مفهوم توجه سال‌هاست به‌طور گسترده‌ای مورد مطالعه قرار گرفته است؛ اما تاکنون پاسخ مشخصی برای پرسش «توجه چیست؟» یافت نشده است (Roda, 2004). دانشنامه فلسفه استنفورد، توجه را فرایندی می‌داند که بر جهت‌گیری انتخابی ذهن تأثیر می‌گذارد (Hagner, 2003; Chun et al., 2011). کراولیس و همکاران (Krauzlis et al., 2021) توجه را

<sup>1</sup> Stiling

<sup>2</sup> Dodson

مجموعه‌ای از فرایندهای تکامل یافته ذهن تعریف می‌کنند که منجر به انتخاب رفتاری سازگار و مؤثر می‌شود.

بررسی رویکردهای گذشته به توجه، به‌ویژه "اقتصاد توجه"، نشان می‌دهد که پژوهشگران توجه را امری فردی می‌دانستند. در این زمینه سیتون (2014) اشاره می‌کند تجربه فردی هر کس از پدیده ذهنی توجه سبب شده است که توجه به‌عنوان پدیده‌ای سراسر فردی تلقی شود که که فاعلی را به شیئی پیوند می‌دهد؛ اما سیتون توجه را پدیده‌ای جمعی می‌داند (Citton, 2014, p. 181).

نگاه عمیق به تعاریف توجه نشان می‌دهد علاوه بر فردی بودن، توجه ماهیتی «انتخابی» هم دارد. توجه واسطه تعامل انسان با محیط او است. هنگامی که انسان با مجموعه وسیعی از اطلاعات و محرک‌هایی مواجه می‌شود که فراتر از توانایی او برای درک یا پاسخگویی به همه آنهاست، توجه به او کمک می‌کند تا به چیزهای مهم توجه و حجم عظیمی از اطلاعاتی که با آن مواجه می‌شود را مدیریت کند. این فرایند به معنای انتخاب اطلاعات و نادیده گرفتن اطلاعات غیرمهم است.

طبق بررسی‌ها، توجه به عنوان «انتخاب»، رایج‌ترین پارادایمی است که پژوهش در این حوزه را هدایت می‌کند (Baddeley & Weiskrantz, 1993; Driver, 2001; Lavie & Tsal, 1994; Parasuraman & Davis, 1984; Posner, 1982). در پارادایم توجه به‌عنوان انتخاب، انگاره توجه به‌عنوان مجموعه‌ای از سازوکارها در نظر گرفته می‌شود که تخصیص منابع شناختی محدود را ممکن می‌سازد (Roda, 2011). توجه انتخابی با مجموعه‌ای از عملکردها مرتبط است از جمله اینکه چه محرک‌هایی پردازش شود، چه اطلاعاتی وارد حافظه کاری شود (Awh et al, 2006; Koch and McNab and Klingberg, 2008). کدام محرک‌ها به سطح دسترسی آگاهانه برسد (Koch and Tsuchiya, 2007 O'Regan and Noe, 2001; posner, 1994) و کدام اقدامات درونی و بیرونی اجرا شود (Hommel, 2010; Hommel et al, 2002; Norman and Shallice, 1986).

پژوهشگران معتقدند ابزارها و روش‌هایی که پژوهشگران برای اندازه‌گیری و مطالعه توجه از آنها بهره می‌گیرند، ممکن است تا حد زیادی بر شیوه اندیشیدن آنها پیرامون این انگار و

تعریف آن تأثیر بگذارد (Schmidt et al., 2017). از آنجا که هدف مطالعه حاضر بررسی دلالت‌های بوم‌شناسی توجه در طراحی محیط‌های یادگیری مجازی است، در این مطالعه، انگاره توجه در ارتباط با مفهوم‌سازی‌های مختلفی که در طول زمان تجربه کرده است، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این بررسی درک ما را از توجه افزایش می‌دهد و به روشن شدن اهمیت آن در بوم‌شناسی توجه و طراحی فضاهای یادگیری درگیر ساز و سازگار کمک می‌کند.

بررسی پیشینه مطالعات گذشته به منظور درک بهتر شیوه مفهوم‌سازی توجه، بر وجود سه برداشت متفاوت از آن در طول زمان صحنه می‌گذارد: ۱- توجه به عنوان یک اجبار اجتماعی، ۲- توجه به عنوان عنصری مستقل، ۳- توجه به عنوان یک منبع کالایی (Schmidt et al., 2013). طرفداران برداشت توجه به عنوان یک اجبار اجتماعی بیشتر روان‌شناسان تجربی‌اند که بیش از همه برای ادراک اهمیت قائلند (Schmidt et al., 2013). در این برداشت که بیش از همه به تعهدات بین‌فردی و اجتماعی اهمیت می‌دهد، انگاره‌های بنیادین عرضه و تقاضا نقش مهمی ایفاء می‌کنند (Epstein, 2023). دیدگاه دوم از توجه به عنوان عنصری مستقل آن را هم‌سنگ نوعی «هوش» می‌داند؛ ویژگی پایدار هر فرد که می‌تواند بهبود و رشد یابد؛ اما نمی‌توان فعالانه آن را کنترل کرد (Schmidt et al., 2013). دیدگاه سوم از توجه به عنوان یک منبع کالایی شخصی، دقیقاً با لفاظی مدرن پیرامون توجه مطابقت دارد و آن را به مثابه کالایی در نظر می‌گیرد که باید آن را مصرف کرد (Schmidt et al., 2013). در دنیای معاصر، توجه دیگر تنها در پیوند با وظایف اجتماعی یا احترام نیست؛ بلکه به نوعی دیدگاه تجاری نیز اشاره دارد: توجه بسان منبعی ارزشمند و ارزش‌بخش است که مانند یک کالا در بازار خرید و فروش می‌شود (زختاره، ۱۴۰۲: Epstein, 2023).

بنابراین در انگاره سوم، توجه از یک مفهومی که در ابتدا توسط روان‌شناسان مورد مطالعه قرار می‌گرفت، به عنوان یک دارایی حیاتی برای بازاریان و تبلیغ‌کنندگان تبدیل شد و بر مسئولیت فردی و خودکنترلی در مدیریت توجه تأکید داشت. زبان پیرامون توجه تغییر کرد و نمایانگر یک رابطه مبادله‌ای است که در آن توجه دیگر یک وظیفه اجتماعی نیست؛ بلکه به عنوان یک منبع ارزشمند و دارایی فردی محسوب می‌شود که می‌توان آن را داد و ستد کرد. این کالایی شدن

توجه، بر اهمیت آن در جامعه معاصر تأکید می‌کند؛ جامعه‌ای که جذب و حفظ توجه به‌عنوان یک ارز در قلمرو تجارت و ارتباطات قلمداد می‌شود.

#### ۳-۴. بوم‌شناسی توجه

اصطلاح «بوم‌شناسی» به مطالعه تعاملات بین موجودات زنده و محیط آنها اشاره دارد. بوم‌شناسی روابط بین گونه‌ها، جریان انرژی در زیست‌بوم‌ها و تأثیر تغییرات محیطی بر این سیستم‌ها (زیست‌بوم‌ها) را در بر می‌گیرد. با افزایش آگاهی انسان از ارتباط متقابل خود با طبیعت، بوم‌شناسی از خاستگاه خود یعنی دنیای طبیعی و محیط زیست، گسترش یافت و تبدیل به یک استعاره شد (Spours, 2024).

بوم‌شناسی توجه، پویایی‌های انگاره توجه را به‌عنوان یک کالا در بافت و محیط‌های اطلاعاتی پیچیده بررسی می‌کند. در اصل، بوم‌شناسی توجه به نحوه تخصیص، توزیع و مصرف توجه در زیست‌بوم‌های طبیعی و مصنوعی می‌پردازد. این اندیشه از تلاقی رویکرد بوم‌شناختی، روان‌شناختی و مطالعات رسانه‌ای نشأت می‌گیرد و نشان می‌دهد که چگونه منابع شناختی ما توسط محرک‌های خارجی و ساختارهای اجتماعی شکل می‌گیرد (Citton, 2017; Lev-Ari, 2022).

بوم‌شناسی توجه نخست در پی بسترسازی مجدد ماهیت اجتماعی توجه است. سیتون، افزون بر مخالفت با هرگونه دیدگاه فردگرایانه و محدود به توجه، با ایجاد مفهوم «توجه مشترک»<sup>۱</sup> استدلال قانع‌کننده‌ای برای اجتماعی‌سازی توجه ارائه می‌دهد، چه براساس این مفهوم، هرگاه دو فرد با هم در محیطی مشترک قرار داشته باشند، توجه متمرکز آنها عمیقاً بر درک آن‌ها از اشیاء پیرامون‌شان تأثیر می‌گذارد (Citton, 2017). سیتون بر این باور است که ما باید بتوانیم آگاهانه انتخاب کنیم چه چیزهایی در زندگی ما را از خودبیگانه و یا محسور می‌کند. به‌زعم او، توجه بشری بیشتر بین دو حالت در نوسان است: تمرکز بیش از حد (که میزان این نوع توجه زیاد است و منجر می‌شود که ما بر یک چیز خاص متمرکز شویم)، و تمرکز کم (که نشان می‌دهند

<sup>1</sup> Attention conjointe

خیلی پراکنده و بی‌دقت هستیم). ما باید بیاموزیم چگونه بین این دو حالت در حرکت باشیم و بین آنها توازن برقرار کنیم، یعنی آگاهانه توجه‌مان را از حالتی به حالت دیگر تغییر دهیم و تعادل‌مان را حفظ کنیم. از آنجایی که توجه انسان دو وجهی است (در وجه نخست خودمان تصمیم می‌گیریم به چیزی توجه کنیم، و در وجه دوم «دیگری» در معنای عام توجه‌مان را جلب می‌کند)، رویکرد بوم‌شناختی به توجه این فرصت را میسر می‌کند تا توجه را به شیوه‌ای آگاهانه مدیریت کنیم (Citton, 2017).

این چارچوب نظری به درک سازوکار توجه در دنیای رسانه‌ای مدرن یا همان دوران سرمایه‌داری شناختی<sup>۱</sup> یاری می‌رساند و بر استفاده از رویکرد بوم‌شناختی به‌منظور درک بهتر آن تأکید دارد. از این رو، به‌منظور درک بهتر نقش رویکرد بوم‌شناختی توجه در بهبود یادگیری یادگیرندگان در محیط‌های یادگیری مجازی، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های پژوهشی ذکر شده از طریق بررسی سیر تاریخی پیدایش بوم‌شناسی توجه و دلالت‌های این دیدگاه در طراحی محیط‌های یادگیری مجازی است.

## ۵. یافته‌های تحقیق

مطالعه حاصل از اسناد پژوهشی ذکر شده، به استخراج سه مضمون فراگیر ازجمله «ظهور بوم‌شناسی توجه، اصول بوم‌شناسی توجه و دلالت‌های بوم‌شناسی توجه برای طراحی محیط‌های یادگیری دیجیتال» و مضامین اصلی مرتبط با هر یک منجر گشت. در ادامه، هر کدام از مضامین فراگیر و اصلی در ارتباط با پرسش‌های پژوهش بررسی می‌شود.

### ۵-۱. یافته‌های پژوهش در راستای پاسخگویی به پرسش اول (بوم‌شناسی توجه چگونه ظهور کرد؟)

پاسخگویی به این پرسش پژوهش از طریق توصیف، تبیین و تحلیل مضامین اصلی استخراج شده مرتبط با این مضمون فراگیر انجام شد. مضامین اصلی (اقتصاد کلاسیک: ارزشمندی منابع و کالاهای مادی؛ ناتوانی اقتصاد کلاسیک در مواجهه با نیازها و آگاهی‌های در حال ظهور؛ ظهور

<sup>۱</sup> Capitalisme cognitif

اقتصاد توجه به عنوان لایه‌ای جدید؛ تغییر درک انسان‌ها از اقتصاد؛ تبدیل توجه به مهمترین ارز انسانی؛ داد و ستد توجه؛ رقابت بر سر توجه؛ ظهور فناوری‌های نوین؛ آغاز بحران‌ها و چالش‌های توجه؛ احساس نیاز به رویکردهای جدید برای پرداختن به چالش‌های حیاتی (عناصر شکل‌دهنده مضمون فراگیر ظهور بوم‌شناسی‌های توجه هستند. در این بخش تلاش می‌شود تا هر کدام از این مضامین اصلی ذکر شده در قالب یک فرایند توصیف، تبیین و تحلیل گزارش شود.

خوب می‌دانیم که علم اقتصاد در معنای کلاسیک آن، به‌ویژه در دهه‌های پایانی سده بیستم، بر تولید کالاهای مادی متمرکز بود تا بتواند با افزایش تولید به نیازهای مصرف‌کنندگان در جامعه سرمایه‌داری اقتصادی پاسخ دهد (Citton, 2017; Franck, 2018). از آنجایی که این کالاهای مادی برای حفظ زندگی انسان ضروری بودند، فعالیت‌های اقتصادی عمدتاً حول فرآیندهای غیرمستقیمی می‌چرخید که از طریق توزیع و استفاده از این منابع، ضامن بقای انسان و منعکس‌کننده رابطه مستقیم بین کار، مواد و حفظ زندگی بود (Citton, 2017; Franck, 2018).

در این میان، اندیشه‌های مایکل گولدهابر<sup>۱</sup> به پیدایش مفهوم اقتصاد توجه در حوالی سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۷ یاری رساند. به باور گولدهابر<sup>۱</sup>، ارزشمندترین و کمیاب‌ترین منابع در دوران نوین دیگر کالاها یا خدمات سنتی نبودند؛ بلکه توجه انسان بود که موجب پیدایش و توسعه شکل نوینی از اقتصاد شد. اندیشه گولدهابر حکایت از آن دارد که در دنیای این عصر، جذب و حفظ توجه انسان بسیار حیاتی است، دیدگاهی که پیدایش اصطلاح «اقتصاد توجه» را توجیه می‌کند (Citton, 2017).

هربرت سایمون<sup>۲</sup> پیش از پیدایش این دگرگونی‌ها، از لزوم ایجاد اقتصاد توجه سخن گفته بود. سایمون در سال ۱۹۷۱ در یک سخنرانی در دانشگاه جان هاپکینز گفت: «در دنیای مملو از اطلاعات، ثروت اطلاعات به معنای کمبود چیز دیگری است به نام فقر توجه‌گیرندگان و مخاطبان». گرچه محدودیتی برای تولید اطلاعات وجود ندارد؛ اما تولید اطلاعات، نیازمند مصرف «توجه انسان» است و میزان توجه انسان‌ها محدود و کم است. فراوانی اطلاعات موجب می‌شود

<sup>۱</sup> Goldhaber

<sup>۲</sup> Herbert A. Simon

که افراد با کمبود توجه مواجه شوند و به دنبال تخصیص بهینه توجه خود باشند، اندیشه کلی سایمون توجه به «اقتصاد توجه» را نمایان کرد.

با رشد و توسعه فناوری‌ها و خدمات دیجیتال، نیاز به پیدایش اقتصاد جدیدی احساس می‌شد. ظهور این اقتصاد جدید در آغاز هزاره سوم که گولدهابر وعده آن را داده بود، با وقوع تغییرات در تخصیص منابع مشخص است. در اقتصاد جدید، منابع به سمت خدماتی تخصیص یافت که بر بازتولید مستقیم زندگی انسان تمرکز داشت. این تغییر منجر به کاهش تمرکز و سرمایه‌گذاری بر بخش‌های سنتی مانند کشاورزی و صنعت شد؛ زیرا تأکید بیشتری بر خدمات بود. با رشد اقتصاد خدماتی و به دست گرفتن بخش بزرگتری از تولید ناخالص داخلی، ظرفیت و روابط انسانی و تأکید بر آن به طور فزاینده‌ای اهمیت یافت (Citton, 2017).

از طرفی، از سده بیستم به این سو، با رشد اقتصاد دیجیتال، تولید کالاهای فرهنگی (مانند موسیقی، ویدیو، متن و غیره) به دلیل کاهش هزینه‌های تولید به طرز چشمگیری افزایش یافت (Citton, 2017). فرصت‌هایی که برای اشتراک دیجیتال و رایگان کالاهای فرهنگی (مانند کتاب، موسیقی و فیلم) برای افراد ایجاد شد منجر به تغییر درک انسان‌ها از اقتصاد گشت. همان‌گونه که سیتون بر آن اذعان دارد، با پیدایش و گسترش رسانه‌های دیجیتال و متمادیا<sup>۱</sup>، انسان سده بیست و یکمی با حجم انبوهی از کالاها یا دارایی‌های غیرمادی روبرو شد که مدام برای جلب توجه او در حال رقابت بودند (Citton, 2010)؛ با این حال، امکانات جدید به منظور واگذاری دارایی‌ها و کالاهای غیرمادی به معنای پایان یافتن رقابت‌های تجاری نبود. به باور سیتون اقتصاد توجه به نوع دیگری از رقابت دامن زده است. در این نوع رقابت، وجود گزینه‌های بی‌شمار، به این معناست که افراد باید یک محصول فرهنگی را به جای دیگری برگزینند و هم‌زمان خود را از محصولات دیگر محروم کنند. این پدیده را «اقتصاد توجه» نام‌گذاری می‌کنند که نشان می‌دهد چگونه توجه محدود انسان به چیزی می‌تواند به منبع کمیابی در دنیای سرشار از انتخاب تبدیل شود (سیتون، ۲۰۱۷).

<sup>۱</sup> Métamédia

به دیگر سخن، در اقتصاد جدید، برخلاف مواد و کالاها، توجه منبعی با ارزش و کمیاب برای داد و ستد بین عوامل اقتصادی است. با این حال، این گزاره هرگز به این معنا نیست که اقتصاد جدید جایگزین اقتصاد قبلی شده است زیرا که تداوم زندگی و گردش و توزیع کالاهای فرهنگی هنوز مانند سایر منابع مانند خوراک، دارو، مسکن و پوشاک، نیازمند تولید رایانه و سرورهای اینترنت بود. از این رو، چون لایه‌ی جدیدی به اقتصاد کلاسیک افزوده شد (Citton, 2017).

در این اقتصاد نوظهور، توجه به مهم‌ترین ارز تبدیل شده است. به جای تمرکز بر معاملات پولی، عمل تعامل با محتوا به نوعی اقدام تبدیل شده است، به این معنی که مصرف‌کنندگان صرفاً با توجه کردن، به سیستم کمک می‌کنند. این امر پویایی مصرف را دگرگون می‌کند به نحوی که بینندگان صرفاً دریافت‌کنندگان منفعل نیستند؛ بلکه شرکت‌کنندگانی فعال‌اند که به ایجاد ارزش در محیط سرمایه‌داری یاری می‌رسانند (Citton, 2017). البته منتقدان فرهنگی مانند جاناناتان بلر<sup>۱</sup> (2006) نیز به پیامدهای این اقتصاد خرده می‌گیرند و بر ماهیت نمایش‌محور جامعه سرمایه‌داری تأکید می‌کنند.

یکی از ایرادهای وارده به اقتصاد توجه تمرکز آن بر کسب درآمد و نادیده گرفتن کاربران است. هوانگ<sup>۲</sup> بر این باور است که ما دیگر در زیست‌بوم‌های اطلاعاتی زندگی می‌کنیم که پلتفرم‌های رسانه‌های اجتماعی متعلق به شرکت‌های بزرگ فناوری سودمحور آن را اداره می‌کند. شرکت‌های فناوری برای کسب درآمد بیشتر، سیستم‌ها و الگوریتم‌های محاسباتی پیچیده‌ای را به منظور جذب و تبدیل توجه کاربر به کالا گسترش می‌دهند. برای نیل به این هدف، پلتفرم‌ها محتوای تقریباً نامحدود، الگوریتمی و شخصی‌شده‌ای را ارائه می‌دهند تا برای جلب مهم‌ترین کالا یعنی «توجه» کاربر با هم رقابت کنند (Huang, 2020).

وقتی کاربران این پلتفرم‌ها، بار فزاینده این توجهات و بازارها را احساس کردند، نگرانی زیادی در بین مردم ایجاد شد که ما در دوران بحران توجه زندگی می‌کنیم که پیامدش نوعی فرسودگی فردی است (Lazer et al., 2018; Landon-Murray and Dlugos, 2024; Williams, 2018; )

<sup>1</sup> Beller

<sup>2</sup> Huang

(Odell, 2020) که خود مفاهیم و اشکال جدیدی از مقاومت را می‌طلبد. اودل (2020) ترک و امتناع از جمله شگردهای لازم برای «خارج شدن» از اقتصاد توجه است. هری (2023) خواستار یک شورش توجه از ائتلاف‌های سازمان‌یافته برای براندازی وضعیت موجود بوده است. افزون بر فرسودگی فردی، اقتصاد توجه، چالش‌های متعددی را برای جامعه از جمله انتشار اخبار و اطلاعات جعلی و گمراه‌کننده ایجاد می‌کند؛ برای نمونه، برخی نگرانند که نسخه‌های کنونی رسانه‌های اجتماعی به تکثیر اشکال بی‌کیفیت و مشکل‌ساز اطلاعات مانند اخبار جعلی و اطلاعات ساختگی که از نظر شکلی شبیه محتوای رسانه‌های خبری است، دامن بزنند (Lazer et al., 2018; Vosoghi et al., 2018). در واقع، از آنجا که پلتفرم‌ها آشکارا می‌کوشند تا رضایت‌های هیجان‌انگیز و با تعامل بالا را ترویج کنند، ممکن است ناخواسته به رواج اطلاعات بی‌کیفیت منجر شوند که به‌صورت استراتژیک دقیقاً به همین منظور تهیه شده‌اند (Hao, 2021). افزون بر این، این نگرانی وجود دارد که اقتصاد توجه، ممکن است به بازه‌های توجه جمعی فشار وارد کند (Lorenz-Spreen et al., 2019) و به نوبه خود، توانایی جامعه را برای مشارکت در بحث و اقدام جمعی در عرصه‌های مهمی مانند وضعیت اضطراری اقلیمی مختل کند.

بنابراین با رشد و توسعه افزون فناوری، همچنان که ساختار توجه انسان تغییر می‌کند، محدودیت‌های اقتصاد توجه در پرداختن به چالش‌های نسل امروز بیشتر آشکار می‌شود. تفکر بوم‌شناختی به عنوان یک رویکرد جایگزین اقتصاد توجه، می‌تواند به درک تعامل پیچیده بین شناخت انسان و زیست‌بوم‌های اطلاعاتی که در آن قرار دارد، کمک کند (Epstein, 2023). همانطور که در دنیای طبیعی، موجودات مکانیسم‌هایی را برای نادیده گرفتن محرک‌های نامربوط و تمرکز بر آنچه برای بقا ضروری است، تکامل داده‌اند، انسان‌ها نیز راهبردهای شناختی مشابهی را برای پیمایش در محیط‌های خود توسعه داده‌اند (Gutterman et al., 2013)؛ با این حال، حجم زیاد اطلاعات در جامعه معاصر اغلب این مکانیسم‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد. در نتیجه، افراد ممکن است اضافه بار شناختی را تجربه کنند که منجر به استرس و کاهش رفاه می‌شود. این پدیده بر اهمیت بوم‌شناسی توجه به‌منظور پرداختن به چالش‌های زندگی انسان در عصر حاضر تأکید می‌کند (Epstein, 2023).

## ۵-۲. یافته‌های پژوهش در راستای پاسخگویی به پرسش دوم (بوم‌شناسی توجه چه ویژگی‌هایی دارد؟)

پاسخگویی به این پرسش پژوهش از طریق توصیف، تبیین و تحلیل مضامین اصلی استخراج شده مرتبط با این مضمون فراگیر انجام شد. طبق یافته‌های به دست آمده، مضامین اصلی (کشف ارتباط بین بوم‌شناسی و انگاره توجه، تفاوت‌های بین بوم‌شناسی توجه و اقتصاد توجه، نقدهای رویکرد بوم‌شناسی توجه به اقتصاد توجه، بوم‌شناسی توجه در بستر رسانه) عناصر شکل‌دهنده مضمون فراگیر *اصول بوم‌شناسی توجه* هستند. در این بخش تلاش می‌شود تا هر کدام از این مضامین در قالب یک فرایند توصیف، تبیین و تحلیل گزارش شود.

همانطور که اشاره شد بوم‌شناسی توجه به شبکه‌ای پیچیده از عواملی اشاره دارد که بر نحوه توزیع توجه انسان به مسائل مختلف خود از جمله کار، رسانه و محیط تأثیر می‌گذارند. این چارچوب از نظریه‌های بوم‌شناختی ریشه گرفته است که تأکید بر تأثیر متقابل بین افراد و بافت دارد. در اصل، بوم‌شناسی توجه به دنبال بررسی این موضوع است که چگونه نشانه‌های محیطی، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و هنجارهای اجتماعی ظرفیت انسان را برای تمرکز و تعامل شکل می‌دهد. طبق رویکرد بوم‌شناختی، وجود افراد بر وجود روابطی که آنها را شکل می‌دهد مقدم نیست و نمی‌توان افراد را از محیط‌شان جدا دانست. بر این اساس، توجه نوعی تعامل<sup>۱</sup> محسوب می‌شود و ضامن ایجاد پیوند انسان با محیطی است که بقای او به آن بستگی دارد (Citton, 2014). بوم‌شناسی توجه نگاهی متفاوت‌تر از اقتصاد توجه به انگاره توجه دارد. طبق دیدگاه بوم‌شناسی توجه، در عصر هجوم اطلاعات، رقابت برای توجه انسان بسیار زیاد است و علی‌رغم حجم فشارآور محتوا، توانایی انسان برای توجه و درگیری محدود است. از این رو، توجه انسان آسیب‌پذیر است؛ اما آسیب‌پذیری توجه فقط از بعد فردی نیست؛ بلکه مسأله توجه موضوعی پیچیده است و شامل تجارب فردی و عوامل محیطی گسترده است. این به این معناست که هم خود انسان و هم محیط او نقش زیادی در این آسیب‌پذیری دارد. از این رو بوم‌شناسی توجه

<sup>۱</sup> Interaction

تأکید بر این مسأله دارد که چگونه تمرکز، حواس‌پرتی و تأثیر فناوری با یکدیگر ادغام شده‌اند و بر توجه او تأثیر می‌گذارند (Ganteau, 2022).

مفهوم‌سازی توجه در دوران اقتصاد توجه، افزایش فردگرایی و کالایی‌سازی توجه را دنبال می‌کرد (Schmidt et al., 2013). هدف بوم‌شناسی توجه در مرحله نخست بسترسازی مجدد ماهیت اجتماعی توجه است (Epstein, 2023). سیتون رویکرد فردگرایانه و محدود اقتصاد توجه نسبت به انگاره توجه را نقد می‌کند و در این زمینه استدلال قانع‌کننده‌ای برای اجتماعی‌سازی مجدد توجه از طریق مفهوم توجه مشترک<sup>۱</sup> ارائه می‌دهد. سیتون استدلال می‌کند وقتی دو نفر با هم درگیر مکالمه و گفتگو می‌شوند، توجه مشترک آنها می‌تواند عمیقاً بر درک آنها از اشیاء اطرافشان تأثیر بگذارد. طبق نظر او، تجارب مشترک بین چند نفر، منجر به ایجاد درک جمعی می‌شود که فراتر از تعامل ساده بین یک فرد و یک شیء است؛ در نتیجه نمی‌توان توجه را موضوعی صرفاً فردی دانست (Citton, 2017). برای درک بهتر این موضوع می‌توان از مثال کلاس درس استفاده کرد. در یک کلاس درس، گرچه معلم هدایت‌کننده توجه و تمرکز گروهی است؛ اما دانش‌آموزان با هم مشارکت می‌کنند و با هم یاد می‌گیرند؛ این فرایند به آنها این فرصت را فراهم می‌سازد تا درکی مشترک خلق کنند. این رویکرد جمعی به توجه با خلق ارتباطات و معانی عمیق به غنی‌سازی تجارب یادگیری کمک می‌کند (Laal & Ghodsi, 2012).

سیتون (2017) به نگرش صرفاً ابزاری اقتصاد توجه به رسانه از این رو که به مدیریت منابع می‌پردازد و به استفاده از این منابع توجهی ندارد، ایراد وارد می‌کند. او رسانه را به ابزار تقلیل نمی‌دهد و معتقد است فرایند توجه، پیوندی جدانشدنی و دوار با فرایند ارزش‌آفرینی رسانه دارد. امروزه انسان از طریق رسانه، با آن و مطابق با آن می‌اندیشد و تعامل با رسانه پیامدهای مهمی هم در حوزه‌های عصب‌شناختی، زیست‌شناختی و روان‌شناختی و هم در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در پی دارد (Carr, 2011). کار یادآوری می‌کند که مک‌لوهان، اندیشمند کانادایی، به‌خوبی دریافته بود که انسان با پیدایش هر رسانه جدیدی اسیر اطلاعات و داده‌هایی می‌شود که آن رسانه به او می‌دهد و فناوری کاملاً گذرا و شفاف می‌شود تا خود را در

<sup>1</sup> Attention conjointe

افکار عمومی به ابزاری بی‌خطر جا بزند. حال آنکه با پیدایش هر رسانه جدیدی، هم ساختار مغز و ذهن انسان تغییر می‌کند، هم خوراک فکری جدیدی به ذهن او داده می‌شود، و هم عادت‌ها و اعتیادهای جدیدی در او شکل می‌گیرد (Carr, 2011). از این رو، در بوم‌شناسی توجه، تأکید بر تأثیر رسانه در درک و شناخت انسان است (Citton, 2017).

برخلاف رویکرد غالب اقتصادی به توجه که جمع را منتج از فعالیت‌های فردی می‌داند، رویکرد بوم‌شناسی، توجه را پدیده‌ای سراسر جمعی می‌داند که فعالیت‌های فردی از آن منتج می‌شود. به دیگر سخن، «من» همواره به چیزی توجه می‌کند که «ما» به صورت جمعی و هم‌زمان به آن توجه نشان دهد (Citton, 2014). بدین ترتیب، باید توجه را بسان پدیده‌ای سراسر جمعی در بطن فضای رسانه‌ای<sup>۱</sup> بررسی کرد و از انگاشتن حواس‌پرتی<sup>۲</sup>، بیش‌فعالی<sup>۳</sup> و چندکارگی<sup>۴</sup> به عنوان مشکلاتی صرفاً فردی دوری جست. انگاره فضای رسانه‌ای در بطن زنجیره تولید صنعتی معنا می‌یابد؛ زیرا فروش محصولات انبوه کارخانه‌ها در سطح وسیع نیازمند آن است که رسانه‌ها بتوانند در افراد نیاز به خرید آن کالاها را ایجاد کنند (Citton, 2014).

بنابراین، ظهور بوم‌شناسی توجه، منعکس‌کننده یک تغییر فرهنگی گسترده‌تر به سمت شناخت ارزش توجه به عنوان یک منبع محدود است. همانطور که با پیامدهای زندگی در یک محیط غنی از اطلاعات دست‌وپنجه نرم می‌کنیم، درک اصول بوم‌شناختی که رفتارهای توجه انسان را کنترل می‌کنند، می‌تواند بینش‌های ارزشمندی را برای محیط‌های یادگیری مبتنی بر فناوری ارائه دهد. تفکر بوم‌شناختی در شیوه‌های توجه، به متخصصان و پژوهشگران کمک می‌کند تا محیط‌هایی سرشار از خلایق، درگیری و تعامل معنادار توسعه دهند (Masure, 2017). از این رو، یافته‌های مرتبط با پرسش سوم شاید بتواند نگاهی عمیق‌تر از دلالت‌های این رویکرد در محیط‌های یادگیری مجازی ارائه دهد.

<sup>۱</sup> Médiasphère

<sup>۲</sup> Distraction

<sup>۳</sup> Hyperactivité

<sup>۴</sup> Multitâche

### ۳-۵. یافته‌های پژوهش برای پاسخگویی به پرسش سوم (دلالت‌های بوم‌شناسی توجه برای محیط‌های یادگیری مجازی چیست؟)

طبق یافته‌های به دست آمده، مضامین اصلی (انواع توجه در رویکرد بوم‌شناسی، ماهیت توجه در فضای یادگیری دیجیتال، توجه در فضای یادگیری دیجیتال از دیدگاه بوم‌شناسی توجه، چالش‌های توجه در محیط‌های یادگیری دیجیتال و راهکارهای بوم‌شناسی توجه برای مدیریت توجه در محیط‌های یادگیری دیجیتال) عناصر شکل‌دهنده مضمون فراگیر/اصول بوم‌شناسی توجه هستند. در این بخش خلاصه‌ای از مطالعات گذشته در زمینه مدیریت توجه در محیط‌های یادگیری مجازی و راهکارهایی که پژوهش‌های مختلف پیشنهاد داده‌اند، در جدول شماره ۱ خلاصه و دسته‌بندی شده است.

| سند                         | راهبردهای راهبردهای استخراج شده                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                             |
|-----------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سیتون (2014)،<br>2017، 2019 | عدم تقلیل توجه به تمرکز و شکل‌گیری درک درستی از پدیده ذهنی توجه؛ بهره جستن از ظرفیت‌های بالقوه سه گونه توجه جمعی <sup>۱</sup> ، توجه مشترک <sup>۲</sup> و توجه فردی ساز <sup>۳</sup> ؛ رویارویی با مشکلات ناشی از حواس‌پرتی دیجیتال؛ پرورش انسانی بادقت و باملاحظه و آموزش هنر به‌گزینی، توانایی تمیز سره از ناسره و جداسازی داده‌های معتبر از نامعتبر را به یادگیرندگان (بهبود سواد اطلاعاتی و سواد رسانه‌ای یادگیرندگان). |
| مایرز و همکاران (2013)      | تبدیل یادگیرنده به مشارکت‌کننده منتقد، فعال و همیشه هوشیار که ارزیابی‌کننده فرصت‌ها از نظر مزایا و معایب آن‌ها است (سواد رسانه‌ای).                                                                                                                                                                                                                                                                                         |
| هایلز (2007)                | رسانه‌های دیجیتال هم خود مشکل هستند و هم راه‌حل؛ تأکید بر پتانسیل رسانه‌های دیجیتال برای رویارویی با این چالش‌ها؛ فراهم ساختن فرصت‌هایی برای تنظیم دوباره کلاس درس بر اساس سبک‌های شناختی جدید؛                                                                                                                                                                                                                             |

<sup>1</sup> Attention collective

<sup>2</sup> Attention conjointe

<sup>3</sup> Attention individuelle

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |                                                      |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------|
| خلق فرصت‌های یادگیری عمیق و معنی‌دار از طریق پیوند بین توجه عمیق و توجه بیش از حد نقش.                                                                                                                                                                                                                                                                        |                                                      |
| تأکید بر نوعی مبارزه متقدانه علیه پذیرش جریان اصلی پتانسیل فناوری دیجیتال؛<br>خواست یک دیدگاه انتقادی جدید در مورد تأثیر فناوری بر توجه انسان؛<br>ترغیب به تعامل آگاهانه‌تر با روش‌های شکل‌دهنده زندگی و ساختارهای اجتماعی انسان.                                                                                                                             | استیگلر <sup>۱</sup> (2010)                          |
| بررسی ویژگی‌های چالش‌برانگیز محیط‌های یادگیری از جمله چالش‌های حواس‌پرتی، چندکارگی و بار اضافی اطلاعات.                                                                                                                                                                                                                                                       | رودا و نابث (2007)                                   |
| ایجاد درک نسبتاً جامع از تأثیر انحراف توجه دیجیتال بر پیامدهای یادگیری؛<br>رویارویی با مشکلات ناشی از حواس‌پرتی دیجیتال؛<br>تأکید بر خلق محیط یادگیری و راهبردهای یاددهی است به‌منظور افزایش حس کنجکاوی و جذابیت موضوع برای یادگیرندگان؛<br>استفاده از راهبردهای یادگیری فعال در کاهش مواجهه و توجه یادگیرندگان به اختلال‌گرهای توجه در محیط یادگیری دیجیتال. | نابونگ (2024)                                        |
| توسعه مداخلات آموزشی برای کاهش تأثیرات منفی چندکارگی دیجیتال بر یادگیری و عملکرد تحصیلی نسل جوان.                                                                                                                                                                                                                                                             | ایروان و پرازیتو (2020)                              |
| تمرکز بر مهارت‌های یادگیری فراشناختی و یادگیری خودتنظیم؛<br>راهبردهای یادگیری خودتنظیم همچون تنظیم هدف، نظارت بر پیشرفت خود و نظم‌دهی عادات مطالعه.                                                                                                                                                                                                           | گارسیا-سانتیلان و اسپینوزا-راموس <sup>۲</sup> (2021) |
| تجهیز دانش‌آموزان به مهارت‌های فراشناختی برای نظم‌دهی به توجه و مقاومت در مقابل حواس‌پرتی‌های دیجیتال.                                                                                                                                                                                                                                                        | اوتنهوف <sup>۳</sup> (2011)                          |
| بررسی نقش هنجارهای فرهنگی، زیرساخت‌های فناورانه و اقدامات آموزشی در بهبود توجه یادگیرندگان.                                                                                                                                                                                                                                                                   | چن <sup>۴</sup> و همکاران (2014)                     |

<sup>1</sup> Stiegler<sup>2</sup> García-Santillán & Espinosa-Ramos<sup>3</sup> Ottenhoff<sup>4</sup> Chen

|                                    |                                                                                                                                                                                                                                                      |
|------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سانا <sup>۱</sup> و همکاران (2013) | توسعه نرم‌افزارهایی برای مسدودسازی اپلیکیشن‌های پرت‌کننده حواس حین یادگیری مانند برنامه‌های فریدم و کلد ترکی <sup>۲</sup> به‌منظور مسدودسازی دسترسی به وبسایت‌ها و شبکه‌های اختلال‌گر توجه.                                                          |
| هاول <sup>۳</sup> (2021)           | پیشنهاد می‌کند رویکردهای یادگیری فعال مانند حل-مسئله مشارکتی، آموزش به همتا و یادگیری تجربی می‌توانند از طریق «تمرکز توجه و علاقه یادگیرنده» به فرایند یادگیری منجر به افزایش درگیری یادگیرندگان در فرایند یادگیری شود و یادگیری معنادار ایجاد کنند. |
| (سیتون و دوبت، 2019).              | بهبود کیفیت فرایند یاددهی-یادگیری.                                                                                                                                                                                                                   |
| ژو و یانگ (2023)                   | طراحی محیط یادگیری تعاملی و استفاده از رابط کاربری مناسب سطح یادگیرندگان به‌منظور بهبود میزان توجه آنان.                                                                                                                                             |

#### ۶. نتیجه‌گیری

هدف از این مطالعه، بررسی نحوه پیدایش بوم‌شناسی توجه، شناسایی ویژگی‌های آن و بررسی دلالت‌های آن برای طراحی محیط‌های یادگیری بود. برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهش تلاش شد تا از طریق روش مرور نظام‌مند ادبیات نظری، داده‌های مورد نیاز استخراج و تجزیه و تحلیل گردد. سپس یافته‌های مرتبط با هر پرسش بر اساس رویکرد توصیفی، تحلیلی و تبیینی گزارش شد. در این قسمت به نتیجه‌گیری در مورد یافته‌های این مطالعه پرداخته می‌شود.

یافته‌های این مطالعه بیانگر سه مضمون فراگیر «ظهور بوم‌شناسی توجه، ویژگی‌های بوم‌شناسی توجه، دلالت‌های بوم‌شناسی توجه برای طراحی محیط‌های یادگیری دیجیتال» است. طبق مطالعات انجام شده، بوم‌شناسی توجه به‌عنوان رویکردی امیدبخش در مقابل دیدگاه‌های کالایی به توجه ظهور کرد. این دیدگاه با پشت سر گذاشتن و انتقاد از رویکردهای موجود به توجه از جمله رویکرد اقتصاد توجه، نگاهی متفاوت‌تر و جمع‌گرایانه‌تر به انگاره توجه دارد و

<sup>1</sup> Sana

<sup>2</sup> Freedom and Cold Turkey

<sup>3</sup> Howell

سه نوع توجه توجه جمعی، توجه مشترک و توجه فردی‌ساز را معرفی می‌کند که در هر یک از آن‌ها فرد می‌تواند عاملی کنشگر باشد.

طبق دیدگاه بوم‌شناسی توجه، در عصر هجوم اطلاعات، رقابت برای توجه انسان بسیار زیاد است و علی‌رغم حجم فشارآور محتوا، توانایی انسان برای توجه و درگیری محدود است. از این رو، توجه انسان آسیب‌پذیر است؛ اما آسیب‌پذیری توجه فقط از بعد فردی نیست؛ بلکه مسأله توجه موضوعی پیچیده است و شامل تجارب فردی و عوامل محیطی گسترده است. این بدین معناست که هم خود انسان و هم محیط او نقش زیادی در این آسیب‌پذیری دارد.

ازجمله موضوعات موردتوجه رویکرد بوم‌شناسی توجه، تأکید آن بر تأثیر رسانه بر درک و شناخت انسان است و همواره نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌ها پیوند انسان را با اطلاعات، فرهنگ و آموزش دگرگون ساخته‌اند. در این دیدگاه رسانه به یک ابزار تقلیق داده نمی‌شود بلکه رسانه و توجه پیوندی جدانشدنی با هم دیگر دارند. بوم‌شناسی توجه برخلاف رویکردهای سنتی به توجه که آن را پدیده ذهنی منفعلانه می‌دانند، به زایایی توجه باور دارد و آن را ارزش‌آفرین می‌داند؛ زیرا که معتقد است از طریق توجه نشان دادن به موضوعی هرچند ناچیز، انسان به آن ارزش می‌بخشد یا بر ارزش آن می‌افزاید. از این رو، طبق اصول این دیدگاه، با پیدایش هر رسانه جدیدی، هم ساختار مغز و ذهن انسان تغییر می‌کند، هم خوراک فکری جدیدی به ذهن او داده می‌شود، و هم عادت‌ها و اعتیادهای جدیدی در او شکل می‌گیرد.

در این مطالعه، یافته‌های مرتبط با ظهور بوم‌شناسی توجه و شناسایی ویژگی‌ها و اصول این دیدگاه، کمک کرد تا بر اساس این یافته‌های به دست آمده، دلالت‌های بوم‌شناسی توجه در طراحی محیط‌های یادگیری دیجیتال استخراج شود. بوم‌شناسی توجه به دنبال مطالعه شرایطی است که توجه انسان در آن رشد یافته و شکوفا می‌شود. طبق اصول این رویکرد، توجه تحت فشار دائمی عوامل بیرونی نظیر وفور داده‌ها و اطلاعات است که سبب کاسته شدن از میزان کیفیت آن می‌گردد. امروزه دانش‌آموزان به‌صورت مداوم در معرض حجم بالایی از اطلاعات‌اند که رسانه‌های دیجیتال آنها را با کمترین هزینه تولید می‌کنند. بار اضافی اطلاعات، از یک سو، کاهش توانایی توجه را بدنال دارد، و از سوی دیگر، بر یادگیری و سلامت روانی آنها تأثیر

سویی می‌گذارد. از این رو، بوم‌شناسی توجه می‌تواند در درک اینکه چگونه تمرکز، حواس‌پرتی و تأثیر فناوری با یکدیگر ادغام شده‌اند و بر توجه کاربر در فضای مجازی تأثیر می‌گذارند، نقش مفید و سودمندی داشته باشد. طبق این دیدگاه شاید اصلی‌ترین رسالت یاددهنده در فرایند یاددهی-یادگیری پرورش انسانی بادقت و باملاحظه است که به دیگری، جهان و چیزها توجه نشان می‌دهد و از آنها مراقبت می‌کند. بنابراین، بر اساس اصول این دیدگاه، تأکید بر خلق محیط یادگیری و طراحی راهبردهای یاددهی است که یادگیرندگان بتوانند با موضوع پیوند تنگاتنگی ایجاد کنند، در فرایند یاددهی-یادگیری درگیر شوند و کنجکاوی آنان ترغیب شود.

یافته‌های این مطالعه در باب دلالت‌های رویکرد بوم‌شناسی توجه در طراحی محیط‌های یادگیری دیجیتال، در نوع خود نخستین است و با یافته‌های پژوهش‌های گذشته هم‌حوزه خویش در تایید اهمیت طراحی محیط یادگیری براساس رویکرد بوم‌شناختی هم‌راستا است، می‌تواند افق‌های جدیدی را در حیطه‌ی آموزش‌های مبتنی بر محیط‌های دیجیتال باز نماید.

### کتابنامه

- روشندل اربطانی، ط.، ساروخانی، ب. و محمدپور، ع. (۱۴۰۱). «پیشایندهای جذب توجه کاربران در بستر اقتصاد توجه (مورد مطالعه: شبکه اجتماعی اینستاگرام)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۱۱ (۱)، ۱۴۳-۱۶۶.
- زختاره، ح. و ا.، مومنی‌راد (۱۴۰۰). «بازتعریف نقش رسانه و توجه در فرایند آموزش با تکیه بر اندیشه‌ی ایو سیتون»، *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، ۴ (۲)، ۱۷۶-۱۹۵.
- زختاره، ح. (۱۴۰۲). «بررسی نمایانی و معروفیت در ادبیات معاصر فرانسه»، *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، ۶ (۱)، ۳۱-۵۴.
- فرهنگی، ع.ا.، قراگوزلو، ع. و صلواتیان، س. (۱۳۸۹). «توجه، حکمرانی جدید در اقتصاد رسانه»، *پژوهش‌های ارتباطی*، ۱۷ (۳)، ۹۱-۱۱۴.

Allaby, M. (Ed.) (2010). *A dictionary of ecology*. Oxford: Oxford University Press.

- Awh, E., Vogel, E. K., & Oh, S. H. (2006). «Interactions between attention and working memory» in *Neuroscience*, 139(1), 201-208.
- Beller J. (2006). *The Cinematic Mode of Production. Attention Economy and the Society of the Spectacle*. Hanover: Dartmouth University Press.
- Beck J. & Davenport T. (2001). *The Attention Economy. Understanding the New Currency of Business*. Cambridge: Harvard Business School.
- Bell, A. S. (2011). «A critical review of adhd diagnostic criteria: What to address in the dsm-v» in *Journal of Attention Disorders*, 15(1): 3–10.
- Bollier, D. (2000). « Ecologies of innovation: The role of information and communications technologies » in *A report of the eighth annual Aspen Institute Roundtable on Information Technology*. Washington: Aspen Institute.
- Bradshaw, S., Howard, P. N. (2019). « The global disinformation order » in 2019 *global inventory of organised social media manipulation*. Oxford Internet Institute..
- Bronfenbrenner, U. (1994). «Ecological models of human development» in *International encyclopedia of education*, 3(2), 37-43.
- Buchanan, J. (2006). *From 'skill shortages' to decent work: The role of better skill ecosystems*. Sydney: NSW Department of Education and Training.
- Caar, N. (2011). *Internet rend-il bête ? Réapprendre à lire et à penser dans un monde fragmenté*. Paris : Robert Laffont.
- Carlson, S. (2005). The net generation goes to college. *Chron. High. Educ. Inform. Technol. Sect.* 52, A34.
- Citton, Y. (2010). *L'Avenir des humanités. Economie de la connaissance ou cultures de l'interprétation ?* Paris : La Découverte.
- Citton, Y. (2014). *Pour une écologie de l'attention*, Paris : Seuil.
- Citton, Y. (2017). «Restructuring the attention economy: Literary interpretation as an antidote to mass media distraction» In *Economics and Literature*, 227-242.
- Citton, Y., and. Doudet (2019). *Ecologies de l'attention et archéologie des média*, Grenoble: UGA.
- Chun, M. M., Golomb, J. D., and Turk-Browne, N. B. (2011). «A taxonomy of external and internal attention» in *Annual review of psychology*, 62, 73–101.
- Davenport, T. H., & Beck, J. (2001). *The attention economy*. Cambridge: Harvard Business School Press.
- Deloitte. (2016). «The Internet of Things ecosystem: Unlocking the business value of connected devices». Consulté le 10 avril 2025. <http://www2.deloitte.com/us/en/pages/technology-media-and-telecommunications/articles/internet-of-things-iotenterprise-value-report.html>
- Fazza, H. (2021). «AFL students' perceptions of the use of an interactive digital platform to enhance reading strategies: An activity theory perspective»

- in *Teaching in the Post COVID-19 Era: World Education Dilemmas, Teaching Innovations and Solutions in the Age of Crisis*, 403-414.
- Fisher, P., & Owen, J. (2008). «Empowering interventions in health and social care: Recognition through ecologies of practice» in *Social science & medicine*, 67(12), 2063-2071.
- Folke, C., Hahn, T., Olsson, P., & Norberg, J. (2005). «Adaptive governance of social-ecological systems» in *Annual Review of Environment and Resources*, 30, 441-473.
- Fox, A. B., Rosen, J., and Crawford, M. (2009). «Distractions, distractions: does instant messaging affect college students' performance on a concurrent reading comprehension task?» in *Cyberpsychol. Behav.* 12, 51-53.
- Franck, G. (2019). «The economy of attention» in *Journal of sociology*, 55(1), 8-19.
- Friederichs, K. (1958). «A definition of ecology and some thoughts about basic concepts» in *Ecology*, 39(1), 154-159.
- García-Santillán, A., & Espinosa-Ramos, E. (2021). «Addiction to the smartphone in high school students: How it's in daily life?» in *Contemporary Educational Technology*, 13(2), 296.
- Gitterman, A., Germain, C., & Knight, C. (2013). *The encyclopedia of social work*. Oxford: Oxford University Press.
- Graedel TE. (1996). «On the concept of industrial ecology» in *Annu Rev Energy Env*, 21(1): 69-98.
- Goldhaber M. (1996), "Principles of a New Economy", <http://www.well.com/user/mgoldh/principles.html>
- Hagner, M. (2003). «Toward a history of attention in culture and science» in *MLN*, 118(3):670- 687.
- Hajer, M. A., & Wagenaar, H. (Eds.). (2003). *Deliberative policy analysis: understanding governance in the network society*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Hao, K. (2021, March 11). «How Facebook got addicted to spreading misinformation» in *MIT Technology Review*. <https://www.technologyreview.com/2021/03/11/1020600/facebook-responsible-ai-misinformation/>
- Hayles, N. K. (2007). «Hyper and Deep Attention: The generational divide in cognitive modes» in *Profession*, 13: 187-199.
- Hettithanthri, U., Hansen, P., & Munasinghe, H. (2023). «Exploring the architectural design process assisted in conventional design studio: a systematic literature review» in *International Journal of Technology and Design Education*, 33(5), 1835-1859.

- Hill, S. B., Wilson, S., & Watson, K. (2004). «Learning ecology. A new approach to learning and transforming ecological consciousness» In *Learning toward an ecological consciousness: Selected transformative practices*, 47-64.
- Howell, R. A. (2021). «Engaging Students in Education for Sustainable Development: The Benefits of Active Learning, Reflective Practices and Flipped Classroom Pedagogies». In *Cleaner Production*, 325. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2021.129318>
- Hommel, B., Ridderinkhof, K. R., & Theeuwes, J. (2002). «Cognitive control of attention and action: Issues and trends» in *Psychological research*, 66(4), 215-219.
- Hommel, B. (2010). «Grounding attention in action control: The intentional control of selection» in *Effortless attention: A new perspective in the cognitive science of attention and action*, 121-140.
- Huang, S., Aral, S., Hu, Y. J., and Brynjolfsson, E. (2020). «Social advertising effectiveness across products: A large-scale field experiment» in *Marketing Science*, 39(6):1142–1165.
- Inkpen SA. (2017). «Are humans disturbing conditions in ecology?» in *Biol Philos*, 32(1):51–71
- Irawan, S., & Prasetyo, D. (2020). «The evaluation of online school examination implementation using CIPP model» In *Jurnal Penelitian dan Evaluasi Pendidikan*, 24(2). <https://doi.org/10.21831/pep.v24i2.33032>
- Jackson, N. J. (2019). «Ecologies for learning and practice in higher education ecosystems» In *Ecologies for learning and practice*, 81-96.
- Jenkins, H. (2006). *Convergence Culture: Where Old and New Media Collide*. New York: New York University Press.
- King, L. A. L., & Russell, E. S. (1909). «A method for the study of the animal ecology of the shore» In *Proc. R. Phys. Soc. Edinb*, 17(6), 225-53.
- Koch, C., & Tsuchiya, N. (2007). «Attention and consciousness: two distinct brain processes». *Trends in cognitive sciences*, 11(1), 16-22.
- Lachaux, J.-Ph. (2020). *La Magie de la concentration. Un parcours ludique et initiatique*. Paris : Odile Jacob.
- Laal, M. and Ghodsi, S. M. (2012). «Benefits of collaborative learning» in *Procedia-social and behavioral sciences*, 31, 486–490.
- Lazer, D. M., Baum, M. A., Benkler, Y., Berinsky, A. J., Greenhill, K. M., Menczer, F., Metzger, M. J., Nyhan, B., Pennycook, G., Rothschild, D., Schudson, M., Sloman, S., Sunstein, C., Thorson, E., Watts, D., and Zittrain, J. (2018). «The science of fake news» in *Science*, 359(6380), 1094–1096.

- Levine, L. E., Waite, B. M., and Bowman, L. L. (2007). «Electronic media use, reading, and academic distractibility in college youth» in *Cyberpsychol. Behav.*, 10, 560–566.
- Lev-Ari, T., Beeri, H., & Gutfreund, Y. (2022). «The ecological view of selective attention» in *Frontiers in Integrative Neuroscience*, 16, 856207.
- Landon-Murray, M., & Dlugos, K. (2024). «Stolen focus: why you can't pay attention-and how to think deeply again », New York, Crown.
- Lorenz-Spreen, P., Mønsted, B. M., Høvel, P., and Lehmann, S. (2019). «Accelerating dynamics of collective attention» in *Nature communications*, 10(1), 1759.
- Madden, M., Lenhart, A., Duggan, M., Cortesi, S., and Gasser, U. (2013). *Teens and Technology 2013*. Washington, DC: Pew Research Centre
- Masure, A. R. (2017). «Ecology of attention and design of digital environments: Towards a policy of filters? Communication within the framework of the scientific conference» In *Proceedings of Ecologies of Digital* (Écolab / ESAD Orléans). <https://www.anthonymasure.com/conferences/2017-11-politique-filtres-ecolab-orlean>
- McNab, F., & Klingberg, T. (2008). «Prefrontal cortex and basal ganglia control access to working memory» in *Nature neuroscience*, 11(1), 103-107.
- Mundy, P., & Newell, L. (2007). «Attention, joint attention, and social cognition» in *Current directions in psychological science*, 16(5), 269-274.
- Nabung, A. (2024). «The impact of multitasking with digital devices on classroom learning: A critical review on the future of digital distraction in education» in *US-China Education Review*, 14(6), 369-383.
- Norman, D. A., & Shallice, T. (1986). «Attention to action: Willed and automatic control of behavior» In *Consciousness and self-regulation: Advances in research and theory volume 4* (pp. 1-18). Boston, MA: Springer US.
- Odell, J. (2020). *How to do nothing: Resisting the attention economy*. Melville House.
- O'regan, J. K., & Noë, A. (2001) «A sensorimotor account of vision and visual consciousness» in *Behavioral and brain sciences*, 24(5), 939-973.
- Ottenhoff, T. H. M. (2011). «New insights and tools to combat leprosy nerve damage» in *Leprosy Review*, 82(4), 334-337.
- Posner, M. I. (1982). «Cumulative development of attentional theory» in *American Psychologist*, 37(2), 168.
- Rosen, L. D., Carrier, M. L., and Cheever, N. A. (2013). «Facebook and texting made me do it: media-induced task-switching while studying» in *Comp. Hum. Behav.*, 29, 948–958.

- Roda, C. (2011). «Human attention and its implications for human–computer interaction» in *Human attention in digital environments*, 1, 11-62.
- Sagoff M (2016). «Are there general causal forces in ecology?» in *Synthese*, 193, 3003–3024.
- Sana, F., Weston, T., & Cepeda, N. J. (2013). «Laptop multitasking hinders classroom learning for both users and nearby peers» in *Computers & Education*, 62, 24-31.
- Schmidt, B. (2013). «*Paying attention: Imagining and measuring a psychological subject in American culture, 1886–1960*» (Doctoral dissertation, Princeton University). Princeton, NJ.  
<https://dataspace.princeton.edu/handle/88435/dsp01m613mx718>
- Seely-Brown, J. (2002). «Growing up digital: How the web changes work, education, and the ways people learn» in *USDLA Journal*, 16(2).
- Somani, L. L. (1992). «Dictionary of Ecology and Environment (Vol. 6) » in Mittal Publications.
- Spours, K. (2024). «From Learning Ecologies to a Social Ecosystem Model for Learning and Skills» in *Systems*, 12(9), 324.
- Stiegler, B. (2010). *Taking care of youth and the generations*. San Francisco: Stanford University Press.
- Stiegler, B. (1998). *Technics and time, 2: Disorientation (Vol. 2)*. Redwood City: Stanford University Press.
- Stiegler, B. (2008). *Technics and Time 2: Disorientation*. Redwood City: Stanford University Press.
- Stiling P (1992) Ecology. Prentice Hall, Upper Saddle River
- Sweller, J. (2020). «Cognitive load theory and educational technology» in *Educational Technology Research and Development*, 68(1), 1-16.
- Van Merriënboer, J. J., Kirschner, P. A., & Kester, L. (2003). «Taking the load off a learner's mind: Instructional design for complex learning» in *Educational psychologist*, 38(1), 5-13.
- Vedechkina, M., & Borgonovi, F. (2021). «A review of evidence on the role of digital technology in shaping attention and cognitive control in children» in *Frontiers in Psychology*, 12, 611155.
- Velasquez, A., Renó, D., Beltrán, A. M., Maldonado, J. C., & León, O. (2018). «From the mass media to social media: Reflections on the new media ecology» in *Revista Latinoamericana de Comunicación y Sociedad*, 73, 583–594.
- Vosoughi, S., Roy, D., and Aral, S. (2018). «The spread of true and false news online» in *Science*, 359(6380), 1146–1151.
- Williams, J. (2018). *Stand out of our light: Freedom and resistance in the attention economy*. Cambridge: Cambridge University Press.

Zhu, T., & Yang, Y. (2023). «Research on mobile learning platform interface design based on college students' visual attention characteristics» in *Plos one*, 18(7), e0283778.

## **Lecture intertextuelle des *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh* d'Akhundzadeh (Lettres de Kamal al-Dawla) et des *Lettres persanes* de Montesquieu**

**Akbar ShayanSeresht**<sup>1</sup> (Auteur correspondant)   
Maître de Conférences, Université de Birjand, Birjand, Iran

**Zahra Khosravi Zargaz**  
Doctorante en langue et littérature persanes, Université de Birjand, Birjand, Iran

**Ebrahim Mohammadi**  
Maître de Conférences, Université de Birjand, Birjand, Iran

**Abbas Vaezzadeh**  
Maître-Assistant, Université de Birjand, Birjand, Iran

### **Résumé**

Cette recherche explore les origines du roman épistolaire dans la littérature iranienne, en se concentrant sur *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh* de Mirza Fathali Akhundzadeh. Cet ouvrage, inspiré par *Les Lettres persanes* de Montesquieu, adopte la forme épistolaire pour aborder des thèmes similaires à ceux de l'auteur français. En s'appuyant sur la théorie de l'intertextualité, cette étude analyse les convergences et les divergences entre ces deux textes fondateurs. La question centrale consiste à déterminer dans quelle mesure *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh* fait écho aux *Lettres persanes* en termes de structure, de contenu et de style. Les deux œuvres utilisent la forme épistolaire pour mener une critique sociale incisive, en adoptant le point de vue de personnages étrangers afin d'analyser leur propre société. Parmi les thèmes récurrents figurent la dénonciation des systèmes politiques et sociaux, des institutions religieuses, l'appel à la réforme sociale, ainsi que les questions d'identité, de souveraineté et de progrès éducatif. Tout en adhérant aux idées fondamentales de Montesquieu, Akhundzadeh a adapté ces thèmes aux spécificités culturelles et politiques de l'Iran du XIX<sup>e</sup> siècle. Cette analyse révèle le potentiel de la littérature comme lien entre civilisations, en offrant un espace à la critique et à la remise en question des structures sociales et politiques. La comparaison de ces deux œuvres éclaire les courants de pensée et les tendances littéraires d'une période de profonds bouleversements.

**Mots-clés :** Littérature comparée, roman épistolaire, *Lettres persanes*, *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh*, littérature française.

---

<sup>1</sup>. E-mail: [ashamiyan@birjand.ac.ir](mailto:ashamiyan@birjand.ac.ir) DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.92505.1140>  
<https://orcid.org/0000-0003-8066-1364>

## **An Intertextual Reading of Akhundzadeh's *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh* (Letters of Kamal al-Dawla) and Montesquieu's *Persian Letters***

**Akbar ShayanSeresht**<sup>1</sup> (Corresponding author)   
Associate Professor, University of Birjand, Birjand, Iran.

**Zahra Khosravi Zargaz**  
PhD Student in Persian Language and Literature, University of Birjand, Birjand, Iran.

**Ebrahim Mohammadi**  
Associate Professor, University of Birjand, Birjand, Iran.

**Abbas Vaezzadeh**  
Assistant Professor, University of Birjand, Birjand, Iran.

### **Abstract**

This article explores the origins of the epistolary novel in Iranian literature, with a specific focus on Mirza Fath-Ali Akhundzadeh's seminal work, *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh*. Inspired by Montesquieu's renowned *Persian Letters*, Akhundzadeh masterfully employed the epistolary format, weaving in themes that resonated deeply with those explored by the French Enlightenment thinker. Employing the framework of intertextuality, this research conducts a comprehensive analysis of the parallels and transformations that emerge between these two seminal literary works. Both Akhundzadeh and Montesquieu employed the epistolary form as a powerful tool for incisive social critique, skillfully utilizing the perspectives of foreign narrators to scrutinize their respective societies. A spectrum of recurring themes, including sharp criticisms of political and social systems, the examination of religious institutions, impassioned calls for societal reform, and explorations of identity, governance, and the imperative of educational advancement, is meticulously analyzed across both texts. In crafting *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh*, Akhundzadeh, while remaining steadfastly committed to the core philosophical tenets of Montesquieu's oeuvre, adeptly adapted the thematic material to the unique cultural and political milieu of 19th-century Iran. This investigation illuminates the profound capacity of literary works to serve as conduits between disparate cultures, simultaneously fostering spaces for critical discourse and challenging established social and political paradigms. Ultimately, a comparative analysis of these two literary landmarks provides invaluable insights into the intellectual currents and burgeoning literary trends that characterized a period marked by significant historical and societal upheaval.

**Keywords:** Comparative literature, Epistolary novel, *Persian Letters*, *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh*. French literature.

---

<sup>1</sup>. E-mail: [ashamiyan@birjand.ac.ir](mailto:ashamiyan@birjand.ac.ir) DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.92505.1140>  
<https://orcid.org/0000-0003-8066-1364>

نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، دوره هفتم، شماره دوم (پیاپی ۱۳)، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

## نقد خوانش بینامتنی مکتوبات کمال‌الدوله آخوندزاده و نامه‌های ایرانی مونتسکیو

مقاله پژوهشی

اکبر شایان سرشت<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول)

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

زهرا خسروی زارگر

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

ابراهیم محمدی

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

عباس واعظ زاده

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

### چکیده

این مقاله به بررسی ریشه‌های رمان مکاتبه‌ای در ادبیات ایران و به‌طور خاص، مکتوبات کمال‌الدوله اثر میرزا فتحعلی آخوندزاده می‌پردازد. آخوندزاده با تأثیر از نامه‌های ایرانی مونتسکیو، اثر خود را در قالب مکاتبه و با مضامینی مشابه به نگارش درآورده است. پژوهش حاضر با استفاده از نظریه بینامتنیت، به بررسی ماندگاری‌ها و دگرگونی‌های این دو اثر می‌پردازد. مسأله اصلی تحقیق آن است که مکتوبات کمال‌الدوله تا چه اندازه از نظر ساختار، مضامین و سبک، به رمان نامه‌های ایرانی نزدیک شده است؟ هر دو اثر از قالب نامه‌نگاری به عنوان ابزاری برای نقد اجتماعی بهره می‌گیرند و از زاویه دید شخصیت‌های خارجی برای نقد جوامع خود استفاده می‌کنند. مضامین مشترکی نظیر انتقاد از نظام سیاسی و اجتماعی، نقد نهادهای مذهبی، درخواست اصلاحات اجتماعی، هویت، حاکمیت و پیشرفت آموزشی در هر دو اثر مورد بررسی قرار می‌گیرد. آخوندزاده در نگارش مکتوبات کمال‌الدوله، ضمن وفاداری به مفاهیم اصلی اثر مونتسکیو، موضوعات را با شرایط فرهنگی و سیاسی ایران منطبق می‌سازد. مؤلفان هر دو اثر، از فرم نامه‌نگاری برای بیان ایده‌های خود استفاده کرده و از زبان ادبی و لحن طنزآمیز برای پیشبرد نقد بهره می‌برند. این پژوهش نشان می‌دهد که آثار ادبی می‌توانند پل ارتباطی میان فرهنگ‌های مختلف باشند و به نقد ساختارهای اجتماعی و سیاسی بپردازند. بررسی تطبیقی این دو اثر، روندهای فکری و ادبی شکل گرفته در زمانه‌های پرتلاطم سیاسی و اجتماعی را روشن می‌کند.

**کلیدواژه‌ها:** ادبیات تطبیقی، رمان مکاتبه‌ای، نامه‌های ایرانی، مکتوبات کمال‌الدوله، ادبیات فرانسه.

<sup>۱</sup>. E-mail: ashamiyan@birjand.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.92505.1140>  
<https://orcid.org/0000-0003-8066-1364>

## ۱. مقدمه

رمان مکاتبه‌ای به عنوان یک گونه ادبی، از طریق تبادل نامه‌ها میان شخصیت‌های داستان، ساختار روایی خود را بنا می‌نهد؛ به نحوی که خواننده از رهگذر این نامه‌ها به درک فضای داستانی و تحولات آن نائل می‌آید. «ساختار رمان مکاتبه‌ای مبتنی بر مبادلات نامه‌ای میان شخصیت‌ها است و خواننده را مستقیماً وارد فضای داستان می‌کند» (گری، ۱۳۸۲، ص. ۱۱۹). بررسی پیشینه این ژانر در ایران، ما را به اثر *مکتوبات کمال‌الدوله میرزا فتحعلی آخوندزاده* رهنمون می‌سازد. آخوندزاده، متأثر از ادبیات مغرب‌زمین، به ویژه رمان *نامه‌های ایرانی* اثر مونتسکیو، برجسته‌ترین اثر خود را در قالب مکاتبه و با مضامین مشابه پدید آورده است. از این رو، خوانش بینامتنی این دو اثر، برای شناخت عمیق‌تر رمان مکاتبه‌ای در ایران حائز اهمیت است.

پژوهش حاضر، با رویکردی تطبیقی، به تحلیل ساختار، مضامین و سبک نگارش رمان مکاتبه‌ای در دو اثر *نامه‌های ایرانی* مونتسکیو و *مکتوبات کمال‌الدوله آخوندزاده* می‌پردازد. هدف این مطالعه، ابتدا شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری و فرمی در هر دو اثر است تا چگونگی بهره‌گیری از قالب مکاتبه‌ای مورد واکاوی قرار گیرد. در گام بعدی، مضامین اصلی هر دو اثر و نحوه بازتاب آن‌ها در بستر فرهنگی و اجتماعی جوامع مربوطه بررسی می‌شود. در نهایت، ویژگی‌های سبکی و زبانی این دو رمان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا میزان تشابه و تمایز آن‌ها آشکار گردد. این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد بینامتنی و با بهره‌گیری از ابزار تحلیل گفتمان و مطالعه تطبیقی دو اثر، به مقایسه و بررسی وجوه مشترک و تفاوت‌های ساختاری، مضمونی و سبکی آن‌ها می‌پردازد. این پژوهش بر این فرضیه استوار است که *مکتوبات کمال‌الدوله* با الهام از *نامه‌های ایرانی*، ضمن حفظ برخی از ویژگی‌های ساختاری و مضمونی اثر مونتسکیو، با توجه به بستر فرهنگی و اجتماعی ایران، تغییرات و تطبیق‌هایی را نیز در خود نشان می‌دهد؛ بنابراین، مسأله اصلی تحقیق آن است که *مکتوبات کمال‌الدوله* تا چه اندازه از نظر ساختار، مضامین و سبک، به رمان *نامه‌های ایرانی* نزدیک شده است؟

## ۱-۱. پیشینه‌ی تحقیق

پژوهش حاضر در صدد بررسی بینامتنی *مکتوبات کمال‌الدوله* آخوندزاده و *نامه‌های ایرانی* مونتسکیو است. این بررسی در حالی صورت می‌گیرد که هر یک از این دو اثر، به‌طور جداگانه، موضوع مطالعات متعددی بوده‌اند. مطالعات انجام‌شده بر *نامه‌های ایرانی* مونتسکیو، اغلب بر نحوه بازنمایی ایرانیان در این اثر و تأثیر آن بر شکل‌گیری تصورات غربی از ایران تمرکز داشته‌اند؛ برای نمونه، فاطمه عشقی در آثار خود، به‌ویژه مقاله «ایران در نامه‌های مونتسکیو»، به بررسی نقش این اثر در شکل‌دهی تصویری خاص از ایران در جهان غرب پرداخته است (عشقی، ۱۳۷۸، ص. ۲۷۴). سوسن بیضاوی نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحقیقی پیرامون *نامه‌های ایرانی* اثر مونتسکیو»، ضمن تحلیل این اثر، بر اهمیت گفتگوی تمدن‌ها و نقش ادبیات در این زمینه تأکید کرده است (بیضاوی، ۱۳۸۳، ص. ۸۳). ایرج اعتصام‌زاده در مقاله کوتاهی تحت عنوان «مونتسکیو و *نامه‌های ایرانی*» شواهدی از عدم حقیقی بودن نامه‌ها به کمک نشان‌دادن اشتباهات موجود در این نامه‌ها ارائه می‌دهد. (اعتصام‌زاده، ۱۳۰۵)

در خصوص *مکتوبات آخوندزاده* نیز، پژوهش‌های گوناگونی با محوریت مضامین انتقادی، سیاسی و اجتماعی اثر انجام شده است. علی فردوسی و همکارانش در «بررسی تطبیقی افکار باستان‌گرایانه میرزا فتحعلی آخوندزاده و ابراهیم پورداوود» برای نشان‌دادن آراء و نظرات آخوندزاده به‌عنوان یک روشنفکر سکولار در مورد ایران و باستان‌گرایی به سراغ کتاب *مکتوبات کمال‌الدوله* رفته و شواهدی از این کتاب ارائه می‌دهد (فردوسی و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۸۷). زرقانی و همکارانش نیز در مقاله «رویکردهای روشنفکرانه عصر مشروطه» برای بررسی رویکرد عرب ستیزانه و دساتیری به سراغ این کتاب رفته‌اند (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۹). جوادی و همکاران در کتاب *طلایه‌دار مدرنیسم سیاسی در ایران: میرزا فتحعلی خان آخوندزاده*، به تأثیرپذیری آخوندزاده از مونتسکیو اشاره می‌کنند. آن‌ها نوع انتخابی آخوندزاده برای بیان‌نامه‌اش (مانیفست) نسبت به محتوای آن را تصادفی ندانسته و معتقدند «هم آخوندزاده و هم

مون‌تسکیو از ژانر نامه‌نگاری برای بیان نقدهای همه‌جانبه‌شان بر فرهنگ‌های مربوط به خود استفاده می‌کنند و به لحاظ فرمی در جهان‌های ادبی خود نوآور هستند» (جوادی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۷۱). در این کتاب به شباهت‌های این دو اثر اشاره شده است؛ اما بررسی روشمند این شباهت‌ها از حیث ادبیات ضروری به نظر می‌رسد. با این وجود، اغلب این مطالعات، مکتوبات را به صورت منفرد و در چارچوب زمینه‌های فکری و تاریخی خود بررسی کرده‌اند. آنچه پژوهش حاضر را از مطالعات پیشین متمایز می‌کند، تأکید بر خوانش بینامتنی این دو اثر است. در راستای مطالعات حاضر، مقاله‌ی «نامه نگاری‌های فرانسوی- ایرانی، رمان از آن سوی دیوار به مثابه رمانی نامه نگارانه» به بررسی رمان مکاتبه‌ای *از آن سوی دیوار* و بازنمایی تصویر ایران و فرانسه در آن می‌پردازد. با این وجود، پژوهش مذکور، که محدود به تحلیل یک رمان واحد است، در تبیین دیدگاه مؤلفان نسبت به مکاتبه در رمان فاقد جامعیت است؛ به این معنا که مشخص نمی‌سازد آیا ایشان مکاتبه را به عنوان یک ژانر ادبی مستقل، الگویی روایی، یا گونه‌ای از زاویه دید تلقی می‌کنند (مهدی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲). خوانش بینامتنی، با تمرکز بر روابط متنی و تأثیرگذاری متقابل میان آثار، امکان بررسی هم‌زمان و مقایسه‌ای مکتوبات آخوندزاده و *نامه‌های ایرانی* مون‌تسکیو را فراهم می‌آورد. هدف از این رویکرد، کشف الگوهای احتمالی تأثیرپذیری، تقلید، یا نقد متقابل میان این دو اثر و بررسی چگونگی بازتاب و بازآفرینی مضامین مشابه در بسترهای فرهنگی و زبانی متفاوت است. بررسی بینامتنی مکتوبات آخوندزاده و *نامه‌های ایرانی* مون‌تسکیو از این جهت حائز اهمیت است که می‌تواند به درک عمیق‌تری از تبادلات فرهنگی و فکری میان ایران و غرب در دوره مدرن اولیه کمک کند. این بررسی، ضمن روشن ساختن نحوه تأثیرپذیری روشنفکران ایرانی از اندیشه‌های غربی، می‌تواند تصویری دقیق‌تر از چالش‌ها و فرصت‌های ناشی از مواجهه با «دیگری» فرهنگی ارائه دهد. افزون بر این، این پژوهش می‌تواند به درک بهتری از نقش ادبیات در شکل‌دهی هویت‌های ملی و بازنمایی مسائل اجتماعی و سیاسی در جوامع مختلف منجر شود.

## ۲-۱. چارچوب نظری

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی بینامتنی، به بررسی روابط متنی میان *مکتوبات کمال‌الدوله* آخوندزاده و نامه‌های ایرانی منتسکیو می‌پردازد. بینامتنیت، به عنوان یکی از رویکردهای محوری در نقد و بررسی آثار هنری و ادبی، به مطالعه روابط و تعاملات میان متون مختلف می‌پردازد و در مطالعات تطبیقی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. نخستین بار ژولیا کریستوا<sup>۱</sup> این مفهوم را مطرح کرد که صرفاً به حضور یک متن در متن دیگر محدود نمی‌شود؛ بلکه فرآیندی پویا از جذب و دگرگونی متون دیگر را در بر می‌گیرد. به گفته کریستوا «بینامتنیت باختین در این ایده آشکار می‌شود که هر متن مانند معرقتی از نقل قول‌ها ساخته شده است. هر متنی جذب و دگرگونی متن دیگری است» (کریستوا، ۱۳۸۷، ص. ۵۲).

رولان بارت<sup>۲</sup> با مطرح کردن ایده مرگ مؤلف<sup>۳</sup>، بر این نکته تأکید می‌کند که «معنای متن دیگر محدود به قصد و نیت مؤلف نیست؛ بلکه از طریق تعامل با خواننده و سایر متون شکل می‌گیرد» (بارت، ۱۳۷۳، ص. ۳۸۰). از نظر بارت، متن شبکه‌ای پیچیده از ارجاعات، نقل قول‌ها و کدهای فرهنگی است؛ به این معنا که هر متنی، بازتابی از متون و فرهنگ‌های دیگر است. بارت در پی کشف «لذت متن» است؛ لذتی که از طریق خوانش فعال و تعامل با لایه‌های گوناگون معنایی متن حاصل می‌شود. در مقابل، ژرار ژنت<sup>۴</sup> تعریفی محدودتر از بینامتنیت ارائه می‌دهد و آن را به حضور آشکار یک متن در متن دیگر (مانند نقل قول، اشاره یا تقلید) منحصر می‌کند (نامور مطلق، ۱۳۸۶، ص. ۱۳۰). این سه نظریه‌پرداز، هر یک با دیدگاه‌های منحصر به فرد خود، به ما در درک عمیق‌تر نحوه تعامل متون با یکدیگر و شکل‌گیری معنا یاری می‌رسانند.

تحلیل ژنت بیشتر بر تأثیر و تأثر متون و وجود عامل مشترک در آن‌ها متمرکز است. «ژنت در کتاب کلام روایی، سه عامل نقل یا گزارش، داستان و روایت را از یکدیگر متمایز

<sup>۱</sup> Julia Kristeva

<sup>۲</sup> Roland Barthes

<sup>۳</sup> La mort de l'auteur

<sup>۴</sup> Gérard Genette

می‌کند» (شیخ‌زاده و همکاران، ۱۴۰۳، ص. ۱۱۵). از نظر او، بینامتنیت به معنای «حضور بالفعل یک متن در متنی دیگر» (آلن، ۱۳۸۰، ص. ۱۴۶) است. با این حال، باید توجه داشت که آخوندزاده در هیچ کجای مکتوبات خود به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به *نامه‌های ایرانی* مونتسکیو اشاره نکرده است؛ بنابراین، رویکرد بینامتنی ژنت در پژوهش حاضر کارایی چندانی ندارد. از سوی دیگر، کریستوا تأکید دارد که هر متنی، فرامتنی است که از طریق تعامل با سایر متون معنا می‌یابد. او در محور عمودی، هر متن را حاصل جذب و دگرگونی متون دیگر می‌داند. بارت نیز بر این باور است که متن شبکه‌ای از ارجاعات، نقل‌قول‌ها و کدهای فرهنگی است و هر متنی بازتابی از متون و فرهنگ‌های دیگر است. بر این اساس، در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از آموزه‌های کریستوا و بارت، به بررسی همانندی‌ها و دگرگونی‌های موجود در *مکتوبات کمال‌الدوله* و *نامه‌های ایرانی* مونتسکیو پرداخته می‌شود. هرچند که در پاره‌ای از موارد، این بررسی به حوزه مطالعات فرهنگی نیز نزدیک می‌شود.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. زمینه تاریخی و فرهنگی دو اثر

در واپسین سال‌های سلطنت لوئی چهاردهم، اثری با عنوان *نامه‌های ایرانی* در سال ۱۷۲۱ میلادی در شهرهای کلن آلمان و آمستردام هلند، به زبان فرانسوی و بدون ذکر نام مؤلف به چاپ رسید. این کتاب به سرعت مورد استقبال گسترده‌ای در اغلب شهرهای اروپایی قرار گرفت و در کمتر از یک سال، با اندکی تغییرات، تجدید چاپ شد. شهرت و اقبال عمومی این اثر، کنجکاوی خوانندگان را برانگیخت و به زودی نام نویسنده‌ی حقیقی آن، یعنی شارل دو سکوندا، بارون دو مونتسکیو، حقوق‌دان، ادیب و نویسنده برجسته، آشکار گشت. نگارش کتاب *نامه‌های ایرانی* قریب به ده سال به طول انجامید؛ تاریخ نخستین نامه آن به پانزدهم صفر ۱۷۱۱ و تاریخ آخرین نامه به هشتم ربیع‌الاول ۱۷۲۰ بازمی‌گردد (مونتسکیو، ۱۴۰۰، ص. ۱۴). این اثر به دلیل محتوای نوآورانه و رویکرد انتقادی خود حائز اهمیت بود و از منظر ساختار، شیوه نگارش، فصاحت و

بلاغت نیز مورد توجه قرار گرفت و زمینه‌ساز نگارش مهم‌ترین اثر مونتسکیو، یعنی *روح‌القوانین* شد. بخش عمده‌ای از اطلاعات مونتسکیو درباره ایران برگرفته از سفرنامه شاردن است. موضوع اصلی کتاب، مهاجرت و اقامت دو مسافر ایرانی در پاریس است. شخصیت محوری داستان، ازبک، اربابی ثروتمند است که به دلیل وقایع ناگوار در ایران، حرمسرا و اموال خود را به خواجه‌گانش می‌سپارد و به همراه دوست جوانش، ریکا، عازم پاریس می‌شود. «در آغاز جوانی به دربار راه یافتیم؛ اما روح من به فساد آلوده نشد. می‌خواستم در دربار هم شرافت خود را حفظ کنم» (مونتسکیو، ۱۳۸۷، ص. ۵۵). هدف این سفر، کسب دانش در حوزه علوم تجربی است. مواجهه آنها با جامعه‌ای که رویه‌هایی کاملاً متفاوت با جامعه خودشان دارد، باعث می‌شود زبان و افکارشان رویکردی انتقادی به خود بگیرد. در پاسخ به نامه‌های این دو نفر یا برای اطلاع‌رسانی اخبار جدید، نامه‌هایی نیز از ایران برای آنها ارسال می‌شود. خواننده از طریق نامه‌های این شخصیت‌ها، از احساسات، منطق و جزئیات زندگی خصوصی آنها آگاه می‌شود. در حقیقت، مونتسکیو با بهره‌گیری از قالب نامه، مجموعه‌ای از افکار سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فلسفی را بیان می‌کند که در آن دوران استبداد، کمتر کسی جرئت اظهار چنین دیدگاه‌ها و انتقاداتی را داشت.

در ادبیات جهان، رمان مکاتبه‌ای *نامه‌های ایرانی* پس از انتشار، به دلیل ماهیت انتقادی و طنزآمیز خود، مورد استقبال و توجه فراوانی قرار گرفت. در سال‌های نخستینی که نویسندگان ایرانی با الهام از ادبیات جهان، گونه‌های متفاوتی از جمله رمان، داستان کوتاه و نمایشنامه را تجربه می‌کردند، میرزا فتحعلی آخوندزاده نیز اثر *مکتوبات کمال‌الدوله* را تحت تأثیر مستقیم رمان مکاتبه‌ای *نامه‌های ایرانی* و با هدف مشابه انتقاد از اوضاع جامعه و بیداری مردم به رشته تحریر درآورد. در ادبیات تطبیقی بیش از هر چیز می‌توان به نقاط وحدت اندیشه بشری پی برد که «چگونه اندیشه‌ای در نقطه‌ای از جهان توسط اندیشمندی، ادیبی و یا شاعری مطرح می‌شود و در نقطه دیگر همان اندیشه به گونه‌ای دیگر مجال بروز می‌یابد. گاهی این وام‌گیری و تأثیرپذیری

از حد یک تأثیرپذیری فراتر می‌رود و شاعر و نویسنده متأخر شخصیت خود را آشکارا مطرح می‌کند» (کفافی، ۱۳۸۹، ص. ۸). آخوندزاده در سال ۱۲۵۱ قمری به تفلیس رفت و «در اداره مرکزی دولتی به عنوان مترجم استخدام شد در آن روزگار تفلیس یکی از مراکز دانش و علوم جدید بود و علاوه بر آشنایی با متفکران روسی و آثار متفکران غرب چون شکسپیر، مولیر و مونتسکیو و... آشنایی پیدا کرد. با افکار این اندیشمندان از طریق زبان روس آشنا شد. چون این آثار هنوز به فارسی ترجمه نشده بود» (گودرزی، ۱۳۸۳، ص. ۱۲۰). پیش از این، بهره‌گیری از قالب نامه در خلال روایت، در ادبیات کلاسیک فارسی نیز بی‌سابقه نبود. پس از آن نیز، این شیوه روایی، تحت تأثیر ادبیات غرب قرار گرفته و صور و تأثیرات متفاوتی از آن، با تأسی از ادبیات جهان، تکامل یافته است. میرزا فتحعلی آخوندزاده (۱۲۹۵-۱۲۲۸ ه.ق)، از پیشگامان عصر مشروطه، نماینده تفکر انتقادی و علمی محسوب می‌شود. وی همچنین در زمینه نمایشنامه‌نویسی و داستان‌پردازی به شیوه اروپایی، در منطقه مشرق‌زمین پیشرو بوده است. «مبتکر اصلاح خط و تغییر الفبا در جامعه‌های اسلامی است. منتقد ادب کلاسیک و سنت‌شکن تاریخ‌نگاری است. داعی اخذ دانش و حکمت و مدنیت غربی است. اندیشه‌ساز ناسیونالیسم ایرانی است» (آدمیت، ۱۳۴۹، ص. ۵۴). به‌طور کلی در نظام فکری آخوندزاده ناهمتایی و تناقض راه ندارد و هر چه هست اصالت ماده و سلطنت عقل است. مهم‌ترین نوشته آخوندزاده *مکتوبات کمال‌الدوله* است که در سال ۱۲۴۴ هجری شمسی یا ۱۸۶۵ میلادی نوشته شده است؛ اما تا سال‌ها بعد از نگارش اجازه چاپ پیدا نکرده است. «سرنوشت انتشار *مکتوبات* آخوندزاده با سرنوشت سانسور در ایران گره‌خورده است نگارش اصل کتاب و صورت اولیه آن در سال ۱۸۶۵ میلادی پایان می‌گیرد. تلاش مجدانه نویسنده برای چاپ و نشر آن در ایران یا خارج از ایران همه‌جا با مشکل و مانع روبرو شد» (آجودانی، ۱۳۸۲، ص. ۳۳). وی نسخه‌هایی از این کتاب را برای دوستان و همفکرانش فرستاده و آن گونه که از نامه‌هایش مستفاد می‌شود، انتظار داشته پس از انتشار این کتاب تحول فکری عمیقی در خاورمیانه به وجود آید. «عن‌قریب دوستانم نسخه را در طرفی به

چاپ خواهند رساند و در کل آسیا و آفریقا منتشر خواهند کرد. آن وقت ببینم که وزرای استانبول چگونه دین خودشان را نگاه خواهند داشت. آن وقت دین ایشان از دست خواهد رفت» (آخوندزاده، ۱۳۵۷، ص. ۲۳۵). در این کتاب، میرزا فتحعلی آخوندزاده، نویسنده نامه‌های کمال‌الدوله شاهزاده هندی به جلال‌الدوله ایرانی، خود را صرفاً گردآورنده این مکاتبات معرفی می‌کند و ادعای نویسندگی آن‌ها را رد می‌کند. کمال‌الدوله، به عنوان یکی از روشنفکران زمان خود، پس از سفرهای علمی و فرهنگی به فرانسه، انگلستان و آمریکا، بر اساس درخواست دوست ایرانی‌اش، جلال‌الدوله، سفری نیز به ایران می‌کند. جلال‌الدوله هندی، از تبریز، در نامه‌های خود به جلال‌الدوله مصر، مشاهدات و تجربیات خود را شرح می‌دهد. «این دیدار از ایران در دوره ناصرالدین‌شاه اتفاق می‌افتد و شرح آن در قالب نامه برای جلال‌الدوله ارسال می‌گردد» (آجودانی، ۱۳۸۲، ص. ۱۵۰). این کتاب شامل سه نامه مفصل از کمال‌الدوله در ماه رمضان است. «مکتوب اول کمال‌الدوله با شرح قانون‌نامه قدیمی ایران در عهد جمشید و گشتاسب آغاز شده و پس از آن اوضاع آشفته کشور ایران در زمان مؤلف تشریح شده» (آرین‌پور، ۱۳۵۷، ص. ۳۴۹). در پایان کتاب نیز شاهد حضور خود میرزا فتحعلی آخوندزاده هستیم که خارج از روایت به پاسخگویی و رفع شبهات کمال‌الدوله می‌پردازد.

بررسی اثر ادبی، با توجه به زمان مؤلف و زمینه‌های تاریخی‌ای که متن در آن تولید شده است، می‌تواند آفاق معنایی اثر را تا حد قابل ملاحظه‌ای روشن‌تر سازد. هر دو این اثرها در دوره‌ای از تاریخ شکل‌گیری و تأثیرپذیری از فرهنگ جدید نگاشته شده‌اند و در لبه‌های تأثیر و تأثرات فرهنگی و اجتماعی قرار دارند. از سوی دیگر، هر دو اثر تحت تأثیر سانسور و نقدهای حکومتی قرار گرفته‌اند چرا که در آستانه‌ی تحول و دگرگونی‌های اساسی در کشور نگاشته شده‌اند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، مونتسکیو، علی‌رغم پنهان داشتن نام مؤلف، قصد نداشت اثر خود را در پاریس به چاپ رسانده و برای انتشار به ناشران آلمانی و هلندی رجوع کند. «مونتسکیو سی و دوساله قاضی‌القضات شهر بود و بر آن شد انسان‌گرایی را به طبیعت فیزیکی، تاریخی،

طبیعت خصوصی و احساسی قابل‌لمس در واقعیت زندگی داخلی که بحث درباره آن ممنوع بود، نزدیک کند» (عشقی، ۱۳۸۹، ص. ۱۹۳)؛ بنابراین از بهترین و آسان‌ترین گزینه فرهنگی یعنی رمان و گنجاندن مسائل مربوطه در آن بهره برد. در آن دوره نفوذ کشیش‌ها در دربار فرانسه به قدری بود که چندین کشیش بزرگ به مقام وزارت رسیدند و بدیهی است که «در چنین سرزمینی حمله به کشیش‌ها کار آسانی نبود. به‌خصوص مونتسکیو که در بسیاری از موارد کاملاً آزادانه به نقد این گروه از جامعه می‌پردازد. از سوی دیگر مونتسکیو در فضای طنز و لطیفه‌گویی به قدری از مردم سرزمین خود و همشهریانش بدگویی می‌کند که می‌ترسد مورد حمله آنان قرار گیرد» (مونتسکیو، ۱۳۲۰، ص. ۱۳). مونتسکیوی ترسیده از شرایط جامعه که نمی‌توانست دغدغه‌مندی خود نسبت به شرایط را به فراموشی بسپارد، دست به انتشار مخفیانه کتاب خود زد. بررسی گونه ادبی، بررسی تاریخی و واقعی است که در پی بیان اصالت و تقلید است و از «تحول تاریخی گونه ادبی در ادبیات مختلف پرده برمی‌دارد و انتقال این گونه ادبی را در طول تاریخ به ملت دیگر بررسی و تحقیق می‌کند» (کفافی، ۱۳۸۹، ص. ۲۳). همان‌طور که بررسی زمینه تولید مکتوبات کمال‌الدوله ما را به شرایط مشابه به نامه‌های ایرانی می‌رساند. آخوندزاده در ابتدا تحت تأثیر خانواده مادری‌اش تربیتی دینی را تجربه می‌کند. «او نزد دایی خود «حاج علی‌اصغر» تحصیلات مقدماتی را که شامل آموزش قرآن و فراگیری زبان‌های عربی و فارسی بود، شروع کرد.» (آرین‌پور، ۱۳۵۷، ص. ۳۴۷). پیش از سفر حج حاج علی‌اصغر، آخوندزاده را برای فراگیری فقه و اصول به مسجد شاه‌عباس گنجه می‌فرستد. در آنجا، میرزا شفیع، معلم خوش‌نویسی، با آخوندزاده مراوده می‌کند. این ارتباط، چنان‌که از متن پیداست، آخوندزاده را به نقد اسلام سوق داد و مسیر زندگی او را نیز دگرگون کرد. شک‌گرایی نسبت به آموزه‌های دینی و تلاش برای یادگیری مجدانه زبان روسی، منجر به شکل‌گیری جهان‌بینی‌ای متفاوت در آخوندزاده گردید. انتشار مکتوبات کمال‌الدوله، نشان‌دهنده میل آخوندزاده به انتقاد از شرایط اجتماعی و مذهبی آن زمان است. جالب آنکه آخوندزاده از واکنش منفی احتمالی مسلمانان به این کتاب آگاه بود و بر

خلاف ادعای خود مبنی بر ایجاد لرزه در منطقه، از دوستانش خواست که از افشای آن خودداری کنند. «اما سرگذشت مرا یعنی بیوگرافی مرا مبادا در زبان فارسی به چاپ رسانیده و مبادا در زبان فارسی اشاره نمایید که این کتاب را آخوندزاده تصنیف کرده است. به علت این که در ملت ما هنوز آزادی خیال نیست و اگر هم‌کیشان من می‌دانند که من چنین کتابی را تصنیف کرده‌ام، هر آینه نسبت به من عداوت شدید اظهاری خواهند کرد» (آخوندزاده، ۱۳۵۷، ص. ۳۵۴). مونتسکیو و آخوندزاده، هر دو با تربیت دینی و در جوامع مستبد رشد یافته، در دوران بلوغ فکری خود، آموخته‌ها و شرایط جامعه خود را مورد بازنگری انتقادی قرار دادند. آنان با انتشار آثار خود به‌صورت ناشناس و در کشورهای همجوار، در پی به اشتراک گذاشتن این دیدگاه‌های جدید با هم‌وطنان خود بودند، در حالی که می‌خواستند از تبعات احتمالی این اقدام نیز در امان بمانند.

## ۲-۲. مقایسه ساختار و محتوا

بخش اعظم رمان‌های مکاتبه‌ای به‌واسطه ذکر مستقیم در عناوین خود، و ساختار ویژه مبتنی بر تبادل نامه‌ها، فرصت مناسبی برای مطالعه بینامتنی فراهم می‌آورند. در پژوهش‌های پیشین نشان داده‌ایم که چگونه آخوندزاده با بهره‌گیری از الگو و مضامین نامه‌های ایرانی، اثری خلق کرده است که هم‌گرایی‌هایی با اثر پیشین دارد و در عین حال با بازآفرینی و تحول آن، تفاوت‌هایی نیز ایجاد می‌کند؛ بنابراین، پس از بررسی تأثیرات متقابل فرهنگی و اجتماعی این دو اثر و گونه‌شناسی آن‌ها، تلاش خواهیم کرد نقش سبک و روش نگار به‌عنوان معیار ادبی و تأثیر آن بر تولید این آثار را مورد تحلیل قرار دهیم. آخوندزاده با بهره‌برداری از ساختار نامه‌نگاری مونتسکیو، ایده‌های خویش را در قالب نامه‌هایی بین دو شخصیت خیالی منتقل می‌کند. شروع و پایان نامه‌ها زمان، مکان و نویسنده‌ی نامه را مشخص می‌کند. «نامه هفتم - از فاطمه به ازبک - در ارزروم..... حرمسرای اصفهان - ۱۲ ربیع‌الاول/ ۱۷۱۱» (مونتسکیو، ۱۳۸۷، ص. ۵۲). در مکتوبات هم همین شیوه قابل ملاحظه است. «مکتوب سیم کمال‌الدوله، باز از تبریز در ماه رمضان ۱۲۸۰..... کمال‌الدوله» (آخوندزاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۱).

یکی دیگر از وجوه مشترک این آثار، دقت نویسندگان رمان‌های ایرانی در بیان نگرانی‌ها و انتقادات نسبت به جامعه مبدأ است؛ به‌طوری‌که در متن نامه‌های شخصیت‌ها مکرراً به ایران و امور مربوط به آن اشاره شده و عقاید و آداب و رسوم آن، زیر سؤال می‌رود. در مکتوبات *کمال‌الدوله*، پیوسته مقایسه‌ای بین ایران کنونی و ایران باستان صورت می‌گیرد، گویی جلال‌الدوله نه از هند، بلکه از آرمان‌شهری به نام ایران باستان آمده است، و جامعه مبدأ را در تمامی سطوح، ستایش می‌کند. «زمان قدیم در خاک ایران در سلسله سلاطین این سیاق رفتار هرگز معروف و معمول نبود. این سیاق رفتار و این‌گونه رسم را در خاک ایران، سلاطین مغول مجری و معمول داشتند» (آخوندزاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۶۵). سیاحان خیالی ایرانی مونتسکیو، ازبک و ریکا ویژگی‌های فرهنگ فرانسوی را با عبارات متناسب با جهان‌بینی ساختگی ایرانی توصیف می‌کنند. کمال‌الدوله، این سیاح هندی آخوندزاده، نیز از همین روش برای بیان نظرات خود درباره جامعه قاجاری بهره می‌گیرد. افزون بر این، دامنه فرهنگ‌هایی که کمال‌الدوله به آن‌ها می‌پردازد، گسترده‌تر و متنوع‌تر از دوگانه نسبتاً محدود شرق و غرب است که افق فکری شخصیت‌های مونتسکیو را محدود می‌کند؛ در حالی‌که ازبک و ریکا، در مسیر حرکت بین فرانسه عصر روشنگری و ایران عصر صفوی، استقرار دارند. شاهزاده هندی داستان آخوندزاده، مجال مقایسه‌های وسیع‌تری را فراهم می‌آورد. در کنار این مقایسه‌های فرهنگی، کمال‌الدوله همچنین به مقایسه‌های بین‌زمانی نیز مبادرت می‌ورزد. «مانند بسیاری از اصلاح‌گران ایرانی عصر خود فکر و ذهن کمال‌الدوله سخت درگیر گذشته پیشااسلامی ایران است. به‌خصوص شکوه از دست رفته دوران ساسانیان این مقایسه‌ها به نقدهایی گسترده از هنجارهای اسلامی و میراث اعراب و نیز خواست اصلاح جامعه اسلامی می‌انجامد و همچنین با بسیاری از منابع بنیادی در درون سنت اسلامی، مانند ابن خلدون و شهرستانی به شیوه‌ای انتقادی درگیر می‌شوند» (جوادی و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۷۳).

آخوندزاده به صورت جدی و وفادارانه از قالب نامه‌نگاری استفاده می‌کند؛ اما محتوا و هدف اثر کاملاً متفاوت است. او به جای تقلید صرف، به بازآفرینی ایده‌ها و مفاهیم می‌پردازد. مونتسکیو نامه‌های ایرانی را در کمال واقع‌بینی و نکته‌سنجی نوشته؛ اما بر درستی کار خود مبنی بر دقت و وسواسی که در مورد مطالعه و آداب و رسوم ایرانیان به خرج داده تأکیدی نکرده و در این باره

هیچ یادداشتی نوشته و مسئولیت را به خواننده محول کرده است؛ اما بسیارند «طرح مسائل سیاسی و مذهبی و اخلاقی بسیار ریشه‌دار و پر معنی که ما را از منظور او - که همانا جامعه فرانسه آن زمان است - آگاه می‌سازد. ضدونقیض‌گویی‌ها و ناهمگونی‌ها و حتی اشتباهات چشمگیر در مورد ایران تأکیدی بر این مدعاست» (اعتصام‌زاده، ۱۳۰۴، ص. ۲). در قیاس با مونتسکیو، آخوندزاده، علی‌رغم تیزی و غور در مسائل مبتلابه عصر خویش، فاقد وسواس و دقتی است که مونتسکیو در پرداختن به مسأله هویت هندی کمال‌الدوله از خود نشان می‌دهد و در این خصوص، همانند *نامه‌های ایرانی*، وظیفه استنباط را بر عهده مخاطب می‌نهد. در وهله نخست، آنچه در اثر مونتسکیو به وضوح قابل مشاهده است، تلاش وافر در جهت اعمال صحیح تقویم ایرانی است. مونتسکیو در نگارش اسامی ماه‌های ایرانی، از شیوه شاردن پیروی نموده، که این امر مؤید تأکید وی بر ضرورت ایجاد هماهنگی در اثر خویش است؛ با این حال، وی در تلفیق ماه‌های خورشیدی ایرانی با تاریخ قمری و سال هجری مرتکب اشتباهاتی می‌گردد؛ برای نمونه، ازبک در یکی از نامه‌های خود، مرگ لویی چهاردهم را مورخ چهارم رجب ۱۷۱۵ اعلام می‌دارد، در حالی که تاریخ صحیح این واقعه می‌بایست اول سپتامبر ۱۷۱۵ قید گردد. افزون بر این، به نظر می‌رسد که اسامی شخصیت‌های داستان، بیشتر از «هزار و یک شب» اقتباس شده‌اند؛ به عنوان مثال، نام «ازبک» ریشه‌ای ایرانی نداشته و منشأ تاتاری دارد. از سوی دیگر، زندگی ازبک با آن حرم‌سرای پرتصنع، تداعی گر زندگی شاهان و شاهزادگان دوران صفوی است. تعداد زنان عقدی و صیغه‌ای وی نامشخص است، که این امر مغایر با اندیشه ایرانی است. همچنین، تعداد خواجه‌گان نباید از انگشتان دست تجاوز کنند؛ در حالی که در پایان کتاب، با انبوهی از خواجه‌های سیاه مواجه می‌شویم که به حرم‌سرا وارد شده‌اند.

در مقابل، آخوندزاده در جهت القای هندی‌تبار بودن شخصیت کمال‌الدوله، تلاش چندانی از خود نشان نمی‌دهد. با این وجود، مضامین و مایه‌های مشترک فرهنگی در آثار وی بیشتر به چشم می‌خورند و از اشتباهات فاحش مونتسکیو مبرا است. بارزترین نمود آثار آخوندزاده، در مقایسه با سایر اصلاح‌گران معاصر خود (که در زمینه ضرورت مدرن‌سازی جامعه با وی هم‌نظر بودند)، نفی قاطع سنت‌های اسلامی، از جمله الفبای عربی و اشکال حکمرانی اسلامی است، که

این مهم را می‌توان در مضامین مشترک با *نامه‌های ایرانی* نیز مشاهده کرد. «شما همان قواعد سقراط و بقراط را دست‌آویز کرده، در تشخیص امراض به آرای سفیهانه خود به هر جا می‌نویسید» (آخوندزاده، ۱۳۹۵، ص. ۸۱). نفی این سنت‌ها در مکتوبات وی، به مراتب نیرومندتر از سایر آثار آخوندزاده انعکاس یافته است. فرم مکتوبات آخوندزاده، بیشتر وام‌دار مفهوم اروپایی نقد است؛ از این رو، نوع نقد آخوندزاده از استبداد و حکومت نیز شباهت فراوانی با مکتوبات دارد. آخوندزاده در مکتوبات، از طنز و اغراق به منظور انتقاد از وضع موجود در ایران بهره می‌گیرد. این شیوه انتقادی، با استفاده از طنز، مشابه رویکرد مونتسکیو در *نامه‌های ایرانی* است؛ لیکن با لحنی گزنده‌تر و صراحت بیشتر همراه است.

### ۳-۲. سبک و روش نگارش

روایت مکاتبه‌ای بستر مناسبی برای انتقاد و بررسی یک واقعه از چندین زاویه متفاوت است. در واقع «شکل آشنای نامه با بیان جامع و بی‌پرده احساسات خصوصی نویسنده فرصتی را مهیا می‌سازد که به‌مراتب از حیطه گفت‌وگوی شفاهی فراتر می‌رود» (وات، ۱۳۸۷، ص. ۳۱۵). در این گونه روایت خواننده از طریق نامه‌هایی که در رمان آمده است؛ وارد فضای داستان می‌شود. از سوی دیگر نامه‌نگاری بیشتر در حکایت‌ها و قصه‌های اخلاقی یا طنز آمیز برای واقعی‌تر جلوه دادن آنها استفاده می‌شود. به طور کلی نامه رسانه بسیار مناسبی برای انتقاد است؛ زیرا وقتی خواننده این گونه روایت را می‌خواند احساس می‌کند که نویسنده صرفاً ویراستار نامه‌های چند شخص واقعی است. در واقع بهره‌گیری از نامه تکیه داستان را از حادثه‌پردازی به تحلیل انتقادی جامعه متمایل می‌سازد و باعث پرورده شدن رویکرد انتقادی در آثار می‌شود. از سوی دیگر خواننده می‌داند که همه چیز در نامه نقل نشده است. این نامعین و ناکامل بودن متن را می‌توان نوعی احترام برای طرز فکری شخصی خواننده دانست که او نیز به مسائل جور دیگری بیندیشد. در آثاری چون *نامه‌های ایرانی* و *مکتوبات کمال الدوله* نامه دیگر فقط وسیله انتقال اطلاعات نیست؛ بلکه نشانه دغدغه فکری شخصیت‌هاست که سرخورده از مشکلات پایان ناپذیر جامعه

در خلال نامه‌ها به تجزیه و تحلیل آنها برای عوام می‌پردازند. هدف از هر دو رمان بیشتر از آنکه التذاذ ادبی باشد، رساندن انتقاد به گوش مردم است.

مونتسکیو در *نامه‌های ایرانی* به نقد جامعه فرانسه، مردم فرانسه و دین مسیحیت می‌پردازد. «گاهی یک نفر از پشت سر می‌آید و با سرعتی که دارد از من جلو می‌زند و چنان به من تهنه می‌زند که در جای خود یک نیم دایره چرخ می‌زنم» (مونتسکیو، ۱۳۸۷، ص. ۹۳). آخوندزاده نیز در کتابش شدیدترین حملات را به اسلام و رفتارهای نادرست مردم ایران کرده است. «این کمال‌الدوله تصنیفی است که نظیرش بدین وضوح و بدین دلایل تا امروز در حق دین اسلام به قلم نیامده است. نه بدان سبب که حکمای اسلامی به مطالبش واقف نبوده‌اند، خیر؛ بلکه واقف بوده‌اند؛ اما هیچ‌کس از ایشان با اظهار معلومات خود تصریحاً جسارت نکرده است» (آخوندزاده، ۱۳۵۷، ص. ۳۵۴). انتقاد آخوندزاده مانند مونتسکیو تنها از جامعه و دین نیست «مکتوبات کمال‌الدوله» گرچه هر رساله‌ای سیاسی و فلسفی است که در انتقاد از اوضاع زندگی اجتماعی مسلمانان و دین اسلام به نگارش درآمده و در آن به مقایسه دو مدنیت اسلامی و غربی توجه شده است؛ اما حاوی نکاتی در زمینه مباحث نظری مربوط به ادبیات نیز هست» (آجودانی، ۱۳۹۳، ص. ۶۳)؛ بنابراین هر دوی این نویسندگان با بهره‌گیری از ظرفیت نامه آن را رسانه انتقاد از جامعه، دین و نمودهای فرهنگ از جمله ادبیات قرار داده‌اند. رمان *نامه‌های ایرانی* اثر مونتسکیو سیر روایت منطقی و پرهیجانی دارد. ازبک و ریکا دو دوست در کشور فرانسه هستند که در طی مکتوباتی که با هم دارند، مسائلی را مطرح و گفت‌وگو می‌کنند. نامه‌های ارسالی از ایران، عموماً از طرف خواجه و زنان حرم‌سرای ازبک است که حوادث روز مملکت و اتفاقات بدیمن مانند خودکشی سوگلی حرم‌سرای او را به اطلاع ارباب می‌رسانند. ازبک که ارباب ثروتمندی است زنان نامشخص حرم‌سرای خود را به خواجه سپرده و راهی سفر شده است. در متن نامه‌ها شاهد بی‌نظمی‌هایی که در حرم‌سرا اتفاق می‌افتد جاسوسی‌ها و زبان‌بازی‌های زنان و در نهایت نیز مرگ سوگلی هستیم. در قالب نامه‌ها علت مهاجرت و سفر ازبک به فرانسه نیز مشخص می‌شود؛

بنابراین روایت نه به صورت مستقیم بلکه به صورت بازگشت‌هایی که در طول نامه‌ها به گذشته دارد بر خواننده آشکار می‌شود. سبک دلنشین نگارش نامه‌های ایرانی که خواننده را مجذوب می‌کند، مستور در نحوه طنزآمیز گزارش از آداب و رسوم رایج در پاریس و اروپا است؛ اما در پشت این طنز هنرمندانه، مونته‌سکیو آموزگار جدی اخلاق پنهان شده است تا دستگاهی را نقد کند که حاکمان آن با قدرت نامحدود و تجاوزکارانه‌اش حق حیات را از ملت گرفته‌اند. به طنز کشیدن فرانسه و داستان غم‌انگیز حرم‌سرای ایرانی دو روی سکه‌ای است که آزادی‌های فردی و قابلیت‌های عمومی را در غیاب نظم و قاعده و قانون به تصویر کشیده است. بخشی از این نامه‌ها به تشریح مذاهب و تشابه آنها به یکدیگر یا تضاد موجود در ادیان از دیدگاه ازبک، پرداخته است.

کتاب آخوندزاده در واقع سه نامه و یک پاسخ‌نامه است که از سوی کمال‌الدوله، شاهزاده ایرانی تبار هندوستان، به دوستش جلال‌الدوله، شاهزاده دیگری در مصر، فرستاده شده است. بیشتر متن نامه‌های این کتاب مانند نامه‌های ایرانی اظهارات این شخصیت‌ها در مورد جامعه و دین است و سیر روایت به صوت مستقیم و مانند نامه‌های ایرانی با کم‌ترین کشمکش در حوادث و بیشترین کشمکش در اظهارنظر و جهان‌بینی شخصیت‌هاست. به طوری که می‌توان گفت تنها اتفاقی که در این کتاب می‌افتد آنست که کمال‌الدوله از دوستش می‌خواهد برایش از مصر یک دوربین عکاسی بخرد و جلال‌الدوله در پاسخ نامه خواسته او را برآورده می‌کند. البته اصرار این دو نویسنده از هراس تکفیر و ارتداد که سبب شده تمام تقصیرات را به گردن شخصیت داستان‌شان بیندازد و ادعای آخوندزاده که می‌گوید نامه‌ها را از جایی به دست آورده و خودش به کلی با حرف‌های کمال‌الدوله مخالف است و جوابیه جلال‌الدوله را می‌پسندد؛ نوعی چندصدائی است و کانون روایت متعدد را نشان می‌دهد که در تقویت سیر روایت این کتاب مؤثر است. آخوندزاده در میان فعالیت‌های ادبی متعدد خود شاعر هم بود. او نسبت به قابلیت گفتار ادبی برای تضعیف عقاید سیاسی از طریق ابزارهای بیانی و شاعرانه آگاه بود. رمان مکاتبه‌ای او فراتر از شگردهای

روایی از هیچ تلاشی برای اسلامی کردن مفاهیم اروپایی دریغ نمی‌کند. پوشش‌های شاعرانه، کنایه و زیرنویس که در آن زمان در فارسی نامعمول بود. او از ارجاعات داخل گیومه استفاده می‌کند تا جان تازه‌ای بر کلام اصلی ببخشد. آخوندزاده در شرح دفاع جلال‌الدوله سخت کوشید تا قوی‌ترین استدلال‌ها را ارائه کند، هرچند با دیدگاه اصلی او مخالف بود. این شگردهای گفت‌وگویی، ویژگی چندصدایی یک رمان در معنایی باختینی را به این متن نامه‌نگارانه می‌بخشد. مؤلفان هر دو اثر از فرم نامه‌نگاری برای بیان ایده‌های خود استفاده می‌کنند و از زبان ادبی و لحن طنزآمیز برای پیشبرد نقد بهره می‌برند.

#### ۴-۲. شخصیت‌پردازی

نامه‌های سیاحان، پرفروش‌ترین آثارِ اوایلِ دورانِ مدرن در اروپا بودند. مثلاً نامه‌های سیاح ایتالیایی «آمریگو وسپوچی» (۱۴۵۴-۱۵۱۲) که حدود سال ۱۵۰۲ در گردش بود، آن‌قدر خوب نوشته شده بود که نام او را به نیم کره جدید جهان که خوانندگان در نوشته‌های او یافته بودند، منسوب ساخت. چرخش داستانیِ نوینی که در اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم رخ داد، باعث شد که نامه‌های مسافران روندی معکوس را پیش بگیرد و هدف از جستارشان برعکس شود: «داستان‌های نامه‌نگارانه مسافران به‌جای شرح ماجرای یک اروپایی در آمریکا، سپاهان (اصفهان) یا قسطنطنیه، به بیان شرح‌حال یک تُرک در پاریس (Marana)، یک چینی در لندن (Cadalso) یا یک مراکشی در مادرید (Goldsmith) می‌پرداختند» (Melville logan, 2011, p.9). رمان نامه‌های / ایرانی نیز در ادامه چنین روندی انتشار و مورد اقبال قرار گرفت. در بستر روایت، نامه‌نگاری همواره نیاز به یک توجیه دارد. در این دو اثر شاهد هستیم که مسافر خارجی وارد جامعه جدید می‌شود و به علت بعد مسافت یا عدم امکان ملاقات با گیرنده، مشاهدات خود را در قالب نامه می‌نویسد. درواقع «نامه‌نگاری فرصتی در اختیار نویسنده قرار می‌دهد تا احساسات و عکس‌العمل‌های اشخاص را بدون اینکه حضور سنگین خود را بر داستان تحمیل کند» (فدوی شکری، ۱۳۸۶، ص. ۱۴۱) طوری بنویسد که خواننده حضور نویسنده را احساس و اعتقادات خود

را با او در میان بگذارد. در ایران نیز شخصیت اصلی نخستین رمان‌ها «روشنفکران نقادی هستند که در پهنه جامعه به گشت و گذار می‌پردازند و شگفت‌زده از مشاهده جنبه‌های تاریک اجتماع افکار اصلاح‌طلبانی خود را طی گفتارهایی بیان می‌کنند» (میرعابدینی، ۱۳۹۹، ص. ۳۹). در واقع می‌توان داور اخلاقی شخصیت‌ها نسبت به وقایع زمانه را از ویژگی‌های خاص روایت‌های مکاتبه‌ای دانست.

رمان مکاتبه‌ای، به سبب ساختار ذاتی خود، با تمرکززدایی از شخصیت محوری، ضرورت ورود برنامه‌ریزی‌شده و هدفمند شخصیت‌ها به درون روایت را متفی می‌سازد. با این حال، از آنجایی که این نوع روایت، بستری مناسب برای طرح و تبادل گفتمان‌های اخلاقی، فلسفی و سیاسی فراهم می‌آورد، حضور چند شخصیت، به منظور بررسی واقعه یا اندیشه مورد بحث از زوایای دید گوناگون، امری ضروری به نظر می‌رسد. در هر دو اثر مورد بحث، مشاهده می‌شود که مسافری بیگانه، با رویکردی انتقادی، مشاهدات خود از جمله شرایط اجتماعی و آداب و رسوم بومی را در قالب نامه‌هایی برای مخاطبان خود به نگارش درمی‌آورد. در واقع، همین محوریت گفت‌وگو در رمان‌های مکاتبه‌ای است که موجب تعارض و تقابل دیدگاه‌های شخصیت‌ها می‌گردد. ازبک، شخصیتی ایرانی‌تبار، احساساتی، منطقی، نافذ، جدی و کنج‌کاو در حوزه مفاهیم فلسفی علوم نظری و عملی است. نامه‌هایی که این شخصیت برای ساکنان حرم‌سرای خود می‌نویسد، سیمایی از دیدگاه‌های اجتماعی، اخلاقی و فلسفی مونتسکیو را از پس سطور آشکار می‌سازد. «پاپ به مردم قبولانده است که سه همان یک است و نانی که می‌خورند نان نیست و شرابی که می‌خورند شراب نیست» (مونتسکیو، ۱۳۸۷، ص. ۹۵). افزون بر ازبک، ریکا نیز در خصوص مشاهدات خود اظهار نظر کرده و آن‌ها را برای دوست خویش بازگو می‌کند. دیگر شخصیت‌ها، از جمله خواجه، سوگلی و چند تن از زنان ازبک، رمان نامه‌های/ایرانی را از منظر شخصیت‌پردازی غنا می‌بخشند. شیوه داستان در داستان نیز، بر جذابیت این اثر می‌افزاید.

در *مکتوبات کمال‌الدوله* اثر آخوندزاده، گفت‌وگوی اصلی میان دو شخصیت کمال‌الدوله و جلال‌الدوله شکل می‌گیرد و در خلال متن نامه‌ها، اشاراتی نیز به چند تن از اهالی تبریز به چشم می‌خورد. «در یک طرفی مردی نشسته است. جبه ماهوت در بر، شال کشمیری در کمر، کلاه بخارا در سر، با ریش طویل و محنا و مرنگ. در صورت می‌بینی که آدم است.» (آخوندزاده، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۴). در این رمان نیز، مشابه اثر مونتسکیو، نویسنده خود را ملزم به شخصیت‌پردازی تفصیلی نمی‌داند و شخصیت‌ها را بدون معرفی کامل و با پیش‌زمینه اطلاعاتی محدود، وارد جریان روایت می‌کند. در هر دو اثر، آرا و عقایدی مطرح می‌شوند که در دوره پس از انتشار اثر، جایگزین آرا و عقاید پیشین می‌گردند. تا حدی می‌توان مدعی شد که این آثار، در نظام تغییر و تحولات جوامع خود مؤثر بوده‌اند. علی‌رغم وجود جنبه‌های اغراق‌آمیز و غیرواقعی فراوان در سفرنامه‌های رایج در آن دوران، روحی نزدیک به واقعیت و دیدگاهی انتقادی نیز در آن‌ها مشهود بود. «این‌گونه نوشته‌ها در نزد عامه مقبولیت قابل‌ملاحظه‌ای به دست آورد؛ زیرا تفاوت‌ها و شباهت‌ها آن‌ها را به هیجان می‌آورد و به‌طورکلی انبوهی از احساسات اجتماعی و سیاسی آنان را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌داد» (عشقی، ۱۳۷۸، ص. ۲۷۴). در کتاب *نامه‌های ایرانی* در توصیف فرانسویان آن‌ها را افرادی متملق، خودشیفته، قدرت‌طلب، بی‌اعتنا به تجارت و قضاوت، مناقشات ادبی بی‌فایده، تحریر قبل از تفکر و معتقد به خرافات معرفی می‌کند. آخوندزاده در مهم‌ترین فرازهای *مکتوبات کمال‌الدوله* از زبان این شاهزادهٔ هندی با آه و حسرت نسبت به ایران باستان سخن را آغاز و چنین می‌گوید «ای ایران! کو آن شوکت و سعادت تو که در عهد کیومرث و جمشید و گشتاسب و انوشیروان و خسرو پرویز می‌بود که اگر چه آن گونه شوکت و سعادت در جنب شوکت و سعادت حالیه ملل فرنگستان و ینگگی دنیا به منزلهٔ شمعی است در برابر آفتاب، لیکن نسبت به حالیه ایران مانند نور است در مقابل ظلمت» (آخوندزاده، ۱۳۹۵، ص. ۳۰). از دیدگاه او، ایران در دوران باستان به لحاظ سیاسی، وسعت ارضی، علمی و فرهنگی نسبت به ایران اسلامی برتری و تفوق خاصی داشت. آخوندزاده در *مکتوبات* می‌نویسد

«وقتی خلق از جهالت آزاد شود و به آزادی برسد و از دست شاه مثبت نیز آزاد شود، آنگاه به مرکز همین آزادی شاه مثبت نیز با لقب دیگر رئیس ملت شده و محبوب کل مردم و ممنوعه کل آفاق می‌شود» (آجودانی، ۱۳۸۲، ص. ۱۸۹). این منتقد خارجی که به طور کامل برگزیده ایران تسلط دارد؛ زبان گزنده و قلم نیش‌دار خود را به کار می‌گیرد و بر همه چیز می‌تازد. در هر دوی این رمان‌ها نویسندگان دلسوزانه در رفتارهای مردم زمانه خود خوض نموده و با اغراق و درشت‌نمایی آن را برای مردم جامعه واضح و آشکار می‌گردانند. با این تفاوت که نامه‌های/یرانی بیشتر رفتار عامه مردم را نقد می‌کند؛ ولی مکتوبات بیشتر نقد حکومت و استبداد حاکم را مدنظر دارد.

## ۳. نتیجه‌گیری

تحلیل ریشه‌های رمان مکاتبه‌ای در ادبیات ایران، به ویژه بررسی اثر *مکتوبات کمال‌الدوله* اثر میرزا فتحعلی آخوندزاده، اهمیتی بسزایی در شناخت این گونه ادبی دارد. آخوندزاده، با الهام از ادبیات غرب و به ویژه *نامه‌های ایرانی* اثر مونتسکیو، اثری تأثیرگذار در قالب مکاتبه و با مضامین اجتماعی خلق کرد. با استفاده از نظریه بینامتنیت، که ارتباط متون را از دیدگاه‌های متفاوت تحلیل می‌کند و در بررسی ریشه‌های پیوستگی انواع ادبی در گذر زمان کارآمد است، می‌توان تغییرات و شباهت‌های بین *مکتوبات کمال‌الدوله* و *نامه‌های ایرانی* را به شیوه‌ای توصیفی و تحلیلی بررسی کرد و تأثیر انتخاب فرم نامه‌نگاری بر پیام‌های اجتماعی این آثار را روشن ساخت.

مونتسکیو و آخوندزاده، که هر دو در محیطی با تربیت دینی و تحت نظام‌های مستبد رشد کرده بودند، در دوران بلوغ فکری خود، با نگاهی نقادانه به آموخته‌ها و شرایط جامعه نگرستند و با انتشار آثار خود به صورت ناشناس و در کشورهای مجاور، سعی در سهیم کردن هم‌وطنان خود در این دیدگاه جدید داشتند و درعین حال، از عواقب آن نیز در امان بودند. تفاوت‌های فرهنگی این دو مؤلف، تأثیری انکارناپذیر بر محتوای آثارشان داشته است. مونتسکیو در *نامه‌های ایرانی* به نقد جامعه فرانسه، مردم فرانسه و دین مسیحیت می‌پردازد؛ در حالی که آخوندزاده در اثر خود، شدیدترین حملات را به اسلام و رفتارهای نادرست مردم ایران وارد می‌کند. بدین ترتیب، هر دو نویسنده با بهره‌گیری از ظرفیت نامه‌نگاری و در لباس منتقدی خارجی، نامه را به رسانه‌ای برای انتقاد از حکومت و ارائه راهکارهایی برای بهبود شرایط تبدیل می‌کنند. در هر دو اثر، شاهد حضور مسافری خارجی هستیم که با نگاهی منتقدانه، مشاهدات خود از جمله شرایط جامعه و آداب و رسوم آن را در قالب نامه برای مخاطب می‌نویسد. همین گفت‌وگومحوری رمان‌های مکاتبه‌ای است که نظرات شخصیت‌ها را در تعارض قرار می‌دهد.

مؤلفان هر دو اثر، از فرم نامه‌نگاری برای بیان ایده‌های خود استفاده کرده و از زبان ادبی و لحن طنزآمیز برای پیشبرد نقد بهره می‌برند. از نظر روایت‌شناسی نیز، دو اثر به هم نزدیک هستند.

سیر روایت در نامه‌های ایرانی غیرمستقیم و ساده است، در حالی که در مکتوبات کمال‌الدوله به صورت مستقیم و ساده پیش می‌رود. این پژوهش نشان می‌دهد که مکتوبات کمال‌الدوله آخوندزاده، با الهام از نامه‌های ایرانی مونتسکیو، به خلق اثری با محتوای متفاوت پرداخته است. آخوندزاده با استفاده از ساختار نامه‌نگاری و رویکرد انتقادی مونتسکیو، به بازآفرینی ایده‌های خود در بستر فرهنگی و سیاسی ایران پرداخته است. بررسی تطبیقی این دو اثر، روندهای فکری و ادبی را که در زمانه‌های پرتلاطم سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرند، روشن می‌سازد.

#### کتابنامه

- آجودانی، م. (۱۳۸۲). *مشروطه ایرانی*. تهران: اختران.
- آجودانی، م. (۱۳۹۳). *یا مرگ یا تجدد*. چاپ پنجم. تهران: اختران.
- آخوندزاده، م. ف. (۱۳۵۷). *مکتوبات و الفبای جدید*. تبریز: احیا.
- آخوندزاده، م. ف. (۱۳۹۵). *مکتوبات کمال‌الدوله*. به اهتمام علی اصغر حقدار. باشگاه ادبیات.
- آدمیت، ف. (۱۳۴۹). *اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده*. اول. تهران: خوارزمی.
- آرین‌پور، ی. (۱۳۵۷). *از صبا تا نیما*. جلد اول. چاپ چهارم. تهران: سپهر.
- آلن، گ. (۱۳۸۰). *بینامتنیت*. تهران: مرکز.
- اعتصام‌زاده، ا. (۱۳۰۵). مونتسکیو و نامه‌های ایرانی. *نشریه آینده*، (۱).
- بارت، ر. (۱۳۷۳). مرگ نویسنده. ترجمه‌ی داریوش کریمی. پژوهشگاه علوم انسانی (هنر)، ۲۵، ۳۷۷-۳۸۱.
- بیضاوی، س. (۱۳۸۳). تحقیقی پیرامون نامه‌های ایرانی اثر مونتسکیو. *مجله تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*، ۴۷، ۳۷-۵۲.
- جوادی، ح. و همکاران. (۱۴۰۲). *طلایه‌دار مدرنیسم سیاسی در ایران: میرزا فتحعلی خان آخوندزاده*. تهران: اگر.

- زرقانی، س. م.، و باغدار دلگشا، ع. (۱۳۹۵). رویکردهای روشنفکران عصر مشروطه به داستان‌ها و روایت‌های ملی. *پژوهش‌های ادبی*، ۵۱، ۳۲-۹.
- شکری، ف. (۱۳۸۶). *واقع‌گرایی در ادبیات داستانی*. تهران: نگاه.
- شیخ زاده، س.، و زیار، م.، و رحیم تبریزی، پ. (۱۴۰۳). روایت‌شناسی رمان بینوایان اثر ویکتور هوگو براساس الگوی ژرار ژنت. *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، ۷ (۱)، ۱۰۸-۱۳۱.
- عشقی، ف. (۱۳۷۸). *ایران در نامه‌های ایرانی مونتسکیو*. بخارا، ۵، ۲۷۳-۲۷۹.
- عشقی، ف. (۱۳۸۹). آموزش‌های انسان‌گرایانه در رمان *نامه‌های ایرانی مونتسکیو* - شاهکار قرن ۱۸. *فصلنامه‌ی علوم اجتماعی*، ۵۱، ۱۸۹-۲۱۸.
- کریستوا، ژ. (۱۳۸۷). *کلام، مکالمه و رمان*. به سوی پسا مدرن: پساساختارگرایی در مطالعات ادبی. تدوین و ترجمه پیام یزدانجو. چ دوم. تهران: مرکز.
- کفافی، م. ع. (۱۳۸۹). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه‌ی سید حسین سیدی. مشهد: به نشر.
- گودرزی، غ. (۱۳۸۳). *دین و روشنفکران مشروطه*. تهران: اختران.
- فردوسی، ع.، و همکاران. (۱۳۹۹). بررسی تطبیقی مقایسه‌ای افکار باستان‌گرایانه میرزا فتحعلی آخوندزاده و ابراهیم پورداود. *فصلنامه‌ی تاریخ*، ۵۱، ۸۷-۱۰۷.
- مهدیزاده، م.، و بامشکی، س.، و تائبی نقندری، ز. (۱۴۰۲). نامه‌نگاری‌های فرانسوی-ایرانی؛ رمان از آن سوی دیوار به مثابه رمانی نامه‌نگارانه. *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، ۶ (۲)، ۸۲-۱۱۰.
- مونتسکیو، ژ. د. (۱۴۰۰). *نامه‌های ایرانی*. ترجمه‌ی محمد مجلسی. تهران: دنیای نو.
- میرعابدینی، ح. (۱۳۹۹). *تاریخ ادبیات داستانی ایران*. تهران: سخن.
- نامور مطلق، ب. (۱۳۹۰). *درآمدی بر بینامتنیت، نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: سخن.
- نامور مطلق، ب. (۱۳۸۶). *ترامیت مطالعه‌ی روابط یک متن با دیگر متن‌ها*. *پژوهشنامه علوم انسانی*، ۵۶، ۱۲۷-۱۴۲.

نامور مطلق، ب. (۱۳۸۶). مطالعه‌ی ارجاعات درون‌متنی در مثنوی با رویکرد بینامتنی. پژوهشنامه علوم/انسانی، ۵۴، ۴۴۲-۴۲۹.

وات، ا. (۱۳۸۷). پیدایی قصه. ترجمه‌ی ناهید سرمدی. تهران: نشر قلم.

یونسی رستمی، م.، و عبدی، آ. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی مضامین مشترک در چهار رمان مکاتبه‌ای (نامه‌های ایرانی، رنج‌های ورتر جوان، نامه‌های عاشقانه یک پیامبر و مجنون لیلی). فصلنامه پژوهش‌های تطبیقی زبان و ادبیات ملل، ۲، ۶۶-۸۳.

Melville Logan, P [General Editor]. (2011). *The encyclopedia of novel*. Uk.black wells.

## **Une Exploration Descriptive des Attitudes des Traducteurs Iraniens envers Différentes Facettes de la Satisfaction au Travail**

**Fatemeh Badi-ozaman**

Doctorante, Département d'anglais, Faculté des Lettres et des Sciences Humaines, Université Ferdowsi de Mashhad,  
Mashhad, Iran

**Masood Khoshsaligheh**<sup>1</sup> (Auteur correspondant) 

Professeur, Département d'anglais, Faculté des Lettres et des Sciences Humaines, Université Ferdowsi de Mashhad,  
Mashhad, Iran

**Abbas Firoozabadi**

Maître-assistant, Département de la psychologie, Faculté des Sciences de l'Éducation et de la Psychologie, Université  
Ferdowsi de Mashhad, Mashhad, Iran

### **Résumé**

En tant qu'acteurs principaux du processus de production traductive, les traducteurs jouent un rôle crucial dans l'industrie de la traduction. Il est donc essentiel qu'ils se concentrent sur l'établissement de leur satisfaction au travail afin de progresser plus efficacement dans leur carrière. Le concept de la satisfaction au travail a attiré l'attention de nombreux chercheurs dans le domaine de la psychologie. En raison de leur nature interdisciplinaire, les études traductologiques s'inspirent régulièrement des sciences humaines, notamment de la psychologie, pour explorer de nouveaux axes de recherche. N'ayant trouvé aucune étude similaire en Iran, les chercheurs de cet article ont traduit des questionnaires reconnus mesurant la satisfaction au travail, appelés l'indice descriptif du travail et l'indice de travail en général, et les ont utilisés pour évaluer le degré de satisfaction des traducteurs iraniens. Les résultats ont révélé que les traducteurs éprouvaient une satisfaction tant à court qu'à long terme. De plus, les répondants appréciaient l'acte de traduire, exprimaient une satisfaction quant à leurs relations avec les clients, les collègues et les superviseurs, étaient satisfaits des opportunités de promotion. Cependant, les traducteurs étaient insatisfaits de la rémunération liée à l'activité de traduction. L'analyse des données démographiques et la comparaison des moyennes ont révélé que les traducteurs plus jeunes et les répondants moins expérimentés étaient plus satisfaits des opportunités de promotion, tandis que ceux ayant plus d'expérience déclaraient une meilleure satisfaction concernant leurs revenus.

**Mots-clés :** Traducteurs iraniens, Études traductologiques, Satisfaction au travail, Indice descriptif du travail, Indice travail en général.

---

<sup>1</sup>. E-mail: [khoshsaligheh@um.ac.ir](mailto:khoshsaligheh@um.ac.ir) DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.93972.1143>  
<https://orcid.org/0000-0002-6508-1986>

## **A Descriptive Exploration of Iranian Translators' Attitudes toward Different Facets of Job Satisfaction**

**Fatemeh Badi-ozaman**

Ph.D. Student, Department of English, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

**Masood Khoshsaligheh**<sup>1</sup> (Corresponding author) 

Full Professor, Department of English, Faculty of Letters and Humanities, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

**Abbas Firoozabadi**

Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Education Sciences and Psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

### **Abstract**

As the primary agents involved in the translation production process, translators play a crucial role in the translation industry. Therefore, it is essential for them to focus on establishing job satisfaction so that they can progress more effectively in their careers. The concept of job satisfaction has attracted attention from numerous researchers in the field of psychology. Since translation studies is an interdisciplinary domain, to explore new research areas, it continually draws inspiration from various humanities disciplines, including psychology. Given that no similar research was found in the Iranian context, the researchers of this article translated well-known questionnaires of job satisfaction, tilted the Job Descriptive Index and the Job in General Index, and utilized them to assess Iranian translators' levels of job satisfaction. The results revealed both short-term and long-term satisfaction among translators. Additionally, the respondents enjoyed the act of translating, found satisfaction in their relationships with clients, coworkers, and supervisors, and were satisfied with opportunities for promotion in the translation profession. However, translators were dissatisfied with the remuneration from translation work. After collecting demographic information and comparing means, it was determined that younger translators and less experienced respondents were more satisfied with promotional opportunities. Moreover, more experienced translators reported greater satisfaction regarding their income.

**Keywords:** Iranian translators, Translation Studies, Job satisfaction, Job descriptive index, Job in general index.

---

<sup>1</sup>. E-mail: [khoshsaligheh@um.ac.ir](mailto:khoshsaligheh@um.ac.ir) DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.93972.1143>  
<https://orcid.org/0000-0002-6508-1986>

نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، دوره هفتم، شماره دوم (پیاپی ۱۳)، پاییز و زمستان ۱۴۰۳

## بررسی توصیفی نگرش مترجمان ایرانی به جنبه‌های مختلف رضایت شغلی

مقاله پژوهشی

فاطمه بدیع الزمان

دانشجوی دکترا، گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

مسعود خوش‌سلیقه<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) 

استاد تمام، گروه زبان انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

عباس فیروزآبادی

استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

### چکیده

مترجمان به عنوان اولین کارگزاران در خط تولید ترجمه، صاحب جایگاه مهمی در صنعت ترجمه هستند. به همین سبب، ضروری است که به تثبیت رضایت شغلی خود توجه نشان دهند تا بهتر بتوانند در این مسیر شغلی پیشرفت کنند. مفهوم رضایت شغلی، توجه محققان بسیاری را در رشته روان‌شناسی به خود جذب کرده است. از آنجایی که مطالعات ترجمه، حوزه‌ای بینارشته‌ای است، همواره برای بررسی موضوعات پژوهشی جدید، از دیگر رشته‌های علوم انسانی، از جمله روان‌شناسی، الهام می‌گیرد. با توجه به اینکه پژوهشی مشابه در ایران یافت نشد، محققان این مقاله پرسش‌نامه‌های معروف رضایت شغلی را، به نام‌های شاخص توصیفی شغل و شاخص عمومی شغل، به فارسی ترجمه کردند، و از آن‌ها بهره بردند تا میزان رضایت شغلی مترجمان ایرانی را ارزیابی کنند. یافته‌ها نشان‌دهنده وجود رضایت کوتاه‌مدت و بلندمدت میان مترجمان بودند. اضافه بر این، پاسخ‌دهندگان از انجام فعالیت ترجمه لذت می‌بردند، از ارتباط با همکاران، مشتری‌ها و مافوقان خود راضی بودند و از فرصت‌های ارتقا در شغل ترجمه رضایت داشتند. باین حال، مترجمان از درآمد ماحصل از شغل ترجمه راضی نبودند. سپس، در پی جمع‌آوری اطلاعات جمعیت‌شناختی و مقایسه میانگین‌ها مشخص شد که مترجمان جوان‌تر و همچنین پاسخ‌دهندگان کم‌تجربه‌تر از فرصت‌های ارتقا راضی‌تر بودند؛ به علاوه، شرکت‌کنندگان باتجربه از درآمد راضی‌تر بودند.

**کلیدواژه‌ها:** مترجمان ایرانی، مطالعات ترجمه، رضایت شغلی، شاخص توصیفی شغل، شاخص عمومی شغل.

<sup>۱</sup>. E-mail: [khoshsaligheh@um.ac.ir](mailto:khoshsaligheh@um.ac.ir) DOI: <https://doi.org/10.22067/rltf.2025.93972.1143>  
<https://orcid.org/0000-0002-6508-1986>

## ۱. مقدمه

از سال ۱۹۹۰ به بعد، صنعت ترجمه دچار تحولات فراوان شده است. با رونق مستمر بازار ترجمه، مترجمان مستلزم افزایش مهارت‌های خود هستند. افزون بر دانش عمومی، مترجمان باید دانش فناوری را نیز فرا بگیرند؛ باین حال، فراگیری دانش و مهارت‌های بیشتر همیشه باعث منافع یا درآمد بهتر نمی‌شود؛ در نتیجه، مترجمان ممکن است احساسات منفی (از جمله عدم رضایت شغلی) تجربه کنند (Rodríguez-Castro, 2011). خوشبختانه، در چند دهه اخیر، آثار مترجمان بیش از پیش به رسمیت شناخته شده‌اند (Bassnett, 2011). بدین لحاظ، پس از همه این افت‌وخیزها، باید احساسات مترجمان امروزی نسبت به حرفه ترجمه سنجیده شوند. این بررسی از آن جهت منطقی است که اگر مترجمان از شغل خود ناراضی باشند، ممکن است حرفه‌ای دیگر را انتخاب کنند که رضایت بیشتری برای آن‌ها به همراه دارد (Kinnunen & Koskinen, 2010).

باتوجه به رشد شتابان هوش مصنوعی و نگرانی‌هایی که برای امنیت شغلی مترجمان ایجاد می‌کند، اگر مترجمان باتجربه شغل خود را رها کنند و صنعت ترجمه تنها به مترجمان تازه‌کاری که هنوز در حال یادگیری این حرفه هستند، متکی باشد، آینده این صنعت و کیفیت ترجمه‌ها هرگز بهبود نخواهند یافت. از سوی دیگر، حتی اگر مترجمان این شغل را رها نکنند، چنانچه از کارشان راضی نباشند، کم تلاش می‌کنند و ترجمه با کیفیتی ارائه نخواهند داد. در نتیجه، آگاهی بیشتر در مورد رضایت شغلی مترجمان ضروری است.

اسمیت، کندال و هولین<sup>۱</sup>، که پرسش‌نامه شاخص توصیفی شغل را طراحی کردند، رضایت شغلی را این‌گونه توصیف کردند: احساساتی که اشخاص درباره شغل خود تجربه می‌کنند (Kinicki et al., 2002). به بیان دقیق‌تر، رضایت شغلی احساس مثبتی است که از دستیابی به ارزش‌های شغلی حاصل می‌شود (Locke, 1969).

خارج از حوزه مطالعات ترجمه و در رشته‌های دیگر، پژوهش‌های بسیاری درباره رضایت شغلی انجام شده است (Aziri, 2011)؛ اما در رشته مطالعات ترجمه، تعداد کمتری پژوهش در مورد رضایت شغلی مترجمان انجام شده است (Moorkens, 2020). با اینکه شغل مترجمی در ایران

<sup>1</sup> Smith, Kendall, and Hulin

از زوایای مختلف بررسی شده است (Kafi et al., 2018). رضایت شغلی مترجمان در هیچ پژوهشی در ایران بررسی نشده است.

به همین دلیل، با استفاده از پرسش‌نامه‌های شاخص توصیفی شغل<sup>۱</sup> و شاخص عمومی شغل<sup>۲</sup>، محققان این مقاله، میزان رضایت شغلی کلی پاسخ‌دهندگان و همچنین میزان رضایت آن‌ها از جنبه‌های مختلف شغل را ارزیابی کردند. در مرحله بعد، محققان میزان رضایت شرکت‌کنندگان را بر پایه متغیرهای مستقل (مانند سن، تحصیلات، تجربه) مقایسه کردند. در نهایت، این اهداف فقط با پاسخ به پرسش‌های زیر محقق خواهند شد:

۱. آیا مترجمان ایرانی از شغل ترجمه و جنبه‌های مختلف شغل ترجمه راضی هستند؟
  ۲. نقش هر کدام از متغیرهای مستقل جنسیت، زبان، سن، مدرک و رشته تحصیلی و سابقه کار در تعیین میزان رضایت شغلی مترجمان ایرانی چگونه است؟
- در ادامه، بخش پیشینه پژوهش به تحلیل مفهوم دقیق رضایت شغلی و بررسی عوامل مرتبط با آن می‌پردازد. سپس، شماری از مقالات مربوط به رضایت شغلی مترجمان به صورت خلاصه معرفی می‌شوند تا زمینه‌ای برای پژوهش کنونی فراهم شود. قسمت بعد، روش‌شناسی به تشریح فرایند انتخاب و آماده‌سازی پرسش‌نامه، روش‌های گردآوری پاسخ‌های مترجمان ایرانی و نحوه تحلیل داده‌ها اختصاص دارد. در بخش یافته‌ها، اطلاعات جمعیت‌شناختی و تحلیل‌های آماری مرتبط با پرسش‌های پژوهش ارائه می‌شود. این نتایج در بخش بحث و بررسی با یافته‌های مطالعات مشابه در زمینه رضایت شغلی مترجمان مقایسه می‌شوند. در خاتمه، بخش نتیجه‌گیری ضمن خلاصه‌سازی یافته‌ها و تبیین اهمیت آن‌ها، پیشنهادهایی برای انجام پژوهش‌های آتی ارائه می‌دهد.

## ۲. پیشینه پژوهش

در رشته روان‌شناسی، تعاریف گوناگونی برای مفهوم رضایت شغلی ارائه شده است. رضایت شغلی به میزان احساسات مثبت یا منفی اطلاق می‌شود که کارکنان نسبت به شغل خود تجربه می‌کنند (Şchiopu, 2015). علاوه بر این، رضایت شغلی رابطه معناداری با موفقیت، و همچنین

<sup>1</sup> Job descriptive index (JDI)

<sup>2</sup> Job in general index (JIG)

سلامت جسمی و روانی دارد (Aziri, 2011). رضایت شغلی تحت تأثیر مجموعه‌ای پیچیده از عوامل قرار دارد؛ از جمله محیط کاری، میزان درآمد، کیفیت بازخوردهای دریافتی، استقلال در انجام وظایف شغلی، روابط بین فردی و انطباق شغل با ارزش‌ها و اهداف فردی (Belias & Koustelios, 2014; Pitaloka & Sofia, 2014).

در مقابل، رضایت شغلی می‌تواند پیامدهای مثبتی برای سلامت روانی و جسمی کارکنان به همراه داشته باشد (Westover et al., 2010). در واقع، یکی از آشکارترین آثار مثبت رضایت شغلی، ارتقای سلامت روانی افراد است (Nadinloyi et al., 2013). زمانی که کارکنان از شغل خود رضایت داشته باشند، فشار روانی، اضطراب و افسردگی کمتری را تجربه می‌کنند (Aruldoss et al., 2021). از آنجایی که رضایت شغلی بر بازدهی و عملکرد کارکنان تأثیر می‌گذارد، این موضوع هم برای کارمندان و هم برای کارفرمایان از اهمیت بالایی برخوردار است (Utami & Harini, 2019). در بازار کاری امروزه که بسیار رقابتی است، سازمان‌ها باید رضایت شغلی کارکنان را در اولویت قرار دهند و برای آن‌ها محیطی بیافرینند که منتهی به رضایت شغلی شود (Raziq & Maulabakhsh, 2015).

نخستین ظهور مفهوم رضایت شغلی در حوزه مطالعات ترجمه، از طریق تحقیقاتی بود که تمرکز اصلی آن‌ها رضایت شغلی نبود. نویسندگان این تحقیقات از شرکت‌کنندگان پرسیدند که آیا از شغل ترجمه راضی بودند یا خیر؟ اما در پرسش‌نامه یا مصاحبه خود هیچ سؤال دیگری در رابطه با رضایت شغلی نداشتند؛ بلکه فقط همین یک سؤال بود و جنبه‌های رضایت شغلی را بررسی نکردند (Atkinson, 2012; Katan, 2009; Pöchhacker, 2009). در ادامه، محققان دیگر پژوهش‌هایی با تمرکز بر رضایت شغلی مترجمان انجام دادند.

برای مثال، آثار رودریگز-کسترو<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) و رودریگز-کسترو (۲۰۱۵) بسیار با نفوذ بودند؛ زیرا پرسش‌نامه‌ای جامع برای اندازه‌گیری رضایت شغلی مترجمان طراحی کردند که جنبه‌های مختلف این حرفه را در نظر می‌گیرد. هم والیس<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) هم محمدی‌ده‌چشمه<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) بر تأثیرات فناوری بر رضایت شغلی تمرکز داشتند (تمرکز نویسنده نخست بر حافظه‌های ترجمه

<sup>1</sup> Rodríguez-Castro

<sup>2</sup> Wallis

<sup>3</sup> Mohammadi Dehcheshmeh

بود، در حالی که تمرکز نویسنده دوم ترکیبی از حافظه‌های ترجمه و ترجمه ماشینی بود). هر دو نویسنده به این نتیجه دست یافتند که بهره‌گیری از این فناوری‌ها می‌تواند بر رضایت شغلی مترجمان تأثیر قابل توجهی داشته باشد. از طرف دیگر، سوبان<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) و هوبشر-دیویدسون<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) هر دو به دنبال یافتن رابطه بین هوش هیجانی و رضایت شغلی مترجمان بودند (نویسنده دوم میزان تحمل مترجمان در برابر ابهام را نیز مطالعه کرد). هر دو مطالعه، رابطه مثبت و معناداری میان هوش هیجانی و رضایت شغلی گزارش کردند. البته در مطالعه هوبشر-دیویدسون، همبستگی مثبتی میان میزان تحمل ابهام و رضایت شغلی هم مشاهده شد.

در ادامه، مورکنز<sup>۳</sup> (۲۰۲۰) وضعیت و نگرش مترجمان فریلنس و مترجمان استخدام شده را مقایسه کرد و دریافت که هر دو گروه از سطح رضایت شغلی قابل قبولی برخوردار بودند؛ با این حال، تفاوت معناداری در میزان رضایت شغلی میان این دو گروه مشاهده نشد. از دیدگاهی دیگر، لیو<sup>۴</sup> (۲۰۲۴) رضایت شغلی مترجمان چینی در دوران کرونا و نحوه سازگاری آن‌ها با شرایط این دوران را بررسی کرد. نتایج پژوهش وی نشان‌دهنده رضایت شغلی بود؛ زیرا این مترجمان ترجیح می‌دادند در محیط‌هایی کار کنند که فرصت‌های بیشتری برای یادگیری و رشد فراهم می‌کنند و فعالیت در دوران کرونا را صرفاً چالشی دیگر در مسیر حرفه‌ای خود تلقی می‌کردند.

رضایت شغلی مترجمان شفاهی نیز مقوله‌ای قابل تأمل در مطالعات ترجمه محسوب می‌شود. در همین راستا، لمینن و هوکانن<sup>۵</sup> (۲۰۲۴) به تحلیل رضایت شغلی و چالش‌های اخلاقی مترجمان شفاهی پرداختند. رابطه آشکاری میان رضایت شغلی و چالش‌های اخلاقی یافت نشد؛ اما پژوهش آنان به شناسایی عوامل مؤثر در شکل‌گیری چالش‌های اخلاقی در میان مترجمان فنلاندی منجر شد. افزون‌براین، دو مقاله ذیل رضایت شغلی مترجمان حوزه سلامت را به صورت کیفی بررسی کردند. مونزو-نبوت و الوارز-الوارز<sup>۶</sup> (۲۰۲۴) دریافتند که رضایت شغلی ارتباط مستقیمی با تأمین نیازهای بنیادین دارد؛ در پژوهش آنان، این نیازها برای مترجمان شفاهی شامل صلاحیت

<sup>۱</sup> Çoban

<sup>۲</sup> Hubscher-Davidson

<sup>۳</sup> Moorkens

<sup>۴</sup> Liu

<sup>۵</sup> Leminen & Hokkanen

<sup>۶</sup> Monzó-Nebot & Álvarez-Álvarez

حرفه‌ای در ترجمه، برقراری ارتباط مؤثر با دیگران و برخورداری از خودمختاری بودند. همچنین، فانتاپوم می و تامویچیت<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) تأکید کردند که مترجمان شفاهی برای دستیابی به رضایت شغلی، نیازمند حمایت اجتماعی، عزت نفس و حس تعلق به محیط کاری خود هستند.

### ۳. روش‌شناسی

#### ۳-۱. طرح تحقیق

طرح تحقیق توصیفی<sup>۲</sup> به کاررفته در این مقاله، تلاش می‌کند بدون قضاوت یا توضیح، یک پدیده را توصیف کند و یکی از بهترین راه‌های اجرای این طرح، به خصوص روی یک نمونه بزرگ، استفاده از پرسش‌نامه است (Patten, 2016). شایان ذکر است که داده‌های کمی پژوهش حاضر به صورت مقطعی<sup>۳</sup> در سال ۱۴۰۲ گردآوری شدند. در مطالعه مقطعی، داده‌ها تنها در یک زمان مشخص جمع‌آوری می‌شوند (Lunenborg & Irby, 2008).

#### ۳-۲. ابزار

اسمیت، کندال، و هولین در سال ۱۹۶۹ یکی از محبوب‌ترین پرسش‌نامه‌های رضایت شغلی به نام «شاخص توصیفی شغل» را طراحی کردند که شامل پنج زیرمجموعه است (Kinicki et al., 2002). این شاخص، رضایت کوتاه‌مدت را می‌سنجد (Tasios & Giannouli, 2017). پس از مدتی، طراحان این شاخص، زیرمجموعه‌ای به نام «شاخص عمومی شغل» اضافه کردند (که دارای ۱۸ گویه است) تا امکان سنجش رضایت کلی و بلندمدت را نیز فراهم کنند؛ این دو شاخص در طول زمان چندین بار بازنگری و به‌روزرسانی شدند (McIntyre & McIntyre, 2010). و این مقاله از جدیدترین نسخه<sup>۴</sup> این ابزار بهره برده است.

محققان این دو شاخص را به سه دلیل انتخاب کردند: (۱) گستردگی کاربرد در رشته‌های آکادمیک (مختلف، ۲) روایی و پایایی اثبات‌شده در چندین مقاله (Kinicki et al., 2002; Lopes et al., 2015; Tasios & Giannouli, 2017) و (۳) ساختار ساده گویه‌ها به صورت واژگان منفرد

<sup>۱</sup> Phanthaphoommee & Thumvichit

<sup>۲</sup> Descriptive research design

<sup>۳</sup> Cross-sectional

<sup>۴</sup> این نسخه در سایت زیر قرار گرفته است:

<https://www.bgsu.edu/arts-and-sciences/psychology/services/job-descriptive-index.html>

یا جملات کوتاه به جای سؤالات طولانی و پیچیده. سادگی گویه‌ها باعث جلوگیری از سردرگمی پاسخ‌دهندگان می‌شود؛ پس پاسخ‌ها قابل‌اعتمادتر خواهند بود. همچنین، تکمیل پرسش‌نامه‌ای با گویه‌های کوتاه، زمان کمتری از شرکت‌کنندگان می‌طلبد و می‌تواند به ارتقای میزان پاسخ‌گویی منجر شود.

پنج زیرمجموعه شاخص توصیفی شغل، جنبه‌های مختلف رضایت شغلی را می‌سنجند. جنبه اول با عنوان «افرادی که در هنگام کار ملاقات می‌کنید» (شامل ۱۸ گویه) میزان رضایت شرکت‌کنندگان از افرادی را ارزیابی می‌کند که مترجمان هنگام کار با آن‌ها در تعامل هستند (یعنی همکاران و مشتری‌ها). جنبه دوم «کار در شغل فعلی شما» (شامل ۱۸ گویه) به فعالیت‌های ترجمه‌ای روزمره مترجمان اشاره دارد. به‌منظور تصریح، محققان این جنبه را به‌عنوان ماهیت ترجمه تفسیر کردند؛ یعنی مترجمان از انجام ترجمه لذت می‌برند یا خیر؟ سوم، جنبه «درآمد» (شامل ۹ گویه) میزان رضایت از حقوق و دستمزد را می‌سنجد. جنبه چهارم با عنوان «فرصت‌های ارتقا» (شامل ۹ گویه) در رابطه با انواع فرصت‌های در دسترس مترجمان برای پیشرفت و ارتقا است. جنبه پنجم و نهایی «نظارت» (شامل ۱۸ گویه) نام دارد که میزان رضایت مترجمان از ناظران، سرپرست‌ها یا مافوق‌های آن‌ها را تعیین می‌کند.

### ۳-۳. ترجمه و آماده‌سازی پرسش‌نامه

پیش از اقدام به ترجمه، پژوهشگران توانستند چهار ترجمه فارسی پیشین از شاخص‌ها بیابند: یک مقاله پرسش‌نامه را در قالب اولیه حفظ کرده بود (دلخمش، ۱۳۹۳)؛ در حالی که مقالات دیگر تغییراتی در تعداد و جمله‌بندی گویه‌ها به‌وجود آوردند (بهروزی و همکاران، ۱۳۸۷؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۲؛ علیزاده‌ا قدم و همکاران، ۱۳۸۸).

بعد از اتمام ترجمه، پژوهشگران از سه متخصص ترجمه (این افراد مترجم حرفه‌ای بودند و مدرک دکترای ترجمه داشتند) درخواست ویرایش و اصلاح ترجمه را داشتند. سپس، آزمایش پایلوت برای سنجیدن پرسش‌نامه در عمل انجام شد و ۱۷ نفر در این مرحله شرکت داشتند. بیشتر پاسخ‌دهندگان اظهار کردند که بهتر است به‌جای سیستم پاسخ‌دهی سه‌گانه (که در اصل انگلیسی شاخص‌ها موجود بود)، از مقیاس لیکرت ۵ درجه استفاده شود. این مقاله نخستین پژوهشی نیست که از مقیاس ۵ درجه برای شاخص‌های توصیفی و عمومی شغل بهره برده

است (Gregson, 1990; Mamesa, 2012; Mousavi et al., 2012). سرانجام، پرسش نامه به صورت آنلاین از طریق وبسایت «پرسال» طراحی و منتشر شد. انتخاب این سامانه به دلیل قابلیت استخراج داده‌ها و دریافت خروجی پاسخ‌ها در قالب فایل اس‌پی‌اس‌اس صورت گرفت.

### ۳-۴. روش‌های نمونه‌گیری

این مقاله از ترکیب در روش نمونه‌گیری پاسخ‌دهی داوطلبانه<sup>۱</sup> و نمونه‌گیری ارجاعی<sup>۲</sup> بهره برده است. در روش پاسخ‌دهی داوطلبانه، تمام اشخاص واجد شرایط از طریق اعلامیه آنلاین به مشارکت در پژوهش دعوت می‌شوند (Stratton, 2023). این روش همه محدودیت‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی را به همراه دارد؛ به اضافه اینکه ممکن است تمام اشخاص واجد شرایط، به دلیل عدم دسترسی به آن شبکه مجازی، اعلامیه را مشاهده نکنند.

با توجه به اینکه فعالیت به عنوان مترجم در ایران نیازمند دریافت مجوز رسمی نیست، متأسفانه پایگاه داده جامعی که اطلاعات تمام مترجمان کشور را دربرگیرد، وجود ندارد؛ بنابراین، شبکه‌های اجتماعی (تلگرام، اینستاگرام، ایتا، واتس‌اپ)، وبسایت‌های ترجمه بین‌المللی (Proz و Translatorscafe) و وبسایت‌های ایرانی فعال در حوزه‌های ترجمه و کارپایی (پونیشا، جاب‌اینجا و کارلنسر) بهترین ابزارها برای دسترسی به مترجمان ایرانی بودند. دلیل استفاده از این بسترها، سهولت دسترسی و میزان محبوبیت آن‌ها در میان کاربران ایرانی بود که احتمال تعامل مستقیم با مترجمان ایرانی را افزایش می‌داد. البته برخی وبسایت‌های ترجمه داخلی دیگر نیز بررسی شدند؛ اما این وبسایت‌ها با درخواست نویسندگان این مقاله برای انتشار فراخوان شرکت در پژوهش موافقت نکردند. شایان ذکر است که به منظور اطمینان از مشارکت فعال مترجمان و جلوگیری از نادیده‌انگاشتن فراخوان، پژوهشگران ناگزیر شدند وعده ارائه پاداش‌هایی را در متن اطلاعیه بگنجانند (این پاداش‌ها شامل دسترسی به فایل‌هایی با هدف ارتقای کیفیت خوانش و ترجمه متون برای کلیه افرادی بود که به پرسش‌نامه پاسخ دادند و تعداد

<sup>1</sup> Voluntary response sampling

<sup>2</sup> Snowball sampling

محدودی حافظه جانبی الکترونیکی که از طریق قرعه‌کشی در اختیار برخی از پاسخ‌دهندگان قرار گرفت).

سپس، نمونه‌گیری ارجاعی نیازمند این است که پاسخ‌دهندگان قبلی، دیگر افراد واجد شرایط را معرفی کنند (Saldanha & O'Brien, 2014). پس از تکمیل پرسش‌نامه، از شرکت‌کنندگان درخواست شد تا لینک آنلاین پرسش‌نامه را به مترجمان دیگر نیز ارسال کنند. در نهایت، ۳۶۴ مترجم ایرانی در این پژوهش شرکت کردند.

### ۳-۵. روش‌های تحلیل داده

از نسخه ۲۷ نرم‌افزار اسپ‌پی برای انجام تحلیل‌های آماری استفاده شد. این نرم‌افزار برای دستیابی به پایایی شاخص‌ها، بسامد در اطلاعات جمعیت‌شناختی، میانه و میانگین متغیرهای وابسته بسیار مفید بود.

سپس، پژوهشگران می‌بایست آزمون‌های آماری مناسبی را برای بررسی نقش متغیرهای مستقل در سطح متغیرهای وابسته انتخاب می‌کردند. آن‌ها تصمیم گرفتند آزمون‌های پارامتریک از دقت بالاتری نسبت به آزمون‌های ناپارامتریک برخوردارند. داده‌های گردآوری‌شده با اغلب مفروضات این آزمون‌ها سازگار بودند؛ برای مثال، داده‌ها مستقل از یکدیگر بودند و فاقد مقادیر پرت بودند؛ اما توزیع برخی از متغیرهای وابسته (شاخص عمومی شغل، ماهیت ترجمه و درآمد) نرمال نبود. با وجود این، آزمون‌های پارامتریک، به‌ویژه در مقایسه میانگین‌ها، قدرت زیادی دارند و حتی در شرایط نقض فرض نرمال بودن داده‌ها، در صورت بزرگ بودن حجم نمونه، قابل استفاده هستند (Faizi & Alvi, 2023). از میان آزمون‌های پارامتریک، اگر متغیر مستقل دارای تنها دو گروه باشد (مانند جنسیت)، آزمون تی نمونه‌های مستقل<sup>۱</sup> انتخاب مناسبی برای مقایسه میانگین‌هاست. در مقابل، اگر متغیر مستقل شامل بیش از دو گروه باشد (مانند رشته تحصیلی)، تحلیل واریانس یک‌طرفه<sup>۲</sup> مناسب خواهد بود.

### ۴. یافته‌ها

<sup>۸</sup> IBM SPSS Statistics

<sup>۱</sup> Independent samples t-test

<sup>۲</sup> One-way ANOVA

در این بخش نتایج آزمون‌های آماری ارائه می‌شوند: در ابتدا پایایی هریک از شاخص‌ها و ابعاد رضایت شغلی سنجیده می‌شود تا قابلیت اعتماد به داده‌ها مشخص شود. سپس، نمودارها نشان‌دهنده اطلاعات جمعیت‌شناختی و خصوصیات مترجمان ایرانی هستند. در ادامه، آمار توصیفی میزان رضایت شغلی کلی مترجمان و میزان رضایت آن‌ها از ابعاد مختلف رضایت شغلی را گزارش می‌دهد. در پایان، تست‌های مقایسه میانگین نقش متغیرهای مستقل را در تعیین میزان رضایت مترجمان تحلیل می‌کنند.

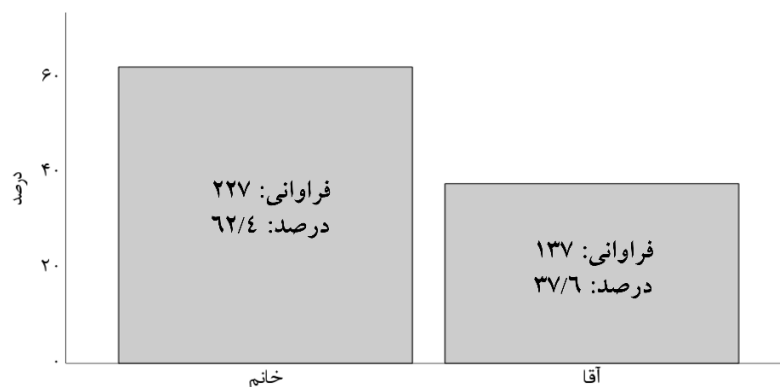
جدول ۱. پایایی

| شاخص‌ها و جنبه‌ها                  | کرونباخ آلفا <sup>۱</sup> |
|------------------------------------|---------------------------|
| افرادی که هنگام کار ملاقات می‌کنید | ۰/۸۸۹                     |
| ماهیت ترجمه                        | ۰/۸۶۵                     |
| درآمد                              | ۰/۹۰۸                     |
| فرصت‌های ارتقا                     | ۰/۸۵۷                     |
| نظارت                              | ۰/۹۳۲                     |
| شاخص توصیفی شغل                    | ۰/۹۳۵                     |
| شاخص عمومی شغل                     | ۰/۹۰۹                     |

مطابق جدول ۱، شاخص توصیفی شغل به صورت کامل، همچنین تمام جنبه‌های آن به صورت جداگانه، و شاخص عمومی شغل، همگی مقدار کرونباخ آلفا زیاد، و در نتیجه پایایی عالی برخوردارند. این یافته براساس این اصل استوار است که مقادیر ۰/۷ به بالا، قابل قبول تلقی می‌شود (Nunnally & Bernstein, 1994).

<sup>۱</sup> Cronbach's alpha

نمودار ۱. جنسیت



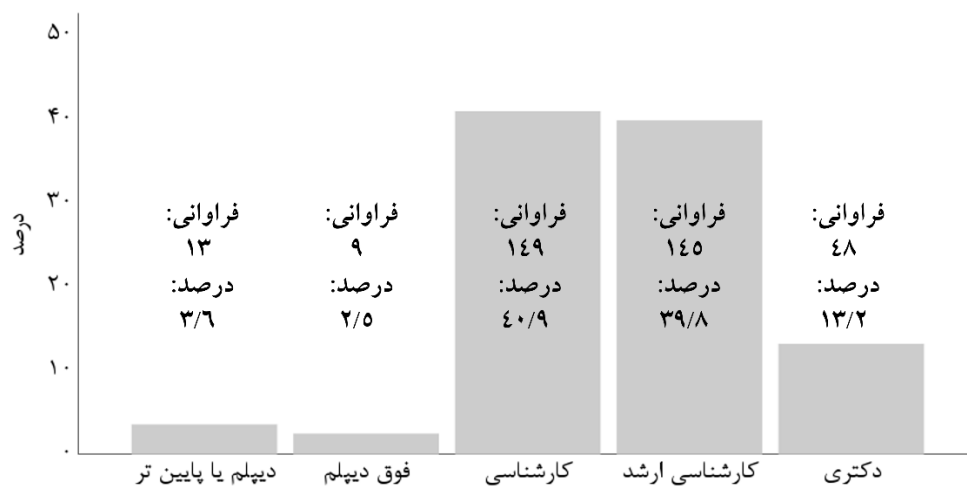
نمودار ۱ مشخص می‌کند که نسبت به مترجمان آقا، تعداد خیلی بیشتری مترجم خانم در این پژوهش شرکت کردند.

نمودار ۲. سن

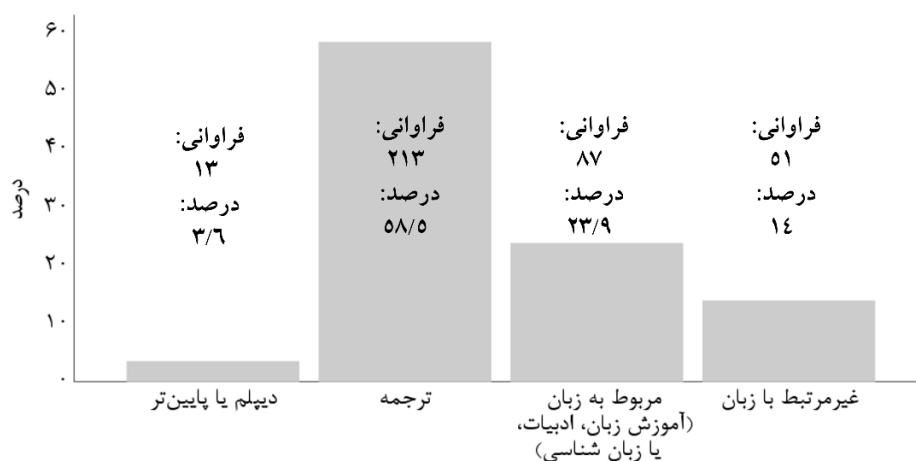


مطابق نمودار ۲، اغلب مترجمانی که به پرسش‌نامه رضایت شغلی پاسخ دادند، نسبتاً جوان و بین سن‌های ۲۲ تا ۴۴ بودند.

نمودار ۳. مدرک تحصیلی

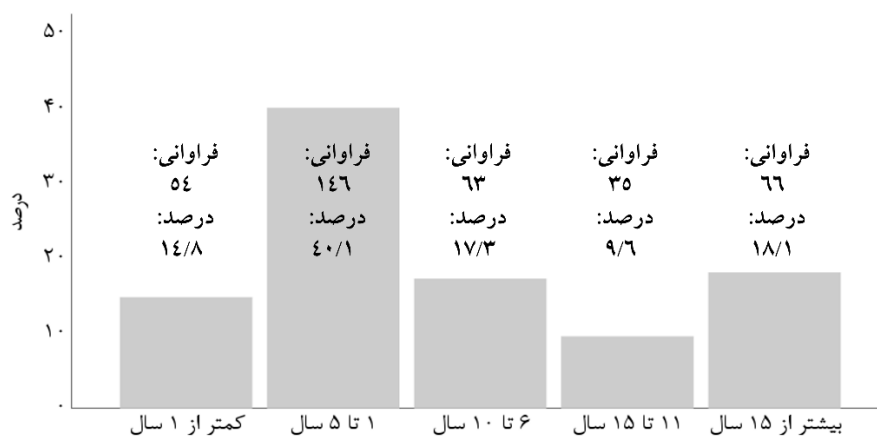


نمودار ۴. مدرک تحصیلی



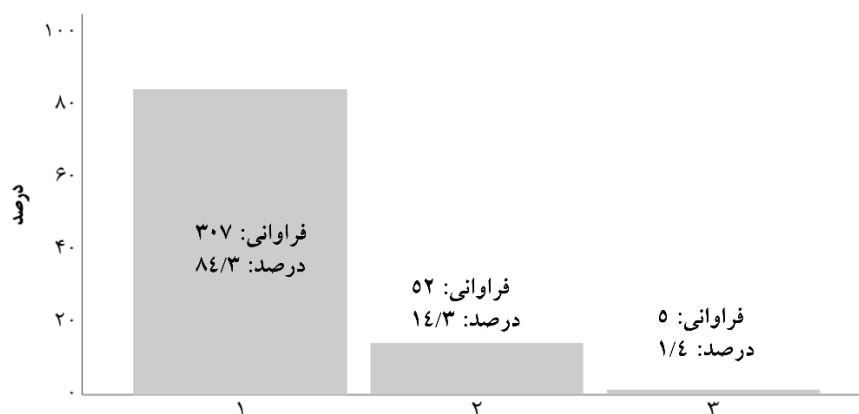
نمودارهای ۳ و ۴ نشان می دهند که بیشتر شرکت کنندگان از تحصیلات مرتبط برخوردار بوده و دارای مدرک کارشناسی یا کارشناسی ارشد در رشته مترجمی بوده اند.

نمودار ۵. سابقه کار ترجمه



در ادامه، نمودار ۵ اشاره دارد که اغلب مترجمان شرکت‌کننده در این پژوهش، پنج سال یا کمتر سابقه کار به عنوان مترجم داشته‌اند.

نمودار ۶. تعداد زبان‌ها



نمودار ۶ ابراز می‌کند که مترجمان به چند زبان خارجی تسلط داشتند؛ به اندازه‌ای که به راحتی بتوانند با آن زبان یا زبان‌ها ترجمه انجام دهند (البته میزان تسلط مترجمان به هر زبان طبق گزارش خودشان در این جدول شرح داده شده است). بیشتر شرکت‌کنندگان فقط به یک زبان خارجی مسلط بودند.

جدول ۲. اولویت زبان‌ها

| زبان      | فراوانی<br>زبان ۱ | درصد | فراوانی<br>زبان ۲ | درصد | فراوانی<br>زبان ۳ | درصد | مجموع |
|-----------|-------------------|------|-------------------|------|-------------------|------|-------|
| انگلیسی   | ۳۱۱               | ۸۵/۴ | ۱۴                | ۳/۸  |                   |      | ۳۲۵   |
| فرانسوی   | ۱۸                | ۴/۹  | ۱۰                | ۲/۷  |                   |      | ۲۸    |
| عربی      | ۱۶                | ۴/۴  | ۵                 | ۱/۴  | ۲                 | ۰/۵  | ۲۳    |
| آلمانی    | ۹                 | ۲/۵  | ۷                 | ۱/۹  | ۲                 | ۰/۵  | ۱۸    |
| روسی      | ۲                 | ۰/۵  |                   |      |                   |      | ۲     |
| اسپانیایی | ۲                 | ۰/۵  | ۳                 | ۰/۸  |                   |      | ۵     |
| ترکی      | ۲                 | ۰/۵  | ۱۰                | ۲/۷  | ۱                 | ۰/۳  | ۱۳    |
| ارمنی     | ۱                 | ۰/۳  |                   |      |                   |      | ۱     |
| چینی      | ۱                 | ۰/۳  |                   |      |                   |      | ۱     |
| ایتالیایی | ۱                 | ۰/۳  |                   |      |                   |      | ۱     |
| ژاپنی     | ۱                 | ۰/۳  | ۳                 | ۰/۸  |                   |      | ۱     |
| کره‌ای    |                   |      | ۴                 | ۱/۱  |                   |      | ۴     |
| کردی      |                   |      | ۳                 | ۰/۸  |                   |      | ۳     |

در مرحله بعد، از پاسخ‌دهندگان پرسیده شد که در اولویت اول، با کدام زبان خارجی بیشتر کار می‌کنند، در صورت تسلط به بیش از یک زبان، در اولویت دوم و سوم با چه زبان‌هایی ترجمه می‌کنند. جدول ۲ نشان‌دهنده فراوانی‌ها در پاسخ به این سؤالات است. اغلب شرکت‌کنندگان ترجمه را از طریق زبان انگلیسی انجام می‌دادند که با توجه به جایگاه بین‌المللی زبان انگلیسی، امری طبیعی به نظر می‌رسد. فرانسوی، عربی و آلمانی به ترتیب در رتبه‌های دوم، سوم و چهارم قرار گرفتند.

جدول ۳. آمار توصیفی

| متغیرهای وابسته                                 | میانگین | میان |
|-------------------------------------------------|---------|------|
| افرادی که هنگام کار ملاقات می‌کنید <sup>۱</sup> | ۵۹/۶۶   | ۶۰   |
| ماهیت ترجمه <sup>۲</sup>                        | ۶۷/۶۹   | ۶۹   |
| درآمد                                           | ۲۰/۶۸   | ۲۰   |
| فرصت‌های ارتقا <sup>۳</sup>                     | ۲۷/۹    | ۲۸   |
| نظارت                                           | ۶۵/۵۱   | ۶۸   |
| شاخص توصیفی شغل                                 | ۲۴۰     | ۲۳۸  |
| شاخص عمومی شغل                                  | ۶۸/۷۱   | ۷۰   |

متغیرهای «افراد»، «ماهیت»، «نظارت»، و «شاخص عمومی شغل» ۱۸ گویه داشتند و هر گویه دارای مقیاس لیکرت ۵ درجه (۱ پایین‌ترین و ۵ بالاترین درجه) بود. پس، دامنه امتیازات برای این چهار متغیر وابسته بین ۱۸ تا ۹۰ بود. در نتیجه، مطابق میانگین و میان در جدول ۳، پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه از افرادی که در حین کار ملاقات می‌کنند، ماهیت فعالیت ترجمه، افراد ناظر یا سرپرست و شغل ترجمه به‌طور کلی، فوق‌العاده راضی بودند.

جنبه‌های «ارتقا» و «درآمد» هر دو ۹ گویه با مقیاس لیکرت ۵ درجه داشتند. طیف امتیازات برای این جنبه‌ها بین ۹ تا ۴۵ بود. طبق جدول ۳، رضایت از فرصت‌های ارتقا بالاتر از حد متوسط بود، میانگین و میان درآمد پایین‌تر از مقدار متوسط قرار داشت که نشان‌دهنده تارضایتی مترجمان از مسائل مربوط به درآمد است.

سرانجام، حاصل جمع تمام جنبه‌های شاخص توصیفی شغل که بیانگر رضایت درونی خواهد بود، دامنه‌ای بین ۷۲ تا ۳۶۰ بود. میانگین و میان بیشتر از حد متوسط، نشانگر رضایت شرکت‌کنندگان است.

<sup>۱</sup> جهت کاهش تکرار کلمات، از این پس، این متغیر با عنوان «افراد» شناخته خواهد شد.

<sup>۲</sup> جهت کاهش تکرار کلمات، از این پس، این متغیر با عنوان «ماهیت» شناخته خواهد شد.

<sup>۳</sup> جهت کاهش تکرار کلمات، از این پس، این متغیر با عنوان «ارتقا» شناخته خواهد شد.

جدول ۴. آزمون تی نمونه‌های مستقل برای جنسیت

| متغیرهای وابسته | میانگین خانم‌ها | میانگین آقایان | t       | اثر d کوهن <sup>۱</sup> |
|-----------------|-----------------|----------------|---------|-------------------------|
| افراد           | ۵۹/۵۴           | ۵۹/۹۹          | -۰/۳۳۸  | -۰/۰۴۲                  |
| ماهیت           | ۶۷/۹۷           | ۶۷/۲۸          | ۰/۶۷۲   | ۰/۰۷۵                   |
| درآمد           | ۲۰              | ۲۱/۹           | *-۲/۲۶۲ | -۰/۲۵۲                  |
| ارتقا           | ۲۸/۰۶           | ۲۷/۵۹          | ۰/۵۸۱   | ۰/۰۷                    |
| نظارت           | ۶۷/۱۴           | ۶۲/۴۷          | *-۲/۱۲۲ | -۰/۳۵۴                  |
| شاخص توصیفی شغل | ۲۴۳/۱۶          | ۲۳۲/۹۵         | ۱/۸     | ۰/۳۳                    |
| شاخص عمومی شغل  | ۶۸/۴۷           | ۶۹/۲۹          | -۰/۶۹   | -۰/۰۷۷                  |

\* مقدار احتمال<sup>۲</sup> کمتر از ۰/۰۵

بیشتر آزمون‌های تی اجرا شده در جدول ۴ معنادار نبودند (مقدار احتمال بالاتر از ۰/۰۵). این نتیجه به این معناست که مترجمان آقا در اغلب جنبه‌ها از خانم‌ها راضی‌تر نبودند و البته برعکس این مضمون هم صادق نبود. به هر حال، متغیر مستقل جنسیت دو پیامد معنادار به همراه داشت. معناداری آماری بیانگر این است که آقایان از درآمد راضی‌تر بودند، درحالی‌که خانم‌ها از مافوق خود راضی‌تر بودند. اما مقدار اثر d کوهن برای هر دو تست کم بود، یعنی این یافته‌ها در زندگی واقعی خیلی قابل ملاحظه نیستند. معمولاً، برای مقدار d کوهن، ۰/۲ کوچک، ۰/۵ متوسط، و ۰/۸ بزرگ در نظر گرفته می‌شود (Cohen, 1992).

جدول ۵. آزمون تی نمونه‌های مستقل برای زبان انگلیسی در مقابل زبان‌های دیگر

| متغیرهای وابسته | میانگین انگلیسی | میانگین دیگر زبان‌ها | t     | اثر d کوهن |
|-----------------|-----------------|----------------------|-------|------------|
| افراد           | ۶۰/۱۱           | ۵۷                   | ۱/۷۶۳ | ۰/۲۹       |
| ماهیت           | ۶۷/۶۹           | ۶۷/۶۷                | ۰/۰۲  | ۰/۰۰۳      |

<sup>۱</sup> Cohen's d effect

<sup>۲</sup> p value

| پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه |        |        |        | دوره هفتم، شماره دوم |  |
|-------------------------------|--------|--------|--------|----------------------|--|
| درآمد                         | ۲۰/۳۸  | ۲۲/۵۲  | ۱/۸۶۳  | -۰/۲۸۵               |  |
| ارتقا                         | ۲۷/۸   | ۲۸/۵۳  | -۰/۶۷  | -۰/۱۱                |  |
| نظارت                         | ۶۵/۴۶  | ۶۶     | -۰/۱۴۹ | -۰/۰۴                |  |
| شاخص توصیفی                   | ۲۴۰/۵۲ | ۲۳۴/۹۲ | ۰/۶۱۶  | ۰/۱۷۹                |  |
| شغل                           |        |        |        |                      |  |
| شاخص عمومی                    | ۶۸/۵۹  | ۶۹/۳۹  | -۰/۴۹۳ | -۰/۰۷۵               |  |
| شغل                           |        |        |        |                      |  |

به علت نابرابری فراوانی‌ها در زبان‌های مختلف، اولین و پرکاربردترین زبان خارجی مترجمان به دو گروه زبان انگلیسی و غیرانگلیسی تقسیم شد. هیچ آزمون‌تی در این مقطع معنادار نبود (مقدار احتمال بیشتر از ۰/۰۵)؛ بنابراین، تفاوت میانگین‌های مشاهده‌شده تصادفی بوده است، و اولویت اول زبان خارجی پاسخ‌دهندگان تفاوتی در میزان رضایت آن‌ها ایجاد نمی‌کند.

جدول ۶. آزمون تی نمونه‌های مستقل برای تعداد زبان‌ها

| متغیرهای وابسته | میانگین ۱ زبان | میانگین ۲ یا ۳ زبان | t      | اثر d کوهن |
|-----------------|----------------|---------------------|--------|------------|
| افراد           | ۵۹/۶۵          | ۵۹/۷۳               | -۰/۰۴۶ | -۰/۰۰۷     |
| ماهیت           | ۶۷/۴۸          | ۶۸/۸۷               | -۱/۰۲  | -۰/۱۵۲     |
| درآمد           | ۲۰/۹۵          | ۱۹/۲۴               | ۱/۵۳۱  | ۰/۲۲۷      |
| ارتقا           | ۲۷/۹           | ۲۷/۹۲               | -۰/۰۲۱ | -۰/۰۰۳     |
| نظارت           | ۶۵/۵۲          | ۶۵/۵                | ۰/۰۰۶  | ۰/۰۰۱      |
| شاخص توصیفی     | ۲۴۰/۷۸         | ۲۳۶/۲۵              | -۰/۶۴۷ | -۰/۱۴۵     |
| شغل             |                |                     |        |            |
| شاخص عمومی      | ۶۸/۴۸          | ۶۹/۸۹               | -۰/۸۹۱ | -۰/۱۳۱     |
| شغل             |                |                     |        |            |

در ابتدا، متغیر تعداد زبان‌ها کدگذاری مجدد شد تا دو زیرگروه داشته باشد. همه تست‌ها بی‌معنی بودند (مقدار احتمال بیشتر از ۰/۰۵). تعداد زبان‌های خارجی که مترجمان می‌دانستند، بر میزان رضایت آن‌ها تأثیری نداشت.

جدول ۷. تحلیل واریانس یک‌طرفه برای گروه‌های سنی

| متغیرهای وابسته | میانگین ۱۵ | میانگین ۲۵ | میانگین ۴۵ | F         | اتا مربع <sup>۱</sup> |
|-----------------|------------|------------|------------|-----------|-----------------------|
|                 | تا ۲۴      | تا ۴۴      | تا ۶۴      |           |                       |
| افراد           | ۶۰/۹۱      | ۵۸/۴۷      | ۶۱/۷۹      | ۲/۴۲۸     | ۰/۰۱۶                 |
| ماهیت           | ۶۸/۹۱      | ۶۶/۷۳      | ۶۸/۵۵      | ۲/۲۲۸     | ۰/۰۱۳                 |
| درآمد           | ۲۱/۶۵      | ۱۹/۷۵      | ۲۱/۹۷      | ۳/۱۶۷     | ۰/۰۱۸                 |
| ارتقا           | ۳۰/۵۵      | ۲۶/۸۳      | ۲۶/۰۸      | ***۱۲/۳۸۹ | ۰/۰۷۴                 |
| نظارت           | ۶۷/۶۴      | ۶۴/۳۳      | ۶۴/۴۱      | ۱/۱۱۳     | ۰/۰۱۴                 |
| شاخص توصیفی     | ۲۴۶/۸۶     | ۲۳۵/۴۷     | ۲۳۹/۹۱     | ۲/۰۸۸     | ۰/۰۳                  |
| شغل             |            |            |            |           |                       |
| شاخص عمومی      | ۶۹/۸۸      | ۶۷/۰۷      | ۷۱/۷۳      | ***۵/۲۰۱  | ۰/۰۳                  |
| شغل             |            |            |            |           |                       |

\*\*\* مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۱

\*\*\* مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۰۱

به‌منظور دستیابی به گروه‌های یکنواخت‌تر، دسته‌بندی سوپر و جوردان<sup>۲</sup> (۱۹۷۳) برای گروه‌های سنی استفاده شد:

- مرحله رشد (سن صفر تا ۱۴)
- مرحله اکتشاف (سن ۱۵ تا ۲۴): جوانان نیازها و توانایی‌های خود را شناسایی می‌کنند و سپس وارد بازار کار می‌شوند.
- مرحله تثبیت (سن ۲۵ تا ۴۴): اشخاص به شغل خاصی متعهد می‌شوند.

<sup>۱</sup> Eta squared

<sup>۲</sup> Super & Jordaen

- مرحله حفاظت (سن ۴۵ تا ۶۴): شاغلان تلاش می‌کنند جایگاه خود را در این شغل حفظ کنند.
- مرحله زوال (سن ۶۵ و بالاتر): اشخاص فعالیت شغلی کمتری دارند و برای بازنشستگی آماده می‌شوند.

به دلیل تعداد کم یا صفر اشخاص در گروه‌های اول و آخر (رجوع به نمودار ۲)، این گروه‌ها در تحلیل واریانس حذف شدند. تحلیل واریانس جدول ۷ برای اکثر متغیرهای وابسته معنادار نبود (مقدار احتمال بالاتر از ۰/۰۵). از این روی، سن تأثیری بر رضایت در بیشتر جنبه‌ها نداشت. هرچند تست رضایت بلندمدت از نظر آماری معنادار بود، مقدار اتای مربع کوچک بود؛ پس معناداری کارآمد به همراه نداشت. برای توضیح بیشتر، مقدار اتای مربع ۰/۰۱ کوچک، ۰/۰۶ متوسط، و ۰/۱۴ بزرگ در نظر گرفته می‌شود (Cohen, 2013).

جدول ۸. تست توکی<sup>۱</sup> برای گروه‌های سنی و ارتقا

| تفاضل میانگین‌ها |          |          |
|------------------|----------|----------|
| ***۳/۷۱۸         | ۴۴ تا ۲۵ | ۲۴ تا ۱۵ |
| ***۴/۴۷۶         | ۶۴ تا ۴۵ |          |
| ***-۳/۷۱۸        | ۲۴ تا ۱۵ | ۴۴ تا ۲۵ |
| ۰/۷۸۵            | ۶۴ تا ۴۵ |          |
| ***-۴/۴۷۶        | ۲۴ تا ۱۵ | ۶۴ تا ۴۵ |
| -۰/۷۸۵           | ۴۴ تا ۲۵ |          |

\*\*\* مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۰۱

جدول ۷ اثبات کرد که تفاوت معناداری برای متغیر ارتقا، همراه با اتای مربع تقریباً خوبی وجود داشت. با وجود آنکه آزمون تحلیل واریانس توانایی تشخیص وجود تفاوت کلی میان گروه‌ها را دارد، قادر نیست مشخص کند که این تفاوت بین کدام گروه‌ها مشاهده می‌شود؛ بنابراین، استفاده از آزمون‌های تعقیبی ضروری است. در این راستا، اگر آزمون لوین برای برابری

<sup>1</sup> Tukey's test

واریانس‌ها<sup>۱</sup> معنادار نباشد (مقدار احتمال بیشتر از ۰/۰۵)، به این معناست که واریانس گروه‌ها برابر فرض می‌شود و در این حالت، یکی از مناسب‌ترین آزمون‌های تعقیبی، تست توکی است؛ در مقابل، اگر آزمون لوین معنادار باشد (مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵)، فرض برابری واریانس‌ها رد می‌شود، آزمون گیمز-هاول<sup>۲</sup> به عنوان یکی از گزینه‌های مناسب برای آزمون تعقیبی در نظر گرفته می‌شود (Field, 2024).

در تحلیل واریانس مربوط به متغیرهای سن و فرصت‌های ارتقا، با توجه به اینکه آزمون لوین معنادار نبود، استفاده از آزمون تعقیبی توکی مناسب تشخیص داده شد. جدول ۸ نشان می‌دهد که گروه سنی اول از دو گروه سنی دیگر درباره فرصت‌های ارتقا راضی‌تر بودند.

جدول ۹. تحلیل واریانس یک‌طرفه برای مدرک تحصیلی

| متغیرهای وابسته    | میانگین<br>کارشناسی | میانگین<br>کارشناسی ارشد | میانگین<br>دکترا | F     | اتا مربع |
|--------------------|---------------------|--------------------------|------------------|-------|----------|
| افراد              | ۶۰/۳۲               | ۶۰/۳۲                    | ۶۰/۴۲            | ۰/۷۲۹ | ۰/۰۰۵    |
| ماهیت              | ۶۸/۶۹               | ۶۷/۶۹                    | ۶۵/۹۳            | ۱/۶۷  | ۰/۰۱     |
| درآمد              | ۲۰/۸۱               | ۱۹/۸۸                    | ۲۲/۷             | ۲/۴۸۷ | ۰/۰۱۵    |
| ارتقا              | ۲۸/۷۲               | ۲۷/۳۹                    | ۲۶/۲۴            | ۲/۶۰۱ | ۰/۰۱۷    |
| نظارت              | ۶۷/۱۹               | ۶۴/۱۷                    | ۶۴/۱۷            | ۰/۹۸۹ | ۰/۰۱۳    |
| شاخص توصیفی<br>شغل | ۲۴۵/۰۹              | ۲۳۵/۴۷                   | ۲۳۸/۶۲           | ۱/۴۷۷ | ۰/۰۲۳    |
| شاخص عمومی<br>شغل  | ۷۰/۰۵               | ۶۷/۵۸                    | ۶۹/۶۱            | ۲/۱۴۸ | ۰/۰۱۳    |

<sup>1</sup> Levene's test of homogeneity

<sup>2</sup> Games-Howell test

جدول ۱۰. تحلیل واریانس یک‌طرفه برای رشته تحصیلی

| متغیرهای وابسته | میانگین  | میانگین       | میانگین | F     | اتا مربع |
|-----------------|----------|---------------|---------|-------|----------|
|                 | کارشناسی | کارشناسی ارشد | دکتر    |       |          |
| افراد           | ۵۹/۹۸    | ۵۷/۷          | ۶۱/۵۹   | ۱/۸۴۲ | ۰/۰۱۳    |
| ماهیت           | ۶۷/۷۳    | ۶۸/۴۳         | ۶۷/۹۸   | ۰/۱۸۵ | ۰/۰۰۱    |
| درآمد           | ۲۰/۵۶    | ۲۱/۶۳         | ۱۹/۶    | ۱/۲۰۱ | ۰/۰۰۷    |
| ارتقا           | ۲۸/۳۱    | ۲۷/۲۵         | ۲۶/۶۶   | ۱/۴۰۹ | ۰/۰۰۹    |
| نظارت           | ۶۳/۸۴    | ۶۷/۹۵         | ۶۷/۸۵   | ۱/۷۹۵ | ۰/۰۲۴    |
| شاخص توصیفی     | ۲۳۸      | ۲۴۴/۲۸        | ۲۴۰/۷۵  | ۰/۴۷۵ | ۰/۰۰۷    |
| شغل             |          |               |         |       |          |
| شاخص عمومی شغل  | ۶۸/۵۶    | ۶۹/۹۴         | ۶۸/۱۲   | ۰/۵۲  | ۰/۰۰۳    |

در ابتدا، به علت تعداد اندک مورد، زیر گروه دیپلم یا پایین‌تر حذف شد: هیچ‌کدام از تحلیل واریانس‌ها (چه برای مدرک در جدول ۹، چه برای رشته در جدول ۱۰) معنادار نبودند (مقدار احتمال بیشتر از ۰/۰۵). تفسیر این مطلب به نبود رضایت کمتر یا بیشتر در اشخاص با درجات علمی یا رشته‌های مختلف اشاره دارد.

جدول ۱۱. تحلیل واریانس یک‌طرفه برای سابقه کار

| متغیرهای وابسته | میانگین   | میانگین | میانگین | میانگین     | F     | اتا مربع |
|-----------------|-----------|---------|---------|-------------|-------|----------|
|                 | کمتر از ۱ | ۱ تا ۵  | ۶ تا ۱۰ | ۱۱ تا بیشتر |       |          |
| افراد           | ۶۰/۰۶     | ۶۰/۹۱   | ۵۷/۸۷   | ۵۴/۱۱       | ۶۱/۵۴ | ۳/۰۷۵*   |
| ماهیت           | ۶۶/۱۹     | ۶۸/۰۷   | ۶۷/۴۸   | ۶۸/۲۴       | ۶۸/۰۵ | ۰/۴۷۸    |
| درآمد           | ۲۰/۹۶     | ۲۰/۴۹   | ۱۸/۵۹   | ۱۸/۶۷       | ۲۴/۰۸ | ۵/۱۱۸*   |
| ارتقا           | ۳۱/۳۷     | ۲۸/۵۶   | ۲۵/۰۷   | ۲۶/۲۷       | ۲۶/۲۳ | ۸/۲۸۸*** |
| نظارت           | ۷۱/۵      | ۶۶/۴۵   | ۶۵      | ۶۲/۰۶       | ۵۹/۸۶ | ۲/۴۳۶    |

|        |        |        |        |        |       |       |       |
|--------|--------|--------|--------|--------|-------|-------|-------|
| شاخص   | ۲۴۹/۷۵ | ۲۴۳/۵۶ | ۲۳۱/۴۶ | ۲۳۱/۶۷ | ۲۳۱/۲ | ۱/۷۱۳ | ۰/۰۴۹ |
| توصیفی |        |        |        |        |       |       |       |
| شغل    |        |        |        |        |       |       |       |
| شاخص   | ۶۸/۱۲  | ۶۹/۰۳  | ۶۷/۳۴  | ۶۶/۹   | ۷۰/۷۵ | ۱۰/۰۹ | ۰/۰۱۳ |
| عمومی  |        |        |        |        |       |       |       |
| شغل    |        |        |        |        |       |       |       |

\*\*\* مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۰۱      \* مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵

پنج تست در جدول ۱۱ معنادار نبودند (مقدار احتمال بیشتر از ۰/۰۵)؛ پس سابقه کار تفاوتی در رضایت درونی، ماهیت و نظارت ایجاد نکرد. با اینکه تست برای متغیر افراد از لحاظ آماری معنادار بود، اتای مربع کوچک به معنای نبود معناداری در عمل بود.

#### جدول ۱۲. تست گیمز-هاول برای درآمد و تست توکی برای ارتقا

| تفاضل میانگین ها برای<br>درآمد | تفاضل میانگین ها برای<br>ارتقا |
|--------------------------------|--------------------------------|
| کمتر از ۱                      | ۵ تا ۱                         |
| ۶ تا ۱۰                        | ۰/۴۹۶                          |
| ۱۱ تا ۱۵                       | ۲/۳۷۱                          |
| بیشتر از ۱۵                    | ۲/۲۹۵                          |
| بیشتر از ۱۵                    | ۳/۱۲                           |
| ۱ تا ۵                         | ۵/۱۳۸                          |
| ۶ تا ۱۰                        | ۲/۸۰۵                          |
| ۱۱ تا ۱۵                       | ۰/۴۹۶                          |
| بیشتر از ۱۵                    | ۱/۹۰۳                          |
| ۶ تا ۱۰                        | ۳/۴۹۱                          |
| ۱۱ تا ۱۵                       | ۲/۲۹۸                          |
| بیشتر از ۱۵                    | ۱/۸۲۶                          |
| ۶ تا ۱۰                        | ۲/۳۳۲                          |
| ۱ تا ۵                         | ۳/۵۸۹                          |
| ۱۱ تا ۱۵                       | ۶/۲۹۶                          |
| بیشتر از ۱۵                    | ۲/۳۷۱                          |
| ۶ تا ۱۰                        | ۳/۴۹۱                          |
| ۱ تا ۵                         | ۱/۹۰۳                          |
| ۱۱ تا ۱۵                       | ۱/۱۹۳                          |
| بیشتر از ۱۵                    | ۰/۰۷۷                          |
|                                | ۱/۱۵۸                          |
|                                | ۵/۴۹۲                          |

| پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه                                                                     |         | دوره هفتم، شماره دوم |     |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------|---------|----------------------|-----|
| کمتر از ۱                                                                                         | -۲/۲۹۵  | -۵/۱۰۴               | **  |
| ۱ تا ۵                                                                                            | -۱/۸۲۶  | -۲/۲۹۸               |     |
| ۶ تا ۱۰                                                                                           | ۰/۰۷۷   | ۱/۱۹۳                |     |
| بیشتر از ۱۵                                                                                       | *-۵/۴۱۵ | ۰/۰۳۴                |     |
| کمتر از ۱                                                                                         | ۳/۱۲    | -۵/۱۳۸               | *** |
| ۱ تا ۵                                                                                            | ۳/۵۸۹   | -۲/۳۳۲               |     |
| ۶ تا ۱۰                                                                                           | *۵/۴۹۲  | ۱/۱۵۸                |     |
| ۱۱ تا ۱۵                                                                                          | *۵/۴۱۵  | -۰/۰۳۴               |     |
| * مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۵      ** مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۱      *** مقدار احتمال کمتر از ۰/۰۰۱ |         |                      |     |

جدول ۱۱ اثبات کرد که سابقه کار، همراه با اندازه اثر متوسط، بر میزان رضایت از درآمد اثر معناداری گذاشت. نظر به اینکه تست لوین معنادار بود (یعنی زیرگروه‌ها واریانس برابر نداشتند)، تست گیمز-هاول به عنوان مناسب‌ترین آزمون تعقیبی انتخاب شد. جدول ۱۲ نشان می‌دهد که اشخاص با بالای ۱۵ سال تجربه، از درآمد خود راضی‌تر مترجمان با ۶ تا ۱۵ سال تجربه بودند. البته اشخاص مذکور، از مترجمان با ۵ سال سابقه کار یا کمتر هم راضی‌تر بودند؛ اما تحلیل واریانس نتوانست ثابت کند که این تفاوت رضایت شانس نباشد.

همچنین طبق جدول ۱۱، تحلیل واریانس برای ارتقا، معنادار و همراه با اتای مربع چشمگیر بود. همان‌طور که تست لوین معنادار نبود، انتخاب تست تعقیبی توکی معقول بود. جدول ۱۲ ارائه می‌دهد که گروه اول، از همه گروه‌ها نسبت به فرصت‌های ارتقا راضی‌تر بودند. گروه دوم هم از گروه سوم راضی‌تر بودند؛ اما به صورت معنادار از گروه‌های دیگر راضی‌تر نبودند.

## ۵. بحث و بررسی

مترجمان ایرانی شرکت‌کننده در این پژوهش، رضایت کوتاه‌مدت و بلندمدت از حرفه ترجمه را تجربه کرده‌اند. به همین ترتیب، در مطالعات خارجی که طی آن پژوهشگران به طور مستقیم از پاسخ‌دهندگان درباره وجود رضایت از شغل ترجمه سؤال کرده‌اند، اغلب مترجمان دیدگاه مثبتی ابراز داشته‌اند (Atkinson, 2012; Courtney & Phelan, 2019; Dam & Zethsen, 2019).

2016; Hubscher-Davidson, 2018; Katan, 2011; Leminen & Hokkanen, 2024; Monzó-Nebot & Álvarez-Álvarez, 2024; Setton & Liangliang, 2009; Virtanen, 2019). علاوه بر این، در پژوهش‌های دیگر که سطح رضایت شغلی مترجمان ارزیابی شده است، میزان رضایت آنان عمدتاً بالاتر از مقدار متوسط گزارش شده است (Korpälä, 2021; Lee, 2017; Liu, 2024; Moorkens, 2020; Piecychna, 2019; Rodríguez-Castro, 2011).

سپس، تعامل با افراد در خلال کار و همچنین شیوه نظارت موجب رضایت پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه حاضر شده است. به همین ترتیب، شرکت‌کنندگان رودریگز-کسترو (۲۰۱۱)، به دلیل همکاری گروهی مؤثر، از روابط با مافوقان و همکاران خشنود بودند. همچنین، مترجمان شفاهی در مقاله لی<sup>۱</sup> (۲۰۱۷)، به سبب محیط کاری دلپذیر، نبود تبعیض جنسیتی، و رفتار محترمانه، از کار کردن با مافوقان، همکاران و مشتریان خود رضایت داشتند. در مقطع سوم، انجام ترجمه برای مترجمان ایرانی لذت‌بخش بوده است. مترجمان خارجی بنا بر دلایل گوناگون از فعالیت ترجمه لذت می‌بردند؛ از جمله علاقه به فعالیت ترجمه (Sakamoto et al., 2024)، ارزش هنری ترجمه و دستاورد خلق متنی نو (کورتنی و فلان، ۲۰۱۹)، احساس افتخار درباره حوزه ترجمه (Moorkens, 2020)، ماهیت جذاب، هیجان‌انگیز و چالش‌برانگیز ترجمه (Dam & Zethsen, 2016)، و تطابق این فعالیت با حوزه تخصصی آنان (Rodríguez-Castro, 2011). چهارم، شرکت‌کنندگان این پژوهش فارسی میزان رضایت اندکی از درآمد خود ابراز کردند. با وجود چالش‌های بسیار شغل ترجمه، مترجمان در برخی مقالات خارجی به اندازه کافی از درآمد خود رضایت داشتند (Bednárová-Gibová & Madoš, 2019; Dam & Zethsen, 2016; Rodríguez-Castro, 2011). در مقابل، برخی مترجمان در مقالات دیگر، به دلایلی چون پایین بودن نرخ ترجمه (Piecychna, 2019; Lambert & Walker, 2022)، مقایسه هزینه مترجمان با ترجمه ماشینی از سوی مشتریان (Lambert & Walker, 2022)، و نرخ ناچیز ترجمه شفاهی نسبت به سطح تخصص مترجمان شفاهی (Lee, 2017)، نارضایتی خود را از

<sup>1</sup> Lee

میزان درآمدشان ابراز داشتند. نکته مهم آخر آن است که در مطالعات پیشین درباره رضایت شغلی مترجمان، موضوع رضایت از فرصت‌های ارتقا شغلی مورد بررسی قرار نگرفته است. در مجموع، با اینکه مترجمان ایرانی از درآمد خود راضی نبودند، رضایت کلی از حرفه ترجمه داشتند. این ترکیب رضایت و نارضایتی در ابتدا متناقض به نظر می‌رسد؛ اما هرزبرگ<sup>۱</sup> دلیل هم‌زیستی این احساسات در ظاهر ضدونقیض را توضیح داده است: رضایت و نارضایتی متضاد نیستند و وجود نارضایتی لزوماً به معنای فقدان رضایت نیست (Herzberg, 1986)؛ در نتیجه، فقط به این دلیل که مترجمان از یک وجه حرفه ترجمه ابراز نارضایتی داشتند، به این معنا نیست که اصلاً از شغل ترجمه رضایت ندارند.

#### ۶. نتیجه‌گیری

هدف ابتدایی این مقاله، توصیف خصوصیات مترجمان ایرانی (حداقل بخشی از این جمعیت) بود: بیشتر شرکت‌کنندگان خانم بودند؛ به اضافه، اغلب مترجمان انگلیسی زبان در رشته مترجمی تحصیل کرده‌اند و در بازه سنی ۲۲ تا ۴۴ سال قرار داشتند. هدف دوم، سنجش میزان رضایت شغلی پاسخ‌دهندگان بود: آن‌ها از همکاران، مشتری‌ها و مافوقان خود راضی بودند؛ از انجام ترجمه لذت می‌بردند، رضایت کوتاه‌مدت و بلندمدت از ترجمه داشتند و از فرصت‌های ارتقا در این شغل راضی بودند؛ اما، تنها جنبه‌ای که مترجمان از آن رضایت نداشتند، درآمد بود. هدف سوم، مقایسه میانگین‌ها بود. به علت عدم معناداری بیشتر آزمون‌ها، داشتن هر جنسیت، سن، مدرک، رشته تحصیلی، سابقه کار یا زبان خاصی، تأثیر قابل توجهی بر میزان رضایت مترجمان از اکثر جنبه‌های مربوط به رضایت شغلی نگذاشت. علی‌رغم نتایج مذکور، چند تست هم معناداری آماری و هم معناداری عملی داشتند. مخاطبان خیلی جوان تا سن ۲۴ سال، از فرصت‌های ارتقا درباره مترجمان مسن‌تر راضی‌تر بودند. در طرف دیگر، شرکت‌کنندگان بسیار باتجربه، نسبت به مترجمان با میزان متوسط تجربه، از درآمد خود راضی‌تر بودند. در انتها، پاسخ‌دهندگان کم‌تجربه‌تر درباره باتجربه‌ها از فرصت‌های ارتقا در شغل خود راضی‌تر بودند. محققان این مقاله با چندین محدودیت مواجه شدند: نخست، به دلیل فقدان پایگاه داده‌ای جامع برای ثبت اسامی مترجمان ایرانی، امکان نمونه‌گیری تصادفی وجود نداشت. دوم، نبود

<sup>1</sup> Herzberg

پژوهش‌های پیشین درباره رضایت شغلی مترجمان در بافت ایران چالشی اساسی ایجاد کرد؛ زیرا هیچ مطالعه مشابهی در دسترس نبود که محققان بتوانند از آن بهره بگیرند یا نتایج تحقیق خود را با یافته‌های آن مقایسه کنند. باوجود محدودیت‌ها، این پژوهش می‌تواند برای مترجمان، کارفرمایان و مدرسان ترجمه اهمیت داشته باشد. اگر دلایل رضایت یا ناراضایتی مترجمان مشخص باشد، خود مترجمان یا کارفرمایان می‌توانند شرایط را بهبود ببخشند. همچنین، موفقیت تحصیلی دانشجویان تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل گوناگون قرار دارد (بوغیری و گشمردی، ۱۴۰۱)؛ در این میان، نگرش مترجمان حرفه‌ای می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای کیفیت آموزش ترجمه ایفا کند (فتح‌اللهی و هاشمی، ۱۴۰۲). این اطلاعات می‌تواند مبنایی نوین برای مدرسان ترجمه فراهم کند تا دانشجویان را به‌خوبی برای ورود به بازار ترجمه آماده کنند.

در پایان، محققان دیگر می‌توانند مسیر این مقاله را ادامه دهند: آن‌ها می‌توانند از آزمون‌های مقایسه میانگین یا مقایسه میانه سود ببرند تا بررسی کنند که آیا گروه‌های مختلف واقعاً در میزان رضایت شغلی تفاوت دارند. همچنین، محققان می‌توانند رابطه بین رضایت شغلی و هوش هیجانی، انگیزه و دیگر عوامل درونی را ارزیابی کنند. به‌شيوه بعد، محققان می‌توانند دیگر سرچشمه‌های رضایت یا ناراضایتی را شناسایی کنند.

### کتابنامه

- بهروزی، ن.، نعمی، ع.، شکرکن، ح.، و تقی‌پور، م. (۱۳۸۷). مقایسه عدالت سازمانی، خشنودی شغلی و سلامت روانی کارکنان معلول و غیرمعلول سازمان های دولتی شهر اهواز. علوم تربیتی و روانشناسی، ۳(۱)، ۱۳۷-۱۵۲.
- بوغیری، س.، و گشمردی، م. ر. (۱۴۰۱). بررسی جذب اجتماعی در فضای دانشگاهی به عنوان عاملی موثر بر تاب‌آوری و موفقیت تحصیلی دانشجویان زبان فرانسه در ایران. پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، ۵(۱). <https://doi.org/10.22067/rltf.2023.81582.1078>

دلخمش، م. (۱۳۹۳). شاخص توصیف‌کننده شغل: پرسشنامه، روش اجرا و نمره‌گذاری (نسخه فارسی). *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۱۱(۴۲)، ۲۱۹-۲۲۳.

رضایی، ک.، سودانی، م.، و عطاری، ی. (۱۳۹۲). اثربخشی نظریه یادگیری اجتماعی کرامبولتز بر افزایش رضایت از سرپرستی و همکاران معلمان زن. *اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۹(۴)، ۱۴۷-۱۶۴.

علیزاده‌اقدام، عباس‌زاده، و اصل، ح. پ. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و رضایت شغلی کارکنان گمرکات استان آذربایجان غربی. *مطالعات جامعه‌شناسی*، ۲(۲)، ۹۹-۱۱۶.

فتح‌اللهی، م.، و هاشمی، م. ر. (۱۴۰۲). توانش ترجمه ادبی از دیدگاه مترجمان ادبی: واکاوی مضمونی چهل مصاحبه از فصلنامه مترجم. *پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه*، ۶(۱).

<https://doi.org/10.22067/rltf.2024.85255.1096>

- Aruldoss, A., Kowalski, K. B., & Parayitam, S. (2021). The relationship between quality of work life and work-life-balance mediating role of job stress, job satisfaction and job commitment: evidence from India. *Journal of Advances in Management Research*, 18(1), 36-62.
- Atkinson, D. (2012). *Freelance translator success and psychological skill: A study of translator competence with perspectives from work psychology* [ResearchSpace@ Auckland].
- Aziri, B. (2011). Job satisfaction: A literature review. *Management research & practice*, 3(4).
- Bassnett, S. (2011). *Reflections on translation*. Multilingual Matters.
- Bednárová-Gibová, K., & Madoš, B. (2019). Investigating translators' work-related happiness: Slovak Sworn and institutional translators as a case in point. *Meta: journal des traducteurs/Meta: Translators' Journal*, 64(1), 215-241. <https://doi.org/10.7202/1065335ar>
- Belias, D., & Koustelios, A. (2014). Job satisfaction and job burnout among Greek bank employees. *International Journal of Management*, 5(1), 33-45.
- Çoban, F. (2019). The Relationship between Professional Translators's Emotional Intelligence and their Translator Satisfaction. *International Journal of Comparative Literature and Translation Studies*, 7(3), 50-64.
- Cohen, J. (1992). Statistical power analysis. *Current directions in psychological science*, 1(3), 98-101.

- Cohen, J. (2013). *Statistical power analysis for the behavioral sciences*. routledge.
- Courtney, J., & Phelan, M. (2019). Translators' experiences of occupational stress and job satisfaction. *Translation & Interpreting: The International Journal of Translation and Interpreting Research*, 11(1), 100-113.
- Dam, H. V., & Zethsen, K. K. (2016). "I think it is a wonderful job": On the solidity of the translation profession. *JOURNAL OF SPECIALISED TRANSLATION*(25), 174-187.
- Faizi, N., & Alvi, Y. (2023). *Biostatistics manual for Health Research: A practical guide to data analysis*. Elsevier.
- Field, A. (2024). *Discovering statistics using IBM SPSS statistics (6th ed.)*. Sage publications limited.
- Gregson, T. (1990). Measuring job satisfaction with a multiple-choice format of the job descriptive index. *Psychological Reports*, 66(3), 787-793. <https://doi.org/10.2466/pr0.1990.66.3.787>
- Herzberg, F. (1986). One more time: How do you motivate employees. *New York: The Leader Manager*, 433-448.
- Hubscher-Davidson, S. (2016). Trait emotional intelligence and translation: A study of professional translators. *Target*, 28(1), 132-157.
- Hubscher-Davidson, S. (2018). Do translations professionals need to tolerate ambiguity to be successful? *Innovation and Expansion in Translation Process Research, Amsterdam t Filadelfia, John Benjamins*, 77-103.
- Kafi, M., Khoshsaligheh, M., & Hashemi, M. R. (2018). Translation profession in Iran: current challenges and future prospects. *The translator*, 24(1), 89-103.
- Katan, D. (2009). Translation theory and professional practice: A global survey of the great divide. *Hermes - Journal of Language and Communication Studies*(42), 111-153.
- Kinicki, A. J., McKee-Ryan, F. M., Schriesheim, C. A., & Carson, K. P. (2002). Assessing the construct validity of the job descriptive index: a review and meta-analysis. *Journal of applied Psychology*, 87(1), 14.
- Kinnunen, T., & Koskinen, K. (2010). Translators' agency in production networks. In T. Kinnunen & K. Koskinen (Eds.), *Translators' agency* (pp. 11-46). Tampere University Press.
- Korpal, P. (2021). Stress experienced by Polish sworn translators and interpreters. *Perspectives*, 29(4), 554-571. <https://doi.org/10.1080/0907676X.2021.1889004>
- Lambert, J., & Walker, C. (2022). Because We're Worth It: Disentangling freelance translation, status, and rate-setting in the United Kingdom. *Translation Spaces*, 11(2), 277-302. <https://doi.org/10.1075/ts.21030.lam>

- Lee, J. (2017). Professional interpreters' job satisfaction and relevant factors: A case study of trained interpreters in South Korea. *Translation and Interpreting Studies*, 12(3), 427-448.
- Leminen, A.-K., & Hokkanen, S. (2024). Exploring ethical dilemmas encountered by public service interpreters and their effect on job satisfaction. *Translation Spaces*, 13(1), 149-169.
- Liu, F. M. C. (2024). Scrutinizing job satisfaction during COVID-19 through Facebook: Voices of Chinese translators. *Translation Spaces*, 13(1), 102-125.
- Locke, E. A. (1969). What is job satisfaction? *Organizational behavior and human performance*, 4(4), 309-336.
- Lopes, S., Chambel, M. J., Castanheira, F., & Oliveira-Cruz, F. (2015). Measuring job satisfaction in Portuguese military sergeants and officers: Validation of the job descriptive index and the job in general scale. *Military Psychology*, 27(1), 52-63. <https://doi.org/10.1037/mil0000060>
- Lunenburg, F. C., & Irby, B. J. (2008). *Writing a successful thesis or dissertation: Tips and strategies for students in the social and behavioral sciences*. Corwin press.
- Mamesa, C. N. Y. (2012). *The comparison of job satisfaction between employee who works at front of the house and back of the house area based on job descriptive index* [President University].
- McIntyre, S. E., & McIntyre, T. M. (2010). Measuring Job Satisfaction in Portuguese Health Professionals: Correlates and validation of the job descriptive index and the job in general scale. *International Journal of Selection and Assessment*, 18(4), 425-431.
- Mohammadi Dehcheshmeh, M. (2017). *Machine Translation and Translation Memory Systems: An Ethnographic Study of Translators' Satisfaction* [Université d'Ottawa/University of Ottawa].
- Monzó-Nebot, E., & Álvarez-Álvarez, C. R. (2024). Healthcare interpreters X, Y, Z: Exploring generational differences in interpreters' values and job satisfaction using self-determination theory. *Translation Spaces*, 13(1), 126-148.
- Moorkens, J. (2020). Comparative satisfaction among freelance and directly-employed Irish-language translators. *Translation and Interpreting*, 12(1), 55-73. <https://doi.org/10.12807/ti.112201.2020.a04>
- Mousavi, S. H., Yarmohammadi, S., Nosrat, A. B., & Tarasi, Z. (2012). The relationship between emotional intelligence and job satisfaction of physical education teachers. *Annals of Biological Research*, 3(2), 780-788.

- Nadinloyi, K. B., Sadeghi, H., & Hajloo, N. (2013). Relationship between job satisfaction and employees mental health. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 84, 293-297.
- Nunnally, J., & Bernstein, I. (1994). The assessment of reliability. *Psychometric Theory*, 3 (1), 248-292. In.
- Patten, M. L. (2016). *Understanding research methods: An overview of the essentials*. Routledge.
- Phanthaphoommee, N., & Thumvichit, A. (2024). Unraveling the multifaceted nature of job satisfaction among migrant healthcare interpreters/translators: AQ methodology study. *Translation Spaces*, 13(1), 78-101.
- Pieczychna, B. (2019). Polish sworn translators' attitudes towards the job they perform—results obtained from a job satisfaction survey. *Studies in Logic, Grammar and Rhetoric*, 58(1), 125-154.
- Pitaloka, E., & Sofia, I. P. (2014). The affect of work environment, job satisfaction, organization commitment on OCB of internal auditors. *International Journal of Business, Economics and Law*, 5(2), 10-18.
- Pöchhacker, F. (2009). Conference interpreting: Surveying the profession. *Translation and Interpreting Studies. The Journal of the American Translation and Interpreting Studies Association*, 4(2), 172-186.
- Raziq, A., & Maulabakhsh, R. (2015). Impact of working environment on job satisfaction. *Procedia economics and finance*, 23, 717-725. [https://doi.org/10.1016/S2212-5671\(15\)00524-9](https://doi.org/10.1016/S2212-5671(15)00524-9)
- Rodríguez-Castro, M. (2011). *Elements of Task, Job, and Professional Satisfaction in The Language Industry: An Empirical Model* Kent State University]. Kent State.
- Rodríguez-Castro, M. (2015). Conceptual construct and empirical validation of a multifaceted instrument for translator satisfaction. *Translation and Interpreting*, 7(2), 30-50. <https://doi.org/10.12807/ti.107202.2015.a03>
- Sakamoto, A., Van Laar, D., Moorkens, J., & Carmo, F. d. (2024). Measuring translators' quality of working life and their career motivation: Conceptual and methodological aspects. *Translation Spaces*, 13(1), 54-77.
- Saldanha, G., & O'Brien, S. (2014). *Research methodologies in translation studies*. Routledge.
- Şchiopu, A. F. (2015). Workplace Emotions and Job Satisfaction. *International Journal of Economic Practices & Theories*, 5(3).
- Stratton, S. J. (2023). Population Sampling: Probability and Non-Probability Techniques. *Prehospital and Disaster Medicine*, 38(2), 147-148. <https://doi.org/10.1017/S1049023X23000304>

- Super, D. E., & Jordaan, J. P. (1973). Career development theory. *British Journal of Guidance and Counselling*, 1(1), 3-16.
- Tasios, T., & Giannouli, V. (2017). Job descriptive index (JDI): Reliability and validity study in Greece. *Archives of Assessment Psychology*, 7(1), 61-91.
- Utami, P. P., & Harini, H. (2019). The effect of job satisfaction and absenteeism on teacher work productivity. *Multicultural Education*, 5(1), 99-108.
- Virtanen, T. (2019). *What makes a government translator tick?: Examining the Finnish government English translators' perceptions of translator status, job satisfaction and the underlying factors* University of Helsinki]. Helsinki.
- Wallis, J. (2006). *Interactive translation vs pre-translation in the context of translation memory systems: Investigating the effects of translation method on productivity, quality and translator satisfaction* University of Ottawa (Canada)]. Canada.
- Westover, J. H., Westover, A. R., & Westover, L. A. (2010). Enhancing long-term worker productivity and performance: The connection of key work domains to job satisfaction and organizational commitment. *International Journal of Productivity and Performance Management*, 59(4), 372-387.



Université Ferdowsi de Mashhad

## Recherches en Langue et Traduction françaises

Revue semestrielle du département de français

Vol. 7, N° 2, Automne/ Hiver 2024

- **Critique des traductions contemporaines des œuvres de Jules Verne à partir de l'analyse distributionnelle de Harris**  
Farnaz Sassani, Sedigheh Sherkat Moghadam, Sepideh Navabzadeh Shafiei, Mohammad Hossein Fathyan
- **Analyse Comparative de la Recherche d'Identité dans *Stupeur et Tremblements* et *La Mauvaise Leçon de Diable* et *La Tyrannie Exercée À Un Peuple* selon la Gynocritique d'Elaine Showalter**  
Tahereh Jafari Hesselrou, Seyed Heidar Jafari Hesselrou, Hamid Reza Saeili
- **Étude de la formation de la mémoire dans *Un homme qui dort* de Georges Perec du point de vue d'Henri Bergson**  
Vahid Nejad Mohammad
- **Identification des implications de l'écologie de l'attention pour la conception d'environnements d'apprentissage virtuel**  
Hassan Zokhtareh
- **Lecture intertextuelle des *Maktoobat-e Kamal-al-Dawleh* d'Akhundzadeh (Lettres de Kamal al-Dawla) et des *Lettres persanes* de Montesquieu**  
Akbar ShayanSeresht, Zahra Khosravi Zargaz, Ebrahim Mohammadi, Abbas Vaezzadeh
- **Une Exploration Descriptive des Attitudes des Traducteurs Iraniens envers Différentes Facettes de la Satisfaction au Travail**  
Fateme Badi-ozaman, Masood Khoshsaligheh, Abbas Firoozabadi

ISSN: 2322-1569